

زاد

تاریخ

مقالات

تأمل

بہمن ماہ ہزار و سیصد و نود و نہ ، جمادی الثانی ۱۴۴۲ ہجری قمری ، کتاب ماہ







- ۱۰ وقایع ماه جمادی الثانی
۲۰ خلاصه‌ای از زندگی نامه حضرت زهرا(س)

- ۱۱۲ تسبیح زهرا(س) هدیه آسمانی
صفات همسران در خانواده
فاطمه زهرا(س) و امیرمؤمنان(ع)
۱۱۹
۱۳۷ حضرت زهرا(س) در اندیشه امام(ع)
۱۵۰ بیانات رهبر انقلاب درباره حضرت زهرا(س)
۱۵۴ حدیث لوح فاطمه(س)
و نکته‌هایی در شرح آن

- ۳۲ فاطمه زهرا(س) و قرآن
۴۳ سیمای فاطمه(س) در روز قیامت
۵۳ موقوفات فاطمه(س)
۶۰ فاطمه زهرا(س) الگوی رفتارهای خانوادگی
۶۷ حضرت زهرا(س) و روایت حدیث
آموزه‌های اخلاقی خانواده
در مکتب تربیتی فاطمه(س)
۷۷
شبیعه و دفاع از حریم آن
در خطبه‌های حضرت زهرا(س)
۸۶



- ۱۶۷ پرسش و پاسخ

خواننده محترم؛ لطفاً به محض دریافت کتاب ماه زاد نام و نام خانوادگی، شهرستان و استان محل حضور خود و نام واحدی از هلال احمر را که در آن اقامه نماز می‌نمایید به شماره ۰۲۱۸۵۶۳۲۴۰۰ ارسال فرمایید.

لطفاً برای بیان نقطه نظرات خود درباره زاد با شماره ۰۲۱۸۵۶۳۲۴۰۰ تماس بگیرید.
زاد از مطالب تبلیغی در حوزه دین و فرهنگ استقبال می‌کند.

کتاب ماه
بهمن ماه هزار و سیصد و نود و نه
جمادی الثانی ۱۴۴۲ هجری قمری



مصیبت - با توجه به این که در صبر مانند کوه بلندی بود که طوفان ها او را حرکت نمی داد و هیچ چیزی او را درهم نمی شکست سیل از او جاری شده و پرنده ای به او نمی رسید - از عجیب ترین عجایب است. و اگر فضیلت فاطمه (س) در بالاترین درجه ای نبود که جزع نمودن برای او کار نیکویی بود به هیچ وجه این جزع فراوان از امیرالمؤمنین (ع) دیده نمی شد.

به هر صورت شیعیان در اظهار حزن و اندوه و اقامه مجالس سوگواری در روز وفات آن حضرت و ذکر مصیبت های او باید امیرالمؤمنین (ع) را سرمشق خود قرار دهند. زیرا او محبوب و یگانه پدرش بود و طوری با او رفتار می کرد که با هیچ کس چنین رفتاری را نداشت. و شیعیان و مخالفین آنان فرمایش حضرت رسول (ص) درباره او را روایت نموده اند که فرمود: «فاطمه پاره تن من است. کسی که او را اذیت نماید مرا اذیت کرده است.» و فاطمه (س) بعد از اعتراف گرفتن از خلیفه اول و دوم به این که آن ها این حدیث را از پیامبر (ص) شنیده اند، به این حدیث بر علیه آن دو استدلال نمود. و در حالیکه دست هایش را بلند کرده بود به خداوند عرضه داشت: خداوند! شاهد باش که این دو مرا اذیت کردند و به علی (ع) سفارش نمود که خاک سپاری و قبر او را از این دو پنهان کند. این اعمال و همچنین سفارش او، جهاد در راه خدا و یاری دین حق و بهترین دلیل برای اثبات مذهب شیعه و باطل نمودن مذهب عامه است. زیرا مخفی نگهداشتن دفن و قبر او مطلب سؤال انگیزی است که وقتی از علت آن سؤال شده و معلوم شود به خاطر وصیت او مخفی نگهداشته شده است، مانند آفتاب در وسط آسمان معلوم می شود که او در حالی از دنیا رفت که بر این دو خشمگین بوده و مولی و پدر خود را در حالی دیدار نمود که از دست این دو شاکه بود. و این مطلب برای این دو رسوایی بزرگی است که بالاتر از آن تصور نمی شود؛ بخصوص با ملاحظه آیات شریفه قرآن که می فرماید: «بگو از شما پاداشی نمی خواهم مگر دوستی نزدیکان من.» (۸) و تأکید این حکم با آیه «هر پاداشی که از شما بخواهم به نفع خود شماست.» و رسول خدا (ص) از دنیا رحلت کرد در حالی که در روی زمین کسی از فاطمه (س) به او نزدیکتر نبود. و هیچ عاقلی شک نمی کند، کسی که به رسول خدا (ص) در پاداش رسالت

مراقبات ماه جمادی الاخر

مرحوم آیت الحق میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

در روز سوم این ماه سرور بانوان جهان (س) وفات یافته اند بلکه صحیح این است که این روز روز شهادت آن حضرت (س) می باشد؛ که مظلوم و در حالی که حق او غصب شده بود از دنیا رفت. بنابراین لازم است که شیعیان وفادار این روز را از روزهای اندوه و مصیبت قرار دهند. زیرا این روز برای بستگان آن حضرت (س) دومین روز مصیبت بعد از رحلت رسول اکرم (ص) بود. و امیرالمؤمنین (ع) بعد از وفات رسول خدا (ص) هیچ روزی را مصیبت بارتتر و ناگوارتر از این روز ندید. از دست دادن او به اندازه ای برای امیرالمؤمنین (ع) سخت بود که بر او نوحه خوانده، گریه کرده و از جدایی او شکایت می نمود و می فرمود: «جان من در زندان آه اندوه بار من است. کاش جانم با آه ها خارج می گردید. بعد از تو خیری در زندگی نیست و گریه ام از ترس این است که زندگیم طولانی شود» و نیز می فرمود: «از دست دادن فاطمه بعد از احمد دلیل بر این است که هیچ دوستی جاویدان نمی ماند و چگونه زندگی گوارایت خواهد بود بعد از فقدان آنان به جانت سوگند، این چیزی است که اصلا امکان ندارد. انسان می خواهد دوستش نمیرد ولی این محال است.»

این مطلب ساده ای نیست که کسی مانند امیرالمؤمنین (ع) چنین سخنانی بگوید. عقل از درک این کلمات ناتوان بوده و این سخنان عظمت مقام زهرا (س) و فضل او را نزد خداوند می رساند. زیرا اندوه او در این

روز بیستم، میلاد حضرت زهرا(س)

این روز بنا بر روایت شیخ مفید (ره) روز میلاد فاطمه زهرا(س) می باشد. شیخ مفید فرموده است: «دو سال بعد از بعثت در روز بیستم این ماه حضرت زهرا (س) متولد شده است. سرور مؤمنین در آن تازه شده و روزه آن روز و خیرات و صدقات در آن مستحب می باشد.»

فضایل حضرت فاطمه(س)

مقدار بزرگداشت این روز به مقدار بزرگی صاحب آن بوده و فاطمه(س) در پیشگاه خداوند متعال و فرشتگان و دوستان او بسیار بزرگ است. در روایات صحیح آمده است که او سرور بانوان جهان و مریم(س) سرور بانوان زمان خود بود و به این ترتیب سروری او بر مریم راستگو(س) - که قرآن بزرگ صداقت او را گواهی می دهد - نیز ثابت می شود. بلکه عده ای از علمای بزرگ یقین به برتر بودن او از سایر پیامبران و رسولان دارند که خود فضیلت روشنی برای فاطمه(س) می باشد. از فضیلت های او که از روایات قطعی به دست می آید و فاطمه در میان زنان عالم مخصوص به آن فضیلت می باشد این است که مصحف بزرگ و گرانقدری داشت که جبرئیل بعد از رسول خدا(ص) آن را برای او آورده و امیرالمؤمنین(ع) آن را نوشت. این مصحف نزد فرزندان معصوم او بود و علم آنچه گذشت و آنچه خواهد آمد و آنچه موجود است در او بود؛ چنانچه از امام صادق(ع) روایت شده است. خلاصه اینکه درباره فضایل او شیعه و غیر شیعه روایاتی نقل نموده اند که چندین مجلد کتاب بزرگ را پر می کند و این مختصر گنجایش آن را ندارد. و اگر فضیلتی به جز شفاعت او از دوستدارانش نبود همین فضیلت در اثبات حق بزرگداشت او و تولدش به اندازه توان برای شیعه کافی بود. زیرا بعضی از حقوق ادانی می شود گرچه کاری که برای اداء حق انجام شود کامل و تمام باشد.

اعمال مهم این روز

از کارهای مهم در این روز زیارت او، صلوات بر او، و لعنت کردن ظالمین به آن حضرت (س) است. و سپس روز خود را مانند امثال این روز به پایان می رساند.

خیانت نماید شایسته نیست که بر مسند خلافت رسول خدا(ص) تکیه زند و کسی که ملاحظه رسول(ص) را در مورد نزدیکان آن حضرت ننماید چگونه در مورد غیر نزدیکان ملاحظه او را خواهد نمود. و کسی که به دختر او ظلم کند چگونه در میان امت او به عدالت رفتار خواهد کرد. این چیزی است که عالم و جاهل آن را می دانند بخصوص که آیه تطهیر به اتفاق شیعه و مفسرین برجسته اهل سنت و علمای آنان درباره حضرت زهرا(س) نازل شده است. بنابراین بعد از اینکه آیه صریح قرآن طهارت او را اعلام و دوستی او را واجب کرد، اگر کسی به او ظلم نماید و حق او را غصب کند نمی تواند اذیت و آزار خود را به طریق شرعی صحیحی توجیه نماید.

ای اهل عالم گریه کنید بر این جنایت بزرگ که نسبت به رسول بزرگوار و پیامبری که رحمت برای جهانیان بود و در حق پاره تن و دختر پاک او انجام دادند! حق او را غصب، مهریه او را گرفته و او را از ارث پدر محروم ساختند! به صورت او سیلی زدند و جنین او را در حالی که کفن های رسول خدا(ص) هنوز ترو تازه بود سقط کردند. و برای آتش زدن در خانه او آتش طلبیدند همان دری که مدتی طولانی ملانکه مقرب خدا پشت آن توقف می کردند تا به آن ها اذن دخول داده شود.

به هر صورت سزاوار است شیعه آن حضرت را در این روز بگونه ای زیارت نموده و بر او صلوات و درود فرستند که مایه رضایت پیامبر(ص) بوده، خدای فاطمه(س) آن را پسندیده و حق شیعه گری ادا شود.

شب نوزدهم

این شب ابتدای حامله شدن مادر پیامبر(ص) به آن حضرت می باشد. مراقب و اداکننده حقوق رسول خدا(ص)، حق بزرگداشت آن را از آنچه در میلاد پیامبر(ص) گفتیم، خواهد دانست. زیرا این شب کلید سعادت روز میلاد آن حضرت بلکه مقام اجمال آن می باشد؛ چنانچه میلاد او یکی از کلیدهای روز بعثت و مقامات آن می باشد. و بنده مراقب جمیع بهره های خود را از این مراقبت می برد و بخاطر کسالت هیچ خیری را از دست نمی دهد. زیرا انسان عاقل هیچ سعادتتی را که در دست باشد از دست نمی دهد.

تاریخ



آن حضرت، هجوم آوردند و در هر بار به طریقی نسبت به ساحت مقدس اهل بیت (علیهم السلام) جسارت نمودند. در یکی از دفعات در خانه حضرت فاطمه (س) را به آتش کشیدند و با این که می دانستند آن حضرت پشت در است، با لگد و فشار در را باز کردند و میخ در، سینه آن مخدره را آزد که در این بین جگر گوشه اش حضرت محسن (ع) به شهادت رسید.

آن گاه حضرت امیرمؤمنان علی (ع) را با سر و پای برهنه و دست بسته به طرف مسجد بردند تا از او بیعت بگیرند. حضرت فاطمه (س) پیش آمدند تا از بردن آن حضرت جلوگیری نمایند که مهاجمان با تازیانه و غلاف شمشیر آن بانوی بزرگوار را از امیرمؤمنان (ع) جدا نمودند. (۳)

پس از وقایع دردناکی که بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) به وقوع، پیوست حضرت صدیقه طاهره (س) با بدنی مجروح و دلی شکسته و محزون به کنار قبر شهدای احد می رفتند و برای مظلومیت و غربت جانشین به حق پیامبر (ص) و شوهرگرمی اش حضرت علی (ع) می گریستند، تا این که آهسته آهسته درد و جراحات آن حضرت بیش تر شد. از آن به بعد نزدیک مدینه زیر درختی می نشستند و گریه و ناله می کردند که منافقان آن درخت را هم بریدند. بعد از آن امیرمؤمنان (ع) در آن جا سایبان ساختند که مشهور به «بیت الاحزان» شد. (۴) روز به روز بر شدت بیماری آن بانو افزوده می شد. سینه و پهلوی شکسته و مجروح، شهادت جگر گوشه اش محسن و بالاتر از این ها غم مظلومیت امیرمؤمنان (ع)، کار را به جایی رسانید که آن حضرت در بستر بیماری افتادند و بالاخره نود و پنج روز بعد از رحلت پیامبرگرمی اسلام (ص) در حالی که هجده سال بیش تر نداشتند، به شهادت رسیدند.

خاک سپاری شبانه

روز شهادت حضرت فاطمه (س)، مدینه مثل روز رحلت پیامبر خدا (ص) شده بود. چشم کوچک و بزرگ از زن و مرد یک پارچه گریه و اشک بود؛ لیکن بدن مطهر آن حضرت را بنا بر وصیتشان شبانه غسل دادند و شبانه به دور از چشم همگان تشییع نمودند و به خاک سپردند. در مراسم تشییع آن مخدره از اصحاب جز سلمان، ابوذر و مقداد و عمار کسی حضور نداشت. امیرمؤمنان علی (ع) در بقیع چهل صورت قبر ساختند و بر آن ها مقداری

وقایع ماه جمادی الثانی

دوم جمادی الثانی

مرگ هارون الرشید

در دوم جمادی الثانی سال ۱۹۳ هـ.ق هارون الرشید، در روستای سناباد توس در ۴۴ سالگی به جهنم واصل شد. مدت خلافت او ۲۳ سال طول کشید که در این مدت اختناق و استبداد و خودکامگی وی سراسر ممالک اسلامی را فراگرفته بود و تعداد بسیاری از علویان در مدت حکومت وی به شهادت رسیدند. (۱) از بزرگ ترین جنایات های هارون، زندانی کردن هفتمین حجت خدا، حضرت امام کاظم (ع) بود که سال های متمادی آن حضرت را در زندان های تاریک بغداد حبس نمود و بالاخره آن حضرت را مسموم کرد و به شهادت رسانید.

سوم جمادی الثانی

شهادت حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (س)

بنا بر روایات مشهور در سوم جمادی الثانی سال ۱۱ هـ.ق یعنی ۹۵ روز بعد از رحلت جانگداز پیامبرگرمی اسلام (ص)، شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) واقع شد. (۲) بعد از رحلت رسول خدا (ص) سه بار به خانه دخترگرمی

آب ریختند. فردای آن روز منافقان قصد نبش قبرها را نمودند تا قاتلان آن حضرت بر بیکر مطهر دختر پیامبر(ص) نماز بخوانند! ولی حضرت علی(ع) به آن‌ها اجازه ندادند. (۵)

دهم جمادی الثانی

درگذشت مستنصر بالله عباسی

در روز دهم جمادی الثانی سال ۶۴۰ هـ.ق مستنصر بالله سی و ششمین خلیفه عباسی، درگذشت. وی هنگامی که به خلافت رسید بر خلاف شیوه پدران خویش بنای عدل و داد نهاد و به اهل علم بسیار احترام می‌گذاشت و نیز در بنای مساجد و تعمیر پل‌ها و راه‌ها نقش داشت. او در شهر بغداد در طرف شرقی رود دجله، مدرسه بی نظیری بنا کرد و چهار مدرس برای آن تعیین نمود تا به چهار مذهب درس گویند. هم چنین لشکر عظیمی در حدود صد هزار سواره برای جنگ با تاتارگرد آورد که توانست آن‌ها را نابود سازد. (۶)

سیزدهم جمادی الثانی

وفات حضرت ام البنین(س)

در سیزدهم جمادی الثانی سال ۶۴ هـ.ق حضرت ام البنین(س) همسر گرامی امیرمؤمنان علی(ع) و مادر بزرگوار حضرت قمر بنی هاشم(ع) رحلت فرمودند. (۷)

امیرمؤمنان علی(ع) پس از شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) به سفارش برادر خویش عقیل که به خاندان‌ها و انساب عرب به خوبی آشنا بود، با فاطمه کلایبه ازدواج کردند و از این بانوی بزرگوار چهار فرزند به نام‌های عباس، جعفر، عبدالله و عثمان به دنیا آمدند که جملگی در واقعه عاشورا به شهادت رسیدند.

حضرت ام البنین(س) پس از اطلاع از حادثه عاشورا همه روز به قبرستان بقیع می‌رفت و در رثای فرزندان آن چنان جان سوز مرثیه می‌خواند که مردم در اطراف او جمع می‌شدند و تحت تأثیر جملات او قرار می‌گرفتند. نقل شده است که مروان بن حکم با آن همه قساوت قلب، هنگامی که

اشعار و مرثیه‌های او را می‌شنید، می‌ایستاد و گریه می‌کرد. گریه و زاری آن حضرت مداوم بود تا بدرود حیات گفت و به سرای آخرت پیوست. (۸)

بیستم جمادی الثانی

ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا(س)

در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت، حضرت حورای انسیه، فاطمه زهرا(س)، مادر دوازده اختر تابناک امامت و ولایت در مکه مکرمه چشم به جهان گشود و هستی را به نور جمالش منور ساخت. (۹)

چنین نقل شده است که در شب معراج خداوند سببی به پیامبر گرامی‌اش هدیه داد که از بو و رنگ آن ملائکه تعجب کردند. خداوند امر فرمودند تا پیامبر(ص) آن را میل کنند. هنگامی که آن حضرت سیب را شکافت، نوری از آن درخشید. جبرئیل گفت: «بخور یا رسول الله، که این نور فاطمه، دختری است که از صلب تو خارج می‌شود». (۱۰)

جبرئیل در دهم شعبان سال چهارم بعثت به پیامبر(ص) ابلاغ کرد که تا چهل روز - به عنوان مقدمه حمل حضرت زهرا(س) - از خدیجه کبری(س) کنارگیری کند. از این رو آن حضرت تا چهل روز روزها را روزه می‌گرفتند و هر شب هنگام افطار به خانه فاطمه بنت اسد(س) می‌رفتند و با غذاهای بهشتی افطار می‌نمودند تا این که در شب چهلیم دستور رسید که به خانه خدیجه(س) برو که خداوند به ذات خود سوگند خورده که امشب از صلب تو ذریه پاک بیافریند، پس آن حضرت از جا برخاست و به خانه خدیجه(س) رفت. (۱۱)

دوران حمل

حضرت فاطمه(س) در دوران حمل از داخل شکم با مادر خویش صحبت می‌فرمودند و او را دل داری می‌دادند و به صبر و پایداری دعوت می‌فرمودند. رسول خدا(ص) به خدیجه فرمودند: «جبرئیل به من بشارت داد که این مولود دختر و وجودی پاک و با برکت است. خداوند متعال نسل مرا از او قرار می‌دهد و از نسل او امامانی در امت قرار خواهد داد که بعد از پایان یافتن وحی او، جانشینانش در روی زمین باشند». (۱۲)

عاشورا در کنار خواهرشان، حضرت زینب کبری (س) و دیگر بانوان به محافظت از کودکان و بازماندگان کاروان حسینی پرداختند. خطبه ایشان در کوفه و مجلس ابن زیاد و اشعار آنحضرت در قادسیه و قنسرین و مرثیه‌های آن مخدره در روز اربعین و بازگشت به مدینه، همگی بر عظمت و شجاعت آن مخدره دلالت دارد.

آن بانوی بزرگوار سرانجام بعد از چهار ماه از ورود به مدینه با دلی سراسر غم و اندوه در مصایب کربلا به ویژه شهادت سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) رحلت فرمودند و در مدینه به خاک سپرده شدند. (۱۴)

بیست و دوم جمادی الثانی

مرگ ابوبکر بن ابی قحافه

در روز بیست و دوم جمادی الثانی سال ۱۳ هـ ق ابوبکر بن ابی قحافه در ۶۷ سالگی مرد (۱۵). او نخستین کسی بود که بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) به انتخاب اعضای سقیفه ننگین بنی ساعده به خلافت رسید. این انتخاب به گونه ای بی حساب بود که عمر با آن که خود عنصر اصلی جریان سقیفه بود می‌گفت: «بیعت با ابوبکر امری بدون تدبیر، مشورت و دقت، همچون زمان جاهلیت بود که خداوند مسلمانان را از شر آن حفظ کرد! هر کس چنین کاری را تکرار کرد او را بکشید!» (۱۶)

مدت خلافت غصبی ابوبکر دو سال و چهار ماه به طور انجامید که در این مدت جنایات‌های بزرگی مرتکب شد که قلم از ذکر آن قاصر است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. غصب خلافت

۲. اذیت و آزار پاره تن پیامبر خدا (ص) حضرت فاطمه زهرا (س)

۳. غصب فدک

۴. ساختن حدیث جعلی «انا معاشر الانبیاء لا نورث ما ترکنا صدقه» و

نسبت دادن آن به پیامبر (ص)

۵. تخلف از لشکر اسامه و ناراحت کردن نبی گرامی اسلام (ص)

۶. آتش زدن احادیث پیامبر (ص)

در تاریخ چنین آمده است: هنگامی که آثار وضع حمل در خدیجه ظاهر شد، سراغ زنان قریش فرستاد، ولی کسی برای کمک او نیامد؛ چرا که آن‌ها به ازدواج خدیجه با پیامبر (ص) راضی نبودند. خدیجه از این برخورد آن‌ها غم‌ناک شد که در همین حال چهار زن بلند بالا و سراسر نور بر او وارد شدند و گفتند: «ای خدیجه! غمگین مباش که ما فرستادگان پروردگارت هستیم؛ ما خواهران توایم. من ساره هستم و این آسیه دختر مزاحم و هم‌نشین تو در بهشت و این مریم دختر عمران و این صفورا دختر شعیب است؛ خداوند ما را به نزد تو فرستاده تا تو را یاری نماییم».

فاطمه (س) به دنیا آمد!

حضرت خدیجه کبری (س) فاطمه زهرا (س) را پاک و پاکیزه بر زمین نهاد؛ در این هنگام نوری از وجودش درخشید که تمام خانه‌های مکه را روشن کرد و این نور در شرق و غرب درخشید. آن زنان که به یاری خدیجه (س) آمده بودند، مولود را با آب کوثر شست و شو دادند و در پارچه سفیدی که بوی مشک و عنبر از آن ساطع بود پیچیدند. هنگامی که فاطمه لب به سخن گشود، چنین فرمود: «اشهد ان لا اله الا الله و ان ابی رسول الله سید الانبیاء و ان بعلی سید الاوصیاء و ان ولدی سید الأسباط». آن‌گاه به یکایک آن زنان بهشتی با اسمشان سلام کرد. آنان بر چهره او تبسم کردند و در آسمان نوری درخشان پدید آمد که ملائکه تا آن روز چنان نوری را ندیده بودند؛ لذا نام آن حضرت را «زهرا» گذاشتند. (۱۳)

بیست و یکم جمادی الثانی

وفات حضرت ام کلثوم (س)

روز بیست و یکم جمادی الثانی سال ۶۱ هـ ق، یعنی چهار ماه پس از بازگشت کاروان حسینی از کربلا به مدینه، حضرت ام کلثوم دختر گرامی امیرمؤمنان علی (ع) رحلت فرمودند.

صاحب ریاحین الشریعه می‌نویسد: «امیرمؤمنان (ع) آن مخدره را به عون بن جعفر طیار تزویج نمود».

حضرت ام کلثوم (س) در واقعه جان سوز کربلا حضور داشتند و در روز

آن جا می آمدند و کرامات زیادی از ایشان مشاهده می نمودند. آن بزرگوار نامه هایی برای پدر بزرگوارشان به مدینه نوشتند و از حالات خود و شیعیان برای آن حضرت گزارش دادند.

بالاخره دو سال پس از شهادت امام باقر(ع)، جناب علی بن محمد به همراه عده ای از دوستان و موالیان و منسوبان آن حضرت مورد حمله مأموران حکومتی قرار گرفتند که همگی به شهادت رسیدند. (۲۱) هم اکنون بارگاه باشکوه جناب علی بن محمد در اردهال کاشان محل زیارت عاشقان و ارادتمندان خاندان رسالت و ولایت می باشد.

۲- شهادت امام هادی(ع)

بنابر روایتی در بیست و هفتم جمادی الثانی سال ۲۵۴ هـ ق امام هادی(ع) در ۴۲ سالگی به دستور معتز عباسی مسموم شدند و به شهادت رسیدند و در خانه خویش در سامرا به خاک سپرده شدند. (۲۲)

بیست و نهم جمادی الثانی

۱- هلاکت ولید بن یزید

روز بیست و نهم جمادی الثانی سال ۱۲۶ هـ ق ولید بن یزید - یکی دیگر از خلفای بنی عباس - در جریان جنگی که بین لشکریان او و سپاهیان یزید بن ولید صورت گرفت به صورت ناگوار به هلاکت رسید. (۲۳)

نیز نقل شده است که ولید مردی ملحد و معروف به فسق و فجور بود که حتی به ظواهر اسلام هم مقید نبود و پیوسته به شراب خوردن اشتغال داشت. در کتاب های تاریخ چنین آمده است که دستور می داد حوضی را مملو از شراب کنند تا هنگامی که وجد و سرور بر او غالب می شد، خودش را در آن حوض می افکند و تا حد امکان شراب می خورد. در کتاب های اهل تسنن چنین نقل شده است که یک شب مؤذن اذان صبح گفت؛ ولید برخاست و شراب خورد و با جاریه ای که هم مست بود نزدیکی کرد و قسم یاد نمود که باید آن جاریه با مردم نماز بخواند؛ پس لباس خودش را به وی پوشاند و آن جاریه مست را که جنب هم بود به مسجد فرستاد و او به عنوان

۷. دستور هجوم به خانه حضرت زهرا(س) در جریان سقیفه؛

۸. سکوت در برابر جنایت فجیع خالد بن ولید و... (۱۷)

چنین نقل شده است که ابوبکر قبل از مردن، عثمان را طلب کرد تا درباره خلافت وصیت نامه ای بنویسد تا پس از او خلافت از آن عمر بن خطاب باشد! ابوبکر کلمه ای گفت و بی هوش شد؛ بقیه را عثمان از پیش خودش نوشت که امر خلافت پس از ابوبکر با عمر بن خطاب است. هنگامی که ابوبکر به هوش آمد، عثمان را دعا کرد که آن چه او می خواسته نوشته است. (۱۸)

باید پرسید: چرا آن هنگام که پیامبر خدا(ص) در روزهای آخر عمرشان کاغذ و قلم خواستند تا بار دیگر وصی بعد از خود را معرفی نمایند، برخی نسبت هذیان به آن حضرت دادند و با ایجاد سرو صدا مانع از این کار شدند؟! چنین نقل شده است که ابوبکر هنگام مرگ، بر اشتباهات و جنایت هایش تأسف می خورد که از آن جمله بارها می گفت: «ای کاش خانه فاطمه را تفتیش نکرده بودم». (۱۹)

بیست و هفتم جمادی الثانی

۱- شهادت علی بن محمد باقر(علیهما السلام)

روز بیست و هفتم جمادی الثانی سال ۱۱۶ هـ ق، ابوالحسن علی بن محمد الباقر(علیهما السلام) در اردهال کاشان به شهادت رسید. (۲۰) چنین نقل شده است که عده ای از دوستان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام از اهالی کاشان نامه ای خدمت امام باقر(ع) نوشتند که چون ما از شما دور هستیم یکی از آقازادگان خود را برای راهنمایی و تربیت و تعلیم احکام به دیار ما بفرستید. امام باقر(ع) فرزند بزرگوار خویش، جناب علی بن محمد(علیهما السلام) را به جانب آن ها فرستادند.

هنگام ورود آن حضرت به کاشان استقبال بی نظیری از ایشان شد که نوشته اند در حدود شش هزار نفر از مردم برای استقبال از آن سلاله پاک خاندان پیامبر(ص) جمع شده بودند. آن جناب در مسجد کاشان مشغول به هدایت مردم شدند و شیعیان از شهرهای اطراف نیز برای دیدارش به

پی نوشت‌ها

۱. تتمه المنتهی: ص ۲۹۵.
 ۲. بیت الاحزان: ص ۲۶۱ - دلایل الامامه: ص ۴۵ - مستدرک سفینه البحار: ج ۲، ص ۸۵.
 ۳. بیت الاحزان: ص ۱۱۰.
 ۴. همان منبع.
 ۵. دلایل الامامه: ص ۱۳۶ - بحار الانوار: ج ۴۳، ص ۱۷۱.
 ۶. تتمه المنتهی: ص ۵۷۶.
 ۷. ام البنین (س) سیده النساء العرب، ص ۸۴.
 ۸. ریاحین الشریعه: ج ۳، ص ۲۹۴.
 ۹. وقایع الایام: ص ۲۹۰.
 ۱۰. معانی الأخبار: ص ۲۷۶ - بحار الانوار: ج ۴۲، ص ۱۸.
 ۱۱. العدد القویه: ص ۲۲۰ - بحار الانوار: ج ۱۶، ص ۷۸.
 ۱۲. بحار الانوار: ج ۱۶، ص ۷۸.
 ۱۳. العدد القویه: ص ۲۲۲ - بحار الانوار: ج ۱۶، ص ۸۰.
 ۱۴. ریاحین الشریعه: ج ۳، ص ۲۴۴ - ۲۵۶.
 ۱۵. تتمه المنتهی، ص ۲۴.
 ۱۶. سیره ابن هشام: ج ۴، ص ۳۰۸ - الغدیر: ج ۵، ص ۳۷۰.
 ۱۷. رک: «ابوبکر»، سید محمد حسن جواهری.
 ۱۸. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۶۵.
 ۱۹. تاریخ الامم والملوک: ج ۲، ص ۶۱۹ - کنز العمال: ج ۵، ص ۶۳ - میزان الاعتدال: ج ۲، ص ۲۱۵ - لسان المیزان: ج ۴، ص ۲۱۹.
 ۲۰. مرقا المعارف: ج ۲، ص ۷۹ - روضات الجنات: ج ۴، ص ۲۱۲.
 ۲۱. مرقا المعارف: ج ۲، ص ۸۰.
 ۲۲. وقایع الایام: ص ۲۹۸.
 ۲۳. وقایع الایام: ص ۳۰۰.
 ۲۴. تتمه المنتهی: ص ۱۶۴.
 ۲۵. مرقا المعارف: ج ۲، ص ۲۶۲.
 ۲۶. منتهی الآمال: باب دوازدهم، فصل ششم، ص ۱۱۷۱.
- منبع: (تاریخ نشر: ۱۳۸۴ ه. ش.)، روز شمار تاریخ اسلام، قم، مؤسسه جهانی سبطین (علیهما السلام)، نوبت چاپ: اول.

امام جماعت با مردم نماز خوانند!! شدت فسق و فجور او به حدی رسید که با محارم خود نیز نکاح می‌کرد و از این کار هیچ ابایی نداشت! (۲۴) آری! باید گفت که جنایت اهل سقیفه کار اسلام را به این جا رساند که چنین افراد فاسق و فاجری بر مسند خلافت مسلمانان تکیه زدند که سر تا پا فساد و ظلم بودند و خود آموزگار شیطان به شمار می‌رفتند.

۲- وفات حضرت سید محمد فرزند امام هادی (ع)

در بیست و نهم جمادی الثانی سال ۲۵۲ ه. ق حضرت سید محمد فرزند برومند امام هادی (ع) در سامرا وفات نمود. (۲۵) جلالت قدر و منزلت سید محمد به حدی بود که عده ای از شیعیان گمان می‌کردند که بعد از امام هادی (ع) آن بزرگوار امام خواهد بود؛ ولی با رحلت ایشان در زمان پدر بزرگوارشان بر همه معلوم شد که امام حسن عسکری (ع) امام پس از ایشان است. امام عسکری (ع) علاقه بسیاری به برادرش جناب سید محمد داشت که در وفات او بسیار متأثر شد.

بعد از آن که تشییع نمایانی از پیکر جناب سید محمد به عمل آمد، آن حضرت را در آبادی «بلد» در شش فرسخی سامرا به خاک سپردند که هم اکنون حرم ایشان در آن جا معروف و دارای گنبد و صحن و غرفه‌های متعدد است و نه تنها دوستان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به زیارت آن بزرگوار مشرف می‌شوند و کرامات زیادی از آن حضرت مشاهده می‌نمایند، بلکه نزد اهل تسنن نیز بسیار مورد احترام است و پیوسته برای حاجات خویش، نسبت به آن جناب نذر می‌کنند و هرگز قسم دروغ به ایشان نمی‌خورند. (۲۶)

سیما و مشخصات ظاهری

در برخی روایات؛ سیما و مشخصات ظاهری و جسمی حضرت فاطمه (س) این‌گونه توصیف شده است:

۱. انس بن مالک می‌گوید: «از مادرم درباره شمایل حضرت فاطمه سؤال کردم، در جواب گفت: فاطمه مثل ماه در شب چهاردهم یا مثل آفتابی بود که تازه از زیر ابر خارج شده و با تازه وارد آن می‌گردید، و رنگ پوستش سفید و روشن بود».[۳]

۲. راوی می‌گوید: «فاطمه دختر رسول خدا(ص)... موهای خود را می‌بافت و موهای بلندش بر روی شانه‌های ایشان می‌ریخت».[۴]
۳. عائشه می‌گوید: «راه رفتن فاطمه (س) مانند راه رفتن رسول خدا(ص) بود».[۵]

روایات دیگری وجود دارد که هم می‌تواند نشانگر زیبایی باطنی باشد و هم نشانگر زیبایی ظاهری:

۴. پیامبر اکرم (ص) حضرت زهرا(س) را چنین توصیف می‌کند: «اگر برای زیبایی، نمادی بود همانا فاطمه (س) آن نماد می‌شد».[۶]
۵. علی (ع) می‌فرماید: هرگاه با پیامبر تنها می‌شدم به من می‌فرمود: «ای ابا الحسن! چه نیکو و زیبا است همسرت فاطمه، [۷] مزده باد که سرور زنان جهان را به همسری تو درآوردم».[۸]

ابعاد شخصیت

ابعاد شخصیت والای حضرت زهرا(س) بسیار گسترده است که تنها با ژرفاندیشی می‌توان به جوانب گسترده آن پی برد. مطالعه و تحقیق پیرامون محورهای معنوی و الهی، علم و دانش و مبارزات سیاسی و اجتماعی آن حضرت و... ما را در رسیدن به مقصود یاری می‌دهد. برخی از آیات قرآن کریم - مانند آیه تطهیر - در شأن حضرت زهرا(س) و دیگر پاکان اهل بیت (ع) نازل شد. برخی از ویژگی‌های بارز اخلاقی و انسانی بانوی بانوان - به شهادت کتب مختلف شیعه و سنی - بدین شرح است:

خلاصه‌ای از زندگی نامه حضرت فاطمه زهرا (س)

ولادت

پیامبر اسلام (ص) پدر فاطمه (س)، و خدیجه دختر خویلد مادر آن حضرت است. از آن‌جا که اختلاف در گزارش وقایع و حوادث تاریخی، از جمله تولد و وفات و شهادت شخصیت‌های بزرگ، امری عادی و طبیعی است، در تاریخ ولادت حضرت زهرا(س) نیز اختلاف وجود دارد. علت اصلی چنین اختلاف نظرهایی اهتمام نداشتن به ضبط دقیق گزارش‌ها، نگهداری منابع و... است و نیز جنگ‌هایی که به از بین رفتن بسیاری از منابع اولیه شده است.

به هر حال، سه تاریخ برای ولادت آن حضرت ذکر شده است: بیستم جمادی الآخر سال پنجم قبل از بعثت؛ دهم جمادی الآخر سال پنجم بعد از بعثت پیامبر اکرم (ص)؛ و بیستم جمادی الآخر سال دوم بعد از بعثت.[۱]

اسامی و القاب

برخی از اسامی و القاب آن حضرت چنین است:
فاطمه، بتول، حسان، حره، سیده، عذرا، زهرا، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه.[۲]

۱. پارسایی و قناعت به مال اندک و امکاناتی ناچیز، در عین امکان بهره‌مندی از بالاترین امکانات؛
۲. انفاق و ایثار فراوان در اشیای مورد علاقه و نیاز خویش؛
۳. عبادت خالصانه و نیایش به درگاه باری تعالی؛
۴. تبلور حیا و عفت؛
۵. الگوی کامل پوشش و حجاب اسلامی؛
۶. علم و دانش گسترده؛
۷. مبارزات سیاسی و اجتماعی ایشان - بعد از رحلت پیامبر(ص) - در پاسداری از مقام ولایت حضرت علی(ع). [۹]

ازدواج

امام علی(ع) به جهت شرایط اقتصادی نامناسب و حیای نفس، برای خواستگاری حضرت فاطمه(س) اقدام نمی‌کرد، تا آن‌که با تشویق برخی صحابه به این امر اقدام نمود و خداوند و رسولش نیز رضایتشان را از این ازدواج اعلام داشتند.

حضرت فاطمه(س)؛ قبل از ازدواج با امام علی(ع)، خواستگاری؛ مانند ابوبکر و عمر، داشت، اما پیامبر اسلام(ص) با اعلام این‌که اجازه ازدواج زهرا(س) با پروردگار است، به آن‌ها جواب رد داد. [۱۰]

در نهایت، امام علی(ع)، حضرت فاطمه(س) را از پیامبر(ص) خواستگاری کرده و با رضایت خداوند، این ازدواج صورت پذیرفت. [۱۱]

خطبه عقد

در مورد این‌که خطبه آن‌ها را چه کسی خواند، از روایات چنین برمی‌آید که خطبه آن‌ها در عالم ملکوت و آسمان‌ها توسط فرشتگان خوانده شد، و سپس پیامبرگرامی اسلام(ص) در این دنیا که عالم تکلیف است، خطبه‌ای نیز جاری کردند.

گزارش‌های مختلفی در مورد این عقد در آسمان‌ها وجود دارد مانند آن‌که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «خطبه ازدواج علی و فاطمه را جبرئیل و میکائیل در آسمان‌ها خواندند که جبرئیل وکیل علی و میکائیل وکیل فاطمه بود». [۱۲]

زمان ازدواج

در ارتباط با سن علی(ع) و فاطمه(س) هنگام ازدواج و تشکیل زندگی مشترک گزارش‌های مختلفی وجود دارد که برخی از آن‌ها ناشی از اختلاف نظر در تاریخ تولد آن بزرگواران است. بر این اساس، سن حضرت زهرا(س) هنگام ازدواج به ترتیب ده سال، سیزده سال، پانزده سال و هجده سال گزارش شده است و با توجه به گزارش‌های مختلف در مورد تاریخ تولد امام علی(ع)، سن حضرتشان هنگام ازدواج نیز دقیقاً مشخص نیست و احتمالاً ایشان ۲۱ سال داشته‌اند.

در خصوص روز و ماه عقد و به خانه رفتن آن حضرت نیز، اقوال مختلفی نقل شده است:

۱. روز اول ذی حجه عقد و روز سه‌شنبه ششم همان ماه به خانه رفتند.
۲. عقد آن حضرات در ماه صفر بود، و پس از گذشت چند روز از ماه سؤال به خانه رفتند.
۳. عقد در ماه رمضان انجام پذیرفت و ماه ذی حجه به خانه رفتند.
۴. زفاف حضرت فاطمه در شب پنج‌شنبه، ۲۱ ماه محرم بوده است. [۱۳]

میزان مهر

مهر حضرت فاطمه زهرا(س) در حقیقت بهای زره امیرالمؤمنین علی(ع) بود که آن را در گزارش مشهور به پانصد درهم و بنا بر نقلی به چهارصد درهم فروختند. در این‌که پانصد درهم معادل چه مقدار نقره است، نظرات متفاوتی وجود دارد، ولی مشهور آن است که پانصد درهم معادل ۲۶۲ مثقال صیرفی نقره خالص می‌باشد. [۱۴]

ویژگی‌های منزل

پیامبر خدا(ص) از همان ابتدای ورود به مدینه در فکر ساخت حجره‌ای برای حضرت فاطمه(س) بود و بدین جهت زمانی که اتاق‌هایی را در شرق مسجد برای همسران خود ساخت، برای فاطمه(س) نیز حجره‌ای در نظر گرفت.

از ویژگی‌های خانه فاطمه(س) آن بود که بعدها به دستور خدا، همه درهایی که به مسجد باز می‌شدند، جز در این خانه بسته شد: «أَمَرَ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ». این گزارش در بسیاری از منابع معتبر اهل سنت نیز

نقل شده است. [۱۵]

این خانه از نورانیت و شکوه خاصی برخوردار و از خانه‌هایی بود که قرآن مجید درباره آن‌ها فرمود: «در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آن‌ها رفعت یابد و نامش در آن‌ها یاد شود. در آن [خانه]‌ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند». [۱۶]

در این خانه هرگز از تجمل‌گرایی اثری یافت نمی‌شد، خانه‌ای بسیار ساده، نه فرش گرانبهایی دارد و نه وسائل گران‌قیمتی! این خانواده می‌خواستند زندگی زاهدانه‌ای را در پیش گیرند، بدین جهت بیشتر آنچه داشتند را به تهیدستان داده و خود تا می‌توانستند ساده می‌زیستند. [۱۷] تا پیامبر اسلام (ص) زنده بود، احترام این خانه و ساکنان آن برجا بود، اما بعد از رحلت حضرتشان، حوادثی رخ داد که در نهایت بدان انجامید که فاطمه (س) مدت زیادی بعد از پدرشان زنده نمانند.

غصب فدک و آتش زدن خانه حضرت زهرا (س)

افرادی که بعد از پیامبر (ص) قدرت را به دست گرفتند، آسیب‌های جسمی و روحی فراوانی به حضرتشان وارد کردند، از جمله آن‌که در ملایم‌ترین گزارش‌ها تهدید به آتش زدن خانه ایشان نموده و به گزارش مشهور، درب ورودی آن‌را نیز آتش زدند:

«ابوبکر، عمر را به سوی علی و کسانی که با او بودند فرستاد تا آن‌ها را از خانه فاطمه بیرون بیاورد. و به او گفت: اگر آنان با تو مخالفت کردند با آنان نبرد کن! عمر در حالی که آتش با خود حمل می‌کرد به سوی خانه فاطمه رفت تا خانه را به آتش کشد! پس با فاطمه روبرو شد. فاطمه از او پرسید، ای پسر خطاب کجا می‌روی؟ آیا آمده‌ای خانه ما را به آتش بکشی؟! عمر گفت: بله، یا این‌که آنچه را مردم قبول کرده‌اند (خلافت ابوبکر) قبول کنید...». [۱۸]

فدک که هدیه پیامبر به دخترشان بود را از دست ایشان گرفتند:

«زمانی که مردم با ابوبکر بیعت کردند و او بر همه مهاجرین و انصار تسلط پیدا کرد کسی را به سوی فدک فرستاد تا وکیل حضرت زهرا (ع) را از آن خارج سازد». [۱۹]

که از گزارش اخیر می‌توان برداشت کرد که غصب فدک بعد از حمله به خانه ایشان، با فاصله زمانی چند روز صورت گرفته است.

خطبه فدکیه

زمانی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند تا فدکی که پیامبر اسلام (ص) در زمان حیات خویش به دخترش بخشیده بود، را از دست آن حضرت خارج کنند، حضرتشان برای احقاق حق و اتمام حجت به همراه تعدادی از اطرافیان به مسجد النبی (ص) رفتند که عده‌ای از مهاجران و انصار در آنجا گرد ابوبکر جمع شده بودند. وقتی آن حضرت وارد مسجد شدند، پرده‌ای را بین ایشان و مردم نصب کردند. آن‌گاه حضرت فاطمه (س) ناله جان‌سوزی زدند که در اثر آن، صدای تمام حاضران به گریه بلند شد. بعد از آرام شدن مردم، زهرا (س) سخن خود را با حمد و ثنای خداوند و درود بر رسول خدا (ص) آغاز کردند، با شنیدن نام پیامبر، دوباره صدای گریه مردم بلند شد. [۲۰] آنچه حضرت در این خطبه فرمودند، در کتب روایی و تاریخی گزارش شده است.

مصحف فاطمه (س)

«مصحف فاطمه» نام مجموعه‌ای است که در زمان فاطمه (س) و با دستان علی (ع) نوشته شد. مطالب این کتاب - مشتمل بر حوادث غیبی و اسرار آل محمد (ص) است - به وسیله جبرئیل و یا فرشته‌ای دیگر به حضرت فاطمه القا شد. این کتاب نزد هر فردی باشد، نشانه‌ای از امامت او بوده و از این رو میان امامان دست به دست شده و اکنون در دست امام مهدی (عج) است. محتوای این مصحف نیز در اختیار آن پیشوایان بوده و جز آنچه از آنان در این زمینه نقل شده، دیگر مطالب مندرج در آن در اختیار عموم قرار نگرفته است. [۲۱] چون این کتاب پس از رسول خدا (ص) تدوین یافته است، از حضرتشان درباره آن چیزی گزارش نشده است، ولی این به معنای بی‌اطلاعی پیامبر از این مصحف نبوده است؛ زیرا ما عقیده داریم وی به اذن خدا از رخدادهای آینده نیز باخبر بود.

تسبیحات حضرت زهرا(س)

تسبیح حضرت زهرا(س) عبارت است از: (۳۴) مرتبه «الله أكبر»، بعد (۳۳) مرتبه «الحمد لله» و بعد از آن (۳۳) مرتبه «سبحان الله». از تعقیب‌هایی که بعد از نمازهای پنج‌گانه خیلی سفارش شده است، تسبیح حضرت زهرا(س) است. [۲۲] درباره پاداش تسبیحات حضرت زهرا(س) روایات زیادی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) امام صادق(ع) فرمود: «تسبیح فاطمه(س) پس از هر نماز در نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز محبوب‌تر است». [۲۳]

همچنین آن حضرت به ابوهارون مکفوف فرمود: «ای ابوهارون! ما کودکان خود را همان‌گونه که به نماز فرمان می‌دهیم به تسبیح حضرت زهرا(س) نیز امر می‌کنیم. پس بر این ذکر مداومت کن؛ زیرا هر بنده‌ای بر آن مداومت کند تیره‌بخت نمی‌شود». [۲۴]

ب) امام باقر(ع) فرمود: «هرکس تسبیح حضرت زهرا(س) را بگوید، سپس طلب آموزش کند آموخته خواهد شد. این تسبیح به زبان صد مرتبه است، ولی در میزان عمل هزار تسبیح به شمار می‌رود، و شیطان را دور می‌کند، و خداوند رحمان را خشنود می‌سازد». [۲۵]

بیت الاحزان

پیامبر اسلام(ص) به حضرت زهرا(س) که تنها فرزند باقی مانده ایشان بود، علاقه خاصی داشت و رابطه‌ای صمیمی میان آن‌ها برقرار بود که به همین دلیل، اندوه حضرت زهرا(س) برای از دست دادن پدرشان، مضاعف می‌شد. علاوه بر این، بعد از رحلت پیامبر(ص)، شرایط به گونه‌ای پیش رفت که بی‌احترامی‌ها و بی‌عدالتی‌هایی نسبت به اهل بیت، بویژه حضرت زهرا(س) روا داشته شد. [۲۶] مجموع اینها سبب شد که فقدان پدر برای فرزند بسیار سنگین آید و به دنبال آن، عزای فاطمه(س) سنگین‌تر شود، تا جایی که گزارش شده است، عزاداری فاطمه(ع) در خانه موجب اعتراض برخی شده و به دنبال آن بود امام علی(ع) اتاقی در بقیع آماده کرد و فاطمه(س) برای عزاداری به آن جا می‌رفت: «بزرگان مدینه گرد هم آمده و

به حضور حضرت علی(ع) رفتند و گفتند: ای ابوالحسن! فاطمه شب و روز گریه می‌کند و هیچ‌کدام از ما علاوه بر آن که روزها در طلب معیشتیم، شب‌هنگام نیز خواب خوشی نداریم. ما از تو می‌خواهیم که به فاطمه بگویی یا شب گریه کند و یا روز. آن حضرت پذیرفت و این موضوع را با فاطمه(س) در میان نهاد، ولی دریافت که همسرش توانایی آن را ندارد که از گریه آرام گیرد. با این حال، فاطمه(س) گفت: ای ابوالحسن! من، چندان در میان این مردم زندگی نخواهم کرد و به زودی از میان آنان خواهم رفت!

علی جان! به خداوند سوگند من شب و روز آرام نخواهم گرفت تا این که به پدرم ملحق شوم. حضرت علی(ع) در پاسخ فرمود: باشد، هر طور که میل داری انجام بده و سپس اتاقی در بقیع که در آن زمان، خارج از منطقه مسکونی شهر مدینه بود برای همسرش ساخت که به «بیت الاحزان» مشهور شد. صبحگاهان، فاطمه، فرزندان را برداشته و به آن جا می‌رفت و تا شبانگاه مشغول گریه بود و چون شب فرا می‌رسید حضرت امیر(ع) فاطمه را به منزل باز می‌گردانید. حضرت فاطمه پس از فوت پدر بزرگوارش مدت ۲۷ روز این برنامه را انجام می‌داد». [۲۷]

موقوفات

بر اساس روایات، حضرت زهرا(س) صاحب اموالی بود که از طریق هبه(بخشش) به آن حضرت رسیده بود و ایشان بخشی از اموالش را برای بنی هاشم و بنی مطلب وقف نمود. [۲۸]

شهادت

در مورد تعداد روزهایی که حضرت صدیقه طاهره(س) پس از رحلت پدر بزرگوارشان در قید حیات بود، چند گزارش وجود دارد. بعضی این زمان را چهل روز و کسانی این مدت را شش ماه ذکر کرده‌اند. [۲۹] گزارش مشهوری که برخی روایات اهل بیت(ع) نیز مؤید آن هستند، حدود سه ماه را تأیید می‌کند: امام باقر(ع) می‌فرماید: زمان رحلت صدیقه کبریا(س) سه ماه بعد از

فاطمیه» مشاهده نمی شود و اساساً غیر از عزاداری برای امام حسین (ع) در دهه محرم و ربیعین، گزارش دیگری در مورد عزاداری پیشوایان دینی و اصحاب آنان در ایام ویژه دیگر وجود ندارد. [۳۸]

پی نوشت ها

- [۱]. تاریخ تولد حضرت زهرا (س)، ۹۹۲۵.
- [۲]. سید ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة، محقق، مصحح، قیومی اصفهانی، جواد، ج ۳، ص ۱۶۴-۱۶۵، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش؛ ر. ک: «مشکات از القاب حضرت فاطمه زهرا (س)»، ۲۵۵۹۱؛ «القاب حضرت زهرا (س) در احادیث و منابع اسلامی»، ۵۳۸۰.
- [۳]. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل أبي طالب (ع)، ج ۳، ص ۳۵۶، قم، علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ ق.
- [۴]. شیخ صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۵۹۵، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
- [۵]. ابن شاذان، محمد بن احمد، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين والأئمة من ولده (ع) من طریق العامة، ص ۱۳۶، قم، مدرسة الإمام المهدی (عج)، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
- [۶]. البته ممکن است این عبارت، ناظر به زیبایی معنوی باشد.
- [۷]. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، محقق، رسولی محلاتی، هاشم، ج ۱، ص ۳۵۹، ۳۶۰، تبریز، نشر بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.
- [۸]. ر. ک: «ابعاد شخصیت حضرت فاطمه زهرا (س)»، ۱۲۵۶؛ «مقام حضرت زهرا (س)»، ۱۳۳۱۳.
- [۹]. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق، زکار، سهیل، زرکی، ریاض، ج ۱، ص ۴۰۲، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق؛ مقریزی، تقی الدین، امتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة و المتاع، تحقیق، نمیسی، محمد عبدالحمید، ج ۵، ص ۳۵۱، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
- [۱۰]. «خواستگاری امام علی (ع) از حضرت فاطمه و مهریه ایشان»، ۷۲۶۲۰.
- [۱۱]. مناقب آل أبي طالب (ع)، ج ۳، ص ۳۴۶.
- [۱۲]. ر. ک: «زمان ازدواج علی (ع) با فاطمه (س)»، ۱۸۶۴۵؛ «مراسم عروسی زمان پیامبر»، ۳۸۰۸.
- [۱۳]. شعرانی، ابوالحسن، ترجمه و شرح تبصره المتعلمین فی أحكام الدین، ج ۲، ص ۵۴۳، تهران، منشورات اسلامیة، چاپ پنجم، ۱۴۱۹ ق؛ نراقی، أحمد بن محمد مهدی، رسائل و مسائل، ج ۲، ص ۱۲۰، قم، کنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد، ۱۴۲۲ ق؛ ر. ک: «میزان مهر حضرت فاطمه (ع)»، ۹۲۹۳.
- [۱۴]. شیبانی، أحمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۹۹، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق؛ طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الأوسط، ج ۴، ص ۱۸۶، قاهرة، دارالحریمین، بی تا؛ نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۵، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- [۱۵]. [۱۶]. نور، ۳۶.

رحلت پیامبر مکرم اسلام (ص) بود. [۳۰]
در همین راستا طبرسی می گوید: حضرت صدیقه طاهره (ع) در ماه جمادی الاخر سال یازده هجری از دنیا رفتند. و مدت زمان حیات فاطمه زهرا (س) پس از پیامبر (ص) ۹۵ روز بود. [۳۱]

تشییع پیکر مطهر

بنابر وصیت خود حضرت زهرا (س)، جنازه آن حضرت شبانه تشییع و بر پیکر شان نماز گزارده شد، آنچه قطعی است آن است که تنها تعداد اندکی در این مراسم شرکت داشتند، اما در باره نام افراد شرکت کننده که گزارش های گوناگونی وجود دارد:

۱. بر جنازه حضرت فاطمه (ع)؛ امام علی، حسن، حسین (ع)، عقیل، سلمان، أبودر، مقداد، عمار و بریده نماز خواندند. [۳۲] ۲. علاوه بر این افراد، عباس بن عبدالمطلب و فرزندش فضل، حذیفه و ابن مسعود نیز در نماز شرکت داشتند. [۳۳]
۲. در مراسم خاک سپاری فاطمه؛ عباس بن عبدالمطلب، علی (ع) و فضل پسر عباس حضور داشتند. [۳۴]

محل قبر فاطمه (س)

بر اساس قرائن موجود، در مورد محل دفن آن حضرت ۳ نظر وجود دارد:

۱. در خانه خودشان. [۳۵]
۲. در محل روضه (بین منبر و خانه پیامبر) که پیامبر (ص) فرمود: «باغی است از باغ های بهشت». [۳۶]
۳. در قبرستان بقیع. [۳۷]

ایام فاطمیه

تعظیم شعائر و بزرگداشت مقام معصومان (ع) با هر بهانه و در هر مناسبتی ارزش مند است، اما آنچه در سال های اخیر به عنوان «ایام فاطمیه» اول و دوم و در برخی نقاط، ایام فاطمیه سوم برگزار می شود، در منابع اسلامی، شیعی و در سیره امامان (ع)، حتی شیعیان سده های ابتدایی بعد از غیبت، گزارشی در ارتباط با «ایام فاطمیه» و یا «دهه



السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ

- [۱۷]. ر. ک: «ویژگی های منزل حضرت فاطمه (س)»، ۴۴۳۴۹.
- [۱۸]. ابن عبد ربیه اندلسی، احمد بن محمد، العقد الفريد، ج ۵، ص ۱۳، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۴ق؛ أبو الفداء صاحب حماة، إسماعیل بن علی، المختصر فی أخبار البشر، باب «أخبار أبي بكر الصديق و خلفته»، المطبعة الحسينية المصرية، چاپ اول، بی تا.
- [۱۹]. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۹۰، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- [۲۰]. ابن أبی طاهر، احمد، بلاغات النساء، ص ۲۴، قم، الشریف الرضی، چاپ اول، بی تا؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۹۸.
- [۲۱]. ر. ک: «مصحف فاطمه (س)»، ۱۳۵۵.
- [۲۲]. امام خمینی، توضیح المسائل (محشی)، ج ۱، ص ۶۰۶، م ۱۱۲۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ق.
- [۲۳-۲۵]. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۶۳، قم، دار الشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- [۲۶]. ر. ک: «شهادت حضرت فاطمه (س) در منابع اهل سنت»، سؤال ۵۲۵۶؛ «عکس العمل امام علی (ع) در حادثه هجوم به منزل آن حضرت»، سؤال ۵۷۸.
- [۲۷]. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق؛ جزائری، نعمت الله، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، ج ۱، ص ۶۲، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۷ق؛ قضاعی، محمد بن سلامة، شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، ص ۲۸۷ - ۲۸۸، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۱ش.
- [۲۸]. ر. ک: «موقوفات حضرت فاطمه زهرا (س)»، ۳۲۱۳۵.
- [۲۹]. کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۵۰۳.
- [۳۰]. ابوالنور اصفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق، صقر، سید احمد، ص ۵۹ - ۶۰، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- [۳۱]. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۳۰۰، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق؛ ر. ک: «تاریخ دقیق شهادت حضرت زهرا (س)»، ۸۰۸۶.
- [۳۲]. مناقب آل أبی طالب (ع)، ج ۳، ص ۳۶۳، قم، علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ق؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۳۰۰؛ شیعی سبزواری، حسن بن حسین، راحة الأرواح در شرح زندگانی، فضائل و معجزات ائمه اطهار (ع)، ص ۷۹، تهران، اهل قلم، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.
- [۳۳]. مناقب آل أبی طالب (ع)، ج ۳، ص ۳۶۳.
- [۳۴]. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، ج ۱۱، ص ۵۹۸، بیروت، دار التراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق؛ ر. ک: «افراد حاضر در تشییع پیکر مطهر حضرت فاطمه»، ۳۶۴۰۲.
- [۳۵]. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق؛ مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ص ۱۸۵، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق؛ شامی، جمال الدین یوسف بن حاتم، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، ص ۴۸۴، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق؛
- [۳۶]. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۳۴۹، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۲۳ق؛ کرکی حائری، سید محمد، تسلیة المجالس و زینة المجالس، ج ۱، ص ۵۷۱، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۸ق؛ مجلسی، محمد باقر، جلاء العیون، ص ۲۷۳، قم، سرور، چاپ نهم، ۱۳۸۲ش.
- [۳۷]. «إعلام الوری، ج ۱، ص ۳۰۱؛ مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب (ع)، ص ۱۶۲ - ۱۶۳، قم، انصاریان، چاپ سوم، ۱۴۲۶ق؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۸، ص ۲۶۸، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- [۳۸]. «ایام فاطمیة»، ۹۵۲۸۸، «برپایی مجالس غزا برای امامان (ع) و عزاداری امام حسین (ع) در دهه اول محرم»، ۲۷۰۶۱.

بینش بر دیگران ممتاز ساخت و از همان عالم میثاق (ذر) او را پاک و پاکیزه قرار داد و سپس به این آیه اشاره فرمود: (۲) «و اذ اخذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و اشهدهم علی انفسهم الست بریکم قالوا بلی شهدنا ان تقولوا یوم القیامة انا کنا عن هذا غافلین؛ (ای رسول یادآور) هنگامی که خدای تو، از پشت فرزندان آدم نسل آن‌ها را بر خودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم همه گفتند: بلی ما گواهی می‌دهیم. دیگر در روز قیامت نگویید ما از این واقعه غافل بودیم». (۳) این پاکیزگی را قرآن در آیه تطهیر به روشنی بیان می‌کند. «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا؛ خداوند اراده نمود هرگونه ناپاکی و پلیدی را از اهل بیت دور کند و آن‌ها را پاک و مطهر قرار دهد». (۴)

نزول این آیه در رابطه با جمعی است که فاطمه (س) از اعضای اصلی آن به شمار می‌آمد. زیرا پیامبر (ص) پس از آن به روایت بسیاری از راویان و مفسران به مدت شش ماه یا بیشتر هر روز وقت نماز بر در خانه فاطمه (س) توقف می‌نمود و با یادآوری زمان نماز این آیه را تلاوت می‌فرمود. کلام وحی وجود مقدس حضرت زهرا (س) را که چون نوری خیره‌کننده دل تاریکی‌ها را شکافت و زهره‌ای در آسمان زمینیان و ملکوتیان شد چنین توصیف می‌کند.

«الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة، الزجاجه کانه کوكب دری یوقد من شجرة مباركة زیتونة لشرقية و لاغربية یکاد زیتها یضیی ء و لولم تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال للناس و الله بکل شیء علیم؛ (۵)... خدا نور آسمانها و زمین است. داستان نورش به مشکاتی ماند که در آن روشن چراغی باشد آن چراغ در حبابی قرار دارد. حبابی شفاف و درخشنده، همچون ستاره‌ای درخشان. این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پربکت زیتون گرفته شده (با آنکه) شرقی و غربی نیست (شرق و غرب بدان فروزان است) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور شود و خود به خود (جهانی را) روشنی بخشد، پرتو آن نور (حقیقت) بر روی نور (معرفت) قرار گرفته است و خدا هر که را بخواهد به نور خود هدایت کند

فاطمه زهرا (س) و قرآن

جایگاه فاطمه (س) در کلام وحی

با ظهور دین تحول آفرین اسلام به وسیله حضرت محمد (ص) کرامت انسانی، عدالتخواهی و آزادی معنایی واقعی یافت. پیامبر خدا حفظ و حراست از دین و ارزش‌های والای آن را به تبعیت از دو چیز واگذار نمود. یکی قرآن و دیگری اهل بیت که مفسران حقیقی و عمل‌کنندگان واقعی این کتاب الهی بودند. فاطمه زهرا (س) که جزء اهل بیت پیامبر و حلقه اتصال نبوت و امامت گردید در حدیثی قدسی چنین توصیف می‌گردد: «یا احمد لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکما؛ ای احمد اگر تو نبودی جهان را نمی‌آفریدم و اگر علی نبود ترا نمی‌آفریدم و اگر فاطمه نبود شما را نمی‌آفریدم». (۱) از امام محمد باقر (ع) روایت شده که فرمود: آنگاه که فاطمه (س) ولادت یافت، خداوند به فرشته وحی فرمود که نام فاطمه را بر زبان پیامبر جاری سازد. از این رو پیامبر اکرم (ص) به خواست خدا نام او را فاطمه نهاد. سپس خدا به آن بانوی گرانقدر فرمود: من بوسیله دانش و بینش، تو را از دیگر بندگان جدا ساخته و به همه آنان برتری بخشیدم و تو را پاک و پاکیزه ساختم. آنگاه امام باقر (ع) بیان داشت: به خدا قسم که خدا وی را بوسیله دانش و

و... در تفسیر این آیه علی بن جعفر آورده است: من از حضرت کاظم (ع) پرسیدم، «کمشاکة فیها مصباح» چه معنایی دارد. حضرت فرمود: منظور از مشکوة دختر پیامبر فاطمه (س) است و واژه مصباح دو نور دیده اش حسن و حسین هستند. سپس از «کائها کوکب دژی» سؤال کردم؟ فرمود: فاطمه در میان زنان گیتی چون اختر نورافشان می ماند. وقتی از «یکاد زیتها بیضی» پرسیدم. آن حضرت بیان داشت: فاطمه در دانش و بینش چنان است که چیزی نمانده که همه علوم و دانش از او سرچشمه گیرد. شاید کلام گهربار پیامبر (ص) که فرمود: نور ائنتی فاطمة من نور الله؛ نور دخترم فاطمه از نور خداست، برداشتی از این آیه باشد. (۶)

قرآن فاطمه (س) را بسان کوثر که منبع عظیمی از خیر و رحمت است به پیامبر (ص) عطا نمود (انا اعطیناک کوثر) و همانگونه که حوض کوثر را شفا بخش دل های عطشناک اهل محشر قرار داد، فاطمه را نسلی پایدار و والا بخشید تا از وجود و برکت آن برگزیدگان حق و مقتدایان نیک سیرت آب حیات بنوشند و به ساحل سعادت و سلامت راه یابند. پیامبر خدا (ص) که سخن و عملش حجت می باشد و هیچ کاری را از سر هوای نفس انجام نمی دهد (و ما یناطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی) (۷) فاطمه را ستود، او را حورا و انسیه، طاهره و مرضیه، زکیه و محدثه نامید و شأنش را بالاتر از مریم دختر عمران دانست. آن حضرت به امت خویش توصیه نمود که: قل لاسئلكم علیه اجر الا المودة فی القربی؛ (۸) من از شما هیچ پاداشی نمی خواهم مگر دوستی نزدیکانم. گویند پس از نزول این آیه از پیامبر سؤال شد که خویشان نزدیکت که دوستی آن ها بر ما واجب شد چه کسانی هستند. آن حضرت فرمود: علی و فاطمه و دو فرزند آن ها حسن و حسین. (۹)

انس فاطمه (س) با قرآن

حضرت فاطمه (س) در بوستان نبوی و در خاندان وحی تحت تربیت پدر گرامیش رسول خدا که بهترین معلم اخلاق و توحید بود، آداب و ارزش های اسلامی را آموخت آنگونه که باطنش با قرآن مأنوس گردید و اسرار و دانش ها را چنان فراگرفت که کتابی بنام مصحف فاطمه که علم گذشته و آینده در

آن است پدید آورد. در روایت است که چون زمان ولادت حضرت زهرا (س) نزدیک شد رسول خدا ام سلمه و زینب دختر جحش را فرمان داد تا به نزد کودک بیایند و آیه الکرسی و آیه ان ربکم... بخوانند و با دو سوره عوذتین او را در پناه خدا قرار دهند. (۱۰)

فاطمه (س) که از ابتدا جان و روحش آمیخته به عطر حیاتبخش قرآنی بود، با بیان احکام و معارف الهی، جامعه اسلامی و بخصوص زنان را نسبت به وظایفشان آشنا ساخت و در عمل به قرآن و نشر آن از همگان پیشی گرفت و هر که در مکتب توحیدی اش زانوی ادب زد از نامداران و ره یافتگان به درگاه ربوبی شد. شاگردان و پرورش یافتگان کلاس درسش از خادمین، حافظین و گروندگان واقعی قرآن گردیدند.

فضه خدمتگزار حضرت فاطمه (س) که عمر خویش را در معیت و هم نشینی دختر رسول خدا سپری نمود، در مدت ۲۰ سال جز با آیات قرآن سخن نگفت و هرگاه قصد بیان مطلبی را داشت آیه ای متناسب با آن را تلاوت می نمود. جایگاه قرآن در نزد فاطمه (س) بسیار ارزشمند و اتمام وی در آموزش و تعلیم کتاب الهی بسی بلند و در خور توجه است. وی به تاسی از پدر گرامیش در تلاوت قرآن مُصر بود و فاطمه (س) می فرماید رسول خدا شش چیز را لازمه مرؤت دانست، سه تا در حضر و سه تا در سفر، اما در حضر: تلاوت قرآن، آباد کردن مساجد و معاشرت با برادران دینی برای خدا، ولی در سفر: بخشیدن توشه، خلق حسن داشتن و مزاح نمودن در غیر نافرمانی و معصیت الهی. (۱۱) در روایت آمده است که حضرت فاطمه (س) فرمود: همانا رسول خدا برای حسن و حسین تعویذ می نوشت و به آنان این کلمات را تعلیم می داد، چنانکه آنان را سوره ای از قرآن آموزش می داد. (۱۲) فاطمه (س) در آموزش قرآن و نحوه قرائت آن دستورات عملیایی دارد از جمله اینکه فرموده: کسی که سوره های حدید، واقعه و الرحمن را تلاوت کند در ملکوت آسمانها چنین خوانده می شود: «ساکن فردوس» (۱۳) مؤانستی که دختر رسول خدا (ص) با قرآن داشت با حضور پدر طراوت و شادابی خاصی بدو می داد، طوری که در فقدان پیامبر روحش بشدت آزرده گردید و از قطع ارتباط فرشته وحی که پیام آور آیات

فی الآخرة من الخاسرين؛ (۱۵) هرکس غیر از اسلام دینی را اختیار کند هرگز از او پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است. آن حضرت با اعتقاد راستین به حقیقت اسلام واپس گرایی و ارتجاع را در اندیشه و افکار آن نابخردان مذمت نموده و از زبان قرآن می فرماید: افحکم الجاهلیة بیغون و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون؛ (۱۶) آیا (با وجود این دین کامل و قوانین محکم آسمانی) باز تقاضای تجدید حکم زمان جاهلیت را دارند و برای اهل یقین کدام حکم از حکم خدا نیکوتر خواهد بود.

شمیم رسالت

حضرت فاطمه (س) در بیان و عمل نسبت به دستورات دینی بسیار پرتلاش بود. حقیقت در سخن، تقوا در عمل، عدالت در رفتار و کردار، مفاهیمی بود که از پدر آموخت و آنگونه به کار بست که رسول خدا (ص) بارها او را ستود و در وصفش فرمود: «فداها ابوها» فاطمه (س) بستر پذیرش رسالت نبوی را با درایت خویش گستراند و در تفسیر و تبیین نظرات پیامبر (ص) زیباترین نطق ها و خطابه ها را ایراد نمود و آیات الهی را به بهترین شیوه و مؤثرترین راهکار مورد استفاده قرار داد وی در رویارویی با اهل باطل فرمود: من دختر پیامبری هستم که قرآن درباره اش گفته: لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم.

پیامبری از میان شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او گران است و به ارشاد و هدایت شما سخت عشق می ورزید و برایمان آورندگان رؤف و پرمهر بود. (۱۷) اگر نسب این پیامبر را بجوئید خواهید دید که او پدر من است. نه پدر دیگر زنان. پیامبری که خداوند او را با چنین ویژگی هایی برانگیخت. انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً؛ ای پیامبر ما تو را گواه و مژده دهنده و بیم ده فرستادیم. (خلق را به رحمت بشارت و از قهر و عذاب بترسانی) (۱۸) با استفاده از دو آیه فوق فاطمه (س) پیوستگی و اطاعت خود را از رسول (ص) اعلان ساخت و فرمود: من دختر یگانه همان پدرم، پیشوای بشر دوست و خیرخواهی که با رسالت خویش شما را از عذاب سخت الهی هشدار داد و برای نجات انسان ها کوشید.

الهی بود شکوه نمود و خطاب به قیر پدر فرمود: جبرئیل با آیاتی از قرآن همدم و مونس ما بود اما (پدر) تو رفتی و خیرها از ما پوشیده شد.

حضرت فاطمه (س) الفت خاصی با قرآن داشت. پیام های قرآنی را نشر می داد و دل گرفتگی اش زمانی بود که می دید به قرآن عمل نمی شود و از آن ارمان نبوت تنها نامی مانده و نه تنها به حفظش اقدام نمی گردد بلکه دشمن سعی در تغییر و تبدیل آن مفاهیم الهی دارد. و به ذائقه و سلیقه خویش آن را تفسیر می کند.

با مروری اجمالی بر زندگی کوتاه فاطمه (س) به جلوه های ویژه ای از تأثیر قرآن در سیره و سخن آن حضرت پی می بریم که می تواند بیش از پیش چهره تابناک آن گوهره دهر و یگانه یادگار رسول اکرم (ص) را به شیفتگان حق و حقیقت و طالبان خدای جوی بشناساند.

بیان توحیدی

بزرگان و اولیاء الهی همواره در تبلیغ دین و ارزش های والای قرآنی بر مواضع توحیدی پای فشرده اند. دختر گرانمایه پیامبر اسلام که از سرچشمه توحید جرعه ها نوشیده و ظرف دلش به نور خدایی روشن گردیده به سردمداران خلافت که پس از رسول خدا (ص) به زور و مکر و حیل به بر مسند پیشوای مسلمانان تکیه زده اند و خود را جانشین آن حضرت می دانند نهیب زده و از ایمانی که از برکت اسلام و وجود پر برکت پیامبر خدا بدست آوردند ولی در حفظ و حراست آن تلاش نکردند انتقاد نموده، می فرماید:

فان تکفروا انتم و من فی الارض جميعاً فان الله لغنی حمید؛ اگر شما و همه مردم روی زمین کفر ورزید (به خدا زبانی نخواهد رسید) چرا که خداوند در خور ستایش است. (۱۴) شمایان جز به خویش زبانی نمی رسانید و جز با از دست دادن دین و ایمانتان به خود خسران و زبانی وارد نمی آورید. حضرت فاطمه (س) برای روشن شدن اذهان عموم مردم که خیال نمودند هر شخصی با هر فکر و اندیشه ای لیاقت جانشینی پیامبر و عملی کردن برنامه های دین اسلام را دارد و فقط حفظ ظاهر برای مقبولیت کافی است فرمود: من یتغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو

حامی ولایت

حفظ اعتقادات قلبی و باورهای دینی ویژگی بندگان صالح خداست، اما برای پیمودن مراتب ایمان تنها ذکر زبانی و باور قلبی کافی نیست و لازم است در مواقعی که دشمن قصد سست نمودن پایه‌های دینی و مذهبی امتی را دارد به جهاد و مبارزه روی آورده از حریم اسلام دفاع نمود. حضرت فاطمه (س) در گفتگوی خویش با کسانی که به تزییع حقش رضایت دادند و راه را برای متجاوزان زورگو بازگذاشتند تا در لباس دین خلافت مسلمین را به عهده گیرند و آب را از سرچشمه قطع کنند داد سخن می‌دهد و با استفاده از قرآن می‌فرماید: «الاتقاتلون قوماً نكثوا ايمانهم و هموا باخراج الرسول و هم بدؤکم اول مرة اتخشونهم فالله احق ان تخشوه ان کنتم مؤمنین؛ چرا با گروهی که پیمان‌های خود را شکستند و آهنگ بیرون راندن پیامبر را نمودند کارزار نمی‌کنید. در حالی که آنان نخستین بار بیکار با شما را آغاز کردند. آیا از آنان می‌ترسید با اینکه سزوارتر است که از خدا بترسید، اگر ایمان دارید. (۱۹)

جهاد و مبارزه ای که فاطمه (س) مردم غفلت زده آن زمان را بدان دعوت می‌نماید، دفاع از حق ولایت حضرت علی (ع) است. آن‌هایی که با تن پروری و رخوت و تقصیر پوستین اسلام را وارونه به تن کردند و به کنار رفتن شخصیتی که از همه شایسته تر بود رضایت دادند مورد نكوهش دختر رسول خدا (ص) واقع شدند. گویا فراموش کرده اند که در ابتدای ظهور اسلام و اطاعت از پیامبر با دشمن به مبارزه برخاستند. اما اکنون که در کارها گشایش حاصل شده مسئولیت خویش را رها نموده و به راحت طلبی روی آورده اند. فاطمه (س) در ملاقاتی که با زنان مهاجر و انصار داشت به نوعی دیگر از ولایت امیرمؤمنان علی (ع) دفاع کرده و این آیه را تلاوت می‌کند... افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لایهدی الا ان یهدی فما لکم کیف تحکمون؛ آیا آن که (خلق را) به راه حق رهبری می‌کند سزوارتر به پیروی است یا آن که خود هدایت نیابد مگر آن که هدایتش کنند. پس شما را چه شده چرا اینگونه قضاوت می‌کنید. (۲۰) این آیه که به اصل هدایت اشاره دارد مقایسه ای است بین انسان والایی که به

حق و عدالت راهنمایی می‌کند و مردم را به راه راست ارشاد نموده با آن فرد گمراهی که نه خود هدایت شده و نه راه راست را می‌شناسد تا بتواند دیگران را هدایت کند. دختر رسول خدا (ص) این چنین آن‌ها را مؤاخذه کرد که کدامیک از این دو نفر شایسته الگو برداریند. آیا علی بن ابیطالب (ع) که نمونه انسان کامل و برجسته در دانش و فضیلت است یا مدعیان دروغ‌گو و غاصبی که هیچ یک از امتیازات رهبری را ندارند.

شکوه شکیبایی

حضرت فاطمه (س) در عمر کوتاه اما پرثمر خویش با انواع ناملایمات روبرو شد که با همتی دلیرانه و مقاومتی بی نظیر آن‌ها را پشت سر نهاد و بی فرمان الهی صبر را پیشه ساخت و از شدیدترین مصائب روزگار لب به شکوه و شکایت نگشود، بلکه با آغوشی باز به استقبال سختی‌ها رفت و بدون آنکه از انجام مسئولیت شانه خالی کند و به راحت طلبی و سازش با دشمن گردن نهد، به سر پنجه صبر و تدبیر وظیفه خویش را به انجام رساند. تصاحب حق مسلم آن حضرت و همسرگرامیش توسط غاصبان و بیدادگران امری خلاف بود که آن حضرت نه تنها با مسئله منفعلانه برخورد نکرد بلکه در اعتراض مستدل به خلفای وقت آنان را از خطا و اشتباه آگاه کرده و از هواهای جاه طلبانه و ظالمانه بر حذر داشت، و آنگاه که کوشش خود را در این زمینه بی ثمر دید و گوشی شنوا برای پذیرش حق ندید. با بیان آیه ای از قرآن مشی خود را اینگونه ترسیم نمود.

... بل سؤلت لکم انفسکم امرأ فصبّر جمیل و الله المستعان علی ماتصفون؛ (۲۱) اینک صبری نیکو برای من بهتر است و بر آنچه شما وصف می‌کنید خدا یاری دهنده است، و در فرازی دیگر از سخنانش فرموده است: «فاعملوا انا عاملون و انتظروا انا منتظرون» (۲۲).

شما کار خود کنید، و «ما هم به وظیفه خویش عمل می‌کنیم. شما منتظر (میوه تلخ عملکرد ظالمانه خود) باشید. ما نیز به انتظار پاداش و شکیبایی و پایداری و ایمان) عمل خود می‌باشیم.»

اوج پروا پیشگی

فاطمه (س) در زندگی سعادت‌مند و پربارش به اجرای فرامین قرآنی و سنت نبوی پایبند بود و با پشت پا زدن به مظاهر دنیای مادی، مراتب کمال را می‌پیمود و رضایت پروردگار را می‌طلبید. خداترسی و پرهیزگاری آن بانوی نمونه وی را به سرحد کمال رسانید و تشنگان حقیقت را از برکات آن نفس قدسیه سیراب نمود. هنگامی که آیات ذیل بر قلب مقدس پیامبر خدا (ص) نازل گردید: «وانّ جهنم لموعدهم اجمعین، لها سبعة ابواب لكل باب منهم جزء مقسوم؛ البته وعدگاه جمیع آن مردم گمراه آتش دوزخ خواهد بود آن دوزخ را هفت در است که هر دری برای ورود دسته ای از گمراهان معین گردیده است. (۲۳)

پیامبر گریه شدیدی کرد، صحابه به حال پیامبر ناراحت شدند ولی علت گریه را نمی‌دانستند. عادت آن حضرت چنان بود که با دیدن فاطمه (س) شاد می‌گردید و آثار شادی در چهره اش نمایان می‌گشت. یکی از اصحاب خدمت فاطمه (س) رفت و از وی خواست سبب گریه پیامبر (ص) را جویا گردد. آنگاه فاطمه (س) نزد رسول خدا (ص) آمد و پرسید: پدرجان فدایت کردم. علت گریه شما چیست. پیامبر دو آیه فوق را تلاوت نمود. فاطمه (س) که نام جهنم را شنید فوق العاده منقلب شد و پی در پی گفت: الویل ثم الویل لمن دخل النار. وای، پس وای بر کسی که وارد دوزخ گردد. (۲۴)

در خطبه جاودانه ای که فاطمه (س) در دفاع از حق خویش بیان نمود حاضران را به تقوا و پرهیزگاری دعوت نمود و فرمود: فاتقوا الله حق تقاته ولا تموتنّ و انتم مسلمون؛ راه خداترسی را آنگونه که شایسته است پیشه سازید و بکوشید جز مسلمان جهان را بدرود نگویید. (۲۵)

آن حضرت بدکاران را مورد خطاب قرار داده و به عذاب روز قیامت هشدار می‌دهد: من یأتیه عذاب یخزیه و یحلّ علیه عذاب مقیم؛ به زودی خواهید دانست چه کسی جهاد و مبارزه ای که فاطمه (س) مردم غفلت زده آن زمان را بدان دعوت می‌نماید، دفاع از حق ولایت حضرت علی (ع) است. آن‌هایی که با تن پروری و رخوت و تقصیر پوستین اسلام را وارونه به تن کردند و به کنار رفتن شخصیتی که از همه شایسته تر بود رضایت

دادند مورد نکوهش دختر رسول خدا (ص) واقع شدند. عذاب خوارکننده بسویش خواهد آمد و کیفر ماندگار دامانش را خواهد گرفت. (۲۶)

دختر رسول خدا (ص) در جمع زنان مهاجر و انصار از عدم ایمان و خداترسی مردان شان سخن گفته و می‌فرماید: ولوان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض ولكن کذبوا فاخذناهم بما کانوا یکسبون؛ اگر مردم شهرها، ایمان آورده و پروا پیشه ساخته بودند. بی تردید برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم. ولی آنان آیات ما را دروغ پنداشتند. پس ما نیز به کیفر اعمالشان گریبان آن‌ها را گرفتیم. (۲۷)

۱. مسند فاطمه، مهدی جعفری، ص ۲۳.
۲. فاطمة الزهراء من المهدی الی اللحد، ص ۱۰۴.
۳. سوره اعراف، آیه ۱۷۲.
۴. سوره احزاب، آیه ۳۳.
۵. سوره نور، آیه ۳۵.
۶. بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۰.
۷. سوره نجم، آیه ۳ و ۴.
۸. سوره شوری، آیه ۲۳.
۹. تفسیر درالمنثور، ج ۲، ص ۷.
۱۰. مسند فاطمه، مهدی جعفری، ص ۳۳۶.
۱۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷.
۱۲. مسند فاطمه، ص ۲۳۵.
۱۳. درالمنثور، ج ۶، ص ۱۴۰.
۱۴. سوره ابراهیم، آیه ۸.
۱۵. سوره آل عمران، آیه ۸۵.
۱۶. سوره مائده، آیه ۵۰.
۱۷. سوره توبه، آیه ۱۲۹.
۱۸. سوره فتح، آیه ۸.
۱۹. سوره توبه، آیه ۱۳.
۲۰. سوره یونس، آیه ۳۵.
۲۱. سوره یوسف، آیه ۱۸.
۲۲. سوره هود، آیه ۱۲۲، ۱۲۱.
۲۳. سوره حجر، آیه ۴۴، ۴۳.
۲۴. بیت الاحزان، محدث قمی، ص ۵۰.
۲۵. سوره آل عمران، آیه ۱۰۲.
۲۶. سوره هود، آیه ۲۹.
۲۷. سوره اعراف، آیه ۹۶.

.....
مجله پاسدار اسلام خرداد ۱۳۸۵، شماره ۲۹۴

سیمای فاطمه (س) در روز قیامت

چهره مقدس و ملکوتی فاطمه زهرا(س) در تاریخ اسلام آنقدر تابناک و روشن است که چندان به تحقیق و بررسی نیاز ندارد؛ اما با توجه به ایام شهادت آن بزرگوار شایسته است اندکی درباره فضایل حضرتش گفتگو کنیم. براین اساس، به سراغ روایات نورانی معصومان علیهم السلام می‌رویم تا بامقام و جایگاه آن حضرت در قیامت آشنا شویم.

کیفیت برانگیخته شدن

برانگیخته شدن و رستاخیز از لحظات بسیار سخت و وحشتناک آینده بشر است؛ زمانی که معصومان علیهم السلام همواره بدان می‌اندیشند و گاه از خوف آن بیهوش می‌شدند. فاطمه(س) نیز چنین بود و بیشتر بدین زمان می‌اندیشید. فکر زنده شدن، عریان بودن انسان‌ها در قیامت، عرضه شدن به محضر عدل الهی و... او را در اندوه فرو می‌برد. امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: «روزی پیامبر خدا(ص) بر فاطمه(س) وارد شد و او را اندوهناک یافت. فرمود: دخترم! چرا اندوهگینی؟

فاطمه پاسخ داد: پدرجان! یاد قیامت و برهنه محسور شدن مردم در آن روز رنجم می دهد.

پیامبر فرمود: آری دخترم! آن روز، روز بزرگی است؛ اما جبرئیل از سوی خداوند برایم خبر آورد من اولین کسی هستم که برانگیخته می شوم؛ سپس ابراهیم و آنگاه همسرت علی بن ابی طالب (ع). پس از آن، خداوند جبرئیل را همراه هفتاد هزار فرشته به سوی تو می فرستد. وی هفت گنبد از نور بر فراز آرامگاهت برقرار می سازد. آنگاه اسرافیل لباس های بهشتی برایت می آورد و تو آن ها را می پوشی. فرشته دیگری به نام زوقائیل مرکبی از نور برایت می آورد که مهارش از مروارید درخشان و جهازش از طلاست. تو بر آن مرکب سوار می شوی و زوقائیل آن را هدایت می کند. در این حال هفتاد هزار فرشته با پرچم های تسبیح پیشاپیش تو راه می سپارند. اندکی که رفتی، هفتاد هزار حورالعین در حالی که شادمانند و دیدارت را به یکدیگر بشارت می دهند، به استقبال می شتابند. به دست هریک از حوریان منقلی از نور است که بوی عود از آن بر می خیزد... آن ها در طرف راستت قرار گرفته، همراهت حرکت می کنند. هنگامی که به همان اندازه از آرامگاهت دور شدی، مریم دختر عمران همراه هفتاد هزار حورالعین به استقبال می آید و بر تو سلام می گوید. آن ها سمت چپت قرار می گیرند و همراهت حرکت می کنند. آنگاه مادرت خدیجه، اولین زنی که به خدا و رسول او ایمان آورد، همراه هفتاد هزار فرشته که پرچمهای تکبیر در دست دارند، به استقبال می آیند. وقتی به جمع انسان ها نزدیک شدی، حواء با هفتاد هزار حورالعین به همراه آسیه دختر مزاحم نزدت می آید و با تو رهسپار می شود.

حضور فاطمه (س) در میان مردم

فاطمه جان، هنگامی که به وسط جمعیت حاضر در قیامت می رسی، کسی از زیر عرش پروردگار به گونه ای که تمام مردم صدایش را بشنوند، فریاد می زند: چشمها را فرو پوشانید و نظرها را پایین افکنید تا صدیقه فاطمه، دخت پیامبر (ص) و همراهانش عبور کنند. پس در آن هنگام هیچ کس جز ابراهیم خلیل الرحمان و علی بن ابی طالب (ع) و... به تو نگاه نمی کنند. (۱)

جابر بن عبدالله انصاری نیز در حدیثی از پیامبر خدا (ص) این حضور را چنین توصیف می کند:

روز قیامت دخترم فاطمه بر مرکبی از مرکبهای بهشت وارد عرصه محشر می شود. مهار آن مرکب از مروارید درخشان، چهار پایش از زمرد سبز، دنباله اش از مشک بهشتی و چشمانش از یاقوت سرخ است و بر آن گنبدی از نور قرار دارد که بیرون آن از درونش و درون آن از بیرونش نمایان است. فضای داخل آن گنبد انوار عفو الهی و خارج آن پرتو رحمت خدایی است. بر فرازش تاجی از نور دیده می شود که هفتاد پایه از در و یاقوت دارد که همانند ستارگان درخشان نور می افشانند. در هریک از دو سمت راست و چپ آن مرکب هفتاد هزار فرشته به چشم می خورد. جبرئیل مهار آن را در دست دارد و با صدای بلند ندا می کند: نگاه خود فراسوی خویش گیرید و نظرها پایین افکنید. این فاطمه دختر محمد است که عبور می کند. در این هنگام، حتی پیامبران و انبیاء و صدیقین و شهدا همگی از ادب دیده فرو می گیرند تا فاطمه (س) عبور می کند و در مقابل عرش پروردگارش قرار می گیرد. (۲)

منبری از نور برای فاطمه (س)

در ادامه گفتگوی پیامبر با دخترگرامی اش درباره چگونگی حضور وی در عرصه قیامت، چنین می خوانیم: سپس منبری از نور برایت برقرار می سازند که هفت پله دارد و بین هر پله ای تا پله دیگر صفهایی از فرشتگان قرار گرفته اند که در دستشان پرچمهای نور است. همچنین در طرف چپ و راست منبر حورالعین صف می کشند... آنگاه که بر بالای منبر قرار می گیری، جبرئیل می آید و می گوید: ای فاطمه! آنچه مایلی از خدا بخواه... (۳)

دادگاه عدل الهی

اولین درخواست فاطمه در روز قیامت، پس از عبور از برابر خلق، شکایت از ستمگران است.

جابر ابن عبدالله انصاری از پیامبر (ص) چنین نقل می کند: هنگامی که فاطمه در مقابل عرش پروردگار قرار می گیرد، خود را از مرکب به زیر انداخته،

شفاعت برای دوستان اهل بیت علیهم السلام

سومین درخواست فاطمه در روز قیامت از پروردگار، شفاعت از دوستان و پیروان اهل بیت علیهم السلام است که مورد قبول حق قرار می‌گیرد و دوستان و پیروانش را مورد شفاعت قرار می‌دهد.

امام باقر(ع) می‌فرماید: هنگامی که فاطمه به در بهشت می‌رسد، به پشت سرش می‌نگرد. ندا می‌رسد: ای دختر حبیب! اینک که دستور داده‌ام به بهشت بروی، نگران چه هستی؟

فاطمه(س) جواب می‌دهد: ای پروردگار! دوست دارم در چنین روزی با پذیرش شفاعتم، مقام و منزلتم معلوم شود.

ندا می‌رسد: ای دختر حبیب! برگرد و در مردم بنگر و هرکه در قلبش دوستی تو یا یکی از فرزندان نهفته است داخل بهشت گردان. (۱۰)

امام باقر(ع) در روایتی دیگر می‌فرماید: در روز قیامت بر پیشانی هر فردی، مؤمن یا کافر نوشته شده است. پس به یکی از محبان اهل بیت علیهم السلام که گناهانش زیاد است دستور داده می‌شود به جهنم برده شود. در آن هنگام، فاطمه(س) میان دو چشمش را می‌خواند که نوشته شده است: دوستدار اهل بیت. پس به خدا عرضه می‌دارد:

الهی و سیدی! تو مرا فاطمه نامیدی و دوستان و فرزندانم را به وسیله من از آتش دور ساختی و وعده تو حق است و هرگز وعده ات را زیر پا نمی‌نهی. ندا می‌رسد: فاطمه! راست گفتی؛ من تو را فاطمه نامیدم و به وسیله تو، دوستان و پیروانت و دوستان فرزندان و پیروانشان را از آتش دور گردانیدم. وعده من حق است و هرگز تخلف نمی‌کنم.

اینکه می‌بینی دستور دادم بنده ام را به دوزخ برند، بدین جهت بود که درباره اش شفاعت کنی و شفاعتت را بپذیرم تا فرشتگان، پیامبران، رسولان و همه مردم از منزلت و مقامت آگاهی یابند. حال بنگر، دست هرکه بر پیشانی اش «مؤمن» نوشته شده، بگیر و به بهشت ببر. (۱۱)

شفاعت دوستان فاطمه از دیگران

عظمت و مقام حضرت فاطمه در روز قیامت چنان است که خداوند به خاطر فاطمه به دوستان آن حضرت نیز مقام شفاعت می‌دهد. امام

اظهار می‌دارد: الهی و سیدی، میان من و کسی که مرا آزرده و بر من ستم روا داشته، داوری کن. خدایا! بین من و قاتل فرزندم، حکم کن... (۴)

براساس روایتی دیگر، پیامبر اکرم(ص) فرمود: دخترم فاطمه در حالی که پیراهنهای خونین در دست دارد، وارد محشر می‌شود؛ پایه ای از پایه‌های عرش را در دست می‌گیرد و می‌گوید: «یا عدل یا جبار احکم بینی و بین قاتل ولدی» ای خدای عادل و غالب، بین من و قاتل فرزندم داوری کن. قال: «فیحکم لابنتی و رب الکعبة» به خدای کعبه سوگند، به شکایت دخترم رسیدگی می‌شود و حکم الهی صادر می‌گردد. (۵)

دیدار حسن و حسین علیهما السلام

دومین خواسته فاطمه در روز قیامت از خداوند چنین است: خدایا! حسن و حسین را به من بنمایان.

در این لحظه، امام حسن و امام حسین علیهما السلام به سوی فاطمه می‌روند، در حالی که از رگ‌های بریده حسین خون فوران می‌کند. (۶) پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: هنگامی که به فاطمه گفته می‌شود وارد بهشت شو، می‌گوید: هرگز وارد نمی‌شوم تا بدانم پس از من با فرزندانم چه کردند؟ به وی گفته می‌شود: به وسط قیامت نگاه کن.

پس بدان سمت می‌نگرد و فرزندش حسین را می‌بیند که ایستاده و سر در بدن ندارد. دخت پیامبر(ص) ناله و فریاد سر می‌دهد. فرشتگان نیز (بادیدن این منظره) ناله و فریاد بر می‌آورند. (۷)

امام صادق(ع) می‌فرماید: حسین بن علی(ع) در حالی که سر مقدسش را در دست دارد، می‌آید. فاطمه با دیدن این منظره ناله ای جانسوز سر می‌دهد. در این لحظه، هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل و بنده مؤمنی نیست مگر آنکه به حال او می‌گرید. (۸)

در این موقعیت، خداوند به خشم آمده، به آتشی به نام «ههب» که هزار سال در آن دمیده شده تا سیاه گشته و هیچ آسودگی در آن راه نمی‌یابد و هیچ اندوهی از آنجا بیرون نمی‌رود، دستور می‌دهد کشندگان حسین بن علی را بگیر و جمع کن... آتش به فرمان پروردگار عمل کرده، همه آن‌ها را بر می‌چیند... (۹)

جهازهایشان از طلای زرد و یاقوت سرخ و مهارهایشان از لؤلؤ و مروارید درخشان است سوارند، به استقبال می‌شتابند. پس وقتی داخل بهشت شدی، بهشتیان به یکدیگر ورودت را بشارت خواهند داد و برای شیعیان سفره‌هایی از گوهر، (۱۴) که بر پایه‌هایی از نور برقرار ساخته اند، آماده می‌سازند و در حالی که هنوز سایر مردم گرفتار حسابرسی اند، آنان از غذاهای بهشتی می‌خورند. (۱۵)

اولین سخن فاطمه (س) در بهشت

سلمان فارسی از پیامبر اسلام (ص) چنین روایت کرده است: هنگامی که فاطمه داخل بهشت می‌شود و آنچه خداوند برایش مهیا کرده می‌بیند، این آیه را تلاوت می‌کند:

(بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور الذي احلنا دار المقامة من فضله لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب) (۱۶)
ستایش و سپاس ویژه خدایی است که اندوهمان را زدود. بدرستی که پروردگار ما آمرزنده و پاداش دهنده است؛ پروردگاری که در سایه بخشش خود ما را به بهشت و اقامتگاه همیشگی مان فرود آورد. ما در آن جا با رنج و ملالی رو به رو نمی‌شویم.

نورانی شدن بهشت از نور فاطمه (س)

ابن شهر آشوب می‌نویسد: در بسیاری از کتابها، از جمله کشف ثعلبی و فضائل ابوالسعادات، در معنای این آیه (لایرون فیها شمساً و لازمهریرا) (۱۷) (ونمی بینند در بهشت نه آفتاب و نه سرمایی را).
آورده اند که ابن عباس گفت: چنانکه بهشتیان در بهشت هستند، ناگاه نوری می‌بینند که باغهای بهشت را نورانی کرد. اهل بهشت اظهار می‌دارند: خدایا! تو در کتابی که بر پیامبرت فرستادی، فرمودی: (لایرون فیها شمساً) (بهشتیان در بهشت خورشیدی نخواهند دید). ندا می‌رسد: این، نور آفتاب و ماه نیست، بلکه علی و فاطمه از چیزی تعجب کرده و خندیدند و از نور آن دو، بهشت روشن گردید. (۱۸)

زیارت انبیاء از فاطمه (س) در بهشت

آنگاه که همه انبیاء و اولیای خدا وارد بهشت شدند، آهنگ دیدار دختر

باقرع) به جابر فرمود: جابر! به خدا سوگند، فاطمه (س) با شفاعت خود در آن روز شیعیان و دوستانش را از میان اهل محشر جدا می‌سازد. چنانکه کبوتر دانه خوب را از دانه بد جدا می‌کند.

هنگامی که شیعیان فاطمه همراه وی به در بهشت می‌رسند، خداوند در دلشان می‌افکند که به پشت سر بنگرند. وقتی چنین کنند، ندا می‌رسد: دوستان من!

اکنون که شفاعت فاطمه را در حق شما پذیرفتم، نگران چه هستید؟ آنان عرضه می‌دارند: پروردگارا! ما نیز دوست داریم در چنین روزی مقام و منزلت ما برای دیگران آشکار شود.

ندا می‌رسد: دوستانم! برگردید و بنگرید و هر که به خاطر دوستی فاطمه شما را دوست داشت و نیز هر که به خاطر محبت فاطمه به شما غذا، لباس یا آب داده و یا غیبتی را از شما دور گردانیده همراه خود وارد بهشت کنید. (۱۲)

به سوی بهشت

فاطمه (س)، پس از شفاعت از دوستان خود و فرزندان و رسیدگی به شکایتش در دادگاه عدل الهی به فرمان خدا، با جلال و شکوه خاصی وارد بهشت می‌شود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: روز قیامت دخترم فاطمه در حالی که لباس‌های اهدایی خداوند را که با آب حیات آمیخته شده، پوشیده، محسوس می‌شود و همه مردم از مشاهده این کرامت تعجب می‌کنند. آنگاه لباسی از لباس‌های بهشت بر وی پوشانده می‌شود. بر هزار حله بهشتی برای او با خط سبز چنین نوشته شده است: دختر پیامبر را به بهترین شکل ممکن و کامل ترین هیبت و تمامترین کرامت و بیشترین بهره وارد هشت سازید. پس، فاطمه (س) را به فرمان پروردگار در کمال عظمت و شکوه، در حالی که پیرامونش هفتاد هزار کنیز قرار گرفته، به بهشت می‌برند. (۱۳)

استقبال حوریان بهشتی

رسول خدا (ص) به فاطمه (س) فرمود: هنگامی که به در بهشت می‌رسی، دوازده هزار حوریه، که تاکنون به ملاقات کسی نرفته و نخواهند رفت در حالی که مشعل‌های نورانی به دست دارند و بر شترانی از نور که

پیامبر خدا می‌کنند. رسول خدا(ص) به فاطمه فرمود: هرگاه اولیای خدا در بهشت مستقر گردیدند، از آدم گرفته تا سایر انبیا همه به دیدارت می‌شتابند. (۱۹)

عنايات خداوند به فاطمه (س) در بهشت

پروردگار منان به فاطمه زهرا(س) در بهشت عنایاتی ویژه خواهد داشت. بخشی از آن عنایات چنین است:

۱ - خانه‌های بهشتی

پیامبر خدا(ص) فرمود: هنگامی که مرا به معراج بردند و داخل بهشت شدم، به قصر فاطمه رسیدم؛ درون آن هفتاد قصر بود که تمام در و دیوار و تاقهایش از دانه‌های مروارید سرخ ساخته شده، همه آن‌ها به یک شکل زینت داده شده بود. (۲۰)

۲ - همنشینی با پیامبر(ص)

پیامبر اکرم(ص) به علی(ع) فرمود: یا علی! تو و دخترم فاطمه در بهشت در قصر من همنشین من هستید. سپس این آیه را تلاوت فرمود: (برادران بر تختهای بهشتی رو به روی هم می‌نشینند). (۲۱)

۳ - درجه وسیله

رسول خدا(ص) فرمود: فی الجنة درجة تدعى الوسيلة فاذا سالم الله فاسالوا الى الوسيلة قالوا يا رسول الله من يسكن معك فيها؟ قال علی و فاطمة و الحسن و الحسين (۲۲)

در بهشت درجه ای به نام «وسیله» است. هرگاه خواستید، هنگام دعا، چیزی برایم بخواهید، مقام وسیله را از خداوند خواستار شوید.

گفتند: یا رسول الله! چه کسانی در این درجه (مخصوص) با شما همنشین خواهند بود؟

فرمود: علی، فاطمه، حسن و حسین.

علامه امینی در مناقب بیست و ششم می‌نویسد: از مناقب حضرت زهرا(ص) همراه بودن او با پدر و همسر و فرزندانش در درجه الوسيلة است. آنجا پایتخت ظمت حضرت حق تبارک و تعالی است و جز پنج تن علیهم السلام هیچ یک از انبیا و اولیا و مرسلین و صالحان و فرشتگان مقرب کسی بدان راه نمی‌یابد. (۲۳)

۴ - سکونت در حظيرة القدس

سیوطی در مسند می‌نویسد: «ان فاطمة و علیا و الحسن و الحسين فی حظيرة القدس فی قبة بیضاء سقفها عرش الرحمن.» (۲۴)

فاطمه و علی و حسن و حسین در جایگاهی بهشتی به نام «حظيرة القدس» در زیر گنبدی سفید به سر می‌برند که سقف آن عرش پروردگار است. پیامبر خدا(ص) فرمود: در قیامت، جایگاه من و علی و فاطمه و حسن و حسین سرایی زیر عرش پروردگار است. (۲۵)

نویسنده خصایص فاطمه، ضمن بیانی مفصل درباره حظيرة القدس، می‌نویسد: والاترین جایگاه‌ها در هشت حظيرة القدس است. (۲۶)

۵ - بخشیدن چشمه تسنیم به فاطمه(س)

طبری از همام بن ابی علی چنین نقل می‌کند: به کعب الحبر گفتم: نظرت درباره شیعیان علی بن ابی طالب چیست؟

گفت: ای همام! من اوصافشان را در کتاب خدا می‌یابم. اینان پیروان خدا و پیامبرش و یاران دین او و پیروان ولی اش شمرده می‌شوند. اینان بندگان ویژه خدا و برگزیدگان اویند. خدا آن‌ها را برای دینش برگزید و برای بهشت خویش آفرید.

جایگاهشان در فردوس اعلاي بهشت است؛ در خیمه ای که اتاق‌هایی از مروارید درخشان دارد، زندگی می‌کنند. آنان از مقربین ابرارند و سرانجام از جام «رحیق مختوم» می‌نوشند.

رحیق مختوم چشمه ای است که به آن «تسنیم» گفته می‌شود و هیچ کس جز آن‌ها از آن چشمه استفاده نخواهد کرد. تسنیم، چشمه ای است که خداوند آن را به فاطمه(س) دختر پیامبر(ص) و همسر علی ابن ابی طالب(ع) بخشید و از پای ستون خیمه فاطمه جاری می‌شود. آب آن چشمه چنان گواراست که به سردی کافور و طعم زنجفیل و عطر مشک شباهت دارد... (۲۷)

پی نوشت‌ها

- ۱ - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۵.
- ۲ - فاطمة الزهراء، علامه امینی، ص ۷۴؛ امالی صدوق، ص ۱۶.
- ۳ - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۵.
- ۴ - امالی صدوق، ص ۱۶.
- ۵ - مناقب علی بن ابی طالب، ص ۶۳.
- ۶ - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۰.
- ۷-۸ - همان، ص ۲۲۱.
- ۹ - همان، ص ۲۲۲.
- ۱۰ - تفسیر فرات کوفی، ص ۱۱۴.
- ۱۱ - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵.
- ۱۲ - تفسیر فرات کوفی، ص ۱۱۴.
- ۱۳ - ذخائر العقبی، ص ۴۸.
- ۱۴ - کنایه از غذاهایی بسیار خوب است.
- ۱۵ - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۷.
- ۱۶ - القطره، ص ۱۹۲؛ سوره فاطر، آیه ۳۴.
- ۱۷ - انسان، آیه ۱۳.
- ۱۸ - مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۹.
- ۱۹ - بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۷.
- ۲۰ - همان، ص ۷۶.
- ۲۱ - ۲۲ - فاطمة الزهراء، ص ۹۹.
- ۲۳ - همان، ص ۱۱۳.
- ۲۴ - مسند فاطمه، ص ۴۵؛ کفایة الطالب، ص ۳۱۱؛ بشارة المصطفی، ص ۴۸.
- ۲۵ - فاطمة الزهراء، ص ۱۰۰.
- ۲۶ - خصایص فاطمه، ص ۳۴۱.
- ۲۷ - بشارة المصطفی، ص ۵۰.

مجله فرهنگ کوثر شهریور ۱۳۷۸، شماره ۳۰

موقوفات فاطمه (س)

زندگی کوتاه زهرای مرضیه (س) برکات بی شماری را به دنبال داشت، برکات معنویش سراسر تاریخ اسلامی را فراگرفت، حکایت‌های پیامبر (ص) و ائمه اهل بیت (ع) از رفتار خداپسندانه اش بالاترین مدرسه انسان سازی آنان بود، مفسران ژرف اندیش در ذیل سوره کوثر، فاطمه (س) و فرزنداناش را مصداق حقیقی کوثر - خیر کثیر - دانسته اند (۱)، که خداوند آن‌ها را به پیامبرش عنایت کرد پس نمی‌توان برکات وجودی فاطمه (س) را منحصر در امور معنوی تنها دانست، عملکرد و سیره پیامبرگونه اش در امور مادی و معنوی هر دو برکت را به دنبال داشت. او در باب صدقات و موقوفات برترین بانوی جهان بوده و هست، هر چه را مالک بوده بر اساس سیره پدر بزرگوارش تقدیم به فقراء و مستمندان می‌نمود و علاوه بر کمک‌های مقطعی کمک‌های جاویدان و مستمری - موقوفات و صدقات - داشته است.

علامه عالی‌مقدار مجلسی (ره) می‌گوید: سید بن طاووس (ره) رو به فرزندش نمود، گفت: پسر من، موقوفات و صدقات جده ات فاطمه زهرا (س) همانند العوالی - حیطان سبعة - و... از اموالی بود که رسول خدا (ص) آن‌ها را بدون جنگ و درگیری مالک گردید و کسی در آن شریک نبوده و

ملک خالص آن حضرت شد و «فی» محسوب شد. بعدا پیامبر خدا(ص) آن‌ها را در زمان حیات خویش به دخترش به صورت هبه (بخشش) واگذار کرد. فاطمه(س) هم آن‌ها را در راه خدا وقف نمود - غیر از فدک که توضیحش خواهد آمد - و سپس «موقوف علیهم» - کسانی را که می‌توانند از آن موقوفات استفاده نمایند - مشخص کرد.

سپس سید بن طاووس(ره) اضافه کرد و گفت فرزندم: در ارزش آن‌ها همین قدر بس که بعضی از آن اموال سالانه بین ۲۴۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ درهم درآمد داشته است. (۲)

اسامی صدقات صدیقه طاهره(س)

الف) ام العیال: چشمه ای است که به برکت آن روستایی بزرگ در کنارش ساخته شده، این روستا در نزدیکی قلعه‌های «آرة» که بین راه مکه و مدینه است واقع شده، در آن روزگار بیش از ۲۰۰۰۰ نخل خرما داشته است و امروز هم در آنجا میوه‌های مختلف مانند لیمو، انگور، موز به عمل می‌آید، ام العیال در یکصد و هفتاد کیلومتری مدینه منوره و پنجاه و شش کیلومتری شرق «سقیاء» قرار دارد. (۳)

عرام بن اصبغ سلمی که شخصی مورد اطمینان است و در سال‌های ۲۷۵ هجری قمری زندگی می‌کرده و در شناسایی منطقه «تهامه» از خبرگی ویژه ای برخوردار بود (۴) می‌گوید: ام العیال قریه صدقه فاطمه الزهراء بنت رسول الله ((ص))؛ روستای ام العیال صدقه و موقوفه فاطمه زهرا(س) دختر رسول خدا(ص) است. (۵) امروز هم فرزندان فاطمه(س) از آن بهره می‌گیرند. این چشمه و این سرزمین از سوی صدیقه طاهره(س) بر سادات حسینی وقف گردیده است. (۶)

چه بسا وقف بر سادات حسینی از آن جهت بوده که بنا بر پیش بینی فاطمه(س) امامت در نسل و فرزندان حسین بن علی - علیهما السلام - استمرار پیدا می‌کرده و از سوی دیگر بعد از شهادت ابا عبدالله الحسین(ع) فرزندان آن حضرت بیشتر مورد غضب و ناخوشایندی حاکمان بنی امیه واقع می‌شدند و نیاز به یک پشتوانه مالی خاص داشتند. از این رو «ام

العیال» را وقف سادات حسینی می‌نماید و در بین مسلمانان روشن و مسلم است که اموال موقوفه باید صرف «موقوف علیهم» گردد.

سمهودی نیز می‌نویسد: ام العیال، چشمه ای است که متعلق به فاطمه زهرا(س) بوده سپس آن را وقف نمود. توسط این چشمه بیش از بیست هزار نخل آبیاری می‌گردیده و جعفر بن طلحة بن عبیدالله تیمی دویست هزار دینار جهت احیاء آن و اطراف آن صرف کرده است. (۷)

ب) دیگر موقوفات صدیقه طاهره در وصیت نامه اش به علی بن ابیطالب(ع) چنین آمده است: ابوبصیر می‌گوید: امام محمد باقر(ع) فرمود: آیا وصیت نامه مادرم فاطمه(س) را در این مورد بخوانم؟ ما تقاضا و درخواست نمودیم که قرائت کند. حضرت ظرف کوچک (و یا زنبیلی) را بیرون آورد و نوشته ای را از آن میان به دست گرفت و چنین قرائت کرد: «بسم الله الرحمن الرحيم، هذا ما اوصت به فاطمة بنت محمد رسول الله - (ص) - اوصت بحوائطها السبعة، العواف و الدلال و البرقة و الميثب و الحسنی و الصافیة و ما لام ابراهيم الی علی بن ابی طالب فان مضی علی فالی الحسن فان مضی الحسن فالی الحسین فان مضی الحسین فالی الاکبر من ولدی. شهد الله علی ذلک و المقداد بن الاسود و الزبیر بن عوام و کتب علی بن ابی طالب - (ع) -»؛ (۸) این وصیت نامه ای است که فاطمه زهرا(س) دختر محمد پیامبر خدا(ص) بدان وصیت نمود. در آن وصیت نمود که زمین‌ها و باغ‌های دیوار شده هفت گانه: العواف، الدلال، البرقه، الميثب، الحسنی، الصافیة و مشربه ام ابراهیم، در اختیار علی بن ابی طالب(ع) است و چنانچه علی(ع) از دنیا رفت در اختیار فرزندم حسن بن علی(ع) قرار می‌گیرد و چنانچه او از دنیا رفت در اختیار فرزندم دیگرم حسین بن علی(ع) خواهد بود و بعد از او در اختیار بزرگترین فرزندانم قرار خواهد گرفت. گواهی می‌دهد بر این وصیت نامه خداوند متعال و سپس افرادی همانند مقداد بن اسود کندی و زبیر بن عوام. که وصیت نامه توسط امیرمؤمنان علی بن ابیطالب(ع) نوشته شد.

همانند روایت فوق با اندکی اختلاف از امام صادق و امام رضا(ع) نقل گردیده و مضمون گذشته را مورد تاکید قرار داده اند.

۲ - الصافیة: این باغ در قسمت شرقی مدینه واقع شده و به قطعه «زهیره» (۱۴) معروف است این مکان از جمله اموالی بود که از یهود بنی قریظه بدست آمد و چون هیچگونه درگیری وجود نداشت جزء اموال خالص پیامبر خدا (ص) محسوب شد و کسی در آن سهمی نداشت. پیامبر آن را به دخترش فاطمه (س) واگذار کرد او هم آن را وقف نمود.

۳ - الدلال: قطعه زمینی بود که در قسمت شرقی مدینه قبل از صافیة واقع شده، آن را بنی ثعلب یهود مالک بودند، امام باقر (ع) فرمود: دلال متعلق به یک زن یهودی از بنی نضیر بود که سلمان (ره) در نزد او در بردگی بسر می برد، آن زن طی قراردادی با سلمان بنا را بر این گذاشتند که سلمان آن سرزمین احیا کند و درختکاری نماید سپس آن زن مسلمان را آزاد نماید، رسول خدا (ص) از این پیمان و قرارداد آگاه شد، به نزد مسلمان در محل کاشتن درختها آمد و به او کمک کرد و در مدت کوتاهی درختان بزرگ شدند و به ثمر نشستند، پس از مدتی که اسلام قدرت پیدا کرد. آن سرزمین به عنوان غنیمت - فیء - به تصرف پیامبر خدا درآمد، پیامبر (ص) آن را به دخترش فاطمه داد. فاطمه (س) هم آن را وقف در راه خدا نمود. (۱۶) و بعضی محدثان از «الدلال» تعبیر به «الکلاب» کرده اند و گفته اند: آن نهر آب مورد توجهی بود که در مدینه جاری می گشت و مردم از آن بهره می بردند.

۴ - برقه: این باغ در قبله مدینه به سمت مشرق قرار گرفته بود، قبلا از اموال یهود بنی قریظه محسوب می گردید لکن بعد از اینکه به دست رسول خدا (ص) افتاد سلمان (ره) در آن درختکاری کرد و بعد هم به فاطمه واگذار شد که آن حضرت آن را وقف بر بنی هاشم و بنی المطلب نمود. (۱۷)

۵ - المیثب: جایش معین نیست و لکن جزء عنائمی است که بدون جدال به دست پیامبر (ص) افتاد، او هم آن را به دختر خویش داد و بعد هم فاطمه (س) وقفش نمود، بکری می گویند: از موقوفات عام رسول خدا (ص) است. (۱۸)

۶ - حسنی: موضعی است که در نزدیکی «الدلال» واقع شده و مشهور به «الحسینیات» می باشد، این محل از وادی «مهزور» آبیاری می گردد. (۱۹)

۷ - مشربه ام ابراهیم: در آخر باب العوالی مدینه منوره، بستانی است که چون ام ابراهیم - ماریه قبطیه - همسر رسول خدا (ص) را در آنجا درد

سمهودی در باره باغ های هفتگانه به نقل از واقدی گفته است: مخیریق در میان یهود بنی نضیر عالم اندیشمند و متعهدی بود که ایمان به پیامبر خدا (ص) آورد سپس اموالش را در اختیار آن حضرت قرار داد و این اموال همان باغ های دیوار کشیده هفتگانه بوده است. و همچنین از محمد بن کعب نقل کرده که: که این اموال متعلق به مخیریق یهودی بوده، چون جنگ «احد» فرا رسید رو به دیگر یهودیان کرد و گفت: چرا محمد (ص) را یاری نمی کنید؟ سوگند به خدا همه شما می دانید که یاری دادن به او وظیفه و تکلیف همه شماها است. جواب دادند:

امروز شنبه است [روز عبادت و تعطیلی است] مخیریق گفت: شما از وظیفه فرار می کنید شنبه یعنی چه؟! سپس خود شمشیر برگرفت و همراه با رسول گرامی اسلام با دشمنان آن حضرت جنگید تا سخت مجروح گردید و چون در بستر افتاد چنین وصیت کرد: «اموالی الی محمد یضعها حیث یشاء؛ دارائی های من در اختیار محمد (ص) خواهد بود هر کجا می خواهد و صلاح می داند مصرف کند.» (۹)

رسول خدا در سال هفتم هجرت اموال مخیریق را جزء صدقات قرار داد (۱۰) و لکن امام رضا (ع) فرمود: رسول خدا آن ها را وقف بر فاطمه نمود، و سپس فاطمه آن ها را بر بنی هاشم و بنی المطلب وقف نموده است. (۱۱)

باغ های هفتگانه موقوفه فاطمه (س)

«حیطان سبعة» همان باغ ها و مزارع هفت گانه ای است که اطراف آن دیوار کشیده شده بود و بیشتر آن ها در منطقه «العوالی» و شرق مدینه منوره واقع شده بود.

۱- العواف: بعضی آن را - الاعواف - دانسته اند و لکن ابن شیه می گوید صحیح در نزد من «العواف» است، و آن جایگاه وسیعی است در نزدیکی شهر مدینه که مردم آن اموال خویش - گوسفندان و شتران و... - را در آن جا نگهداری می کردند، این وادی از سرچشمه «مهزور» آبیاری می گردید. (۱۲)

ابو غسان گفته است: الاعواف جزء معروف بالعالیة (۱۳)؛ اعواف: قطعه زمین شناخته شده ای است که در منطقه باب العوالی واقع شده است.

زایمان عارض شد، دستش را به چوبی گرفته بود که بعد از لحظاتی فرزندش «ابراهیم» به دنیا آمد بدین جهت مشربه ام ابراهیم نام گرفت این بستان در نزدیکی مدارس یهودی آن روز قرار داشت و درختان آن بستان ازوادی «مهور» آبیاری می‌گردید. (۲۰)

مشربه به اطاق مسکونی اطلاق می‌شود، پیامبر خدا(ص) ماریه قبطیه را آنجا سکونت داده بود. (۲۱)

آیا فدک جزء موقوفات بوده یا نه؟

در باره فدک توجه به دو مطلب حائز اهمیت است: اولاً: فدک در ۱۴۰ کیلومتری مدینه منوره واقع شده و بعضی مانند یاقوت حموی فاصله بین فدک و مدینه منوره را دو تا سه روز دانسته اند و فدک را غیر از حیطان سبعة می‌دانند زیرا حیطان سبعة همگی در اطراف مدینه بوده و تملیک آن‌ها توسط مخربق در سال دوم و سوم هجرت بعد از غزوه احد بوده و آن‌ها را به رسول خدا(ص) واگذار نموده. و حدود و جایگاه آن هم معین شده همان طوری که گذشت.

فدک را کسی جزء صدقات و موقوفات آن حضرت ندانسته اند بلکه بر اساس کلام فاطمه(س) فدک ملک طلق او بوده و نیز خلفاء بنی امیه و بنی عباس هم که در بعضی از مقاطع تاریخی به فرزندان فاطمه(س) واگذار کردند آن را میراث آن حضرت دانستند.

در نامه مامون عباسی به هنگام واگذاری فدک به فرزندان فاطمه(س) خطاب به فرماندار مدینه (قثم بن جعفر) نوشت:

انه كان رسول الله(ص) اعطى ابنته فاطمة(س) فدک و تصدق عليها بها و ان ذلك كان امرا ظاهرا معروفا عند آله - عليه الصلاة والسلام - ثم لم تنزل فاطمة تدعى منه بما هي اولى من صدق عليه. و انه قد رای ردها الى وراثتها و تسليمها الى محمد بن يحيى بن الحسين زيد بن علي بن الحسين بن علي ابی طالب (ع) و محمد بن عبدالله بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن علي ابی طالب - رضی الله عنهم - ليقوموا بها لاهلها(۲۲)

همانا رسول خدا(ص) فدک را به دخترش «فاطمه»(س) بخشید و بر او روا داشت، این مطلب در نزد اهل بیت رسول خدا(ص) روشن و آشکار است بعد همچنان فاطمه(س) مدعی آن بود که فرمایش آن بانو سزاوارتر به تصدیق و قبول است، پس مصلحت در این است که فدک به ورثه فاطمه(س) بازگردانده شود و به محمد بن یحیی و محمد بن عبدالله نوه‌های علی بن الحسین(ع) واگذار کنید تا آن‌ها به اهلش برسانند.

پی نوشت‌ها

- ۱- التفسیر الکبیر، فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۲۴؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۹.
- ۲- سفینة البحار، شیخ عباس قمی، ج ۷، ص ۴۵؛ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۲۳، ج ۵.
- ۳- معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث بلادی، ج ۱، ص ۲۱.
- ۴- اعلام زرکلی، ج ۴، ص ۲۲۳.
- ۵- معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ۱۹۴.
- ۶- عمدة الاخبار فی مدینة المختار، احمد بن عبدالحمید عباسی، ص ۲۴۱.
- ۷- وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۴، ص ۱۱۳۰.
- ۸- فروع کافی، ج ۷، ص ۴۸، ج ۵؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۵، ج ۱.
- ۹- وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۹۰ و ۸۲۵.
- ۱۰- تاریخ المدینة المنورة، ابن شیه، ج ۳، ص ۱۷۳ - ۱۷۵.
- ۱۱- فروع کافی، ج ۷، ص ۴۷ و ۴۸، ج ۱ - ۴.
- ۱۲- تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۱۷۴.
- ۱۳ و ۱۴- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۹۹.
- ۱۵- تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۱۷۴؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۹۹.
- ۱۶ و ۱۷- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۰۰.
- ۱۸- معجم معالم الحجاز، ج ۸، ص ۳۰۹.
- ۱۹- وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۲۹۱.
- ۲۰ و ۲۱- تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۱۷۳؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۹۹؛ وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۲۹۱.
- ۲۲- معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث البلادی، ج ۷، ص ۷ - ۲۶.

لبانش دود و خاکستر می نشست.

کارها بین حضرت علی (ع) و فاطمه (س) تقسیم شده بود. آوردن آب و تهیه هیزم و کارهای خارج از خانه، برعهده علی (ع) بود و درست کردن آرد و خمیر و پختن نان و وصله زدن لباس و کارهای داخل خانه با فاطمه (س) بود. حضرت زهرا (س) از اینگونه تقسیم کار، بسیار خرسند بود؛ چراکه از برخورد و روبه رو شدن با نامحرمان در بیرون، دورتر بود. این نکته، درسی برای تقویت عفاف و پاکی زنان ما در جامعه اسلامی است.

شخصیت بخشی به فرزندان

در سیره عملی حضرت زهرا (س) توجه به شخصیت بخشی فرزندان و ایجاد اعتماد به نفس در آن‌ها کاملاً مشهود است. از جمله ابزارهایی که روح اعتماد به نفس و مشکل ستیزی را در کودک زنده نگه می‌دارد، مسابقه و رقابت‌های سازنده است. رو به رو ساختن کودکان با مشکلات و فراهم نمودن امکان رقابت برای آن‌ها موجب بالا رفتن حس اعتماد می‌گردد. این مسئله به قدری ارزشمند و سرنوشت ساز است که اولیا کودک باید برای آن برنامه ریزی کنند.

حضرت زهرا (س) برای ایجاد اعتماد به نفس در فرزندان خود آن‌ها را وادار و تشویق به مسابقه و ورزش می‌کرد. از جمله نمونه‌های دیگر؛ روحیه شادابی و نشاط و محبت در بین افراد خانواده است. افراد خمود و پژمرده از کارایی لازم و مفید در امور اقتصادی و غیر اقتصادی برخوردار نمی‌باشند. افزایش کارایی، موجب کاهش هزینه‌های تولید و در نتیجه سود افزوده و بهره‌وری اقتصادی بیشتر می‌شود. از منظر اسلام، نفع شخصی و مطلوبیت فرد به تنهایی مطرح نیست، بلکه سهم هر یک از افراد جامعه در ضرر و منفعت کل جامعه اثرگذار است. ایشار، پشتکار، گذشت، درستی و راستی و دیگر فضائل و ارزش‌های فردی شاکله اجتماع را سالم و پربار می‌سازد. (۱)

محبت و مهروری به فرزندان

دانشمندان علوم تربیتی می‌گویند: کودکان در تمام دوران کودکی به

فاطمه زهرا (س) الگوی رفتارهای خانوادگی

چگونه زیستن و معاشرت کردن با همسر و فرزندان و سامان بخشی به امور خانه و زندگی که در حیات طیبه حضرت زهرا (س) بود، به عنوان «الگوی خانواده‌ها» خانه و خانواده او را به عنوان یک «خانواده الگو» مطرح ساخته است. آن حضرت، آیین خانه داری و همسر داری را به خوبی مراعات می‌کرد. در زندگی واقعا شریک و همراه و هم‌راز همسرش امیرمؤمنان (ع) بود. گاهی در خانه، به علت وضعیت دوران و شرایط تنگنای اقتصادی حاکم بر مسلمانان و آن حضرت غذایی نبود و کودکان و خود آن بانو گرسنه بودند، اما فاطمه زهرا (س) چیزی به حضرت علی (ع) نمی‌گفت و از او درخواستی نمی‌کرد؛ حتی به پیامبر خدا هم در این مورد سخنی نمی‌گفت. بیم آن داشت که همسرش نتواند خواسته او را برآورد و تأمین کند و شرمنده شود.

تا این حد مراعات مالی شوهر و پرهیز از «درخواست»، تنها از آن حضرت برمی‌آمد که همسر و همتای کسی همچون علی (ع) است.

مشارکت در کارهای خانه، جلوه دیگری از رفتار آن خانواده الگو بود. گاهی در اثر کار بسیار، دست هایش تاول می‌زد، لباس هایش غبارآلود می‌شد و بر

محبت و اظهار علاقه نیازمندند. کودک می خواهد پدر و مادر او را دوست داشته باشند و نسبت به او اظهار علاقه کنند. کودک چندان توجهی به لباس، خوراک و محل زندگی ندارد اما به این موضوع توجه دارد که آیا او را دوست دارند یا نه؟

درس محبت در خانه حضرت زهرا(س) به طور کامل ارائه می شد و آن حضرت که خود از سرچشمه محبت و عطوفت رسول خدا(ص) سیراب شده و قلبش کانون محبت به همسر و فرزندان بود در این جهت نیز وظیفه مادری خود را به بهترین شکل انجام می داد.

سلمان فارسی می گوید: روزی حضرت فاطمه زهرا(س) را دیدم، که مشغول آسیاب کردن غله است. فرزندش حسین(ع) به گریه افتاد و بیتابی می کرد. عرض کردم: برای کمک به شما، غله را آسیاب کنم یا بچه را آرام نمایم؟ حضرت فرمود: من به آرام کردن فرزند اولی هستم. شما آسیاب را بچرخانید. (۲)

خوب شوهرداری کردن

برای زن بزرگترین موفقیت و ارزش این است که در شئون گوناگون زندگی، خشنودی همسرش را به دست آورد و از هرگونه عملی که موجب ناراحتی شوهر می گردد پرهیز نماید. حضرت علی(ع) می فرماید: «جهاد زن، خوب شوهرداری است» زن برای اینکه بتواند در این جهاد پیروزمند باشد باید تمام سعی و تلاش خود را بکارگیرد تا خانه را محل آرامش مرد قرار دهد. شوهرداری حضرت زهرا(س) بهترین الگو برای زنان مسلمان است. رفتار حضرت زهرا(س) با شوهر در عالی ترین مرحله صفا و مهربانی بود. نه تنها هرگز خاطر شوهر را نرنجاند بلکه یآوری مهربان برای او بود. حضرت علی(ع) می فرماید: «سوگند به خدا، من زهرا(س) را تا آن زمان که خداوند او را به سوی خود برد، خشمگین نساختم و در هیچ کاری موجب ناخشنودی او نشدم. او نیز هیچ گاه مرا خشمگین نکرد و عملی از او سر نزد تا باعث ناخشنودی من شود.» (۳)

و همچنین نقل است که امام علی(ع) فرمود: «هرگاه به چهره او (زهرا(س)) نگاه می کردم هرگونه غم و اندوه از من برطرف می شد.» (۴)

پس از ماجرای تلخ سقیفه، سران سقیفه برای جلب افکار عمومی مردم به فکر چاره افتادند تا به گونه ای که از حضرت زهرا(س) دلجویی نمایند که اجازه ملاقات می خواستند. اما فاطمه زهرا(س) هرگونه پیشنهادی را رد می نمود و موضع اعتراض و سکوت و بیزاری را ادامه می داد.

روزی امام علی(ع) وارد منزل شد و فرمود: فاطمه جان خلیفه و عمر در پشت درب منزل، منتظر اجازه ورود می باشند، تا نظر شما چه باشد. حضرت زهرا(س) فرمودند: «علی جان خانه، خانه توست و من همسرتو می باشم هر آنچه می خواهی انجام ده.» (۵)

تفاهم در زندگی مشترک

امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: «به خدا سوگند (در سراسر زندگی مشترک با فاطمه(س) تا آنگاه که خدای عزیز و جلیل او را قبض روح فرمود هرگز او را خشمگین نساختم و بر هیچ کاری او را اکراه و اجبار نکردم، و او نیز مرا هرگز خشمگین نساخت و نافرمانی من نکرد؛ هر وقت به او نگاه می کردم رنج ها و اندوه هایم برطرف می شد.» (۶)

دعا در حق دیگران

امام مجتبی(ع) نقل فرموده اند که: «مادرم فاطمه(س) را دیدم شب جمعه در محراب خود به عبادت برخاسته است و تا نمایان شدن سپیده صبح در عبادت و رکوع و سجود می بود، و می شنیدم که برای مؤمنین و مؤمنات دعا می فرمود و آنان را نام می برد و برایشان دعا می کرد، و برای خود هیچ دعا نمی کرد، به او گفتم: مادر! چرا همان طوری که برای دیگران دعا می فرمایی برای خودت دعا نمی کنی؟» فرمود: «پسرم، ابتدا همسایه سپس خانه خود.» (۷)

تشویق فرزندان به فراگیری علم

حضرت زهرا(س) از همان آغاز کودکی فرزندانش، عبادت خدای تعالی را در روح و روان آن ها تثبیت کرد و خوی پرستش خدای یکتا را در فطرت

پیامبر (ص) به فاطمه (س) کمک می کند

رسول خدا (س) به منزل حضرت علی وارد شد، او را دید که همراه فاطمه (س) مشغول آسیاب کردن هستند، پیامبر فرمودند: «کدامیک خسته تر هستید؟»

حضرت علی عرض کرد: «فاطمه ای رسول خدا!»

پیامبر (ص) به فاطمه (س) فرمودند: «دخترم برخیز» و فاطمه برخاست و پیامبر (ص) به جای او نشست و با علی (ع) درآرد کردن دانه های یاری فرمود. (۱۳) بنابراین احترام به همسر و رعایت حقوق همسر و همسر دوستی و فرزند دوستی و سختکوش در کار خانه و تبدیل خانه به مدرسه و تبدیل بخشی از خانه به مسجد و عبادتگاه و برنامه ریزی در کار خانه و رعایت حق خدمتکار و آموزش قرآن و اخلاق به خدمتکاران و ویژگی های حضرت زهرا (س) بود چنان که تبدیل خانه به سنگر جهاد و مبارزه بر علیه ستمگران و دفاع از ولایت را در راستای وظایف خویش می دانست، همچنین توجه به دعا در حق همسایه و قانع بودن به خانه اجاره ای در اول زندگی و ایجاد روحیه عبادت و انفاق گروهی و خانوادگی در بین اعضا و رعایت تفاهم با همسر و قبول مسئولیت شخصی در تربیت فرزندان و تقسیم کار در امور خانه و مشورت در امور و بردباری و تحمل فقر خانوادگی و مشکلات خانوادگی و فرمان پذیری از همسر از اخلاق و روحیات خاص حضرت زهرا (س) بود حتی رسیدن به انواع موفقیت های خانوادگی و سرودن شعر برای شوهر و فرزندان و پدر. نیز از اخلاق خانوادگی حضرت زهرا (س) می باشد.

لطیف آن ها سرشت و از همان آغاز به آن ها علم آموخت و آن ها را برای کسب معارف و تشویق در فراگیری، آماده می کرد، به عنوان مثال به فرزندش حسن (ع) که هفت ساله بود می فرمود: «به مسجد برو، آنچه را از پیامبر شنیدی فراگیر و نزد من بیا و برای من بازگو کن.» (۸)

مقام ایثار و گذشت

شیعه و سنی نقل کرده اند، امیرمؤمنان و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین (ع) و خادمه آنان «فضه» طبق نذری که کرده بودند سه روز، روزه گرفتند. شب اول هنگام افطار فقیری در زد، حضرت علی (ع) افطار خود را به او داد. سایرین نیز به او اقتدا کرده و افطار خود را به فقیر دادند و با آب افطار کردند. شب دوم یتیمی در زد و باز افطار خود را به او دادند. شب سوم نیز اسیری آمد و چیزی طلبید، این بار نیز افطار خود را به او دادند. آنگاه از سوی خدای متعال سوره «هل آتی علی الانسان» نازل شد (۹) و در آن آیه «و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمنا و اسیرا» اشاره به ایثار و انفاق آن بزرگواران دارد. (۱۰)

تفسیر این داستان را در تفاسیر شیعه و سنی و از جمله در تفسیر معروف «کشاف» تألیف عالم و مفسر بزرگ سنی «جارالله زمخشری» می توان یافت.

تقسیم کار منزل با همسر

امام صادق (ع) می فرماید: «... علی (ع) آب و هیزم می آورد و حضرت فاطمه آرد می کرد و خمیر می ساخت و نان می پخت و لباس ها را وصله می زد، و آن بانوی گرامی از زیباترین مردم بود و گونه های مطهرش از زیبایی مثل گل بود. درود خدا بر او و پدر و فرزندانش باد.» (۱۱)

امام علی (ع) فرموده است: «فاطمه به قدری با مشک آبکشی کرد تا بر سینه اش اثر گذاشت، و به قدری با آسیاب دستی آرد کرد تا دست هایش مجروح شد و آنقدر خانه رویی کرد و برای پخت و پز آتش زیر دیگ نهاد که لباس هایش گردآلود و دودی گردید؛ و در این امور زحمت و رنج بسیار به او می رسید...» (۱۲)

حضرت زهرا (س) و روایت حدیث

(در منابع اهل سنت) نهله غروی نائینی (۱)

۱. رک؛ نهج الحیاه، ص ۴۵.
۲. حسینی شاهرودی، سیدمحمد، الگوهای رفتاری حضرت زهرا(س)، تربیت فرزند، ص ۱۴.
۳. همان، ص ۱۶.
۴. حسینی، سیدعلی، کرامات و مقامات عرفانی حضرت زهرا(س)، ص ۴۴.
۵. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه زهرا(س)، ص ۱۳.
۶. بحار، ج ۴۳، ص ۱۳۴، کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۹۲، بیت الاحزان، ص ۳۷.
۷. کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۵ و ۲۶، بحار، ج ۴۳، ص ۸۱ و ۸۲، منتهی الامال، ص ۱۶۱، بیت الاحزان، ص ۲۲.
۸. محمدی اشتهاودی، محمد، نگاهی بر زندگی حضرت فاطمه(س) ص ۶۴.
۹. امالی صدوق، ص ۲۱۶ و ۲۱۲، کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۱۳ و ۴۱۷.
۱۰. مناقب شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۴۷ و ۱۴۸، منتهی الامال، ص ۶۸ در ذکر وقایع سال دوم.
۱۱. روضه الکافی، (چاپ اسلامیة تهران)، ص ۱۶۵.
۱۲. بحار، ج ۴۳ و ۴۲ و ۴۱، بیت الاحزان، ص ۲۳.
۱۳. بحار، ج ۴۳، ص ۵۰ و ۵۱، بیت الاحزان، ص ۲۱.

مجله پیام زن آبان ۱۳۸۸ - شماره ۲۱۲

چکیده

فاطمه (س) یکی از چهارده مطهر مورد نظر در آیه شریفه ۳۳ سوره احزاب است که بر اساس اصطلاح محدثان، قول و فعل و تقریر آن حضرت (س)، حدیث محسوب می‌شود. گرچه پس از رحلت رسول الله (ص) اهل بیت آن حضرت مورد کم توجهی و بی لطفی مردم مدینه قرار گرفتند و در طول تاریخ خلفا به حذف نام علی بن ابی طالب (ع) و خانواده اش همت گماشتند و علیه ایشان تبلیغات کردند و حق آن‌ها را غصب و ایشان را شهید کردند، لکن هنوز نشانه‌ها و نمونه‌هایی از فرمایشات و عملکردهای آن بزرگواران در منابع اهل سنت یافت می‌شود. این مقاله با تمرکز بر منابع حدیثی اهل سنت به احادیثی که حضرت زهرا(س) از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده و یا دیگران از فاطمه (س) درباره قول و فعل و تقریر آن حضرت (س) نقل کرده اند، پرداخته است که گویای تنوع موضوعات می‌باشد.

مقدمه

«حدیث» در اصطلاح محدثان، به معنای قول و فعل و تقریر معصوم است. حضرت زهرا(س) به شهادت آیه «تَطْهیر» «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ

سوار شود و بر بستر خود قرار گیرد و نماز را در منزل خویش بجا آورد، مگر اینکه پیشوایی مردم را به خود بخواند (که در این صورت، وظیفه دارد برود). نعمان (۳) گفت: «صدقته بنت محمد رسول الله سمعت أبي بشيرا يقول كما قالت فاطمة و قال رسول الله: إلامن أدن»؛ (۴) دختر محمد رسول خدا (ص) درست گفت. شنیدم پدرم بشیر همین گونه می گفت که فاطمه (س) فرمود، و گفت: پیامبر (ص) فرمود: مگر کسی که اجازه داده شده است.

۲. فاطمه (س) و فرزندان

اسماء بنت عمیس از فاطمه زهرا (س) نقل می کند که روزی رسول خدا (ص) نزد او آمد و فرمود: پسرانم (یعنی: حسن و حسین) کجایند؟ حضرت فاطمه (س) فرمود: «أصبحنا وليس في بيتنا شيء يذوقه ذائق». فقال علي: أذهب بهما فإني أتخوف أن يبيكيا عليك وليس عندك شيء، فذهب إلى فلان اليهودي؛ صبح که بیدار شدیم، چیزی برای (حتی) چشیدن نداشتیم. علی (ع) فرمود: آن ها را می برم، می ترسم نزد تو (بمانند) گریه کنند، در حالی که چیزی برای خوردن نیست. نزد فلان یهودی رفت. رسول خدا (ص) به سوی آن ها رفت و آن دو را دید که در آبی بازی می کنند و نزد آن ها مقدار زیادی خرما بود. فرمود: «يا علي، ألا تقلب ابني قبل أن يشتد عليهما الحر؟» ای علی، نمی خواهی پیش از آنکه گرما بر آن ها مستولی شود، آن ها را برگردانی؟ علی (ع) فرمود: «أصبحنا وليس في بيتنا شيء، فلو جلست يا نبي الله حتى أجمع لفاطمة تمرات، فجلس النبي (ص) حتى اجتمع لفاطمة شيء من تمر، فجعله في صرته، ثم أقبل، فحمل النبي (ص) أحدهما و علي الآخر حتى أفلبها»؛ (۵) صبح در منزل چیزی برای خوردن نداشتیم. اگر شما، ای پیامبر خدا! بنشینید (تأمل کنید) برای فاطمه مقداری خرما جمع می کنم. پس پیامبر (ص) نشست تا مقداری خرما برای فاطمه جمع کرد و آن را در سیدش گذاشت. سپس رو به سوی منزل آمدند، پیامبر (ص) یکی از بچه ها را بغل کرد و علی دیگری را، تا نزد فاطمه (س) رسیدند.

عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) و فرمایش های رسول اکرم (ص) که نقل شده است پس از نزول آیه مزبور، هر روز صبح که برای نماز به مسجد تشریف می بردند، هنگامی که از کنار خانه فاطمه زهرا (س) می گذشتند، اهل آن خانه را با تلاوت این آیه برای انجام فریضه نماز مورد خطاب قرار می دادند، (۲) مشمول این آیه مبارکه است.

یکی از چهارده معصوم نزد حق تعالی و مسلمانان، حضرت فاطمه زهرا (س) است. بنابراین، گفته های آن بزرگوار، شرح افعال و کردار آن حضرت، حدیث تلقی می شوند. این مقاله کوشیده است تا احادیثی از فرمایش های آن بانوی بزرگوار را، که در منابع اهل سنت نقل شده اند، گرد آورد. برخی از احادیث نقل شده از حضرت زهرا (س) در مجامع حدیثی اهل سنت و کتاب معجم کبیر طبرانی آمده است. تعدادی از آن ها توسط راوی آن حضرت به گونه مستقیم و برخی به صورت مرسل نقل شده است که در این مقاله، در دو بخش احادیث «مسند» و احادیث «مرسل» ارائه شده اند. نکته مورد توجه اینکه طبرانی در بخش احادیث حضرت فاطمه (س)، ابتدا راویان مرد را ذکر کرده، سپس از راویان زن حدیث جمع آوری کرده است. ترتیب نام راویان مرد از حضرت زهرا (س) چنین است: علی بن ابی طالب، عبدالله بن مسعود، حسین بن علی، عبدالله بن عباس و انس بن مالک. اما اینکه چرا ترتیب خاصی در نظر نگرفته، قابل توجه است.

احادیث مسند

احادیثی را که به صورت مستقیم از فاطمه زهرا (س) نقل شده اند یا راوی خود شاهد فعل یا فرموده آن حضرت بوده احادیث «مسند» می خوانیم. موضوعات این احادیث عبارتند از:

۱. بیان وظیفه مردان

حسین بن علی (ع) فرمود: شنیدم فاطمه بنت محمد (ص) فرمود که رسول خدا (ص) فرمود: «الرجل أحق بصدر دابته و صدر فراشه و الصلاة في منزله إلا ما يجمع الناس عليه»؛ مرد سزاوارتر است که بر مرکب خود

۳. حجاب و عفت حضرت فاطمه (س)

حضرت علی (ع) فرمود: مرد کوری اجازه ورود بر فاطمه دختر رسول الله (س) خواست. حضرت فاطمه حجاب خود را بر گرفت. پیامبر (ص) به او فرمود: چرا در حجاب شدی، او که تو را نمی بیند؟ فاطمه (س) گفت: «یا رسول الله، ان لم یکن یرانی فأنأأراه و هو یسّم الریح»؛ ای پیامبر خدا، اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم و بوی او را استشمام می کند. رسول اکرم (ص) فرمود: «أشهد أنّک بضعه منی»؛ (۱۰) حقا که تو پاره تن من هستی.

۴. فاطمه زهرا (س) در سوگ پیامبر (ص)

عایشه نقل می کند که پیامبر (ص) در خانه من مورد شکایت قرار گرفت. فاطمه به سوی او آمد قسم به آنکه جان عایشه در دست اوست راه رفتنش مانند راه رفتن پیامبر (ص) بود. رسول خدا (ص) با او رازی را در میان گذاشت که فاطمه گریه کرد، سپس چیزی به او گفت که فاطمه (س) خندید. گفتیم: مانند امروز ندیده بودم که خنده و گریه این قدر به هم نزدیک باشند. گفتیم: فاطمه! به من بگو که (پیامبر) چه چیزی به تو گفت؟ فرمود: «ما کنشُ أفعل»؛ (۱۱) این کار را نمی کنم. هنگامی که رسول خدا (ص) رحلت نمود، از او (فاطمه) همان سؤال را کردم، گفت: حالا پاسخ می دهم: «إنّ رسول الله (ص) قال: إنّ جبریل کان یعارضنی القرآن فی کل سنّة مرّة، وإنه عارضنی العام مرتین، و لأری ذلک إلا عند اقتراب أجلي فاتقی الله واصبری فنعیم السلف أنا لک. فبکیث، ثم سارنی فقال: أما ترصین أن تکنونی سیدة نساء المؤمنین أو قال: نساء هذه الامة؟ فضحکت»؛ (۱۲) پیامبر فرمود: جبرئیل هر سال قرآن را یک بار بر من عرضه می کرد، امسال دو بار عرضه کرد، و این نیست جز آنکه نشانه نزدیک بودن اجل من باشد. پس تقوای الهی پیشه کن و صبر نما. من سابقه خوبی برای تو هستم. (فاطمه (س) می فرماید: پس گریه کردم. سپس رو به من کرد و فرمود: آیا راضی نیستی که سرور زنان با ایمان باشی؟ یا فرمود: سرور زنان این امت باشی؟ پس خندیدم. ام سلمه نقل می کند که پیامبر پس از فتح (فتح مکه) فاطمه (س) را صدا کرد و با او نجوا نمود. او گریه کرد، سپس به او چیزی گفت و او خندید.

زینب، دختر ابورافع، نقل می کند که حضرت فاطمه (س) در حال بیماری اش که در آن از دنیا رفت با حسن و حسین علیهما السلام نزد رسول خدا (ص) رفت و گفت: «یا رسول الله، هذان ابناک فورثهما شیئا، فقال: أما الحسن فله هیبته و سؤدی، و أما حسین فله جرأته و جودی»؛ (۱۶) ای پیامبر خدا، این دو پسران شما هستند، پس چیزی به آن ها به یادگار بده. حضرت (ص) فرمود: به حسن هیبت و بزرگی ام را عطا کردم و به حسین، شهادت و بخشش را.

ابوسعید خدری نقل کرده است که روزی رسول خدا (ص) بر حضرت فاطمه (س) وارد شد، در حالی که حضرت علی (ع) در خواب بود و حضرت فاطمه بر زمین دراز کشیده بود و دو پسرش هم در کنارش بودند. حسن (ع) آب خواست، پیامبر (ص) برخاست و برایش تهیه کرد و به او داد. حسین (ع) نیز طلب آب کرد و خواست که قبل از حسن (ع) آب بنوشد و گریه کرد. پیامبر (ص) فرمود: «أن احاک استسقی قبلک»؛ برادرت قبل از تو آب خواست. حضرت فاطمه (س) فرمود: «کأن الحسن أتر عندک»؛ گویا حسن برای مهم تراست. رسول خدا (ص) فرمود: «ما هو بآثر عندی منه و إنهما عندی بمنزلة وائی و ایتاک و هما و هذا النائم لفی مکان واحد یوم القیامة»؛ او برای من مهم تر نیست. هر دوی آن ها برایم یکسانند. من و این دو و تو و این خفته (یعنی: علی (ع))، روز قیامت در یک جا خواهیم بود. (۷)

احمد بن حنبل به سند خود از ابن ابی ملیکه نقل می کند که گفت: فاطمه (س) فرزندش حسن بن علی (ع) را می چرخاند و می فرمود: «بابی شبة التبی، لیس شبیها بعلی»؛ (۸) پدرم فدای آنکه شبیه پیامبر است و شباهتی به علی (ع) ندارد.

هیثمی با اسناد خود نقل می کند که فاطمه کبری (س) فرمود: «قال رسول الله (ص): کل بنی أم ینتمون الی عصبه الا ولد فاطمة فانا ولیهم و أنا عصبتهم»؛ (۹) پیامبر (ص) فرمود: هر فرزندی مادری دارد که فرزند به او روی می آورد و برمی گردد (ریشه و پی اوست)، غیر از فرزندان فاطمه که من سرپرست آن ها و عصبه آن ها هستم؛ یعنی ریشه و اصلشان به من بازمی گردد.

أم سلمه می‌گوید: از او چیزی نپرسیدم تا پیامبر رحلت نمود. پس از آن از فاطمه درباره گریه و خنده اش سؤال کردم، «آخرنی ائنه یموت، ثم أخبرنی ائنی سیده نساء أهل الجنة بعدَ مريم بنتَ عمران، فلذلك ضحكتُ»؛ (۱۳) به من خبر داد که می‌میرد، سپس خبر داد که من پس از مریم دختر عمران، سرور زنان بهشت ام. به این خاطر خندیدم.

انس از حضرت فاطمه (س) نقل می‌کند که فرمود: «یا انس کیف طابت أنفسکم أن تحثوا علی رسول الله (ص) التراب، وابتاه من ربه ما أدناه، وابتاه جنة الفردوس مأواه، وابتاه الی جبریل تنعاه، وابتاه أجاب ربنا دعاه»؛ (۱۴) ای انس، چگونه توانستی بر پیامبر (ص) خاک بریزی؟ ای پدر، چقدر به پروردگار نزدیک هستی! ای پدر، بهشت جایگاه توست! ای پدر، خبر رحلت را به جبرئیل دادند! ای پدر، پروردگار دعایت را اجابت کرد! ابن عبد ربه در کتابش آورده است که فاطمه (س) بر مزار پدر ایستاد و گفت: اِنَّا فَفَدْنَاكَ فَقَدَ الْاَرْضِ وَاِبْلَهَا وَغَابَ مُذْ غَبَتْ عَنَّا الْوَحْيُ وَالْكَتُبُ فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانِ الْمَوْتُ صَافِنَا لِمَا نَعَيْتَ وَحَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ (۱۵). ابن ابی الحدید نیز می‌نویسد که افراد زیادی گریه و عزاداری حضرت فاطمه (س) را در زمان رحلت پدرش و پس از آن چنین نقل کرده اند: «یا ابتاه جنة الخلد مثواه، یا ابتاه عند ذی العرش مأواه، یا ابتاه کان جبریل یغشاه، یا ابتاه لسئ بعدَ الیوم أراه»؛ (۱۶) ای پدر، بهشت جاودان سرایت! ای پدر، نزد صاحب عرش مأویت! ای پدر، جبریل تو را دربرگرفت! ای پدر، پس از امروز تو را نخواهم دید.

علی بن علی هلالی از پدرش نقل می‌کند که گفت: بر رسول خدا (ص) وارد شدم، در حالی که آن حضرت در شرایطی بود که رحلت فرمود. فاطمه (س) بالای سر آن حضرت بود و گریه می‌کرد، به گونه ای که صدایش بلند شد. پیامبر رو به او فرمود: «حبیبتی فاطمة ما الذی یبکیک؟»؛ عزیزم فاطمه! چه چیزی تو را به گریه انداخت؟ گفت: «أخشی الضیعة بعدک»، از سختی و تنگی (زندگی) پس از شما می‌ترسم. پیامبر فرمود: «یا حبیبتی أما علمت أن الله عزوجل إطلع الی الارض...»؛ عزیزم! آیا نمی‌دانی که خدای عزوجل به اهل زمین خبر داد که... در این فرمایش، رسول الله (ص) با بشارت‌هایی

حضرت فاطمه (س) را دل داری داد. (۱۷)

انس بن مالک نقل می‌کند که حضرت فاطمه (س) نزد رسول الله (ص) نشستند بود، در حالی که سختی و شدت مرگ بر آن حضرت بیشتر می‌شد، آن حضرت سرش را بلند کرد و فرمود: «واکریاه، فبکت فاطمة و قالت: واکریاه لکریک یا ابتاه»؛ وای از سختی! و فاطمه (س) عرض کرد: وای از سختی به خاطر سختی تو، ای پدر! رسول خدا (ص) فرمود: «لاکرب علی ابیک بعدَ الیوم»؛ (۱۸) پس از امروز، دیگر بر پدرت سختی نیست.

۵. طلب میراث پدر

بخاری در کتاب صحیح، به سند خود از عایشه دختر ابابکر، همسر رسول الله (ص)، نقل می‌کند که گفت: فاطمه دختر رسول خدا (ص) پس از رحلت آن حضرت از ابوبکر خواست تا میراث او را از مایملک رسول الله (ص)، که بر جای مانده است، بدهد. ابوبکر پاسخ داد: پیامبر (ص) فرموده است: «لا نُورث، ما ترکناه صدقة»؛ ما پیامبران ارثی باقی نمی‌گذاریم؛ آنچه می‌ماند صدقه است. پس فاطمه غضب کرد و از ابوبکر دوری جست. عایشه گفت: فاطمه از ابوبکر سهمش را از میراث رسول خدا از خیبر، فدک و صدقه آن حضرت برای مدینه طلب کرد. (۱۹)

ابوداود نیز به سند خود از ابوظفیل نقل کرده است که گفت: «جاءت فاطمة رضی الله عنها الی ابی بکر یطلب میراثها من النبی (ص). فقال ابوبکر. سمعت رسول الله (ص) یقول: ان الله عزوجل إذا اطعم نبیا طعامه فهی لذلذی یقوم من بعده»؛ (۲۰) فاطمه برای درخواست میراث پدرش پیامبر نزد ابوبکر آمد. ابوبکر به او گفت: از پیامبر (ص) شنیدم که می‌گفت: هرگاه خدای عزوجل چیزی را به پیامبری داد، آن برای کسی است که پس از او جانشین وی می‌گردد.

بیهقی به سند خود از معمر از زهری از عروه از عایشه نقل می‌کند که گفت: «ان فاطمة و العباس رضی الله عنهما أتیا ابابکر یلتمسان میراثهما من رسول الله و هما حینئذ یطلبان أرضه من فدک و سهمه من خیبر...»؛ فاطمه و عباس نزد ابوبکر آمدند و میراث خود از رسول خدا را طلب کردند؛

در آن موقع، زمین فدک و سهم او را از خیبر می خواستند... سپس می گوید: «فَعَضِبَ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ هَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمَهُ حَتَّى مَاتَتْ فَدَفَنَهَا عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لَيْلًا وَ لَمْ يُؤَذِّنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ»؛ (۲۱) پس فاطمه بر او غضب کرد و از او دوری گزید و تا وقتی که از دنیا رفت با او سخن نگفت. پس علی (ع) او را شبانه دفن کرد و ابوبکر را خبر نکرد. طبری و یعقوبی نیز در کتاب تاریخ خود، مانند این روایت را نقل کرده اند. (۲۲)

۶. حمایت از ولایت و خلافت

حضرت فاطمه (س) تا وقتی زنده بود برای دفاع از حق ولایت و امامت همسرش علی (ع) بسیار کوشا بود.

ابن ابی الحدید از احمد بن عبدالعزیز جوهری به سند او تا ابی جعفر محمد بن علی رحمهم الله نقل می کند که حضرت علی (ع) شبانه حضرت فاطمه (س) را سوار بر الاغ به در خانه انصار می برد و از آن ها یاری می طلبید و حضرت فاطمه (س) نیز طلب یاری می کرد... (۲۳)

۷. درباره خوراکی ها و آشامیدنی ها

ابن ماجه به سند خود از فاطمه بنت حسین از حسین بن علی (ع) از مادرش فاطمه دخت رسول الله (ص) نقل می کند که فرمود: «قال رسول الله (ص): أَلَا لَا يَلُومَنَّ امْرَأَةً الْأَنْفَسَةَ بَيْبَتْ وَ فِي يَدِهِ رِيحٌ عَمْرٍ»؛ (۲۴) آگاه باشید که شخص جز خودش را ملامت نکند آن گاه که بخوابد و در دستش بوی چربی باشد. کنایه از این است که اگر هنگام خواب، نظافت را رعایت نکند، قابل ملامت است. طبری با حدیثی بلند از جعفر بن محمد رضی الله عنه از پدرانش از حضرت علی (ع) از حضرت فاطمه (س) نقل می کند که فرمود: «قال لي رسول الله: يا حبيبة أبيها، كل مسكر حراماً و كل مسكرٍ خمرٌ»؛ (۲۵) عزیز پدر! هر مست کننده ای حرام و پوشاننده (عقل) است.

احادیث مرسل از حضرت فاطمه (س)

حدیث «مرسل» حدیثی است که از سلسله سند راویان آن نام یک نفر یا

بیشتر حذف باشد. به عبارت دیگر، حدیثی را که تابعی مستقیماً از معصوم نقل کند «مرسل» می گویند؛ مانند حدیثی که یکی از نوادگان حضرت زهرا (س) مانند فاطمه بنت الحسین (ع) یا یکی از بستگان، که آن حضرت را ملاقات نکرده است، مستقیماً از آن حضرت نقل کند.

فاطمه صغری (بنت الحسین (ع)) از فاطمه کبری (س) نقل می کند که رسول خدا (ص) فرمود: «لِكُلِّ بَنِي أَنْثَى عَصَبَةٌ يَنْتَمُونَ إِلَيْهِ الْأَوْلَادُ فَاطِمَةٌ فَأَنَا وَلِيَّهُمْ وَأَنَا عُصْبَتُهُمْ»؛ (۲۶) شبیه این حدیث را خطیب بغدادی از فاطمه بنت الحسین نقل کرده است. (۲۷)

همو نقل می کند که آن حضرت (س) فرمود: «كان رسول الله (ص) إذ دخل المسجد قال: اللَّهُمَّ اغفر لي ذنوبي وافتح لي أبواب رحمتك، و إذا خرج قال، مثلها الأأنه يقول: أبواب فضلك»؛ (۲۸) رسول خدا (ص) هرگاه وارد مسجد می شد، می فرمود: بارالها! گناهان مرا ببامرز و درهای رحمتت را بر من بگشای، و هنگامی که خارج می شد، همان را می گفت و به جای «أبواب رحمتك» می فرمود: أبواب فضلك.

نیز خطیب بغدادی به سند خود از عبدالله بن حسن از مادرش از فاطمه بنت رسول الله رحمهم الله نقل می کند که رسول خدا (ص) فرمود: «خياركم اليكنم مناكب في الصلاة»؛ (۲۹) بهترین شما کسانی هستند که بهتر به جایگاه های نماز روی آورند.

آموزه‌های اخلاقی خانواده در مکتب تربیتی فاطمه (س)

هیچ کس را توان معرفت زهرای مرضیه نبوده و نیست، جز پروردگار هستی و خاصان اولیای او، که بلندای شناخت او، پرنده ای تیزپرواز می‌طلبید رها شده از تمامی قیدها و بندها. که فاطمه سری است از اسرار الهی. بزرگ بانوی جهان اسلام به عنوان برترین زنان عالم همواره در کلام حضرات معصومان علیهم السلام به ویژه پیامبرگرامی اسلام مورد توجه و عنایت خاص بوده است؛ گاهی از او به عنوان برترین زنان عالم و گاهی به عنوان برترین زنان بهشتی یاد شده است.

نقل شده است که در آخرین لحظه‌های زندگانی رسول مکرّم اسلام (ص)، فاطمه (س) به شدت گریه می‌کرد. پیامبر رحمت وقتی صدای گریه دختر خود را شنید او را به نزدیک خود فرا خوانده مطالبی را آهسته به او منتقل فرمود. که در آن شدت گریه، تبسمی بر لبان فاطمه نشست. بعدها وقتی سبب آن خنده را میان گریه پرسیدند فرمود: «فبکیت البكاء الذی رایت فلما رای حزنی سارنی الثانیة فقال (ص): یا فاطمه اما ترضین ان تکونی سیده نساء العالمین؟ فضحکت» (۱)

وقتی حال رسول خدا را آن چنان دیدم گریستم، گریه ای که دیدید. وقتی پدرم حزن و اندوه مرا مشاهده فرمود، دوباره با من نجوا کرد و فرمود: ای

۱. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس.
۲. محمّد بن عبدالله حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۵۸.
۳. نعمان بن بشیر، از اصحاب امام حسین (ع).
۴. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، ج ۲۲، ص ۴۱۴.
۵. همان، ص ۴۲۳.
۷. علی بن ابی بکر هبثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مصر، ج ۹، ص ۱۷۱.
۸. احمد بن حنبل شیبانی، مسند، مصر، ج ۶، ص ۲۸۳.
۹. علی بن ابی بکر هبثمی، پیشین، ج ۹، ص ۱۷۲.
۱۰. ابن مغازلی، مناقب، ص ۲۸۰.
۱۱. در حدیث دیگری از عایشه با سند دیگر، نظیر همین حدیث آمده است که فاطمه (س) فرمود: «راز رسول خدا را فاش نمی‌کنم.»
۱۲. همان، ص ۴۱۷۴۲۱. نظیر این حدیث را نک. در: محمّد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۶.
۱۳. همان، ص ۴۲۲ / محمّد بن عیسی بن سوره ترمذی، سنن ترمذی، مصر، ۱۳۵۸، ج ۵، ص ۷۰۱.
۱۴. همان، ص ۴۱۷ / و نیز نک: محمّد بن اسماعیل بخاری، پیشین، ج ۶، ص ۱۸ / علی بن احمد نسائی، سنن نسائی، قاهره، ۱۳۴۸، ج ۴، ص ۱۲.
۱۵. ابن عبد ربه (احمد بن محمّد)، عقد الفرید، مصر، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۲۸.
۱۶. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۴۳.
۱۷. ر. ک: علی بن ابی بکر هبثمی، پیشین، ج ۹، ص ۱۶۵.
۱۸. ابن عبد ربه، پیشین، ج ۳، ص ۲۳۰.
۱۹. محمّد بن اسماعیل بخاری، پیشین، ج ۴، ص ۹۶.
۲۰. سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، قاهره، ج ۳، ص ۱۴۴.
۲۱. ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، حیدرآباد (هند)، ج ۶، ص ۳۰۰.
۲۲. محمّد بن جریر طبری، تاریخ طبری، مصر، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۲۰۸ / احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، نجف، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۷.
۲۳. ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۶، ص ۱۳.
۲۴. محمّد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، قاهره، ج ۲، ص ۱۰۹۶.
۲۵. محمّد بن جریر طبری، دلائل الامامة، نجف، ۱۳۸۳، ص ۳.
۲۶. سلیمان بن احمد طبرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۴۲۳.
۲۷. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، او مدینه اسلام، قاهره، ج ۱۱، ص ۲۸۵.
۲۸. همان / محمّد بن یزید قزوینی، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۳ / شبیه این روایت را نک: در احمد بن حنبل، پیشین، ج ۶، ص ۲۸۲.
۲۹. خطیب بغدادی، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۹۵۰.

منبع: بانوان شیعه، شماره ۴، غروی نائینی، نهله

فاطمه آیا راضی و خشنود نیستی که سید و بزرگ زنان جهانیان باشی؟ پس خندیدم و شاد شدم.

در روایت دیگری نقل شده است که حضرت فاطمه فرمود: در لحظه‌های آخر زندگانی وقتی پدرم صدای گریه من را شنید فرمود: «یا بنیة انه لیس احد من نساء العالمین اعظم رزية منك فلاتکونی من ادنی امراة صبرا انک سيدة نساء اهل الجنة» (۲) «دخترم! هیچ کدام از زنان جهان ارزش و مقام تو را ندارند. پس در صبر و بردباری همانند کم‌ترین زنان نباش؛ زیرا تو سید و بزرگ زنان بهشتی.»

با توجه به دو روایت فوق، فاطمه زهرا به عنوان برترین زنان عالم هستی همواره به عنوان الگویی برتر مطرح بوده و هست که ابعاد وجودی آن بزرگوار فراتر از حضور در زمان و مکانی خاص است. به این عنوان که فضایل اخلاقی انسان هرگز اسیر زمان و مکان نمی‌شود. این الگوی فضیلت برای همیشه تاریخ، شایستگی پیروی و متابعت را داراست. فراگیری درس زندگی در مکتب انسان ساز این بانوی نمونه، توفیقی بس ارجمند و بزرگ است که هرکس را نصیب نمی‌شود. تنها کسانی لیاقت حضور در این وادی عشق را دارند که جان خویش را سرشار از محبت او و فرزندانیش کرده باشند.

شاه رسل چو فاطمه‌گر دختری نداشت

بی شبهه آسمان حیا اختری نداشت

گر خلقت بتول نمی‌کرد کردگار

در روزگار شیر خدا همسری نداشت

از این دو هر یک ار نه به هستی قدم زدی

آن یک به راستی زنی، این شوهری نداشت

ما نیز بیابیم وضوی حضور گرفته، رو به قبله با فروتنی کامل زانوی ادب زده جرعه ای از این کوثر بی پایان به کام جان بریزیم:

آموزه‌های اخلاقی ازدواج

۱. مشورت با دختر

در ازدواج، دو نظر مشترک می‌توانند سعادت دنیا و آخرت را تامین نماید:

یکی نظر شخصی خود دختر است که خداوند اراده و اختیار به او داده تا خود در سرنوشت خود تصمیم بگیرد و دیگر رای و نظر والدین، به ویژه پدر، به عنوان شخصی با تجربه‌های ارزشمند همراه با دلسوزی برای پاره تن خود. هرگاه این دو نظر در تعامل با یکدیگر قرار گیرد می‌تواند، ثمره ای بس شیرین و سعادت بخش داشته باشد و سر بر تافتن از هر یک پیامدهای ناگواری در پی دارد.

پیامبر بزرگ اسلام (ص) همواره این اصل مهم تربیتی یعنی مشورت و تبادل افکار با دختر را به دقت رعایت می‌کرد و به امت اسلامی نیز سفارش می‌فرمود تا از ظلم و ستم دوران جاهلیت دوری گزینند و پدران و مادران بدون مشورت و رضایت دختران در امر ازدواج اقدامی نکنند.

در همین راستا، آن حضرت در ازدواج فاطمه (س) با امام علی (ع) به مشورت و تبادل نظر با دخترش روی آورد و فرمود: «دخترم فاطمه! پسر عمویت علی (ع) از تو خواستگاری نموده است. پاسخ تو چیست؟» (فاطمه (س) به پدر احترام می‌کند که نظر شما چه می‌باشد؟

پیامبر (ص) فرمود: «اذن الله فیه من السماء»؛ خدا از آسمان در این ازدواج اجازت فرمود.

فاطمه (س) گفت: «رضیت بما رضی الله لی و رسوله»؛ خشنودم به آنچه که خدا و پیامبر او برای من رضایت دادند. (۳)

دختران و پسران جوان ما به خوبی می‌دانند که ازدواج با چه کسانی مورد رضایت خداوند و پیامبر اوست و در مقابل، خداوند و پیامبر (ص) با ازدواج با چه کسانی مخالف و ناراضی هستند.

۲. احترام به نظر پدر

از آنجاکه هیچ پدر و مادری نیست که آرزوی خوشبختی و سعادت فرزندان خود را نداشته باشد، از این رو دختران و پسران نباید در خیرخواهی آنان تردید کنند و نظر آنان را نادیده بگیرند.

حضرت زهرا (س) پس از مشورت پدر با او، به پدر احترام نموده رای و نظر پدر را محترم شمرد و سپس عرض کرد: «یا رسول الله انت اولی بماتری» (۴)

«ای رسول خدا تو از من سزاوارتری که اظهار نظر کنی.»

البته، والدین نیز وقتی ببینند پسر یا دختر در انتخاب خود خطا نکرده اند و مورد مناسبی را برگزیده اند نظر خود را بر آن‌ها تحمیل نمی‌کنند.

۳. پای بندی به ارزش‌های والای انسانی

از آن جایی که پایه تربیت انسان‌های نسل‌های آینده، در امر مقدس ازدواج گذاشته می‌شود، توجه و پای بندی به ارزش‌های انسانی و اخلاقی از اساسی‌ترین اموری است که مورد توجه دختر و پسر قرار می‌گیرد. سلامت جسم و جان و دین و ایمان، از مهم‌ترین مسائل در این زمینه است. به همین دلیل، وقتی بزرگان و ثروتمندان قریش به خواستگاری آن حضرت آمدند، جواب رد شنیدند. ولی وقتی علی (ع) ایمان مجسم، که به ظاهر مال و ثروتی از دنیا نداشت، ولی از عظمت و بزرگی روح برخوردار بود، به خواستگاری زهرا (س) آمد، آن بزرگوار جواب مثبت داد.

۴. حالات معنوی و توجه به آفریدگار هستی

شب ازدواج و آغازین لحظه‌های شروع یک زندگی نوین برای هر زن و مردی شیرین و خاطره‌انگیز است، ولی متأسفانه برخی این لحظه‌های شیرین را به انواع گناه و معاصی می‌آلیند و می‌پندارند که هرگونه زشتی‌ها و مفاسدی می‌تواند مجاز باشد. غافل از این که، وقتی آغاز زندگی مشترک و فصل جدید حیات باگناه و نافرمانی خدا آغاز شود، ثمراتی بس تلخ و رنج‌آور و فرجامی ناخوشایند خواهد داشت. و فراموش نمی‌شود که در مواقع حساس امتحانات الهی سخت و دشوارتر از زمان‌های عادی است، البته، دختران و پسرانی که در نگاه خود به آینده‌ای سعادت‌مند فکر می‌کنند، حتی الامکان از فراهم شدن زمینه گناه جلوگیری می‌کنند.

حال ببینیم کامل‌ترین الگوی بانوان جهان در آن شب خاطره‌انگیز چه حالتی داشت؟

نقل شده است در شب ازدواج، حضرت علی (ع) همسرگرمی خود را نگران و گریان دید؛ پرسید: چرا ناراحتی؟ پاسخ داد: «تفکرت فی حالی و امری

عند ذهاب عمری و نزولی فی قبری فشبیهت دخولی فی فراشی بمنزلی کدخولی الی لحدی و قبری فانشدک الله ان قمت الی الصلاة فنعبد الله تعالی هذه الليلة...»؛ درباره حال و رفتار خویش تفکر کردم، به یاد پایان عمر خویش و منزلگاه دیگر به نام قبر افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی دیگر از این جا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت. در این آغازین لحظه‌های زندگی، تو را به پروردگار سوگند می‌دهم که بیا تا به نماز بایستیم تا باهم در این شب خدا را عبادت کنیم. (۵) و به راستی زندگی که این‌گونه آغاز شد، ارزش آن را دارد که ثمرات آن بهترین و گرانبهارترین انسان‌ها باشد که در تاریخ بشری بی‌مانند و نزد خداوند گران‌ترین باشند.

آداب همسرداری

۱. مقدم داشتن همسر بر خود

وقتی زن و مرد به عقد یکدیگر در آمدند خداوند محبت آن دو را به دل یکدیگر می‌اندازد. گویی یک روح در دو بدن می‌شوند. و از این پس، برای گرم‌تر کردن کانون خانواده به نکات فراوانی می‌بایست توجه شود. از جمله آن‌ها ایشارو از خودگذشتگی است؛ به این معنا که برای تأمین و تداوم سعادت خانواده دیگری را بر خود مقدم داشته، برخی از حقوق خود را نادیده بگیرد.

در یکی از روزها، صبحگاهان امام علی (ع) به همسر عزیزش فرمود: فاطمه جان! آیا غذایی داری تا از گرسنگی بیرون آییم؟ فاطمه پاسخ داد: نه. به خدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید سوگند، دو روز است که در منزل غذایی کافی نداریم، آنچه بود به شما و فرزندانم دادم و خود از غذای اندک موجود، استفاده نکردم. امام با تأسف فرمود: فاطمه جان! چرا به من اطلاع ندادی تا به دنبال تهیه غذا بروم؟

فاطمه (س) فرمود: «یا ابا الحسن انی لاستحیی من الهی ان اکل نفسک ما لاتقدر علیه.» «ای ابا الحسن! من از پروردگار خود حیا می‌کنم که چیزی را که تو بر آن توان و قدرت نداری، از تو درخواست نمایم.» (۶)

۲. تقسیم کار در زندگی

یکی از عوامل شادابی و تکامل خانواده‌ها تعیین حدود مسؤولیت افراد در خانواده است. البته، تعیین این مسؤولیت‌ها بنابر شایستگی‌ها و توانمندی‌هایی است که خداوند در انسان به ودیعه نهاده است. با تقسیم کار، عدالت اجتماعی در محیط خانواده سعادت می‌آفریند و زن را از دخالت در اموری که سزاوار نیست باز می‌دارد.

امام باقر(ع) فرمود: حضرت فاطمه(س) کارهای منزل را با حضرت علی(ع) این‌گونه تقسیم کردند: خمیر کردن آرد و تمیز کردن و جارب زدن منزل به عهده فاطمه باشد و کارهای بیرون منزل از قبیل جمع‌آوری هیزم و مواد اولیه غذایی را علی(ع) انجام دهد.

امام صادق(ع) فرمود: این تقسیم کار با اشاره رسول خدا(ص) انجام گرفت، آن‌گاه که رسول خدا(ص) فرمود: کارهای داخل منزل را فاطمه(س) و کارهای بیرون منزل را علی(ع) انجام دهد. حضرت زهرا با خوشحالی فرمود: «فلا یعلم ما داخلنی من السرور الا الله باکفائی رسول الله تحمل رقاب الرجال.» (۷) «جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است بازداشت.» و شاید خوشحالی آن حضرت از این جهت بود که از برخورد با نامحرم به دور خواهد ماند، چه این که کار کردن غیر ضروری زنان و اختلاط زنان با مردان با روح تقوا بیگانه است.

در روایتی دیگر آن حضرت در پاسخ پدر بزرگوارشان که پرسیده بود: در کدام لحظه زن به خداوند نزدیک تر است؟ فرمود: «ادنی ما تکون من ربها ان تلزم قعر بیتها...» (۸) «نزدیک ترین حالات زن به خداوند زمانی است که در خانه خود می‌ماند.»

البته، روشن است در مواردی خروج زن از خانه ضرورت پیدا می‌کند. مثل مواردی که آن بانوی بزرگوار برای دفاع از حقوق غصب شده خود و شوهرش به مسجد یا دارالخلافه رفت و یا امور ضروری دیگر و... و آنچه از آن مذمت شد، بیرون رفتن‌های غیر ضروری دختران و زنان است که قطعاً پیامدهای ناگواری به دنبال خواهد داشت.

۳. رعایت ادب و احترام نسبت به همسر

در روایتی آمده است آن حضرت ملاک و معیار ارزشمندی انسان را در مهربانی با همسر و نرمی با دیگران ذکر کرده است:

«بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم تر و مهربان تر باشد و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با زنان خود مهربان و بخشنده اند.» (۹) و آن‌گاه که می‌خواهد شدت علاقه و وفاداری خود را به شوهر مظلومش ابراز نماید می‌فرماید: «علی جان! جانم فدای تو، و جان و روح من سپر بلاهای جان تو، ای اباالحسن! همواره با تو خواهم بود، اگر تو در خیر و نیکی به سرمی‌بری با تو خواهم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی باز هم با تو خواهم بود.» (۱۰)

به خلاف عشق‌های ظاهری و دروغین، که تنها در هنگام عافیت و شادی ابراز می‌شود، نه در هنگام مشکلات و ناراحتی‌ها.

۴. تحمل مشکلات و سختی‌ها

الف. تحمل گرسنگی:

پیامبرگرامی اسلام(ص) روزی وارد منزل فاطمه(س) شد و فرمود: دخترم در چه حالی و چگونه زندگی می‌کنی؟ پاسخ شنید: «درد و گرسنگی بی تابم کرده و هر لحظه رو به فزونی است و غذایی ندارم تا رفع گرسنگی کنم» رسول اکرم(ص) فرمود: «دخترم آیا راضی نیستی که بزرگ زنان جهانیان باشی؟» (۱۱)

برهنه پا و سرانند در ولایت عشق

که قوتشان همه جوع است و جامه عریانی

ب. تحمل کمبودهای زندگی

ای خوش آنان که دل از غیر تو پرداخته اند

در همه عمر بجز مهر تو نشناخته اند

جان فدای سر آن طرفه حریفان که زشوق

نقد هستی همه دریای تو در باخته اند

نازم آنان که چو عنقا ز نهانخانه عشق

رایت فقر بر این نه فلک افراخته اند

پی نوشت‌ها

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۶۷ و ج ۴۳، ص ۵۱
۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۲۶۲
۳. محمد دشتی، نهج الحیاة، ص ۲۸
۴. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۹
۵. محمد دشتی، نهج الحیاة، ص ۳۵
۶. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۰۳ و ج ۹۳، ص ۱۴۷
۷. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳
۸. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲
۹. نهج الحیاة، ص ۱۵۷
۱۰. همان، ص ۱۴۷
۱۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۷
۱۲. نهج الحیاة، ص ۲۹۷
۱۳. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۰۳

.....
مجله دیدار آشنا مرداد ۱۳۸۱، شماره ۲۶

حضرت زهرا(س) روزی در خدمت پدر از مشکلات زندگی و کمبودهای رفاهی سخن به میان آورد و فرمود: «ای رسول خدا من و پسر عمویم چیزی از وسایل رفاهی نداریم، مگر پوست گوسفندی که شب‌ها بر روی آن می‌خوابیم و روزها بر روی آن شتر خود را علف می‌دهیم.»

رسول اکرم(ص) فرمود: «دخترم صبر و تحمل داشته باش، زیرا موسی بن عمران ده سال با همسرش زندگی کرد و فرشی جز یک قطعه عبای قطلوانی نداشتند.» (۱۲)

لازم به یادآوری است همسرانی که امور رفاهی فراوانی به شوهران خود تحمیل می‌کنند، غافلند از این که توانایی‌های انسان حد و مرزی دارد و اگر شخص نتوانست از راه مشروع توقعات همسرش را برآورده کند به ناگزیر از راه‌های نامشروع آن‌ها را تامین می‌نماید و چه خسارتی از این بزرگ تر که زن با توقعات نابجای خود، پای اموال شبهه ناک و حرام را به خانه خود باز نماید. البته، فلسفه این ساده زیستی را در حکایت زیر به خوبی می‌توان دریافت: «سلمان فارسی می‌گوید: روزی حضرت زهرا(س) را دیدم که چادری وصله دار و ساده بر سر دارد. در شگفتی ماندم و گفتم: عجباً دختران پادشاه ایران و قیصر روم بر کرسی‌های طلایی می‌نشینند و پارچه‌های زربنت به تن می‌کنند، و این دختر رسول خداست که نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباس‌های زیبا!

حضرت فاطمه(س) پاسخ داد: «ای سلمان! خداوند بزرگ، لباس‌های زرین و تخت‌های طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.» (۱۳)

اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد

نشاط و عیش به باغ بقا توانی کرد

اگر به آب ریاضت برآوری غسلی

همه کدورت دل را صفا توانی کرد

ز جایگاه هوس گر برون نهی گامی

نزول در حرم کبریا توانی کرد

و گر زهستی خود بگذری یقین می‌دان

که عرش و فرش و فلک زیر پا توانی کرد.

رهبری حضرت علی (ع) متجلی بود، پس از رسول اکرم (ص) ادامه می‌یافت، یقیناً به خوش بختی و سعادت تمام جوامع بشری منتهی می‌شد و اسلام آینده‌ای روشن و درخشان می‌داشت که در سایه آن، مردم در نهایت آسایش و رفاه، از نعمت‌های فراوان مادی و معنوی بهره‌مند می‌شدند و درهای برکت از آسمان و زمین برایشان گشوده می‌گشت؛ ولی افسوس!

تاریخ و چگونگی پیدایش شیعه

«شیعه» در لغت، به معنای پیرو، یار و یاور است و در عرف فقها و متکلمان، به پیروان حضرت علی (ع) اطلاق می‌گردد. (۲) لفظ «شیعه» را در بیشتر کتاب‌های لغت و تاریخ می‌یابیم؛ چنان‌که در قرآن و احادیث نیز به آن اشاره شده است. خداوند تبارک و تعالی در آیه ۸۳۸۵ سوره صافات پس از ذکر حوادث حضرت نوح (ع) می‌فرماید: «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ إِذْ قَالَ لِلَّيْبِهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تُعْبُدُونَ»؛ از شیعیان او [حضرت نوح (ع)] ابراهیم است که با قلب سالم و دور از بیماری به پروردگارش روی آورد، آن‌گاه به پدر و قومش گفت: چه می‌پرستید؟ فاصله زمانی بین حضرت نوح (ع) و حضرت ابراهیم (ع) بیش از دو هزار سال است، ولی به دلیل آنکه حضرت ابراهیم (ع) راه حضرت نوح (ع) را در پرستش خدای یگانه و مبارزه با بت پرستی و غیرخداپرستی در پیش گرفت، «شیعه» نامیده شد.

در آیه ۱۵ سوره قصص، پروردگار متعال پس از ذکر قصه حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «وَدَخَلَ الْمَدْيَنَةَ عَلَىٰ حَبِيبٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنَ شِيعَتِهِ عَلَىٰ الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ...»؛ در حال غفلت مردم وارد شهر شد و دو نفر را دید که با یکدیگر در نزاعند؛ یکی از شیعیان او و دیگری از دشمنان او. پس آن‌که از شیعیان او بود برای مبارزه با دشمن از او کمک طلبید....

حضرت موسی (ع) به یاری شیعه اش شتافت، با یک مشت به زندگی اش خاتمه داد و او را از جنگ و منازعه برای بار دیگر نهدی فرمود. در این آیه، «شیعه» به معنای یار و دوست و هواخواه است که در مقابل دشمن قرار دارد.

شیعه و دفاع از حریم آن در خطبه‌های حضرت زهرا (س)

مریم حکمت نیا

چکیده

«شیعه» نامی آشنا در فرهنگ توحید بوده و قرآن بزرگ‌ترین شاهد این گفتار است. در قرآن، حضرت ابراهیم (ع) «شیعه» نامیده شده است؛ زیرا ادامه‌دهنده جریان توحیدی حضرت نوح (ع) بود. پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) نیز شیعه بودند.

«تشیع» راهی جدا یا منشعب از اسلام نیست، بلکه امتداد خط حضرت محمد (ص) و استمرار طریق توحید است. روشن است که در راه خدا و جریان توحیدی، انتخاب خلیفه و وصی پیغمبر همانند انتخاب پیامبر، فقط به دست خدا و به فرمان او انجام می‌گیرد. این همان اعتقادی است که شیعه را از دیگران ممتاز می‌گرداند.

حضرت زهرا (س) در خطبه مبارک خود، به دفاع از این بینش می‌پردازد و در مقابل تمام جریاناتی که تا آن زمان پدید آمده بودند یا در آینده به تبع آن‌ها می‌توانستند پدید بیایند، ایستاده، مخالفت صریح خود را اعلام می‌کند؛ زیرا نتیجه آن‌ها را بسیار شوم می‌داند که جز خون ریزی و بدبختی نمره‌ای نخواهد داشت، در حالی که اگر همان جریان برگزیده الهی که در

با توجه به آیات مزبور، روشن می‌شود که لفظ «شیعه» پیش از پیامبر اکرم (ص)، در زمان حضرت موسی (ع) و پیش از ایشان در عصر حضرت ابراهیم (ع) نیز وجود داشته است و تاریخی دیرینه دارد؛ چنان که بر معنای عام نیز دلالت می‌کند که همانا «پیرو» و «دوست» و «خواه» است. اما چگونه و چسان و از چه زمانی این لفظ مبارک در خصوص یاران و پیروان حضرت علی (ع) استعمال شده، موضع اختلاف مورخان و نویسندگان مذاهب است:

بعضی از نویسندگان پیدایش شیعه را از زمان وفات پیامبر خدا و پدید آمدن مسئله انتخاب خلیفه در «سقیفه بنی ساعده» دانسته‌اند. جمعی دیگر به اصطلاح خودشان تکوّن حزب شیعه را پس از شهادت امام حسین (ع) تاریخ زده‌اند.

بعضی نیز معتقدند: شیعه زمانی به وجود آمد که پیامبر اکرم (ص) واپسین لحظات زندگی خویش را در این عالم سپری می‌کرد. او از مردم خواست دوات و ورقی حاضر سازند تا کلماتی را بر آن‌ها املا کند. بعضی از اصحاب پیامبر با آوردن کاغذ و قلم مخالفت ورزیدند و با عمر بن خطاب، که می‌گفت: پیامبر از شدت تب هذیان می‌گوید و دستورش لازم الاجرا نیست، همصدا شدند. از همین جا بود که اختلاف و دوگانگی بین مسلمانان پدید آمد و بعدها به پیدایش شیعه و غیر شیعه انجامید.

گروهی دیگر برآنند که اصلاً تاریخ شیعه به پیش از تمام این اقوال برمی‌گردد؛ زیرا پیغمبر (ص) خود سنگ زیربنای تشیع را نهاد. با این حساب، در زمان پیامبر (ص) و حتی پیش از بیماری ایشان، شیعه به دست مبارک خود پیامبر خدا شکل گرفت و به وجود آمد.

بی تردید، تمام اخبار و اقوال و نظریه‌های مزبور تنها تاریخ به وجود آمدن اختلافات و شکل گرفتن گروه‌های اسلامی را بازگو می‌کنند و به وضع لغوی «شیعه» و چگونگی وضع این لفظ در خصوص پیروان علی (ع) اشاره ای ندارند. تنها نظریه اخیر تا حدی به موضوع مورد بحث اشاره دارد؛ زیرا پیامبر خدا را بنیانگذار تشیع می‌داند. شاید همین امر سبب شد که از روزهای نخستین، به کسانی که در کنار حضرت علی (ع) ایستادند

و او را یاری کردند «شیعه» گفته شود. این نظریه منطقی‌ترین به نظر می‌رسد؛ زیرا بیان می‌کند که چگونه لفظی «عام» در معنایی «خاص» استعمال شده است، و گرنه چطور ممکن بود لفظی که همیشه بر معنایی عام دلالت داشته است، از مدلول لغوی عام خود خارج و در مدلول عرفی خاص استعمال شود، آن هم بدون هیچ دلیلی؟ مثلاً، در کتب مذهبی و تاریخی و ادبی، کلماتی مانند «شیعه ابوسفیان» و «شیعه بنی امیه» یا «شیعه بنی عباس» می‌یابیم که هر یک با اضافه شدن به مضامین الیهی استعمال شده است؛ ولی در هر جای تاریخ، کلمه «شیعه» را بدون مضامین الیه و بدون قرینه یافتیم، بی شک، شیعه حضرت علی (ع) مقصود است. در بین مورخان، تنها کسانی می‌توانند پرسش ما را پاسخ گویند که پیامبر اکرم (ص) را واضع اصلی «شیعه» می‌دانند.

شاید بتوان گفت: کلمه «شیعه» مانند الفاظ اسلامی دیگری همچون «صلاة، صوم، زکات و حج» است که پیش از عصر پیغمبر و پیش از زمان تشریح، مدلولی عام داشت و پس از اینکه پیامبر آن را در معنایی خاص وضع نمود یا در موردی خاص استعمال کرد، معنای جدیدی به خود گرفت. برای مثال، «صلاة» در معنای مطلق، «دعا» بود، ولی اکنون در عرف اسلامی به دعایی گفته می‌شود که با کیفیت خاص و کمیت معین انجام می‌شود. «صیام» به هر امساک گفته می‌شود، ولی در عرف اسلام، عبارت است از: امساک از مجموعه ای مفطرات که از اول فجر تا غروب آفتاب ادامه می‌یابند. بی تردید، وضع کننده این لغت در معنای عرفی خاص، خواه به صورت تعیینی یا تعینی پیامبر خداست که برای نخستین بار در دین مبین اسلام، آن‌ها را با شکل و هیأت ویژه معرفی نمود. همین طور است کلمه «شیعه» که سابقاً معنایی عام داشت، ولی اکنون با استعمال یا وضع پیغمبر اکرم (ص) معنای خاص پیدا کرده است.

دلایل اثبات این مدعا احادیث شریفی هستند که از طریق شیعه و سنی روایت شده‌اند و دقیقاً نشان می‌دهند که پیامبر عظیم الشان از این کلمه برای پیروان حضرت علی (ع) گاه با قرینه و زمانی بدون قرینه استفاده کرده است. ابن حجر از پیامبر (ص) چنین نقل می‌کند: «یا علی، اِنَّكَ سَتَقْدُمُ عَلٰی

اللّٰهُ وَشِيعَتُكَ رَاضِينَ مَرْضِيَيْنَ وَيَقْدُمُ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ غَضَابًا مُّقَمَّحِينَ»؛ (۳) ای علی تو و شیعیان در روز قیامت در محضر پروردگار عالم، با کمال رضایت و خشنودی وارد می‌شوید و دشمنانت خم‌شگین و در زنجیرند.

از جابر بن عبدالله انصاری نیز چنین روایت شده است: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ (ص) فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ (ع) فَقَالَ (ص): «قَدْ أَنْتَكُمُ أَخِي» ثُمَّ قَالَ: «وَالذِّي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ (۴) نزد رسول خدا بودیم که حضرت علی (ع) وارد شد. پیامبر (ص) فرمود: به راستی که برادرم آمد. سپس فرمود: به خدایی که جانم در دست اوست، سوگند یاد می‌کنم که این شخص و شیعیانش همان رستگاران روز قیامتند.

در کتاب شافی، فیض کاشانی از عمار آورده است که رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّ الشَّيْعَةَ الْخَاصَّةَ الْخَالِصَةَ مِمَّا أَهَلَ الْبَيْتِ»؛ (۵) شیعه خاص و خالص از ما اهل بیت است.

اگر در احادیثی که از جانب دو گروه شیعه و سنی نقل شده اند دقت کنیم، درمی‌یابیم که پیامبر خدا لفظ «شیعه» را گاه با قرینه و اضافه کردن آن به حضرت علی (ع) و گاه بدون قرینه آورده است؛ گویا آن حضرت واقعا و عمدا می‌خواست این لفظ را در معنایی خاص وضع کند.

پس از این کلام مختصر درباره شیعه و پیدایش آن، چند پرسش دیگر رخ می‌نمایند: شیعه چه کسانی هستند؟ چه امتیازاتی دارند؟ پی‌روی حضرت علی (ع) چرا؟

اگر همانند اهل سنت ببندیشیم و مسائل را با عینک آن‌ها ببینیم و بخواهیم تشیع را از دید آن‌ها بررسی کنیم، با مطالعه کتب اهل سنت، نه تنها تصویر درست و کاملی از «شیعه» در ذهنمان نقش نمی‌بندد، بلکه به نقیض آن نیز برمی‌خوریم. به جرأت، می‌توان گفت: نمی‌توان از میان کتاب‌های اهل سنت، تصویر روشن و واضحی از شیعه را به دست آورد؛ مثلاً، وقتی می‌خواهند از شیعه سخن به میان آورند و شیعه را معرفی کنند، اقوال مختلفی می‌گویند؛ مثل:

۱. شیعه فرقه‌ای از فرقه‌های اسلامی است که علی (ع) را بر بقیه افراد ترجیح می‌دهد.

۲. شیعه کافر و فاجر و یاغی و طغیانگر است. (۶)

در این دو نظریه چه می‌یابیم؟ به طور طبیعی، این سؤال در ذهن نقش می‌بندد که مگر چه اشکال دارد شخصی معتقد باشد حضرت علی (ع) از دیگر اصحاب پیامبر برتر است؟ مگر نه این است که حضرت علی (ع) از دید اهل سنت، تنها صحابی پیامبر است که هرگز به خدا شرک نوزید؟ حال چه اشکال دارد که گروهی حضرت علی (ع) را برتر از دیگران بدانند؟ کجای این اعتقاد مستلزم کفر و بغی است؟ از این گذشته، اگر این امر جرم باشد و مستلزم کفر و شرک و طغیان، پس اهل سنت چه حکمی خواهند داشت؟ مگر نه این است که جرم ما و آن‌ها یکی است؟ آن‌ها هم ابوبکر را بر دیگر اصحاب پیامبر ترجیح می‌دهند و برتر از بقیه می‌دانند. ابوبکر یک «صحابی» است و علی (ع) هم یک «صحابی»!

در جایی دیگر می‌گویند:

۳. شیعه با انگیزه هواپرستی به جانب داری از علی (ع) برخاست.

۴. شیعه با رافضی فرق می‌کند.

۵. شیعه کسی است که علی (ع) را بر اصحاب پیامبر (ص) برتری می‌دهد و اگر او را از ابوبکر و عمر هم برتر بدانند «غالی» است که در عقیده اش غلو می‌کند و به چنین شخصی «رافضی» اطلاق می‌گردد و آن شیعه یا رافضی، که از شیخین تبرّی کند، گم‌راه و مفت‌ری است. (۷) جالب اینجاست که بعضی از علمای اهل سنت می‌گویند: رافضی‌های زمان پیامبر عبارت بودند از: زید بن ارقم، مقداد بن اسود، سلمان فارسی، ابوذر غفاری. (۸) نویسنده همین سخنان در جای دیگر کتابش می‌نویسد: «اما رافضی و شیعه و امثال این دو گروه، برادران شیطانند. سفه‌اء العقولند، مخالف اصول و فروعند. آنان شیعیان ابلیس لعین اند که لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر آن‌ها باد!»؛ (۹)

سبحان الله! شیعه فقط با برتر دانستن حضرت علی (ع) یا تکفیر یک «صحابی» و یا تبرّی جستن از یک صحابی، از دید برخی نویسندگان اهل سنت، غالی و مفت‌ری و ضالّ به حساب می‌آید، ولی اهل سنت، که به ابوذر و سلمان و مقداد و عمار نسبت رخص می‌دهند و رافضی‌ها را اخوان

وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهَلُ فَتَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيَّ
الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: ۶۱): بگو، بیایید بخوانیم فرزندانمان و فرزندانان را
وزن هایمان و زن هایمان را و خودمان و خودتان را، سپس مباحله کنیم و
لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

در تفسیر این آیه، امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «فَأَخْرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)
مِنَ الْإِنْفُسِ مَعَهُ أَبِي وَمِنَ الْبَنِينَ أَنَا وَأَخِي وَمِنَ النِّسَاءِ فَاطِمَةَ أُمِّي
مِنَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ، فَتَحَنُّ أَهْلُهُ وَلَحْمُهُ وَدُمُهُ وَنَفْسُهُ وَنَحْنُ مِنْهُ وَهُوَ
مِنَّا»؛ (۱۲) پس رسول خدا (ص) با خودش از میان «انفس»، پدرم علی (ع) را و
از میان فرزندان، من و برادرم را و از میان زنان، فاطمه مادرم را برای مباحله
با قومش بیرون آورد. پس ما خاندان او و گوشت و خون او و خود او هستیم؛
ما از اویم و او از ماست.

۲. پیامبر خدا (ص) برای ابلاغ برائت از مشرکان، ابوبکر را به سوی آنان
فرستاد، ولی طولی نکشید که دستور بازگشت او را صادر کرد و ابلاغ را به
دست حضرت علی (ع) سپرد. ابوبکر ناراحت شد و دلیل این کار را پرسید.
پیامبر پاسخ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي الْأَيُّمُ الْآنَا أَوْ رَجُلٌ مِّنِّي؛ وَفِي حَدِيثٍ:
هُوَ مَنِّي وَأَنَا مِنْهُ»؛ (۱۳) خداوند به من فرمود تا آیه برائت را ابلاغ نکند، مگر
خودم یا مردی که از من است؛ و در حدیثی دیگر، چنین وارد شده است:
مردی که او از من است و من از اویم.

اگر شیعه از حضرت علی (ع) پی روی می کند به این دلیل است که او از
حضرت محمد (ص) است و حضرت محمد (ص) از او؛ او «نفس» پیامبر
و «خود» رسول الله است. آن دو، حقیقت واحدند؛ همان امتیازی را
که پیامبر (ص) بر مردم دارد، حضرت علی (ع) نیز دارد. همان گونه که
پیامبر (ص) با هیچ یک از مردم عصر خویش و دیگر عصرها قابل مقایسه
نیست، حضرت علی (ع) نیز چنین است. تنها وظیفه و مسئولیت آن ها با
هم تفاوت دارد. پیامبر (ص) وحی می آورد و علی (ع) آن را حفظ می کند: «إِنَّا
نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ.» (حجر: ۹)

۳. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «یا علی، إِنَّمَا أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ
مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»؛ (۱۴) ای علی، نسبت تو با من نسبت هارون با

الشیاطین و سفهاء العقول و شیعیان ابلیس لعین معرفی می کنند، گم راه
نیستند! مگر ابودرو و سلمان و مقداد، اصحاب پیامبر (ص) خدا نبودند؟ پس
چگونه تکفیر آن ها موجب کفر و گم راهی این نویسندگان نمی شود؟
وقتی از فحش ها و بدزبانی ها بگذریم، احادیث دیگری در لایه لای کتب
اهل سنت می یابیم که دلالت بر پیروزی و کام یابی شیعیان حضرت علی (ع)
و دوست داران حضرت فاطمه (س) می کنند. عجباً! نویسنده ای که آن همه
فحاشی ها را به شیعه روا داشته است، با احادیثی که همه به نفع شیعه
حکم می کنند چه خواهد کرد؟ در این مواقع، می بینیم نویسنده کاسه داغ تر
از آش شده و رافضی تر از ابودرگشته و با کمال جرئت، در تفسیر این احادیث
چنین می گوید: «و شیعه هم اهل السنه»؛ شیعیان او در واقع همان اهل
سنت اند. (۱۰) و پس از قدری شرح و توضیح، گویا فراموش کرده باشد که
شیعیان حضرت علی (ع) همان سنتیان هستند، باز بر شیعه می تازد و چنین
می نگارد: «و لا تتوهم الرافضة والشيعة فَبَحَّهْمُ اللَّهُ مِنْ هَذِهِ الْاِحَادِيثِ اَّتْهَمُ
يُحِبُّونَ اَهْلَ الْبَيْتِ»؛ (۱۱) شیعیان و رافضی ها که خدا آن ها را زشت گرداند با
مشاهده این احادیث، گمان نکنند که محبان اهل بیت هستند.

آری، تناقضات را چنان متراکم می یابیم که دیگر جای بحثی باقی نمی ماند.
مطلب روشن تر از آن است که به تحقیق یا بحث و مناقشه نیاز باشد. راستی
مگر پیامبر خدا (ص) بلد نبود بگوید: فائزان و رستگاران روز قیامت سنتیان
هستند، و چه اجباری بود که بفرماید شیعیان هستند، تا به ابن حجری
نیاز باشد که آن را چنین تفسیر کند؟! بلکه شیعه از نظر اعتقادی، حضرت
علی (ع) را دارای جایگاهی بسیار رفیع نزد خدا می داند که وظیفه اش درباره
آن مقام و الاجز اطاعت و تسلیم و پی روی او چیزی نیست.

آیات و احادیث منقول در شأن حضرت علی (ع)

حال به بخشی از آیات و احادیثی مراجعه می کنیم که مقام ویژه حضرت
علی (ع) را بازگو و وظیفه امت حضرت محمد (ص) را در رابطه با او بیان می نماید:
۱. خداوند متعال در قرآن مجید، حضرت علی (ع) را نفس حضرت
محمد (ص) معرفی می کند و می فرماید: «قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ

موسی است، جز اینکه پس از من دیگر پیامبری نیست. درست بدانسان که حضرت موسی و هارون علیهما السلام در پی یک مسئولیت به راه افتادند، با یکدیگر تبلیغ رسالت را آغاز کردند و هارون (ع) پس از موسی (ع) پیامبر شد، حضرت علی (ع) نیز همراه پیامبر رسالت را آغاز کرد البته پس از حضرت محمد (ص) نبوت پایان یافت و حضرت علی (ع) نبوتی نداشت. با این بینش، شیعه هرگز حضرت علی (ع) را بر هیچ یک از اصحاب پیامبر خدا (ص) ترجیح نمی دهد و این کار را در شأن او نمی بیند، بلکه او را شخصیتی کاملاً ممتاز از دیگران به شمار می آورد و از همان «نفسی» می داند که محمد بن عبدالله (ص) را بر تمام کائنات برتری بخشید؛ همان نفسی که حضرت محمد (ص) را حتی از پیامبران نیز ممتاز گردانید. حضرت علی (ع) شخصیتی مستقل از پیامبر خدا نیست (ص) و دستورهایش نیز جز قوانین نبوی نمی باشد.

به همین دلیل است که مرحوم والد می فرمود: «ما شیعه را نفس اسلام می دانیم، نه فرقه ای از فرقه های اسلامی.» اسلام چیزی نیست که قابل تجزیه و تفرقه باشد. آن فرد و گروهی که متفرق می شود، در واقع از اسلام اصیل و ناب جدا می گردد و تنها به اعتبار اینکه حضرت محمد (ص) را پیامبر می داند یا به بعضی از احکام و دستورات نبوی پایبند است، مسلمان خوانده می شود، وگرنه اسلام یکی بیش نیست. وقتی حضرت علی (ع) «نفس» حضرت محمد (ص) بود، پی روی از او نیز پی روی از رسول خداست.

این واقعیت بر زبان حضرت علی (ع) نیز جاری گشته است؛ در عصر حضرت علی (ع)، شیعیان در نامه ای از ایشان درباره نام «شیعه» پرسیدند، حضرت در پاسخ چنین نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم. ان الله تبارک و تعالی یقول: «و ان من شیعتی لبراهیم اذ جاء ربه بقلب سلیم» و هو اسم شرفه الله فی الكتاب و انتم شیعه النبی محمد (ص)، كما ان محمداً من شیعة ابراهیم (ع). اسم غیر مختصر و امر غیر مبتدع»؛ (۱۵) به نام الله بخشنده نعمت های ظاهری و باطنی. خدای تبارک و تعالی در قرآن می فرماید: از شیعیان او حضرت ابراهیم (ع) است، آن گاه که قلبی سلیم نزد پروردگارش آورد. و آن نامی است که خداوند در کتابش از آن تجلیل کرده و آن را محترم

شمرده است. و شما شیعه پیامبر خدا هستید؛ همان گونه که محمد (ص) نیز شیعه ابراهیم است. نامی است غیرمختصر و امری است [دیرینه] که ما آن را بدعت نهاده ایم.

تشیح از دیدگاه مولی المتقین علی (ع) راهی جدا یا منشعب از اسلام نیست، امتداد خط محمدی (ص) و استمرار طریق سلیم توحیدی است؛ چنان که اسلام هم امتداد خط ابراهیمی است. در واقع، لفظ «شیعه» بیان کننده یک «خط» و «جریان» است که از آن در قرآن به «صراط مستقیم» تعبیر شده است.

شیعه مسلمانی است که به این جریان اعتقاد راسخ دارد و ارتباط با این جریان و بودن در این راه را مهم ترین وظیفه الهی خویش می داند؛ راهی که اولیای الهی و رسولان خدایی یکی پس از دیگری آن را پاس داشتند و پیروان آنان با تمسک به آن ها و پی روی از دستورهایشان، در آن راه قرار گرفتند و با آن پیوند خوردند و حضرت علی (ع) به امر خدا، ادامه دهنده این جریان پس از رسول اکرم (ص) است.

نقش حضرت زهرا (س) در تبیین راه تشیح و دفاع از آن

حرکت انقلابی حضرت زهرا (س) و دفاع مقدس او از صراط مستقیم الهی و ولایت رهبران بر حق اسلامی از همان روزهای اولیه وفات پیامبر خدا (ص) شروع شد. آن گاه که پیامبر (ص) دارفانی را وداع نمود و مسلمانان تازی به نام «خلافت» گرد خویش تنیدند و از پذیرش رهبری حضرت علی (ع) سر باز زدند، رهاورد شورای سقیفه اختلاف شدید مهاجران و انصار بود که به پیروزی مهاجران و خلافت ابوبکر انجامید.

تمام این حوادث زمانی تحقق یافتند که حضرت علی (ع) همراه چند تن از یاران به غسل و کفن پیامبر مشغول بود. در این موقعیت، تنها مشکل خلیفه جدید، حضرت علی (ع) و یاران او بود؛ زیرا می دانست که حضرت علی (ع) هرگز به چنین عملی تن نخواهد داد و این مهم جز با تهدید و تخویف به دست نخواهد آمد.

ظاهراً هنوز این تهدیدها عملی نشده بودند که صدای گریه حضرت

فاطمه (س) در مدینه پیچید. این صدا دقیقاً با قلب مؤمنان رابطه برقرار کرد. گویا حضرت فاطمه (س) می‌خواست با زبان قلب‌ها مردم را متوجه حق مسلوب سازد.

پرداختن فاطمه زهرا (س) به گریه در حوصله این نوشتار نمی‌گنجد؛ آن نیز خطبه ای غزا و جهادی است بزرگ؛ خطبه ای که بر نفوس مردم اثری عمیق نهاد و ذهن‌ها را از پرسش‌های گوناگون آکنده ساخت؛ پرسش‌هایی که سرانجام به یک پاسخ روشن می‌رسیدند: ناخشنودی فاطمه (س) که خشنودی اش خشنودی خداوند است و غضبش غضب خدا.

مسلمانان در جهت پایان بخشیدن به گریه حضرت فاطمه (س) بسیار کوشیدند، ولی تلاششان ناکام ماند و اشک‌های اعتراض دخت رسول خدا علیهما السلام همچنان بر دامن پاکش فرو می‌ریختند. این وضعیت تا غضب «فدک» و بیرون راندن کارگزاران فاطمه (س) از آن منطقه ادامه یافت. در این موقعیت، حضرت فاطمه (س) احساس کرد تمام درهایی که پیامبر (ص) به فرمان خدا بر روی همگان بسته و تنها بر علی و فاطمه علیهما السلام گشوده بود، بر آن دو بسته و بر دیگران گشوده شده اند؛ حقوق معنوی او و رهبری بر حق الهی، که خداوند تنها به همسر و فرزندانش عطا فرموده بود، در جامعه اسلامی جدید ضایع و تباہ گشته اند و حقوق مادی که می‌توانستند تا حدی او و خاندانش را در دعوت و تبلیغ مردم یاری دهند و بار دیگر اُمت را به جریان صحیح اسلامی بکشند، از دست رفته اند.

دیگر زمان گریه سرآمده بود؛ زیرا اسلام را خطری دیگر تهدید می‌کرد. آن‌ها پس از غضب خلافت، احکام اسلامی را نیز زیر پا نهادند و اندیشه تحریف آیات قرآن در سر می‌پروراندند. اسلام به بیانی صریح تر و فصیح تر نیاز داشت تا مسلمانان حقایق را با بیانی گویاتر و رساتر از گریه بشنوند و دریابند. از این رو، خمار بر سر نهاد، جلباب پوشید و در میان گروهی از بستگان و زنان قومش به راه افتاد. راه رفتن او درست بسان راه رفتن پدرش بود و گام هایش قدم‌های پیامبر را در اذهان زنده می‌کردند. (۱۶) دخت‌گران قدر رسول خدا در میان گروهی از مهاجران و انصار بر ابوبکر

وارد شد. پرده ای بین او و مردان آویختند و مجلس مهیّاگشت و حضرت جلوس نمود. ابتدا آهی از دل سوخته برکشید و به دنبال آن، صدای گریه مردم فضای مسجد را پر کرد. او پس از اینکه گریست و گریاند و قلب‌ها را به تپش درآورده و برای پذیرش حق نرم ساخت، خطبه تاریخی و غزای خود را آغاز کرد.

حضرت زهرا (س) در سخنرانی خویش، بنابر عادت خطبای اسلامی، پس از حمد و ثنای پروردگار و درود بر محمد و آل محمد علیهم السلام به طرح موضوعات اساسی پرداخت، سخن خویش را ابتدا از اهمیت امامت و ولایت آغاز کرد و مقدمه ای بسیار جالب، که حاوی وعظ و حکمت است، بر آن افزود.

فاطمه زهرا (س) مانند یک رهبر مقتدر اجتماعی و سیاسی، وظایف و مسئولیت‌ها را بر حسب توانایی افراد و به تناسب استعدادها و موهبت‌های الهی، که در درجات متفاوت به اشخاص عطا شده اند، تقسیم می‌کند. بدین سان، فرق آشکار انسانی را که در صف «اُمت» قرار گرفته، با انسانی که خداوند او را برای «امامت» انتخاب کرده است، یادآور می‌شود و بیان می‌دارد که هر یک از آن‌ها، مسئولیتی مربوط به خود دارند. این نظام الهی است که کوچک ترین تغییر در آن جابه جاکردن جایگاه اُمت با امامت یا تغییر و تبدیل مسئولیت‌ها خروج از دین است و نظام را مختل خواهد کرد: «أنتم عباد الله! نصب أمره و نهیه و حملته دینه و وحیه و أمناه الله علی أنفسکم و بلغاؤه الی الأمم، زعیم حق له فیکم و عهد قَدَمَهُ الیکم و بقیة استخلفها علیکم»؛ (۱۷) شما ای بندگان خدا! پرچم‌های امر و نهی او، حاملان دین و وحی او و امین خدا بر خودتان و تبلیغ‌کننده او به اُمت‌ها هستید. زعیم و رهبر حق الهی در میان شماست و آن عهدی است که خدا بر شما عرضه کرده و بقیه ای است که آن را برای شما جانشین قرار داده است.

جامعه زنده و پیشرفته جامعه ای است که در آن، همه افراد در جای خود قرار داشته، مسئولیت ویژه خویش را انجام دهند. به عبارت دیگر، جامعه سالم باید از نظمی همچون پیکر سالم برخوردار باشد؛ هر عضوی در جایگاه مخصوص خود باشد و هر سلولی وظیفه خود را انجام دهد. تشریح

اسلامی دقیقاً بر پایه قانون تکوین بنا نهاده شده و در واقع، چهره ظاهر و بارز تکوین است؛ همان چیزی که خداوند آن را در قرآن «فطرة» می نامد و می فرماید: «فَطَرَهُ اللهُ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ لَهَا لَئَلَّامًا لِيَخْلُقَ اللهُ ذَلِكَ الدِّينَ الْقَائِمَ» (روم: ۳۰)؛ خلقت الهی که خداوند مردم را بر آن خلقت آفریده است. خلقت خدا تغییر و تبدیلی ندارد. آن همان دین استوار است.

پیامبران الهی جملگی برای پیاده کردن این قانون در میان بشر مبعوث گشته اند و برای یادآوری همان فطرت، رسالت خود را آغاز کرده اند. همان گونه که در خلقت الهی تغییر و تبدیلی نیست و هر عضو و دستگاه و سلولی در این بدن «جای» خود و «کار» خود را دارد، در تشریح اسلامی و نظام پروردگار نیز هر انسانی را جایی است و صاحب هر صفت و روحیه و استعدادی را مقامی و مسئولیتی مقرر، که خروج از آن مکان خروج از نظام تشریح شمرده می شود و خیانت به همان امانتی محسوب می گردد که آسمان ها و زمین و کوه ها آن را حفظ کردند، ولی انسان ظلوم جهول به آن خیانت ورزید.

خروج از این قانون تکوین و نظام خدایی سبب معلولیت جامعه اسلامی گشته، آن را در معرض هلاکت و مرگ قرار می دهد. اگر زمانی دستگاه تنفس انسان بخواهد کار دستگاه گوارش را انجام دهد و از ادای وظیفه خود سرباز زند، در این بیکر کوچک چه پیش خواهد آمد؟ حال دقت کنید اگر امتی بخواهد کار امام را انجام دهد، چه اتفاقی می افتد؟ این بدان معناست که گروهی از سلول های پیکر انسان جای سلول های مغزی را بگیرند. بی تردید، در این موقعیت، بدن از نظم طبیعی خارج شده، کارهایش مختل می گردند.

در نظام الهی، وظایف انسان ها در جامعه به دستور خداوند تبارک و تعالی تقسیم می گردند، و اگر وظایف و مسئولیت ها از جانب غیر خدا معین گردند یا اشخاص را غیر خدا برگزینند، چنین نظامی نظام شرک خواهد بود که دقیقاً در مقابل نظام توحید و اسلام قرار دارد. خداوند خود گویای این امر است: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (قصص: ۶۸)؛ پروردگار توست که آنچه بخواهد

می آفریند و برمی گزیند. آن ها حق انتخاب ندارند. خداوند منزّه است از آنچه آن ها شرک می ورزند.

در خطبه حضرت زهرا(س)، جمله اول ایشان مکان و جای امت را در دین مبین اسلام معین می کند: ای بندگان خدا! شما پرچم های امرو نهی الهی و حاملان دین و وحی او هستید. از طرف خدا، امین بر خودتان و تبلیغ کنندگان او به دیگر امت هایید.

پس امت در رابطه با دین الهی و در جامعه اسلامی چهار وظیفه دارد:

۱. قبول امر و نهی خدا و تحقق بخشیدن به آن ها در وجود خود؛

۲. مسئول بودن در قبال حفظ دین و وحی خداوند؛

۳. امین بر نفوس یکدیگر بودن؛

۴. تبلیغ دین.

با این بیان چنان که پیداست انتخاب خلیفه، که مسلمانان در صدر اسلام به آن قیام کردند، کاملاً از حیطة مسئولیت آنان خارج بود و باید به دست خداوند متعال انجام می گرفت.

حضرت زهرا(س) در آغاز سخن، می خواهد به صورتی مرموز، مردم را مورد سؤال قرار دهد که: اولاً «انتخاب خلیفه» از جانب امت به پی روی کدامین امر الهی صورت پذیرفته است؟ در حالی که خداوند به این عمل دستوری نداده است، امت چگونه می تواند به آن عمل دست یازد؟ آیا این عمل با بندگی حق متعال مغایر نیست؟ و وقتی عملی با انگیزه الهی و به امر خدا انجام نیپذیرد از دین خدا نیست.

در واقع، باید گفت: مسلمانان برای این عملشان هیچ سند شرعی نداشتند؛ چنان که حضرت زهرا(س) در خطبه دوم خود، در منزل خویش برای بانوان مدینه فرمود: «لَيْتَ شِعْرِي بَأَيِّ سَنَادٍ اسْتَنْدُوا، أَمْ بَأَيِّ عِمَادٍ اعْتَمَدُوا، أَمْ بِأَيِّ عُرْوَةٍ تَمْسِكُوا وَ عَلَى آيَةِ ذُرِّيَّةٍ أَقْدَمُوا وَ اجْتَنَكُوا؟ لَيْتَ سِ الْمَوْلَى وَ لَيْتَ الْعَشِيرُ وَ بَيْتَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا»؛ (۱۸) کاش می دانستم به کدامین سند استناد کردند؟ یا با کدامین اساس و پایه ای این امر را بنا نهادند؟ یا به کدام آویزه چنگ زدند؟ و بر کدام ذریه ای روی آورده، بر آن استوار گردیدند؟ چه بد رهبری است و بد یآوری است و در آرای عمل

ستم کاران، بد جزایی خواهد بود.

ثانیا، حضرت فاطمه (س) با تحدید مسئولیت اُمت در چهار وظیفه مزبور، به همه می فهماند که انتخاب خلیفه از حیثه مسئولیت آن ها خارج است و باید به دست خدا انجام گیرد؛ زیرا «گزینش» درست مانند «خلق کردن»، از حقوق الهی است و به دست خداوند صورت می گیرد: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ.» (قصص: ۶۸) با این بیان، مسلمانان با انتخاب خلیفه، به حق خداوند تعدی کردند و تعدی به حق خدا شرک و از ظلم های غیرمغفور است.

مسلمانان نیز نیک می دانستند در این کار دستوری از جانب خدا ندارند. عمر بن خطاب، که خود پایه اساسی آن را بنا نهاد و نخستین بیعت کننده ابوبکر بود، می گوید: «إِنَّ بَيْعَةَ أَبِي بَكْرٍ كَانَتْ فَلَنتَهُ وَقَانَا اللَّهُ شَرَّهَا»؛ حقیقتا که بیعت ابوبکر کار بی اساس و بی شالوده ای بود که خداوند ما را از شر آن حفظ کند. سپس می گوید: آگاه باشید! هر کس برای بار دیگر مثل آن را انجام داد، او را بکشید. (۱۹)

عبارات خطبه فاطمه زهرا (س) در این قسمت وی را شخصیتی غضبناک می نمایند؛ گویا بر اُمت سخت خشم گرفته است؛ چرا که عمل اصحاب را پس از پیامبر خدا (ص)، نخستین عملی می داند که بدون اساس الهی بنا شده و کوچک ترین انگیزه الهی ندارد. حضرت فاطمه (س) خوب درک می کند که با این گام انحرافی، اسلام چهره اصلی خویش را به مرور از دست خواهد داد و از آن جز نام باقی نخواهد ماند. از این رو، با تمام قوا می خواهد اعوجاجی را که در خط اصیل اسلام پدید آمده است، اصلاح کند و زمام اُمت پدرش را به دست خداوند بسپارد تا مسلمانان به ریسمان محکم اسلام چنگ زنند و دین پدرش مصونیت یابد.

در نظر حضرت فاطمه (س)، اُمت زمانی می تواند ایمانش را حفظ کند که تحت حکومت و رهبری «الله» زندگی کند. او معتقد است: رهبری الله هرگز از میان انسان ها رخت بر نمی بندد و هنوز هم در جامعه وجود دارد و حتی با فوت پیغمبر نیز خاتمه نمی یابد: «أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ (ص) فَخَطِبَ جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ وَهْنَهُ وَاسْتَنْهَرَ فِتْنَهُ وَانْفَتَقَ رَتْقَهُ وَاطْلَمَتِ الْأَرْضُ لَغِيْبَتِهِ

فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكَبِيرَى وَالْمَصِيبَةُ الْعُظْمَى... أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ وَفِي مُمَسَاكِمِ وَ مُصْبِحِكُمْ، يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هُتَافًا وَ صِرَاحًا وَ تِلَاوَةً وَ اِعْلَانًا وَ لِقْبَلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، حَكْمٌ فَصْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ.» و ما محمدُ الرسولُ قد خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفْانِ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»؛ (۲۰) آیا می گویند: دیگر محمد (ص) مرد؟ پس حادثه بزرگی است که ضعف و سستی حاصل از رحلت پیامبر بیشتر شده، شکاف پدید آمده از هجران او فراخ تر گشته و پیوندهای محکم شده در عصر رسول خدا گسسته اند. با غیبت او، زمین تیره و تار شد، خورشید و ماه گرفتند و ستارگان در مصیبت وی پراکنده شدند و آمال و آرزوها بی ثمر ماندند و کوه ها فرو ریختند و حدود و حریم الهی ضایع گشتند و ارزش ها نیز مردند. به خدا قسم! این اندیشه شما دردی بزرگ تر و مصیبتی گران تر است که مانند آن هرگز فرود نیامده و بلایی زودگذر نخواهد بود. خبر این بلای طولانی و مصیبت عظیم را کتاب خدای متعال قبلاً در گرد آگرد خانه های شما، در شبانگاهان و صبحگاهان شما اعلام کرده بود... گذشته از این ها، حوادث و جریان هایی که پیش از او بر پیامبران و فرستادگان خدا فرود آمده بودند، خود قانونی قطعی و قضایی حتمی اند. محمد (ص) نیست مگر فرستاده ای از فرستادگان خدا که پیش از او نیز پیامبران دیگری آمده و رفته اند. پس اگر او بمیرد یا کشته شود شما به همان گذشته و آیین جاهلیت خویش برمی گردید؟! که هر کس به عقب برگردد به خدا ضرری نمی رساند و خداوند شاکران را پاداش خواهد داد.

اینکه مردم معتقد باشند با از بین رفتن حضرت محمد (ص) و رحلت وجود مبارکش، رهبری الهی از روی زمین برداشته شده و از این به بعد به عهده مردم گذاشته شده، در واقع، این اعتقاد همانا بازگشت به گذشته پیش از اسلام و رجوع به جاهلیت است؛ غیبت نور از زمین و غلبه تاریکی بر جهان است. ما چه زمانی می توانیم به استمرار زعامت الهی اعتقاد داشته باشیم و فوت پیامبر خدا (ص)، چیزی از دین و ایمان ما نکاهد؟ یقینا آن گاه که الله را رهبر حقیقی و دایم خویش بدانیم و در انتخاب رهبر و امام یا

خلیفه به انتخاب او چشم بدوزیم. با این معنا، «امامت» استمرار و تداوم رهبری خدا در جامعه است.

گذشته از این، در جایی دیگر از خطبه، حضرت زهرا(س) امامت را عهدی معرفی می‌کند که درباره آن میثاق گرفته شده است: «زعیّم حقّ له فیکم و عهداً قدّمه الیکم و بقیّة استخلفها علیکم کتابُ الله الناطق و القرآن الصادق و النور الساطع»؛ (۲۱) رهبر حق الهی در میان شماست. او همان عهدی است که خداوند بر شما عرضه کرده و بقیه و استمرار رسالت محمدی(ص) است که برای شما به جا گذاشته. او کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور فروزان و روشنایی درخشان است.

یا می‌فرماید: «مغتبطةً به أشیاعه، قائدٌ الی الرضوانِ اتّباعه، مؤدّی الی النجاة استماعه»؛ (۲۲) شیعیانش به حال او غبطه می‌خورند، پی روی او به بهشت رهنمون می‌شود و گوش درگرو سخنان او نهادن، به نجات و کام یابی می‌رساند.

در مطالبی که گفته شدند، ملاحظه می‌شود که حضرت زهرا(س) فقط درباره ضرورت وجود رهبری و انتخاب آن از جانب خدا سخن به میان آوردند، بدون اینکه نامی از آن امام همام ببرند. عمل امت را استنکار کردند و بیان داشتند که این رهبر از جانب خدا در بین مردم بود و نیازی به انتخاب خلیفه وجود نداشت. حال ببینیم که آیا دخت گرامی رسول خدا و حجت حق، نامی از آن امام همام نیز در خطبه شان می‌برند یا نه؟

رهبر برگزیده خدا کیست؟

حضرت زهرا(س) پس از بیان مطالب مزبور، برای آمالگی اذهان عمومی، مقدّمه ای مشحون از حکمت و موعظه حسنه می‌آورد؛ ابتدا به فلسفه تشریح احکام و قوانین الهی اشاره می‌کند و حکمت الهی را در وضع احکام و اختیار رهبران بازگو می‌فرماید: «فَجَعَلَ اللهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيْهًا لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ وَالرَّكَاءَةَ تَرْكِيْبَةً لِلنَّفْسِ وَ نَمَاءً فِي الرِّزْقِ... وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمَلَّةِ وَ اِمَامَتَنَا اَمَانًا لِلْفُرْقَةِ وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ»؛ (۲۳) خداوند متعال ایمان را برای پاک کردن شما از شرک فرض نمود و نماز را برای دور بودن

از تکبر، و زکات را برای پاکی نفس و تکثیر روزی، و اطاعت و پی روی از ما را برای برقراری نظام دین، و امامت و رهبری ما را برای ایمنی از پراکندگی و تفرقه، و جهاد را برای عزّت و سربلندی اسلام قرار داد.

ایشان به وسیله این جمله‌های کوتاه و دقیق، معانی بی شماری را به ما گوشزد می‌نماید:

۱. رهبری و امامت ما با قراردادهای بشری نبوده، مانند نماز و روزه و حج و زکات از جانب خداوند مقرّر شده است.

۲. پی روی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بیهوده نیست، خداوند آن را مقرّر فرموده تا نظام او در زمین و در میان جامعه بشری همیشه و به طور مستمر و زنده بماند؛ همان گونه که امامت آن‌ها را برای ایجاد وحدت در جامعه و اجتناب از اختلاف و تفرقه تقدیر نموده است؛ همان تفرقه ای که مسلمانان از لحظه اول فوت پیامبر در آن واقع شدند و دایره آن به تدریج گسترده تر شد و سرانجام، به قتل عثمان انجامید. دختر پیامبر خدا، قوانین عام الهی و فرمول‌های دقیق اجتماعی و دینی را به مردم می‌گوید و با بیان این قوانین روشن می‌کند؛ همان گونه که اسلام بدون جهاد ذلیل است و انسان بدون ایمان مشرک، جامعه و ملت محمدی(ص) هم بدون اطاعت و پی روی از اهل بیت علیهم السلام فاقد نظم اجتماعی است و مسلمانان بدون زعامت و رهبری آن‌ها، وحدت خویش را از دست خواهند داد؛ دقیقاً بدان سان که بعدها اتفاق افتاد و تاریخ را از آن مهم تر، اوضاع کنونی مسلمانان جهان گویای آن است.

۳. سخن کسانی را که گفته اند عقیده به امامت را غیر مسلمانانی همچون عبدالله بن سبأ در میان شیعه اشاعه داده اند، رد و نقض می‌کند؛ زیرا فاطمه زهرا(س) زمانی کلماتی امثال «عهد مقدّم» و «بقیة الله» و «طاعتنا نظاماً للملّة» و «امامتنا اماناً للفرقة» را به کار می‌برد که اثری از عبدالله بن سبأ و امثال او در میان مسلمانان وجود نداشت؛ زیرا حضرت فاطمه(س) بیش از ۷۵ یا ۹۵ و به قولی ۶ ماه پس از پدر گران قدرش زندگی نکرد. پس این جملات، که بازگوکننده عقیده شیعه اند، اساسی کاملاً اسلامی دارند. ۴. با این دو جمله، امامت جایگاه خاص خود را در جامعه اسلامی

می یابد؛ چراکه اگر امت اعضا و جوارح پیکر اسلام را نمایش دهد، امامت سرو مغز آن خواهد بود. اگر امت ممثل جسد جامعه باشد، امامت روح و عقل آن خواهد بود و اهل بیت رسالت علیهم السلام سلول های مغزی آن؛ زیرا نظام وجود به وسیله عقل پابرجاست و اطاعت و پیروی جز از عقل، چیزی را نشاید.

فاطمه زهرا(س) در حکم یکی از سلول های مغزی اسلام، با پیکر اسلام آشناست و می داند چه خطری آن را تهدید می کند. در واقع، دشمن تمام وجود اسلام را هدف ضربات خود قرار داده است، ولی هرگز نمی تواند تمام آن را یکباره نابود سازد، مگر با هدف قرار دادن رأس و مرکزیت آن پیش از هر عضو دیگر. از این رو، حضرت فاطمه(س) در این فراز از سخنانش توقف نمی کند، بلکه پیش تر و پیش تر پیش می رود تا واقعیت را واضح تر بیان کند و عناصر اصلی اهل بیت علیهم السلام را معرفی و ضمیر «نا» را در «طاعتنا» و «امامتنا» مشخص و محدود سازد. بدین منظور، چنین ادامه می دهد: «أَيُّهَا النَّاسُ اِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَأَبِي مُحَمَّدٌ (ص)، أَقُولُ عودا و بدوا و لا أقول ما أقول غلطا و لا أفعل ما أفعل شططا «لقد جاءكم رسول من أنفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم» فان تفرّوه و تعرفوه تجدوه أباي دون نساءكم و أخابن عمي دون رجالكم و لنعم المعزّي اليه (ص)»؛ (۲۴) هان ای مردم! بدانید که من فاطمه ام و پدرم محمد(ص)، سخن اول و آخرم را می گویم. درگفتن، غلط نگویم و در عمل، راه خطا نیویم. به راستی، برای شما پیامبری از بین خودتان مبعوث گشته که رنج شما بر او دشوار است و بر هدایت شما سخت حریص، و بر اهل ایمان دلسوز و مهربان. اگر از منسوبان من جست و جو کنید و او را بشناسید، خواهید دید که او تنها پدر من است، نه پدر زن های شما؛ و تنها برادر همسر من است، نه برادر مردان شما. و چه زیباست منسوب شدن به او! فاطمه زهرا(س) با بیان «اعلموا أنني فاطمة» خود را معرفی می کند. او یگانه معیار و میزان محبت خدا و پیامبر در میان مردم بود. دوستی او یگانه معیار و کینه او کینه حضرت محمد(ص) بود. اکنون همان فاطمه(س) در مقابل آن ها ایستاده و ناراضیتی خود را از آن ها ابراز می کند.

از این گذشته، پیامبری که این قوم ادعای پیروی اش را دارند، آیا پدر شخصی غیر از فاطمه(س) است؟ آیا برادر شخصی غیر از حضرت علی(ع) است؟ اینکه پیامبر در میان آن همه مردم مسلمان، فقط حضرت علی(ع) را برادر خویش اعلام می کند، چه معنایی دارد؟ آیا گزینش او همان گزینش الله نیست؟ «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳ و ۴)

از این ویژگی حضرت علی(ع) که بگذریم، مجاهدت های او در راه حضرت محمد(ص)، خود بهترین دلیل صلاحیت او در احراز مقام ولایت الله است. همسرش حضرت فاطمه(س) در وصف مجاهدت هایش چنین می گوید: «كَلَّمَا أَوْقَدُوا لِلْحَرْبِ نَارًا أَطْفَأَهَا اللَّهُ. أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَتْ فَاعْرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذْفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا. فَلَا يَنْكُفِي حَتَّى يَطَأَ جَنَاحَهَا بِأَخْصِيصِهِ وَيَخْمُدُ لَهَا سَيْفَهُ؛ مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنَ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مَشْمُورًا نَاصِحًا مُجَدِّدًا كَادِحًا لِاتِّخَاذِهِ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَاتِمَّ وَأَنْتُمْ فِي رِفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ وَادْعُونَ فَاكْهُونَ آمِنُونَ تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ وَتَتَوَكَّفُونَ الْاِخْبَارَ وَتَتَكْصُونَ عِنْدَ انْزَالِ وَتَفَرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ...»؛ (۲۵) هرگاه گرگان عرب آتشی افروختند، خداوند آن را خاموش گردانید، یا هرگاه شاخ شیطانی برمی آمد یا مشرکی دهان می گشود، [پیامبر] برادرش علی(ع) را در بیخ گلوی آن ها می افکند و او بر نمی گشت تا آن گاه که بال های دشمن را در زیر گام های خود پایمال کند و آتش آن جنگ ها را با شمشیرش خاموش گرداند، در حالی که او در راه خدا خستگی می کشید و در کار خدا کوشش فراوان می کرد؛ نزدیک ترین فرد به رسول الله بود و سید رهبران الهی به شمار می آمد، در خیرخواهی و نیکی آستین بالا زده، مجدانه می کوشید و در مسیر حق از سرزنش سرزنشگران بیم نداشت. در آن حال، شما در رفاه زندگی به سر می بردید، در تن آسایی و خوش گذرانی و بی اعتنائی به امور دین و امن، و امان روزگار سپری می کردید، منتظر شنیدن حوادث و اخبار ناگوار درباره ما بودید، از جنگ کناره می گرفتید و هنگام مبارزه فرار می کردید....

با توجه به این سخنان حضرت زهرا(س)، حضرت علی(ع) یگانه قهرمان جنگ های پیامبر و خاموش کننده آتش فتنه های عرب با شمشیر بزّان

۳. صفات والا و مجاهدت هایش در راه اسلام.

همین سان، به «راه» بودن حضرت علی(ع) نیز اشاره دارد؛ زیرا وقتی حضرت علی(ع) به پیامبر دعوت کرده و مردم تنها به وسیله دعوت‌ها و مجاهدت‌های حضرت علی(ع) پیامبر را شناخته و دعوت او را درک کرده اند، پس او «راه» محمد(ص) است و قبول کردن پیامبر جز از طریق پی روی حضرت علی(ع) میسر نیست. از این رو، حضرت زهرا(س) شکی ندارد که امت با ترک رهبری حضرت علی(ع) از راه اسلام و صراط هدایت الهی خارج گشته است، هرچند تا حدی احکام و مناهج اسلامی را انجام دهد و نماز و روزه به جای آورد؛ زیرا منهای حق و روش صحیح زمانی مؤثر است که در راه حق انجام پذیرد. روش صحیح آن گاه که در راه صحیح نباشد بهره ای ندارد و به تعبیر دیگر، مقبول درگاه احدیت نیست. عمل به دستورهای پیامبر عظیم الشأن بدون قرار گرفتن در راه او، هرگز انسان را به بهشت نمی‌رساند. حضرت زهرا(س) با این بینش وارد بحث شده، قومش را به شدت سرزنش می‌کند. او ترازویی دقیق در مسجد پیامبر به پا داشته و امت را در پیش از اسلام و پس از آن و آن گاه پس از رحلت پیامبر می‌سنجد و وضع اسلام را در حال و آینده بررسی می‌کند: «فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ انبِيَاءِهِ ظَهَرَ فَيَكْمُ حَسَكَةُ النِّفَاقِ وَ سَمَلُ جَلْبَابِ الدِّينِ وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِيْنَ وَ نَبَعَ حَامِلُ الْاَقْلِيْنَ وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمَبْطِلِيْنَ فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ وَ اَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَاسَهُ مِنْ مَعْرَزه هَاتِفَا بِكُمْ فَالْتَمَعْتُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِيْنَ وَ لِلْفَرَّةِ فِيهِ مَلَا حَظِيْنَ، ثُمَّ اسْتَهَضَّكُمْ فَوْجَكُمْ خِفَافًا وَ اَحْمَشَكُمْ فَالْتَمَعْتُمْ غَضَابًا فَوْسَمْتُمْ غَيْرَ اِبْلِكُمْ وَ وُرِدْتُمْ غَيْرَ مُشْرِبِكُمْ. هَذَا وَ الْعَهْدُ قَرِيْبٌ وَ الْكَلِمُ رَحِيْبٌ وَ الْجَرْحُ لَمَّا يَنْدَمُلُ وَ الرَّسُوْلُ لَمَّا يَقْرَبُ ابْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ «الْاِ فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ اِنْ جِهَنَّمَ لِمَحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ»؛ (۲۷) پس وقتی خداوند برای پیامبرش خانه پیامبران و مأوای برگزیدگان را اختیار نمود، در میان شما خار نفاق روید و لباس دین کهنه شد. آنان که [در زمان حیات پیامبر] از نومیدی سکوت کرده بودند، زبان به سخن گشودند، گم نامان خوار و ذلیل به عرصه ظهور آمدند. نر شتر راه باطل صدا در گلو انداخته، در میادین شما مغرورانه به جولان پرداخت و شیطان سرخویش از مخفیگاهش بیرون آورد و بر شما

خویش بود. او در مقابل شدیدترین مشکلات آن زمان، سینه اش را سپر می‌کرد و به خاطر دین خدا و حفظ پیامبر اکرم(ص)، خود را در رنج و سختی می‌افکند؛ اما دیگران چه؟ مخاطبان فاطمه زهرا(س) که به نام مسلمان در مسجد پیامبر نشسته بودند چگونه؟ «وَ كُنْتُمْ عَلٰى شِفَا حُفْرَةِ مِنْ النَّارِ مَذْقَةُ الشَّرَابِ وَ نَهْرَةُ الطَّامِعِ وَ قَبْسَةُ الْعَجَلَانِ وَ مَوْطِئُ الْاِقْدَامِ، تَشْرَبُوْنَ الطَّرِقَ وَ تَقْتَاتُوْنَ الْقَدَّ، اَذَلُّهُ خَاسِئِيْنَ تَخَافُوْنَ اَنْ يَّتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ فَانْقَذَكُمُ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰى بِمُحَمَّدٍ(ص)»؛ (۲۶) شما در لبه پرتگاهی از آتش بودید؛ آب ناخالص هر آشامنده و طعمه هر طمع‌کار، آتش پاره هر انسان عجول و پایمال قدم‌ها. آب تیره و آلوده به بول شتران می‌آشامیدید و پوست چهارپایان را غذای خود می‌ساختید. ذلیل و رانده شده بودید و می‌ترسیدید مردم اطرافتان شما را برابند. پس خداوند به وسیله محمد(ص) شما را نجات بخشید.

در چنین وضعیتی، پیامبر رسالت خویش را از نخستین گام، همراه حضرت علی(ع) آغاز کرد. علی(ع) مردم را به پیامبر فراخواند و پیامبر به خدا. علی(ع) تنها کسی بود که این قوم به وسیله او از تاریکی جهل و نادانی و فقر و بی فرهنگی به نور محمد(ص) هدایت شدند. مجاهدت‌های حضرت علی(ع) بود که به آن‌ها آگاهی و بینش داد. او بود که با دشمنان پیامبر جنگید و زمینه پذیرش دعوت حق را برای مردم آماده ساخت.

در واقع، حضرت علی(ع) تنها راهی بود که مردم را به پیامبر رساند؛ درست بدان سان که پیامبر انسان‌ها را به خدا رساند.

سخنان فاطمه زهرا(س) نشان می‌دهند که تنها «قرب» حضرت علی(ع) و خویشاوندی و دامادی او با پیامبر نیست که ایشان را لایق رهبری می‌گرداند، بلکه صفات و ویژگی‌های روحی و اخلاقی وی نیز در این امر خطیر دخالت دارند. گذشته از اینکه او عهد پروردگاری و کتاب ناطق خداوندی است.

حضرت زهرا(س) به این وسیله می‌تواند عواملی که حضرت علی(ع) را شایسته مقام رهبری گردانده اند، در سه چیز خلاصه کند:

۱. انتخاب خدا؛

۲. انتخاب پیامبر، قربت و برادری او با رسول خدا؛

مگر آنکه هدایت شود؟ شما را چه می‌شود؟ چگونه حکم می‌کنید؟ بر شما متأسفم و من می‌بینم که امر برایتان مبهم شده است. آیا به اجبار شما را بدان وادارم، در حالی که آن را نمی‌پسندید؟

پرواضح است که منظور حضرت زهرا(س) از این جملات، اعتراض به خلافت ابوبکر است؛ زیرا او خود پس از رسیدن به خلافت، در منبر قرار گرفت و علیه خود چنین اعتراف کرد: «وَأَنَّ لِي شَيْطَانًا يَعْترِينِي أحياناً، فاذا رأيتُموني غضبْتُ فاجتنبوني وإن زعجْتُ فقوموني»؛ (۲۹) من شیطانی دارم که گاه گاهی بر من مستولی می‌شود. پس هرگاه عصبانی شدم، از من دور شوید و هرگاه میل به باطل کردم، مرا اصلاح کنید.

حضرت زهرا(س) در جواب بانوان مدینه، که به عیادتش آمده بودند، زبان به سخن گشود و آشکارا بر مردان مدینه خشم گرفت و بر خلافت حضرت علی(ع) تصریح فرمود: «وَيُحِبُّهُمْ أَنَّى زَعَزَعُوها عَنِ الرَّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ النَّبِوَّةِ وَ الدَّلَالَةِ وَ مَهِيْطِ الرُّوحِ الْاَمِيْنِ وَ الطَّيْبِيْنَ بِأَمْرِ الدُّنْيَا وَ الدِّيْنِ؟ «الذَّالِكُ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمَبِيْنُ» وَ مَا اَدْرَى تَقْمُوا مِنْ اَبِي الْحَسَنِ وَ تَقْمُوا وَاللّٰهُ مِنْهُ نَكِيْرٌ سَيْفِيْهِ وَ قَلْبُهُ مَبَالِيْطُهُ لِحَتْفِهِ وَ شِدَّةُ وَ طَأْتِيْهِ وَ نِكَالٌ وَ قَعْتَهُ وَ تَمْرَهُ فِي ذَاتِ اللّٰهِ وَ تَالَهُ! لَوْ مَالُوا عَنِ الْمَحْجَةِ الْاَلْحَقَّةِ وَ زَالُوا عَنِ قَبُولِ الْحِجَّةِ الْوَاضِحَةِ لَرَدَّهُمْ اِلَيْهَا... وَ اَلُوْردهم مِنْهَلًا صَافِيَا رُوْبِيَا... «وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرَى اَمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَآخَذْنَا مِنْهُمُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُوْنَ»؛ (۳۰) وای بر آن‌ها! چسان خلافت را از لنگرگاه رسالت برجنابانند و از پایه‌های نبوت و دلالت و مکان هبوط حضرت جبرئیل روح الامین و شخصیت آگاه آشنا به امور دنیا و دین جابه جا کردند؟ آگاه باشید که این همان زیان و خسارت کاملاً روشن است. چه چیزی را از علی(ع) ناپسند شمردند؟ به خدا قسم! ناروا داشتند از او سختی شمشیرش را، و بی‌اعتنایی او را به مرگ، و نیروی مقاوت و پایداری اش را و شدت کیفر و آسیب حمله هایش را، و خشم و غضب پلنگ گونه اش را در راه خدا. به خدا قسم! اگر افرادی از راه روشن روگردان می‌شدند و از قبول حجت و دلیل واضح سرباز می‌زدند، علی(ع) آن‌ها را به آن راه بازمی‌گرداند و به پذیرش آن حجت و ادارشان می‌کرد... و آن‌ها را به سرچشمه ای زلال و سرشار وارد می‌کرد... و

بانگ برداشت و شما را جوابگوی دعوتش یافت و فهمید که شما هنوز به او ارج و احترام می‌نهدید و چشم در افتخارات شیطانی دارید. سپس شما را به نهضت و قیام فراخواند و سبک بالتان یافت؛ شما را به خشم آورد، خشمگینتان دید. پس غیر شتر خودتان را داغ نهادید و علامت زدید و بر غیر آبشخور خودتان وارد گشتید. این‌ها همه در زمانی صورت پذیرفتند که عهد پیامبر نزدیک بود و زخم ما عمیق و هنوز جراحات‌های [غم هجران پیامبر] مداوا نگشته و پیامبر دفن نشده بود. پیش تاختید و گمان کردید که [بدین وسیله] از فتنه و آشوب جلوگیری می‌کنید، در حالی که به واقع در فتنه فرو افتادید و جهنم بر کافران احاطه دارد.

آری، همه چیز پس از پیامبر عوض شد و رنگ دیگری به خود گرفت. آن کس که در گذشته (در حال حیات رسول الله) زبانش بسته بود، زبان گشود و سخنور گشت. احمقان گذشته نوابغ شدند. آنان که در تمام تاریخ قبیله شان نشانی از فخر و عزت مشهود نبود، به یمن وجود اهل بیت پیامبر علیهم السلام و تلاش‌ها و مجاهدت‌های آنان اسلام آوردند و با تمسک به اسلام ارج و ارزشی یافتند، و کار به جایی رسید که همان‌ها بر اهل بیت پیامبر علیهم السلام فخر می‌فروختند و مغرورانه و متکبرانه از کنار آنان می‌گذشتند و مانند نیشتری بر قلب اهل بیت علیهم السلام فرود می‌آمدند و آن قدر این مسئله اوج گرفت و دشمنی‌ها با فرزندان پیامبر تشدید گردیدند که حتی آن‌ها را از ارث پیامبر محروم گردانند.

حضرت زهرا(س) با بیان این تغییرات عمیق، در تاریخ ثبت می‌کند که آنچه پس از پیامبر به صورت اسلام عرضه شد، اسلام نیست؛ زیرا رهبری مردم به دست خواران قوم افتاده و اسلام از راه اصیل و جریان صحیح خویش منحرف گشته است.

در خطبه دوم نیز به بانوان مدینه چنین می‌فرماید: «وَيَحِبُّهُمْ! أَقَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟» «فيا حسرتا لكم و أنى يكلم و قد عميت عليكم» «أتلزمكموها و أنتم لها كارهون»؛ (۲۸) وای بر آن‌ها! آیا کسی که به حق هدایت می‌کند شایسته پی‌روی و اطاعت است، یا آنکه نمی‌تواند خودش را هدایت کند

پی نوشت‌ها

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه قم.
 ۲. عبدالرحمن بن محمد بن خلدون مغربی، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۹۵۶، فصل ۲۷، ص ۳۵۲.
 ۳. ابن حجر عسقلانی، الصواعق المحرقة، ص ۱۵۶.
 ۴. محمد وعی الامین الانطاکی، لماذا اخترت مذهب اهل البيت، ط. الثالثة، قم، مكتبة الثقلمین، ۱۹۶۲، ص ۱۵۴ به نقل از: حموینی شافعی، فرائد السمطین.
 ۵. همان، ص ۱۳۸.
 ۶. محمد امین، العقود الدرّیة فی تنقیح الحامدیة، ط. الثانية، بیروت، دارالمعرفة، ص ۱۰۲.
 ۷. ابن حجر الهیثمی، الصواعق المحرقة، ط. الثانية، مصر، شركة الطبائع الفنية المتحدة، ۱۹۶۵، مقدّمه، ص «ز».
 ۸. همان.
 ۹. همان ص ۱۵۵.
 ۱۰. همان، ص ۱۵۴.
 ۱۱. همان، ص ۱۵۳.
 ۱۲. سیدهاشم حسینی بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۸۶.
 ۱۳. محمد وعی الامین الانطاکی، پیشین، ص ۲۴۰.
 ۱۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۴۲، روایت ۵، باب ۲۷.
 ۱۵. مولی محسن فیض کاشانی، النوادر فی جمع الاحادیث، تهران، چ شمس، ص ۱۲۷.
 ۱۶. ابن طیفور، بلاغات النساء، نجف اشرف، ط. حیدریة، ص ۱۲ و ۱۵.
 ۱۷. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ ق، ص ۹۹.
 ۱۸. احمد بن علی طبرسی، پیشین، ص ۱۰۸.
 ۱۹. مولی محسن فیض کاشانی، پیشین، ص ۱۲۰. در تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۰ نیز شبیه همین گفتار آمده است.
 - ۲۰-۲۸. احمد بن علی طبرسی، پیشین، ص ۱۰۳.
 ۲۹. ابن قتیبة الدینوری، الامامة والسياسة، مصر، ط. مصطفى البابي الحلبي، ۱۹۶۹، ص ۲۸.
 ۳۰. احمد بن علی طبرسی، پیشین، ص ۱۰۸.
- منبع: بانوان شیعه، شماره ۴، حکمت نیا، مریم

خود از دنیا آرایه ای زاید بر نمی گرفت... و اگر اهل آبادی ایمان می آوردند و تقوا می ورزیدند، درهای برکت را از آسمان و زمین به رویشان می گشودیم، ولی تکذیب کردند و ما آن‌ها را به سزای عملکردشان گرفتار کردیم.

مشاهده می شود که حضرت زهرا(س) با براهین روشن و منطقی، از حق اهل بیت علیهم السلام در خلافت که برگزیدگان خاص خداوند دفاع می کند و در واقع، از حق خدا دفاع می کند؛ زیرا انتخاب رهبری حق خالص خداست که در آن زمان، به تعیین شخص حضرت علی(ع) و فرزندان او تصریح شده بود و در عصور بعد، به تعیین وصفی از طریق ائمه اطهار علیهم السلام اعلام شده است.

درک هدیه بزرگی که رسول اکرم (ص) به فاطمه (س) اعطاء کرد، بالاتر از طاقت غیر معصوم است، به گونه ای که انسان از وصف آن عاجز می ماند و فقط از سرچشمه گفتار معصومین (ع) است که تا اندازه ای می توان از برکاتش بهره مند شد.

امام باقر (ع) درباره تسبیح حضرت فاطمه (س) می فرماید: «خداوند متعال با هیچ ستایشی، بالاتر از تسبیحات فاطمه زهرا (س) عبادت نشده است. و اگر چیزی افضل از آن وجود داشت، رسول خدا (ص) آن را به فاطمه (س) اعطاء می کرد.» (۵)

تسبیح حضرت فاطمه (س) که به مناسبت مداومت آن حضرت در انجام آن به وی منسوب گردید، در واقع تسبیح حق تعالی است! حضرت امام خمینی در کتاب اربعین حدیث چنین می نگارد: «...پرواضح است که تسبیح و تقدیس حق تعالی مستلزم علم و معرفت به مقام مقدس حق و صفات جلال و جمال اوست.» (۶)

تسبیح عبادتی برگزیده است که هر کس در سیر معنوی خویش به قدر طاقت و معرفتش از آن بهره می گیرد و ائمه: قبل از خلقت عالم مادی، به تسبیح ذات اقدس حق مشغول بودند.

حضرت امام خمینی؛ در باب اشاره به مقامات ائمه در کتاب اربعین حدیث چنین می نگارد: «برای اهل بیت عصمت و طهارت، علیهم الصلوة والسلام، مقامات شامخه روحانیه ای است در سیر معنوی الی الله، که ادراک آن علما نیز از اقت بشر خارج و فوق عقول ارباب عقول و شهود اصحاب عرفان است؛ چنانچه از احادیث شریفه ظاهر می شود که در مقام روحانیت با رسول اکرم (ص) شرکت دارند و انوار مطهره آن ها قبل از خلقت عوالم، مخلوق اشتغال به تسبیح و تحمید ذات مقدس داشتند.» (۷)

تسبیح از جهتی دیگر عبادتی عمومی بین تمام مخلوقات است، حضرت امام؛ در این باره می فرماید: «آیه شریفه [و یسبح لله ما فی السموات و الارض] دلالت کند بر تسبیح جمیع موجودات حتی نباتات و جمادات و تخصیص آن به ذوی العقول از احتجاب عقول ارباب عقول است.» (۸)

و باز می فرماید: «بالجمله، سریان حیات و تسبیح شعوری علمی اشیاء

تسبیح زهرا (س) هدیه آسمانی

مریم حکمت نیا

۶۲ ستارگان درخشانتر از همیشه تاریخ در آسمان مدینه پرتو افشانی می کردند. شمیم عطر محمدی (ص) در کوچه های مدینه پراکنده بود و یاس علوی، آنگاه که به معراج نماز می رفت، نورش برای اهل آسمان می درخشید و بر چهره اهل زمین نور می پراکند.

در آن هنگام فاطمه (س) ارسختی کارهای خانه در زحمت بود. (۱) امیر مؤمنان (ع) آنگاه که چنین دید به فاطمه توصیه کرد، نزد پدر برود و خدمتکاری درخواست کند تا در امور منزل یار و همکارش باشد. (۲)

وقتی پیامبر (ص) از خواسته آنان آگاهی یافت، فرمود: «ای فاطمه چیزی به تو عطا کنم که از خدمتکار و دنیا با آنچه در آن است، ارزشمندتر است؛ بعد از نمازی و چهار مرتبه «الله اکبر» و سی و سه مرتبه «الحمد لله» و سی و سه مرتبه «سبحان الله» بگو و آن را با لاله الا الله ختم کن. این کار برایت از چیزی که می خواهی و از دنیا و آنچه در آن است، بهتر است.» (۳)

در آن لحظه که این هدیه آسمانی به فاطمه (س) عطا شد، فرمود: «از خدا و رسول خدا راضی شدم.» (۴)

را باید از ضروریات فلسفه عالییه و مسلمات ارباب شرایع و عرفان محسوب داشت، ولی کیفیت تسبیح هر موجودی و اذکار خاصه ای که به هر یک اختصاص دارد، و اینکه صاحب ذکر جامع انسان است و سایر موجودات به مناسبت نشئه خود ذکری دارند.» (۹)

تسبیح حضرت زهرا(س)، به چه معنی است؟

الله اکبر، اولین ذکر تسبیحات حضرت زهرا(س)

در تسبیح فاطمی(س)، انسان با گفتن «الله اکبر» به نهایت عجز خود اعتراف می‌کند و به ناتوانیش به درگاه الهی بارها اقرار می‌کند. جمیع بن عمیر گوید: در محضر امام صادق(ع) بودم، حضرت از من پرسید: جمله «الله اکبر» یعنی چه؟ گفتم: یعنی خدا از همه چیز بزرگتر است، حضرت فرمود: مطابق این معنی، خدا را چیزی تصور کرده و سپس مقایسه با سایر اشیاء کرده ای و او را بزرگتر از آن چیزها تصور نموده ای. عرض کردم: پس معنی الله اکبر چیست؟ حضرت پاسخ داد: معنایش این است که: «الله اکبر من ان یوصف؛ خداوند بزرگتر از آن است که توصیف گردد.» (۱۰)

الحمد لله، دومین ذکر تسبیحات حضرت زهرا(س)

پس از آن که انسان به عجز و ناتوانی خویش در شناخت خالق اعتراف کرد، با گفتن الحمد لله که از افضل اذکار تسبیح است، وارد مرحله بعدی می‌شود.

حضرت امام خمینی؛ در باب حمد می‌فرماید: «حمد خدا مساوق شکر است؛ چنانچه در روایات کثیره وارد است که، کسی که بگوید: الحمد لله، شکر خدا را ادا کرده؛ چنانچه [امام صادق(ع)] فرمود: شکر هر نعمتی، و اگر چه بزرگ باشد این است که حمد خدای عز و جل کنی.»

و... [امام صادق(ع)] فرمود:... کمال شکر گفتن مرد است، الحمد لله رب العالمین... و در حدیثی حماد بن عثمان گفت: بیرون آمد حضرت صادق(ع)، از مسجد و حال آنکه گم شده بود مرکوب آن حضرت. فرمود: «اگر خداوند رد کند آن را به من، هر آینه شکر می‌کنم او را حق شکر او.»

گفت درنگی نکرد تا آنکه آن مرکوب آورده شد. پس فرمود: «الحمد لله». قائلی عرض کرد: «فدایت شوم، آیا شما نگفتید که شکر خدا می‌کنم حق شکر او را؟»

فرمود: «آیا نشنیدی که من گفتم: الحمد لله.»

از این روایت معلوم می‌شود که حمد خداوند افضل افراد شکر لسانی است. (۱۱)

«سبحان الله»؛ سومین ذکر تسبیحات حضرت زهرا(س)

شخصی از حضرت علی(ع) پرسید: معنی سبحان الله چیست؟ حضرت فرمود: «سبحان الله» تعظیم مقام بلند و با عظمت خدا و منزّه دانستن او از آنچه که مشرکان می‌پندارند، است و زمانی که بنده این کلمه را می‌گوید، همه فرشتگان بر او درود می‌فرستند.» (۱۲)

بعد از آنکه رسول اکرم(ص) تسبیحات را به کوثرش عطا کرد، حضرت فاطمه(س) ابتدا رشته ای از پشم تابیده و با آن به تسبیح پرداخت. تا این که حضرت حمزه بن عبدالمطلب شهید شد، پس حضرت فاطمه از تربت قبر آن بزرگوار خاک برداشت و تسبیح ساخت و با آن تسبیح می‌کرد و مردم نیز چنان کردند و چون سیدالشهدا حسین بن علی(ع) شهید شد، سنت شد که از تربت آن امام مظلوم تسبیح سازند و با آن ذکر گویند.

درباره ثواب تسبیح حضرت زهرا(س) با تربت امام حسین(ع) از حضرت صاحب الامر(عج) روایت شده است که: هر که تسبیح تربت امام حسین(ع) را در دست داشته باشد و ذکر را فراموش کند، ثواب ذکر برای او نوشته می‌شود. از حضرت صادق(ع) نقل شده است که تسبیح تربت آن حضرت، ذکر می‌گوید، بی آنکه آدمی ذکر گوید و فرمود که یک ذکر یا استغفار که با تربت حضرت اباعبدالله(ع) گفته می‌شود برابر با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته شود است. و اگر بی ذکر تسبیح را بگرداند به عدد هر دانه، هفت تسبیح برای او نوشته می‌شود.

به روایت دیگر، اگر با ذکر تسبیح را بگرداند، به هر دانه چهل حسنه برای او نوشته می‌شود.

مروری است که حوریان بهشت وقتی فرشته ای را می‌بینند که به زمین

می آید از او درخواست می کنند تا تسبیح و ربت حضرت حسین (ع) را برایشان بیاورد.

از حضرت موسی (ع) نقل شده است: پنج چیز همیشه همراه انسان پرهیزکار است؛ مسواک، شانه، سجاده نماز، تسبیح که سی و چهار دانه داشته باشد و انگشتر عقیق. (۱۳)

فضیلت و آداب تسبیح حضرت زهرا (س)

روایات زیادی در این باب در کتب معتبر وجود دارد و گستردگی روایات و عنایت اکثر ائمه به ذکر سخنی درباره تسبیح از عظمت آن پرده بر می دارد. حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف-، درباره تسبیح فرمود: «ان فضل الدعاء و التسبیح بعد الفرائض علی الدعاء بعقب النوافل، کفضل الفرائض علی النوافل. فضیلت دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب در مقایسه با دعا و تسبیح پس از نمازهای مستحبی، مانند فضیلت واجبات بر مستحبات است.» (۱۴)

امام صادق (ع) نیز به فضیلت تسبیح بعد از نمازهای واجب چنین اشاره کرد: «من سبح تسبیح فاطمه الزهراء (س) قبل ان یتنی رجليه من صلاة الفريضة، غفر الله له. هر کس بعد از نماز واجب تسبیح فاطمه زهرا (س) را به جا آورد، قبل از اینکه پای راست را از بالای پای چپ بردارد، جمیع گناهانش آمرزیده می شود.» (۱۵)

و در حدیثی دیگر فرمود: «من سبح تسبیح فاطمة (س)، فقد ذکر الله الذکر الكثير. کسی که تسبیح فاطمه زهرا (س) را بگوید، خدا را به ذکر کثیر یاد کرده است.» (۱۶)

روزی امام صادق (ع) ابوهارون را مخاطب ساخت و از تعلیم تسبیح حضرت فاطمه به کودکان سخن گفت: «یا ابا هارون، انا نامر صبیاننا بتسبیح فاطمة (س) کما نامرهم بالصلاة، فالزومه، فانه لم یلزمه عبد فشققی. ای ابوهارون، ما تسبیح فاطمه (س) را به فرزندان خود سفارش می کنیم همچنانکه آن ها را به نماز توصیه می کنیم. تو نیز بر آن مداومت کن. زیرا هر بنده ای که بر آن مواظبت و مداومت کند، سرانجام نیکو خواهد داشت.» (۱۷)

در جای دیگر حضرت از عظمت تسبیحات حضرت زهرا (س) در مقابل نمازهای مستحبی چنین یاد کرد: «تسبیح فاطمة (س) فی کل یوم فی دبر کل صلاة احب الی من صلاة الف رکعة فی کل یوم. تسبیح حضرت فاطمه (س) در هر روز، به دنبال هر نماز، نزد من از هزار رکعت نماز (مستحبی) در هر روز، محبوبتر است.» (۱۸)

امام هادی (ع) فرمود: «لنا اهل البيت عند نومنا عشر خصال: الطهارة،... و تسبیح الله ثلاثا و ثلاثین و تحمیده ثلاثا و ثلاثین، و تکبیره اربعا و ثلاثین... ما اهل بیت به هنگام خواب ده کار را انجام می دهیم: وضو گرفتن،... و سی و سه مرتبه «سبحان الله» گفتن، و سی و سه مرتبه «الحمد لله» گفتن، و سی و چهار مرتبه «الله اکبر» گفتن و...» (۱۹)

خواص و آثار فراوان دیگری برای گوینده تسبیحات آن حضرت ذکر شده که برخی از آن ها بدین قرار است:

ناکام و ناامید نشدن، (۲۰) دور کردن شیطان (۲۱)، برطرف نمودن سنگینی گوش (۲۲)، نجات یافتن از شقاوت و بدبختی (۲۳)، باعث سنگینی اعمال، خوشنودی خداوند و رفتن به بهشت می شود. (۲۴)

اوقات و مکان های تسبیح حضرت فاطمه (س)

از اوقات مختلف و مکانهای زیادی برای تسبیح حضرت یاد شده که برخی عبارتند از: بعد از نمازهای واجب و مستحبی، به هنگام خواب، پس از نمازهای استغاثه به حضرت فاطمه (س) و نماز زیارت حضرت رسول (ص) و نماز زیارت حضرت امیرالمؤمنین و نماز حضرت ولیعصر (عج) در مسجد صاحب الزمان جمکران و قبل از زیارت حضرت معصومه (س) در قم به گونه ای که سبحان الله قبل از الحمد لله گفته می شود. (۲۵)

صفات همسران در خانواده فاطمه زهرا^(س) و امیرمؤمنان^(ع)

اشاره

تاکنون دانستیم باورهای پاک و آسمان زاد ما چون با شناخت الگوهای شایسته همراه شود، ارمغان‌هایی ارزشمند همانند رویش رشد و اندیشه، نواندیشی و کمال جویی به همراه خواهد داشت و در پی آن تمامی دین باوران بسان نیروهایی تازه نفس و هوشمند در سنگرهای ناپیدای دفاع از ارزش‌های الهی، هم‌راه آماده و بیدار خواهند بود تا از راهزنی فکری، فرهنگی استکبار و غارت اندوخته‌های معنوی خداجویان جلوگیری کنند. در آینه نگاه رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای نگرستیم و شیوه دشمن را حمله به عقبه جامعه اسلامی به طور آرام، مخفیانه و با هجوم باورهای تازه برای تهی ساختن نسل نو از ارزش‌های دینی و اصول انقلابی دانستیم که با دامن زدن به شهوات و بی بند و باری‌های اجتماعی و منزوی ساختن اسلام از صحنه‌های سیاسی، اجتماعی دنیا انجام می‌پذیرد. آن باورو این نگاه، ما را برآن داشت به عالی‌ترین صحیفه سعادت، قرآن، روکنیم و چگونگی موفقیت این شیوه را جویا شویم.

- ۱- رک: اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا، علیرضا رجالی تهرانی، ص ۹. (حدیث امام صادق(ع))
- ۲- رک: همان ص ۱۸.
- ۳- رک: تسبیحات حضرت زهرا(س)، عدنان زعفرانی، ص ۹.
- ۴- همان، ص ۲۱.
- ۵- تسبیحات حضرت زهرا، ص ۱۰، به نقل از علل الشرایع/۳۶۶.
- ۶- همان، ص ۱۴. «ما عبدالله بشیء من التحمید افضل من تسبیح فاطمة(س). ولو کان شیء افضل منه لنحله رسول الله(ص) فاطمة(س)».
- ۷- شرح چهل حدیث (اربعین حدیث) امام خمینی؛، ص ۴۱۷.
- ۸- همان، ص ۵۵۱.
- ۹- همان، ص ۶۵۴.
- ۱۰- همان، ص ۶۵۶.
- ۱۱- اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا(س)، ص ۴۸ به نقل از معانی الاخبار.
- ۱۲- شرح چهل حدیث، امام خمینی، ص ۳۴۹.
- ۱۳- اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا(س)، ص ۵۲ به نقل از معانی الاخبار.
- ۱۴- کلیات مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، کتاب باقیات صالحات.
- ۱۵- از هر معصوم چهل حدیث، محمد علی کوشا، ص ۳۶۴.
- ۱۶- اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا(س) ص ۱۲ به نقل از تهذیب ج ۲، ص ۱۰۵.
- ۱۷- تسبیحات حضرت زهرا(س)، ص ۱۱.
- ۱۸- همان، ص ۱۵.
- ۱۹ و ۲۰- همان، ص ۱۶.
- ۲۱- همان، ص ۲۰.
- ۲۲- همان، ص ۲۳.
- ۲۳- همان، ص ۲۸.
- ۲۴- اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا(س)، ص ۳۹.
- ۲۵- همان، ص ۱۴.

در قرآن، دعوت به «اسوه حسنه» را یافتیم که نخستین آنان، سخنگوی وحی خداوندی، رسول اکرم (ص) است. الگویی که پروردگار بزرگ، خود، برای درس آموزی تمام عصرها و نسلها به معرفی آن پرداخت و فرمود:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

همانا برای شما در [اقتدا و پیروی] رسول خدا سرمشقی نیکوست.

سپس بانویی بزرگ را که «فضایل او هم‌تراز صفات بی‌نهایت رسول اکرم (ص)» (۱) بوده و «افتخار خاندان وحی» (۲) شمرده شده است و او فاطمه زهرا (ع) است. اسوه حسنه‌ای که فرزند عزیز او، امام خمینی در سخن عصمت آسای خود، او را تمام «حقیقت انسان» (۳) و «تمام نسخه انسانیت» (۴) دانست و فرمود: «حضرت فاطمه زهرا (س) [زنی بود که اگر مرد بود نبی بود، زنی بود که اگر مرد بود به جای رسول الله بود». (۵)

... و بدین سان به «سرچشمه حیات» و «زلزال زندگی» دست یافتیم. نخستین جرعه‌ای که از کوثر صفات آن پاک بانوی هستی نوشیدیم، «صفات فاطمه (س) و شوهر عزیزش امیرمؤمنان (ع)» در زندگانی مشترک آن دو بود که تاکنون به هشت ویژگی درس آموز برای تمامی همسران بویژه جوانان شیفته و ژرف اندیش، پرداختیم.

بصیرت و بینش نسبت به زندگی، شناخت همسر و ابعاد روحی روانی او، همدلی و همراهی با همسر در صحنه‌های گوناگون زندگی، احترام به شخصیت همسر، آراستگی ظاهری و استفاده از عطر و آرایش در زندگی، ساده زیستی، ایثار و مهرورزی، بیداری و پایداری (اخلاص و شکیبایی) در زندگی، عناوین بحثهای گذشته بود، اینک ادامه گفتارمان را پی می‌گیریم:

خوشرویی و خوش اخلاقی

دفتر زندگی هر یک از ما بر گه‌هایی گوناگون از صفاتی متفاوت با خود دارد. برخی از این صفات با آثار زشت و زیبای آن، تنها در درون آدمی نهفته است و دامنگیر دیگران نخواهد شد؛ همانند ریا و اخلاص. پاره‌ای دیگر افزون بر تأثیر شخصی، آثاری خانوادگی داشته، همسر، فرزندان و اطرافیان را در پرتو خود قرار می‌دهد؛ مثل آنکه زن و یا شوهر همیشه با لباسی فرسوده، قیافه

ای ژولیده و چهره‌ای چروکیده از خشم و خشونت با دیگران به سر برند و افزون بر جهنم سیار درونی، بوستان زندگی را آتشکده‌ای سوزنده برای اطرافیان سازند. به‌گونه‌ای که با ورود آنان به خانه، تمامی افراد، اعلام عزای عمومی نموده و با خروجشان از منزل، زنگ راحت زده شده و همه به شادی و شادمانی پردازند. اما چون این‌گونه افراد در جامعه ظاهر می‌شوند و یا به میهمانی می‌روند، لباسی شیک و زیبا به تن کرده، چهره‌ای شاد و متبسم پیدا نموده و برای اظهار شخصیتی برتر، به نمایش خوشبختی با واژه‌هایی خاص و نشست و برخاستهایی تأثرگونه می‌پردازند!!

دسته‌ای دیگر از صفات، افقی فراتر از خود و خانواده داشته، به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم نیز سرایت می‌کند به‌گونه‌ای که بسان سکه‌ای سرنوشت ساز بیش از دو رو ندارد؛ یا آدمی را به اوج عزت و ارزشمندی می‌رساند و یا آنکه به حضيض ذلت و سرافکندگی می‌برد. همانند خوشرویی و خوش اخلاقی، یا ترشرویی و بد اخلاقی.

همسرانی که به دور از دوربین نگاه دیگران و بیزار از زنجیر تکلفات و قید و بندهای شخصیت نما با هم زندگی می‌کنند، بی‌اعتنا به امواج احساسات افراد و یا زندگی اطرافیان، با چهره‌ای گشاده، لبانی متبسم، اخلاقی خوش و قلبی پرمهر به رشد حقیقی خویش و رویش نونهالان خود مشغولند، بیش از دیگران شاهد شیرین خوشبختی در کام خود دارند و احساس آرامش روحی و آسایش روانی افزونتری می‌نمایند؛ گرچه سنگلاخهای فقر و ناهمواریهای ناداری همیشه مقابل دیدگانشان باشد. و دیری نمی‌گذرد که بسیاری از زرداران و زیوراندوزان، در حسرت لحظه‌ای از راحتی روح و روان اینان به سر می‌برند و افزون بر آثار نیک اخروی به برکات سعادت بخش دنیوی این صفت اشاره می‌کنند.

زهرا (ع) بتول (ع)، بانویی بزرگ و اسوه‌ای حسنه است که علاوه بر صفات فردی، از خوشرویی، خوش اخلاقی و شیوه‌های شایسته پدر در زندگی، بهره‌های فراوان برده بود. او رسول خدا (ص) را می‌دید که چون از چیزی خوشش می‌آمد، چهره مبارکش مانند قرص ماه روشن می‌شد. با تبسمی بربلب. به زیبایی‌هایی غنچه. سخنان خود را کوتاه، جامع و با پیوستگی بیان

می نمود به گونه ای که شنونده آن را به خوبی به حافظه سپرده و کامل فرا می گرفت. گفته دلنشین و آموزنده پدر خود را هماره در یاد داشت که روزی به اصحاب خود فرمود: آیا به شما خبر ندهم که کدامتان به من شباهت بیشتری دارید؟ و آنان یکصد گفتند: بلی یا رسول الله. و پیامبر (ص) فرمود: کسی که خُلقش نیک تر، برخوردش با مردم ملایم تر و بیش از همه به برادران دینی مهربان تر باشد...

فاطمه (ع) همیشه هنگام زیارت پدر، او را خوشرو می دید بدون آنکه بخندد؛ و اندوهگین می دید، بدون آنکه چهره اش در هم کشیده باشد؛ دل نازک، مهربان و متواضع. به گونه ای که بین اصحاب خود، به طور مساوی به همگان چشم می دوخت و یکنواخت به آنان می نگریست. هر کس موفق به درک حضور رسول الله می شد می گفت: مانند آن جناب، احدی را. نه قبل و نه بعد. ندیده ام.

به اطرافیان خود می فرمود: مزاح، از خوش اخلاقی است، همانا با شوخی می توانی برادر دینی ات را مسرور و شاد نمایی و گاه آن حضرت، خود نیز شوخی می کرد تا افراد را خوشحال سازد. روزی مرد عربی نزد رسول الله (ص) آمد و برای حضرت، هدیه آورد و همان جا گفت: پول هدیه مرا مرحمت کن. پیامبر خندیدند و پس از آن ماجرا، هرگاه غمگین بودند می فرمودند: آن اعرابی کجاست، کاش می آمد.

فاطمه (ع) خود از پدر شنید که فرمود: جبرئیل از جانب پروردگارم بر من نازل شده گفت: «ای محمد! بر تو باد که «حُسن خلق» را با خود همراه سازی زیرا بد خلقی، خیر دنیا و آخرت را از بین می برد.» (۶)

از این رو فاطمه (س) در زندگی زناشویی خود با همسر بزرگوارش علی (ع) با چهره ای گشاده، رویی خوش، لبانی متیسم و همراه با مزاح و شوخی (۷) روبه رو می شد تا بدین طریق، غبار غم و اندوه از آینه وجود شوهر دلبندهش بزدايد و محیط خانه و خانواده را با طراوت و نشاط و به دور از یکنواختی و خستگی سازد.

برخوردهای محبت آمیز و معاشرتهای شیرین او با افراد، سبب جذب آنان در برخورد نخست می شد و نوعی دلدادگی و محبت نسبت به زهرای

مرضیه (ع) پدید می آمد. ام سلمه همسر رسول خدا (ص) می گوید: پس از ازدواج با رسول الله (ص) من عهده دار امور دخترش فاطمه (س) شدم اما به خدا سوگند، او در آداب اجتماعی شیوه های اخلاقی و آگاهیهای زندگانی، برتر از من به همه مسایل بود. (۸)

روزی زنی نزد زهرا (س) آمد و گفت: مادر پیری دارم که در مسایل نماز، پرسشهایی دارد و مرا فرستاده تا مسایل شرعی نماز را از شما بیپرسم. حضرت فرمود: بیپرسم. و آن زن، مسایل فراوانی مطرح کرد و یک یک پاسخ شنید. همین که پرسشهای او به ده عدد رسید، خجالت کشید و آثار شرم و حیا در چهره اش نمایان شد و گفت: ای دختر رسول خدا! بیش از این نباید شما را به زحمت اندازم.

فاطمه (ع) با رویی گشاده و اخلاقی شایسته فرمود: باز هم بیا و آنچه سؤال داری بیپرسم، آیا اگر کسی را احیر کنند که بار سنگینی را به بالای بام ببرد و در مقابل یکصد هزار دینار طلا مزد بگیرد، چنین کاری براو دشوار است؟ زن جواب داد: نه. هرگز! چه کسی در مقابل این مبلغ گزاف احساس خستگی می کند؟!

آنگاه حضرت فرمود: «من هر مسأله ای را که پاسخ می دهم، بیش از فاصله بین زمین و عرش، گوهر و لؤلؤ پاداش می گیرم. پس سزاوار است که بر من سنگین نیاید.» سپس حدیثی چشمگیر از پدر خود، رسول الله (ص) در باره ارزش والای علم و عالم بیان نمود، به گونه ای که آن زن با شادمانی و خرسندی فراوانی با دخت رسول خدا (ص) خدا حافظی کرد. (۹).

تأثیر معجزه آسای خوشرویی و خوش اخلاقی برای تمامی مردان و زنان. بویژه جوانان. در سخن گرانسنگ فاطمه زهرا (ع) به خوبی نمایان است که فرمود: بِشْرَفِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوَجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ وَ بِشْرَفِي وَجْهِ الْمُعَانِدِ الْمُعَادَى، يَقِي صَاحِبَهُ عَذَابَ النَّارِ. (۱۰)

پاداش خوشرویی در برابر مؤمن، بهشت است و خوشرویی با دشمن انسان های ستیزه جو، انسان را از عذاب آتش باز می دارد.

باور این حقیقت و الا از عمق دل و جان، فاطمه (ع) را به شوخی با علی (ع) و امی داشت، همانند روزی که آن حضرت، حسین (ع) را در خردسالی بر روی

دستان خود نوازش می داد و می فرمود: انت شبیه بایی، لست شبیها بعلی (۱۱)
حسین جان! تو به پدرم شباهت داری و به پدرت علی شبیه نیستی.
و امام (ع) با سخنان همسر عزیزش، نسیم شادی و شادمانی بر چهره اش
می نشست و تبسم می نمود.

شیفتگی عبادت؛ دلدادگی اطاعت

آیه قرآن که گل دفتر است
معرفت فاطمه و کوثر است
نور نداریم چنین قاهره
عالمه و طیبه و طاهره
عرش خدا رقعہ منشور او
نور علی نور علی نور او (۱۲)

آرامش جان و سبکبالی خاطر، نعمتی است که با حضور دایمی ما در
محضر پروردگار مهربان به دست می آید و با دل مشغولی، آشفته‌گی روح و
اضطراب روان از آشیانه دل پرواز می کند. بسیاری از ما پیش از ورود تأثیرگذار
در اجتماع از چنین ارمغان آسمانی، یعنی شیفتگی راز و نیاز با خداوند بزرگ
و لذت از مناجات با او، بهره‌ها داریم اما جلوه‌های گوناگون زندگی همانند
شغل، خانه، همسر، فرزند، دارایی و... از ما دلبری کرده، بسان توفانی
پرخروش، ذره ذره آن مهر و محبت را از بلور قلبمان می رباید.
خوشحال و خرسند، انسان‌های بلندهمت و والاگوهری هستند که
از ورود نامحرممان و رهنمان به حرم دل جلوگیری کرده، قفل محبت و
وابستگی به جلوه‌های زندگی نمی زنند و تمامی ابزار و لوازم رفاه را در
خدمت خود می خواهند و خویش را خدمتگزار هیچ یک از آن‌ها نمی کنند.
همانند دخت رسول الله (ص) که «بتول» یعنی از همه بریده و به خدا دل
بسته (۱۳) بود و نام «زهر» داشت، زیرا هنگام عبادت، فروغ نورش برای
ساکنان آسمان می درخشید، همان گونه که نور ستارگان آسمان برای
زمینیان درخشندگی دارد. (۱۴)

آنگاه که دختری بود در خانه پدر و فرشته وحی بر رسول الله نازل شده

بود تا خواسته‌های فاطمه را اجابت کند، چون پیامبر، پیام خداوند را
فرمود: حضرت در جواب پدر گفت: «مرا حاجتی جز این نیست که پیوسته
ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم.» (۱۵)
و چون رسول اکرم (ص) دعایی به دخت عزیز خود می آموزد، آن بانوی
والاگوهر می فرماید: «این دعا از دنیا و آنچه در آن است در نزد من محبوب
تر است.» (۱۶)

این دلدادگی و عشق چشمگیر به یاد و مناجات پروردگار، چنان تأثیری
در وجود او گذارده بود که در نمازش از ترس خدا نفس نفس می زد. و گریه
در گلویش می شکست (۱۷) برخی از افراد چنین باور داشتند که «در میان
امت اسلام، کسی خداپرست تر از فاطمه نبود. او آنقدر در نماز می ایستاد
که قدمهایش ورم می کرد.» (۱۸)

آیا به راستی الگویی برتر از فاطمه (س) برای تمامی زنان، مردان و
همسران می توان یافت؟ اسوه حسنه ای که عشق و ارادت به دادار یکتا و
پروردگار بزرگ را در متن دل و جان خود حفظ می نمود و محبت همسر و
فرزندان و جلوه‌های دیگر زندگی را در مسیر آن عشق قرار می داد.

انس فاطمه (س) با قرآن و طراوت روح وی با کلام وحی به گونه ای بود
که چون سلمان از سوی رسول خدا (ص) برای کاری به خانه زهر (ع) روانه
شد، به در خانه آن بانو که رسید صدای او را شنید که مشغول تلاوت قرآن
است (۱۹) و روزی دیگر که وارد خانه حضرت می شود، فاطمه را در حال کار
در منزل و آسیای جو، مشغول خواندن قرآن می بیند. (۲۰)

آری، این انس مقدس چنان تأثیری در خانه و اهل خانه داشت که فضا،
خادمه او، تا بیست سال به غیر از قرآن لب ننگشود و تمامی پاسخهای خود را با
آیات قرآن بیان می کرد (۲۱) و از آثار این انس، آن است که فاطمه (ع) در صحرای
محشر هم قرآن زمزمه می کند (۲۲) و هنگام ورود به بهشت نیز با تلاوت آیات
الهی وارد می شود، (۲۳) همان گونه که به همسرش علی (ع) وصیت می کند که
برای من در نخستین شب مرگم و بر سر تربتم زیاد قرآن بخوان. (۲۴)

از آن هنگام که سخن روح بخش پدر را شنید که غروب جمعه، زمانی است
که هر کس آن را مراقبت کند و در آن لحظه دعا نماید، دعایش مستجاب

خواهد شد، به خدمتگزارش می فرمود: بر فراز بلندی برو و هرگاه دیدی نیمه خورشید غروب کرده، مرا خبر کن تا دعا کنم (۲۵) و دعای او پیش از آنکه برای خود، همسر و فرزندان باشد برای اطرافیان، همسایگان و تمامی دردمندان و آرزومندان بود. (۲۶) همان گونه که در روز قیامت از سوی خداوند ندا می رسد: «ای فاطمه! از من هر چه می خواهی درخواست کن تا به تو عطا کنم و تو را خرسند نمایم» و حضرت عرض می کند: «الهی أنت المُنَى وَفَوْقَ المُنَى، أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُعَذِّبَ مُحِبِّي وَ مُحِبِّي عِزَّتِي بِالنَّارِ». (۲۷) خداوند! تو امید من، بلکه بالاتر از امید من هستی؛ از تو می خواهم دوستان من و دوستان خاندان مرا به آتش دوزخ عذاب نکنی.

روزی امیرمؤمنان (ع) به همسر خود فاطمه گفت: نزد رسول الله برود و از پیامبر خادمی بخواهد. او نیز رفت و ضمن نشان دادن پینه های دستش عرض کرد: «آسیاب کردن، مرا به زحمت انداخته است»، آنگاه درخواست خادمی کرد.

پیامبر (ص) در پاسخ فرمود: آیا نمی خواهی. به جای خادم. هدیه ای به تو دهم که از همه دنیا ارزشمندتر باشد؟ هنگامی که برای خواب آماده شدی، سی و چهار بار «الله اکبر» و سی و سه بار «الحمد لله» و سی و سه بار «سبحان الله» بگو. (۲۸) از آن روز این ذکر، آشنای همیشه بر لبان زهرا (ع) شد و به نام «تسبیحات حضرت زهرا (ع)» شهرت یافت. تأثیر آکسیرگونه این ذکر، بدان حد است که امام باقر (ع) فرمود: خداوند در حمد و ستایش، به چیزی برتر از تسبیح فاطمه (ع) عبادت نشده است و امام صادق (ع) آن را برتر از هزار رکعت نماز مستحبی شمرده است. (۲۹)

برخی از دین باوران و افراد مذهبی که در ابعاد عبادی کوشا و شکیبا هستند، در «عرصه های اطاعت»، دچار ضعف و گاه دگرگونی می شوند. این حقیقت بدان حد شهرت یافته که ضرب المثلی عبرت آموز گشته که بعضی چون سخن مرجع خود را که با سلیقه و خواست درونی خود نسبت به عزاداری، مخالف است روبه رو شده اند به آن مرجع پیشنهاد تقلید یک روزه از خود در افکار، آداب و رسوم غلط داده اند!! و این واقعیتی تلخ و ناگووار است که در مراسم گوناگونی که احساسات بر فکر و فرهنگ آدمی حکمفرما

می شود، هواها و هوسهای خود را برتری می بخشیم و با توجیهاتی شیطانی در پی گشودن راهی هستیم همانند آنکه: یک شب است، سال ها آرزو داشته ام، مگر می شود رسومات ترک شود؟ در حالی که چنین معبرهای دشوار و حساس، صحنه های امتحان ما در برگزیدن خواسته دل در برابر خواسته خدا و انتخاب هوسها به جای وظیفه و رسالت خواهد بود.

و فاطمه زهرا (ع) که تمامی ما در صدد پیروی و الگوپذیری از آن حضرت در تمامی این صحنه ها هستیم، تنها به یک چیز توجه داشت و آن «انجام وظیفه» بود و بس. در کنار پدر، همواره خشنودی رسول خدا را بر خواست خود مقدم می داشت و از هر آنچه در اختیار او بود می گذشت و می فرمود: «سوگند به خدا، پیامبر را بر خواست خود و دیگران مقدم می دارم.» (۳۰) و در کنار همسر، به تمام وظایف همسری خود عمل می کرد: هیچ گاه علی (ع) را آزرده خاطر نکرد و هرگز سخن خود را برگفته او برتر ندانست. همواره همسری مطیع و گوش به فرمان بود، گرچه خواست و میل خود، چیزی دیگر باشد. (۳۱) روزی که عمر و ابوبکر برای دیدار فاطمه (س) با علی (ع) سخن گفتند، ذره ای علاقه در وجود او نبود اما چون همسرش اظهار علاقه نمود، فرمود: «علی جان! خانه، خانه تو است و من کنیز و گوش به فرمان تو.» (۳۲)

گاه که شوهر عزیزش از علت آگاه نکردن فاطمه نسبت به نبود غذا در منزل پرسش می کرد می گفت: من از خدا شرم دارم، چیزی را که قدرتش را نداری بر تو تحمیل کنم. (۳۳) و در آن روز سیاه، روز شکستن استخوانهای سینه و روز تازیانه بر بازوان حضرت، چون همسر خود را با چنان وضع دلخراشی دید که به سوی مسجد می برند، آنان را تهدید به نفرین نمود و فرمود: «رها کنید پسرعمویم را، قسم به خدایی که محمد را به حق فرستاد اگر دست از وی بردارید، سر خود را برهنه کرده و پیراهن رسول خدا را برافکنده و در برابر خدا فریاد برخواهم آورد و همه شما را نفرین می کنم.» و در حالی که دست حسن (ع) و حسین (ع) را گرفت، به طرف قبر رسول الله (ص) روانه شد. در این هنگام علی (ع) که از ماجرای پس از نفرین همسرش که نابودی تمامی افراد بود، خبر داشت، سلمان را

به سوی فاطمه فرستاد تا او را منصرف سازد و او پس از شنیدن پیام امیرالمؤمنین (ع)، تمامی امواج احساس خود را به اقیانوس بیکران عشق به ولایت، روانه ساخت و با لحنی از سر اطاعت عرض کرد: «علی جان! جانم فدایت و سپر بلایت. ای ابالحسن، همواره با توام چه در خوشیها و چه در سختیها... به خانه باز می‌گردم، می‌روم و صبر می‌کنم، سخن آن بزرگوار را می‌پذیرم و از او اطاعت می‌کنم.» (۳۴)

هنرمندی و هنرآفرینی در زندگی

کیست نور چشم احمد؟ فاطمه
کیست تانیث محمد؟ فاطمه
هر کجا سبزیست نام فاطمه ست
این سیادت از مقام فاطمه ست
آب کوثر چیست؟ اشک فاطمه
ابر می‌گرید ز اشک فاطمه
ناز آن اشکی که زهرا باورست
وای بر چشمی که بی زهرا ترست (۳۵)

عقل، قلب و اعضای بدن، سه رکن ارزشمند و بنیادین انسان محسوب می‌شوند. از عقل، خرد و اندیشه می‌تراود، از قلب، احساس، عشق و هنر تبلور می‌یابد و با اعضای بدن، فرمانهای عقل و قلب اجرا می‌شود. فاطمه بانویی بی همتا در آفرینش بود که با رشد اندیشه و خردورزی وسیع خود به کمال عقل دست یافت و به دور از هوا و هوس، احساسات پاک و عاطفه پرتراوتی از اعماق قلب خود به دست آورد. در پرتو این موفقیت بی نظیر، دوستی و دشمنی، خواستنها و نخواستنها و تمامی جلوه‌های احساس خود را در معیارهای خداوندی قرار داد و پس از این دو، اعمال و رفتار خویش را الگویی یگانه و اسوه ای آسمانی برای تمامی زنان و مردان ساخت. از این رو رسول خدا (ص) همیشه بر سه موضع از بدن دختر عزیزش بوسه می‌زد؛ سینه فاطمه را می‌بوسید که نشان بوسه بر احساس و عاطفه او بود، پیشانی زهرا را می‌بوسید که بیانگر تأیید فکر و

اندیشه وی بود و بر دستان فرزند دلبندهش بوسه می‌زد تا به همه بفهماند، تمامی اعمال و رفتار دخترم مورد قبول من است؟ به دیگر سخن، با این بوسه‌ها می‌فرمود: فکر فاطمه، فکر من است، احساس او، احساس من است و تمامی اعمال او مورد قبول من. هر کس با اندیشه‌های او مخالفت کند، با من مخالفت کرده است و کسانی که مورد حُب و بغض زهرایم قرار گیرند، محبوب و مبعوض من خواهند بود و اینان مورد رحمت و یا لعنت خداوند خواهند بود.

با نگاهی به جلوه‌های هنرمندی و هنرآفرینی زهرا (س) در زندگی، در می‌یابیم که این ویژگی پرارزش در وجود آن بانو دستاورد صفاتی چون عشق به زندگی، علاقه مندی به همسر، نشاط روحی، امید به آینده، استفاده صحیح و بجا از لحظه‌های عمر، لطافت روح و سلامت نفس بوده است.

بدون شک انسان‌هایی که صحن زندگی خود را با نوعی هنر، زینت بخشند، فرصت هر گونه بی حالی، تنبلی، کسالت، خستگی کاذب و بی حوصلگی را از خود گرفته، از خود یادگارانی ماندگار، آثاری نفیس و آموزه‌هایی ارزشمند باقی خواهند گذاشت. آثاری که در چهره‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی، رخ نشان می‌دهد و گاه مسیر تاریخ را به عرصه روشن حقیقت رهنمون می‌سازد.

«شعر» شایسته، هنری زمرّدین و پربها است که در هر زمان، بویژه صدر اسلام، ارزش والایی داشته است و فاطمه زهرا (س) در این عرصه، نمونه‌های ارزشمندی بر جای گذاشته است.

در لحظه‌های آغازین زندگی خود با علی (ع)، غنچه لب را به ستایش شوهر نمونه اش گشود و با اشعاری زیبا فرمود:

اضحی الفخار لنا و عرّ شامخ

ولقد سمونا فی بنی عدنان (۳۶)

افتخار و عزت والا، از آن ما شد و ما در میان فرزندان عدنان سر بلند شدیم
تو به بزرگی و برتری رسیدی و از همه آفریده‌ها والاتر شدی و جنّ و انس از عظمت تو عقب ماندند.

مجروحان جنگ و بستن زخم و مداوای آنان»، افقی روشن از دیگر آفاق چشم نواز شخصیت حضرت زهرا(ع) است.

از آنجا که این نوشتار، حوصله ای اندک و صفحاتی محدود دارد، اجازه دهید به بهترین هنرها و هنرآفرینیهای پاک بانوی هستی اشاره کنیم که آن «هنر بندگی و عبودیت» است؛ هنری که سالهای کوتاه عمر آن حضرت را بلندای تاریخ انسانیت و به وسعت ارزش های الهی گسترش بخشید و جاودانه ساخت. از این رو ابعاد دیگر هنرآفرینی آن بانو را در خانه و کنار همسر و فرزندان و پس از رحلت رسول خدا در دفاع از ولایت و امامت و... را به فرصتی دیگر و بحثهای آینده، وا می‌گذاریم.

آنچه در این فرصت ارزشمند، درس آموزی تمامی افراد، بویژه همسران جوان، را اهمیت برتر و والاتری می‌دهد، استفاده از تمامی ظرفیتهای استعدادها و قابلیت‌های خود در فرآگیری دانش‌ها و هنرهاست. این گام موفقیت در عمر و زندگانی تمامی ما آثاری گرانبها و جاودان خواهد داشت زیرا همسرانی که در کنار کارهای روزمره خود عقل و اندیشه را با احساس و عاطفه پیوند زنند و در عرصه‌هایی هنرآفرینی نمایند، بدون شک استفاده از لحظه‌های زندگی را ارزش شمرده، از سخنان کم ارزش و بی‌بهای روزمره نسبت به جلوه‌های زودگذر، دوری کرده، شادابی دل و طراوت روح خود را با پرهیز از بیکاری و حتی گناه و نافرمانی حفظ نموده و با پیشرفت در صحنه‌های روح پرور هنری، که هیچ برخوردی با دستورات آسمانی اسلام ندارد، هر روز شاهد رشد و شکوفایی استعدادهای خود بوده و محبت و علاقه افزونتری می‌یابند.

تربیت و سازندگی در زندگی

چارده آئینه پاک و صیقلی

یازده آئینه از نسل علی

به از پیوند یاس و نسترن

هم حسین اینجا شکوفد هم حسن (۴۰)

تربیت و سازندگی کودکان به سه عامل سرنوشت ساز از گذشته، حال و

معصوم «علی» است، بهترین کسی که گام بر خاک نهاده، بزرگوار و دارای احسان و نیکی والایه‌های اخلاقی و بزرگیها از آن اوست، تا آنگاه که مرغان بر شاخه‌ها به ترنم مشغولند. آنگاه که با کودکان خود بازی می‌کرد و به تربیت روحی و پرورش جسمی آنان می‌پرداخت، در قالب شعر ادیبانه با آنان سخن می‌گفت. به پسر عزیزش حسن (ع) می‌فرمود: أَشِيهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَ اخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الرِّسْنَ وَ اغْبُدْ إِلَيْهَا ذَا الْمِنَّنِ وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْإِحْنِ (۳۷) حسن جان! مانند پدرت علی (ع) باش و ریسمن را از گردن حق بردار خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه توز دوستی مکن. در صحنه‌های دیگر زندگی همانند گفتگوی علی (ع) با فاطمه در باره سخاوت و ایثار آن بانو، سخن آخرین حضرت با فضا هنگام پرواز روح از پیکر پاک او، سوگواری و بیان ماتم و اندوه خویش در رحلت رسول خدا (ص) و هنگام بیان دشمنی او نامردمیهای ستمگران بعد از پیامبر (ص) به شعرهای شیوا همگام با چینش درست الفاظ و بیان روشن احساسات، نشان از هنرمندی خاص آن حضرت در این عرصه است.

«سخنوری» فاطمه (ع) با زیباترین و بلندترین کلمات، زبده ترین و گزیده ترین معانی، بدون خواندن از نوشته ای و در جمع بی شماری از مردم مدینه، نگین زرینی از ارزش‌های آن بانو را در جلوه‌های هنری نمایان می‌سازد. به گونه ای که دوستان و دشمنان از انبوه معانی و جلوه دلربای الفاظ، انگشت حیرت بر دهان گذاشته و بزرگان عرصه ادب را به تفسیر و توضیح کلمات و عبارات فرا خوانده اند. (۳۸) این سخنان با ویژگی‌های گوناگون ادبی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روانی، کلامی خود به درستی و زیبایی «سینای صلابت یا خطبه ای خدایی» نام گرفته است. (۳۹)

«تواناییهای بیرون از باور فاطمه (ع) در پاسخگویی به پرسشهای فکری فرهنگی افراد» جلوه ای ارزشمند از دیگر ابعاد شخصیتی آن حضرت است؛ این ویژگی چشمگیر در زمانی نمایان می‌شد که زنان را نه تنها فردی همچون دیگر افراد محسوب نمی‌کردند، بلکه انسان نیز نمی‌دانستند و دختران را مایه ننگ و سرافکنندگی خانواده می‌شمردند!!

«حضور مؤثر در عرصه‌های نظامی و در پشت جبهه برای کمک به

آینده آنان بستگی دارد.

عامل نخست - که در دیدگاه آیات قرآن و سخنان معصومان علیهم السلام بدانها اشاره شده است و امتیاز آموزه‌های تربیتی اسلام محسوب می‌شود - «وراثت» نام دارد. حقیقتی که در آن کرامت‌ها، ارزش‌ها، روحیات و تمامی ویژگی‌های اخلاقی پدر و مادر در بعد مثبت و یا منفی به چشم می‌خورد و به فرزند آنان منتقل می‌شود. گرچه این عامل راه رشد و تکامل را بر فرزندان مسدود نمی‌کند اما در ناهمواری این راه - نسبت به صفات ناشایست - و هماری آن - در روحیات و اخلاق پسندیده - مؤثر خواهد بود. عامل دوم؛ خانواده و شیوه‌های تربیتی پدر، مادر و یا اطرافیان خواهد بود.

عامل سوم؛ محیط تعلیم و تربیت و جامعه محسوب می‌شود. زندگانی فاطمه زهرا(س) و امیرمؤمنان(ع) کانون تربیت و سازندگی در این سه بعد تأثیرگذار بوده و برای تمامی شیفتگان تعلیم و تربیت، آموزه‌های گرانباری به همراه دارد به گونه‌ای که حضرت امام خمینی در این باره می‌فرماید: «این خانه کوچک فاطمه(س) و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به حسب عدد، چهار - پنج نفر بودند و به حسب واقع، تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند، خدمتهایی کردند که ما را و شما را و همه بشر را به اعجاب در آوردند.

صلوات و سلام خداوند تعالی بر این حجره محقری که جلوه‌گاه نور عظمت الهی و پرورشگاه زیدگان اولاد آدم است. زنی که در حجره‌ای کوچک و خانه‌ای محقر، انسان‌هایی تربیت کرد که نورشان از بسیط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلا می‌درخشد.» (۴۱)

در زیارت مطلقه امام حسین(ع)، عامل نخست پرورش و تربیت آن حضرت را وراثت پاک و طهارت آمیز بیان می‌کنیم و شهادت می‌دهیم که: «گواهی می‌دهم که شما در اصلا ب پاک و ارحام مطهر بودید و هیچ غباری از شرک و جهالت بردامنتان ننشست» (۴۲) و سیدالشهدا(ع) نیز در هنگامه سخت و غم آلود کربلا که دشمن او را به ذلت و سرسپردگی به طاغوت دعوت می‌کرد فرمود: «دامان پاک مادرم و طهارت وجود او به من اجازه نمی‌دهد که از شهامت، آزادمنشی و کرامت انسانی دست بردارم و زیر بار

ستم روم» (۴۳). پاره‌ای از شیوه‌های تربیت و سازندگی فاطمه زهرا(ع) در زندگی او عبارتند از:

نامگذاری شایسته

سفارشی که تمام معصومان علیهم السلام بدان پرداخته اند و امیرمؤمنان(ع) یکی از حقوق فرزندان بر پدران را نام نیکو و پسندیده می‌شمارد. (۴۴)

انجام سنت‌های پسندیده اسلامی

عقیقه (قربانی برای بیمه نمودن سلامتی کودک)، صدقه (به خاطر استمرار بقای وجودی طفل)، تراشیدن موهای فرزند در روز هفتم و صدقه دادن، هم وزن موهای او از طلا یا نقره به قابله، همسایگان و درماندگان، خواندن اذان در گوش راست، اقامه درگوش چپ (برای آشنایی نوزاد با آوای توحید، نغمه نبوت و سرود ولایت از آغازین ساعات زندگی خود)، از سنت‌های مورد تأکید رسول الله(ص) بوده که فاطمه زهرا(س) برای فرزندانش بدانها عمل کرد.

جایگزین نساختن هیچ عاملی به جای عاطفه مادری

درک اهمیت و تأثیر شایان مهر پدری و عاطفه مادری، آن حضرت را بر آن می‌داشت که برای جلوگیری از مشکلات روحی روانی، پرهیز از کمبودهای شخصیتی و حتی دوری فرزندان خود از مشکلات جسمانی، هیچ محفل و دامانی را جایگزین آغوش پرمهر و عطوفت مادری نسازد، گرچه در وضعیت سخت و طاقت سوز اقتصادی به سر برد.

استفاده از بازی، تحرک و رقابت برای پرورش جسمی، روحی کودک

صحنه‌های مختلف بازی فرزندان حتی با رسول الله(ص)، پدید آوردن روحیه تحرک و تلاش و ایجاد رقابت و مسابقه، نمونه‌ای از این شیوه دلپذیر است. که از این میان به برگزاری مسابقه خطاطی توسط زهرا(س)

پی نوشتها

- ۱-۵. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۷۲ و ج ۶، ص ۱۸۵ و ج ۱۹، ص ۱۲۱.
۶. سنن النبی (ص)، علامه طباطبائی، صص ۲۰، ۳۶، ۴۱، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۶۰.
۷. بحارالانوار، مرحوم علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۴۵ و ۷۵.
۸. همان، ص ۱۰.
۹. بحارالانوار، ج ۲، ص ۳.
۱۰. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، ص ۳۵۴؛ کتاب عوالم، ج ۱۱، ص ۶۲۸؛ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴۰۱ و ج ۷۵، ص ۴۰۱.
۱۱. رک: مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸۹؛ فضائل الخمسه من الصحاح الستة، ج ۳، ص ۲۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۶.
۱۲. احمد عزیز، برگزیده ای از قطعه شعر «گل زهرا»، کوثر، ش ۸، ص ۹۰.
۱۳. نک: مستدرک عوالم، ج ۱، ص ۸۰ و ۸۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵.
۱۴. رک: علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۵.
۱۵. ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۱۰۵.
۱۶. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۴۰۴.
۱۷. ارشاد القلوب دیلمی، ص ۱۰۵.
۱۸. حسن بصری: رک: مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۴۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۷۶ و ۸۴.
۱۹. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۶.
- ۲۰ و ۲۱. همان، صص ۸۸ و ۸۷.
۲۲. همان، ج ۵۳، ص ۲۳.
۲۳. رک: سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۵.
۲۴. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۷.
۲۵. نک: معانی الاخبار، ص ۳۹۹.
۲۶. رک: علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۶ و ۱۸۱.
۲۷. نک: بیت الاحزان، محدث قمی، ص ۲۷.
۲۸. رک: کنز العمال، ج ۲، ص ۵۷.
۲۹. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۴۳.
۳۰. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷.
۳۱. همان، ص ۱۳۴ و ۴۷؛ نهج الحیاة، ص ۲۲؛ الکوکب الدرزی، ج ۱، ص ۱۹۶.
۳۲. نک: کشف الغم، ج ۲، ص ۳۶؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۷۷؛ احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۳۳۳ و ج ۱۸، ص ۵۰.
۳۳. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۹.
۳۴. نک: الکوکب الدرزی، ص ۱۹۶ و ۱۸۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۶؛ اختصاص شیخ مفید، ص ۱۸۱؛ احتجاج طبرسی، ص ۸۶.
۳۵. کشفهای مکاشفه، احمد عزیز، نخل و خون، ص ۴۹۳ و ۴۹۴ (با گزینش).
۳۶. نلت العلا و علوت فی کل الوری و تقاضرت عن مجدک الثقلان
اعنی علیاً خیر من وطاً الثری
فله المکارم و المعالی و الجیا
ذالمجد و الإفضال و الإحسان
ما ناخث الإطیاز فی الأغصان
- نهج الحیاة، ص ۱۸۴.

مرضیه (س) بین حسن (ع) و حسین (ع) می توان اشاره کرد. مسابقه ای که رسول خدا و امیرمؤمنان و فاطمه زهرا علیهم السلام از قضاوت، خودداری کردند تا آنکه اسرافیل از جانب خداوند قضاوت را به عهده مادر آن دو گذارد و آن حضرت با الهام خداوندی گردن بند خود را پاره کرد تا هر که بیشترین دانه را جمع آوری نمود، برترین آن دو باشد اما در پایان جبرئیل امین آخرین دانه را نیز به دو نیم کرد تا هر دو به طور مساوی دانه بردارند و هر دو در این رقابت سربلند و پیروز گردند. (۴۵)

پرورش شوق پرستش و عبادت

بیداری فرزندان در نیمه های شب از گریه های مادر در مناجات (۴۶)، شنیدن دعاها برای آموزنده حضرت (۴۷)، توجه فاطمه (ع) به شب های قدر (۴۸) و یا هنگام غروب آفتاب برای احیا و دعا کردن فرزندان (۴۹)، آماده سازی کودکان برای آشنایی با قرآن، نماز و راز و نیاز با خداوند از خردسالی (۵۰)، و سرانجام فروزش شعله عشق عبادت و ریزش شیرینی و حلاوت مناجات با خداوند از شیوه های تربیتی فاطمه زهرا (ع) بود.

استفاده از جاذبه های شعر برای آشنایی کودکان با آموزه های دینی

لالایی مادران برای کودکان، اگر با اشعاری پرمحتوا و هدفمند باشد سرزمین پاک و پرطراوت وجود اطفال را آماده پذیرش بذره های بالندگی و بینش صحیح می کند. زهرای بتول (ع) در شعر لالایی خود، ابتدا کودک را به سرمشق گیری از پدر تشویق می کند تا مظهر تمامی صفات و فضایل گردد (اشبه اباک یا حسن)؛ سپس به مهمترین مسؤلیت او که حق پذیری و ستم ستیزی است اشاره می نماید (و اخلع عن الحق الرّسن)؛ آنگاه او را به اساسی ترین اصل دین که توحید و خدامحوری است، رهنمون می سازد (و اعبد الهها ذالممنن)؛ و سرانجام آینه ای از آینه تابناک وی را ترسیم می کند که دوری از دوستی با افراد بدخواه و کینه جو خواهد بود (و لا تُوالِ ذَا الْأَحْسَنِ). (۵۱)

امید آنکه با همتی والا و بینشی روشن به درس آموزی از تمامی آموزه های زندگانی فاطمه زهرا و امیرمؤمنان (ع) بپردازیم.

۳۷. رک: مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸۹؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۲۸۳؛ فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۲۱.
۳۸. به سخنان ارزشمند مقام معظم رهبری در تاریخ ۷/۹/۲۵ در این باره مراجعه کنید.
۳۹. عنوان تحلیل، بررسی و توضیح کامل و همه جانبه خطبه حضرت زهرا(ع) است که در آینده، در پی سلسله مقالات آموزه ها، توسط نویسنده این مباحث، مطرح خواهد شد: رک: پیام زن، ش ۸۵، فروردین ۷۸، ص ۹۲.
۴۰. کشفهای مکاشفه، ص ۴۹۳ و ۴۹۴ (با گزینش).
۴۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۶۷ (۶۰/۱۲/۱۸) و ص ۱۳۵ (۶۱/۱/۲۵).
۴۲. رک: مفاتیح الجنان، زیارت امام حسین(ع).
۴۳. نک: مجموعه سخنان امام حسین(ع) در کربلا، چاپ انتشارات اسلامی، قم؛ جلوه های رفتاری حضرت زهرا(ع)، نوشته خانم عذرا انصاری.
۴۴. نک: نهج البلاغه، خ ۳۹۹.
۴۵. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۰۹.
۴۶. همان، ص ۸۱.
۴۷. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۲.
۴۸. همان؛ وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۱۲.
۴۹. همان (با استفاده کتاب چشمه در بستر، نوشته مسعود پورسیدآقایی).
۵۰. رک: وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۱۲؛ مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۲۳۶ و ج ۵، ص ۲۳۰.
۵۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۶. (با استفاده از مقاله لالایی بیداری، نوشته آقای حسین غفاری؛ مجله کوثر، ش ۸، ص ۷۸ و ۷۹).

.....
مجله پیام زن تیر ۱۳۷۸، شماره ۸۸

حضرت فاطمه زهرا(س) در اندیشه امام خمینی(ره)

محمدتقی دیاری بیدگلی، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه قم

چکیده

امام خمینی(ره) از جمله نوابغ و شخصیت‌های علمی برجسته دوران معاصرند که نهضتی شکوهمند و انقلابی بزرگ بر پایه آموزه‌های دینی و باورهای الهی بنیان نهادند و همواره سیره قولی و فعلی اهل بیت(ع) به ویژه فاطمه زهرا(س) را الگوی خود قرار داده و در گفتار و کردار خود تلاش نموده تا چهره تابناک و والای فاطمه(س) را به ویژه از بعد سیر و سلوک معنوی و سیاسی معرفی نموده اند؛ مهمترین محورهای سخنان و آرای معظم له که در این نوشتار به اختصار مطرح شده عبارتند از: نام‌های فاطمه به ویژه محدثه بودن ایشان، شرافت و فضیلت ویژه فاطمه، ساده زیستی فاطمه، خطبه‌های فاطمه، صحیفه فاطمیه، دشمن ستیزی فرزندان معنوی فاطمه و نیز روز زن و ضرورت الگوگیری از فاطمه(س).

مقدمه

امام خمینی شخصیتی است از سلاله فاطمه زهرا (س)، اندیشمندی است که هم در بعد علمی، از سیره قولی و مکتب نورانی فاطمه (س) درس آموخته و هم در سیر و سلوک معنوی و سیاسی از سیره عملی او الهام گرفته و حقیقتاً در راه او و فرزندان پاکش گام نهاده و بر این اساس، نهضتی شکوهمند و الهی برپا کرده و در گفتار و کردار خود سخت کوشیده است تا اهل بیت پیامبر اکرم (ص) را الگوی خود قرار دهد و جایگاه والای فاطمه زهرا (س) را در همه ابعاد وجودیش به جامعه انسانی بشناساند. در این نوشتار به اختصار به تبیین دیدگاههای وی درباره شخصیت و منزلت فاطمه (س) پرداخته شده است.

سرفصل‌های اصلی مقاله برگرفته از سخنان امام خمینی است که در دوران پیرافراز و نشیب انقلاب اسلامی به مناسبت‌های گوناگون ایراد شده است.

۱. نام‌های فاطمه (س)

فاطمه زهرا (س) نام‌های بسیاری داشت؛ نامگذاری فاطمه زهرا (س) از طرف خداوند متعال انجام گرفته است. ۱. امام صادق (ع) می‌فرماید: برای فاطمه، نه نام نزد خداوند بزرگ است: فاطمه ۲. صدیقه ۳. مبارکه ۴. طاهره ۵. زکیه ۶. راضیه ۷. مرضیه ۸. محدثه ۹. و زهراء ۱۰...۱۱.

هر یک از نام‌های حضرت، جلوه ای از ویژگی‌ها و صفات عالی انسانی اوست. امام خمینی در سخنان خود از برخی از نام‌ها و القاب فاطمه، از جمله: فاطمه، زهرا، مرضیه، طاهره و کوثر نام برده و گاهی نیز به صورت ترکیبی از دو نام نظیر صدیقه طاهره، فاطمه زهرا، یا زهرای مرضیه یاد کرده است. در یک مورد نیز بدون آنکه از نامی خاص یاد کند، با توجه به روایتی معتبر، بزرگترین فضیلت فاطمه را رفت و آمد و نزول مقام جبرئیل (روح اعظم) به طور مکرر بر وی دانسته است. ۱۲.

گفته‌اند پس از رحلت پیامبر (ص) روزها بر فاطمه (س) به سختی می‌گذشت، لذا جبرئیل به امر خداوند بر آن حضرت نازل می‌شد و برای آن

از رویدادهای آینده سخن می‌گفت. از این رو، فاطمه را «محدثه» نامیده‌اند. عن ابی عبد الله (ع) قال: انما سمیت فاطمة، محدثه، لان الملائكة كانت تهبط من السماء فتنادیها كما تنادی مریم بنت عمران. فتقول: یا فاطمة ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین. یا فاطمة اقتنی لربک و اسجدی و ارکعی مع الراكعين فتحدثهم و یحدثونها، فقالت لهم ذات لیلة: ألیست المفضلة علی نساء العالمین مریم بنت عمران؟ فقالوا: ان مریم كانت سیدة نساء عالمیها و ان الله عزوجل جعلک سیدة نساء عالمک و عالمها و سیدة نساء الاولین و الاخرین. ۱۳

امام صادق (ع) فرمودند: فاطمه (س) را «محدثه» گویند، چون فرشتگان از آسمان به پایین می‌آمدند و همانگونه که با حضرت مریم دختر عمران سخن می‌گفتند، با حضرت زهرا (س) نیز سخن می‌گفتند، فرشتگان به حضرت زهرا (س) گویند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزید و پاکیزه گرداند و تو را بر زنان جهانیان برتری داد. ای فاطمه! مطیع پروردگار باش و به همراه رکوع کنندگان (نمازگزاران)، سجده و رکوع کن. حضرت فاطمه (س) با فرشتگان سخن می‌گفت و فرشتگان نیز با او سخن می‌گفتند. شبی حضرت فاطمه (س)، از فرشتگان پرسید: آیا برترین زن عالم، حضرت مریم دختر عمران نیست؟ فرشتگان عرضه داشتند: حضرت مریم، سرور زنان زمان خود بود، اما خداوند تو را برترین زن جهان قرار داده است. هم در زمان خودت و هم در زمان حضرت مریم و سرور همه زنان از آغاز تا پایان. از اینکه امام خمینی، در نامه‌هایی که خطاب به عروس خود همسر حاج احمد آقا (خانم فاطمه طباطبایی) نوشته و او را «فاطمی» خوانده‌اند، به طور ضمنی استفاده می‌شود که در محاورات عرفی می‌توان، کسانی را که به نام «فاطمه» آراسته‌اند، «فاطمی» صدا زد. وی در پاسخ به درخواست عروس خود چنین آورده است:

فاطمی که من نامه عرفانی خواست

از مورچه ای تخت سلیمانی خواست ۱۴

گویی نشنیده ما عرفناک از آنک

جبریل از او نفخه رحمانی خواست

۲. شرافت و فضیلت ویژه فاطمه (س)

فاطمه زهرا(س) از فضایل بسیاری برخوردار بودند؛ توانایی علمی، عصمت و پاکیزگی از گناه و خطا، برتری در صحنه رشد و تربیت فرزندان، شرافت در همسر داری، رعایت ادب و اخلاق در برخورد با پدر، همسر و دیگر اعضای خانواده، وفاداری و فروتنی، پاکدامنی و آراستگی، خانه داری و بردباری در برابر دشواریها، همیاری و همدلی با پیامبر(ص) و امیرمؤمنان(ع) در میدان جهاد و سیاست، فضیلت در عرصه عبادت و نیایش، زهد و ایثار و پشتیبان همسر در ساحت ولایت و حکومت و نیز عدالت محوری و دفاع از حقوق انسانها و مبارزه با ظلم.

امام خمینی فضایل بسیاری را برای حضرت زهرا(ع) بر شمرده اند، از جمله کمال و جامعیت انسانی، همطرازی با پیامبر و نیز گفت و گوی فرشتگان با وی. وی در این باره می فرماید: تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهرا(س) جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است. یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان، او زن معمولی نیست. او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است. بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شد است... زنی که تمام خاصه های انبیاء در اوست، اگر مرد بود، نبی بود؛ زنی که اگر مرد بود، به جای رسول الله بود. ۱۵

وی در فرآزی دیگر از سخنان خود با توجه به روایتی از امام صادق(ع) بزرگترین فضیلت فاطمه را اینگونه بیان می دارد: من راجع به حضرت صدیقه(س) خودم را قاصر می دانم که ذکر می بکنم، فقط اکتفا می کنم به یک روایت که در کافی شریف است و با سند معتبر نقل شده است. ۱۶ و آن روایت این است که حضرت صادق(ع) می فرماید: فاطمه(س) بعد از پدرش ۷۵ روز زنده بودند در این دنیا، و حزن و شدت برایشان غلبه داشت و جبرئیل امین می آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می کرد و مسائلی از آینده نقل می کرد. ظاهر روایت این است که در این ۷۵ روز مراده ای بوده است. یعنی، رفت و آمد جبرئیل زیاد بوده است و گمان ندارم که

غیر از طبقه اول از انبیاء عظام درباره کسی اینطور وارد شده است که در ظرف ۷۵ روز جبرئیل امین رفت و آمد داشته است و مسائلی را در آتیه ای که واقع می شده است، مسائلی را ذکر کرده است و آنچه که به ذریه او می رسیده است در آتیه ذکر کرده است و حضرت امیر آن ها را نوشته است... مسأله آمدن جبرئیل برای کسی یک مسأله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی می آید و امکان دارد بیاید. این یک تناسب لازم است بین روح آن کسی را که جبرئیل می خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است... تا تناسب مابین روح این کسی که جبرئیل می آید پیش او و بین جبرئیل که روح اعظم است، نباشد، امکان ندارد این معنا و این تناسب بین جبرئیل که روح اعظم است و انبیای درجه اول بوده است مثل رسول خدا و موسی و عیسی و ابراهیم و امثال اینها، بین همه کس نبوده است... فقط این است که برای حضرت زهرا(س) است که آن که من دیده ام که بر جبرئیل به طور مکرر در این ۷۵ روز وارد می شده و مسائلی آتیه ای که بر ذریه او می گذشته است، آن مسائلی را می گفته است و حضرت امیر هم ثبت می کرده است... در هر صورت، من این شرافت و فضیلت را از همه فضایی که برای حضرت زهرا ذکر کرده اند. با اینکه آن ها هم فضایل بزرگی است. این فضیلت را من بالاتر از همه می دانم که برای غیر انبیاء (علیهم السلام) آن هم نه همه انبیاء، برای طبقه بالای انبیاء (علیهم السلام) و (بعض) از اولیائی که در مرتبه آن ها هست، برای کس دیگر حاصل نشده... و این از فضایی است که از مختصات حضرت صدیقه(س) است. ۱۷

امام خمینی در تجلیل و بزرگداشت مقام فاطمه، وی را همطراز با پیامبر(ص) دانسته می فرماید: زنی که افتخار خاندان وحی [است] و چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می درخشد، زنی که فضائل او همطراز فضایل بی نهایت پیغمبر اکرم و خاندان عصمت و طهارت بود. زنی که هر کسی با هر بینش درباره او گفتاری دارد و از عهده ستایش او بر نیامده که احادیثی که از خاندان وی رسیده به اندازه فهم مستمعان بوده و دریا را در کوزه نتوان گنجاند، و دیگران هر چه گفته اند به مقدار فهم خود بوده، نه به اندازه مرتبت او. ۱۸

۳. ساده زیستی فاطمه (س)

زندگی فاطمه (س) به ویژه هنگامی که با امیرمؤمنان علی (ع) ازدواج کرد، زندگی ای ساده و بی آلایش بود. پیامبر اکرم (ص) به هنگام آغاز زندگی مشترک فاطمه (س) و علی (ع) رو به امیرمؤمنان (ع) کرد و فرمود: آیا چیزی از امکانات مالی و اقتصادی برای ازدواج در اختیار داری؟ آن حضرت پاسخ داد: پدر و مادرم فدایت باد، به خدا سوگند شرایط اقتصادی من بر شما پوشیده نیست. همه ثروت من در حال حاضر یک شمشیر ستم سوز است و یک زره برای جهاد و یک شتر آبکشی برای کسب و کار. پیامبر اکرم (ص) خطاب به او فرمود: علی جان! اما در شمشیر نظرم این است که شما به او نیاز داری تا به وسیله آن در راه خدا به جهاد برخیزی و دشمنان تجاوزکار خدا را بر سر جایشان بنشانی، در مورد شترت نیز نظرم این است که هم وسیله کار و درآمد توست. به وسیله آن، هم نخلستان را آب می دهی و برای خانواده ات هزینه زندگی فراهم می آوری و همزاد و توشه سفرت را جابه جا می نمایی؛ آنگاه افزودند: اما من دختر فرزانه ام را به ازدواج تو در خواهم آورد و در برابر این پیمان برای زندگی مشترک و به نشان صفا و صداقت اینک زره خود را بفروش و پول آن را بیاور تا ترتیب این کار را بدهم. ۱۹

امیرمؤمنان به دستور پیامبر (ص) زره خود را حدود پانصد درهم فروخت و پول آن را تقدیم آن حضرت نمود و مقرر گردید که این پول، «مهریه» بهترین بانوی دو جهان یعنی فاطمه زهرا (س) گردد. ۲۰

امیرمؤمنان (ع) از آن پس بویژه در دوران حکومت خود. با وجود اینکه تمکن مالی بسیاری داشتند، همواره، بی آلایش و ساده و به دور از تشریفات و تجملات، در سطح پایینترین طبقات مردم زندگی می کردند. ۲۱

و فاطمه نیز بسان همسر خویش ساده زیستی را بر زندگی پرزرق و برق دنیا ترجیح می دادند.

امام خمینی درباره ساده زیستی و کوخ نشینی فاطمه (س) و برکات وجودی آن حضرت می فرماید: ما یک کوخ چهار پنچ نفری در صدر اسلام داشتیم، و آن کوخ فاطمه زهرا (س) است. از این کوخ ها هم محقرتر بوده، لکن برکات این چی است؟ برکات این کوخ چند نفری، آن قدر است که عالم را پر کرده

است از نورانیت و بسیار راه دارد تا انسان به آن برکات برسد. ۲۲

در هر صورت، در زندگیش وقتی که انسان می بیند که یک پوستی بوده است. اینطور نقل می کنند که شبها این پوست را می انداختند و خودشان با حضرت فاطمه (س) رویش می خوابیدند و روزها همین پوست را علوفه رویش می ریختند برای شترشان و در خوراک هم کسی نمی توانست آنطور زندگی بکند... ۲۳ از انس نقل شده که فاطمه (س) نزد رسول خدا (ص) آمده، گفت: ای رسول خدا (ص) من و پسرعمویم جز یک پوست گوسفند چیز دیگری نداریم که هم روی آن می خوابیم و هم شترمان را بر روی آن علوفه می دهیم، حضرت فرمود: دخترم صبر کن؛ همانا موسی بن عمران، ده سال با همسرش زندگی کرد و جز یک عبای قطوانی. یعنی عبا سفید که نخهای بسیاری در حاشیه اش آویزان بود. نداشتند.

۴. خطبه های فاطمه (س)

از حضرت فاطمه زهرا (س) در طول حیات سیاسی-اجتماعی خود، خطبه ها، سخنان و نیایش های زیادی به یادگار مانده که در جوامع حدیثی نقل شده است. از جمله خطبه فدکیه پس از غصب فدک، خطبه حضرت در جمع زنان مهاجر و انصار و نیز خطبه وی برای آنان که حق همسرش علی (ع) را غصب کردند. ۲۵

امام خمینی، درباره خطبه آن حضرت و نقش آن در رسوایی زمامداران باطل و آگاه سازی مردم می فرماید: خطبه فاطمه زهرا (س) در مقابل حکومت و قیام امیرالمؤمنین و صبر امیرالمؤمنین در مدت بیست و چند سال و در عین حال کمک کاری به حکومت موجود و بعد هم فداکاری در راه اسلام و فداکاری دو فرزند عزیزش، امام مجتبی که یک خدمت بسیار بزرگ و دولت جابراموی را با آن خدمت رسوا فرمود و خدمت بزرگ برادر ارجمندش حضرت سیدالشهداء، چیزهایی بود که همه می دانید و می دانیم... ۲۶

۵. صحیفه فاطمیه

همچنان که گذشت پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) ایام بر فاطمه زهرا (س)

به دشواری سپری می‌شد؛ از این رو، جبرئیل به امر خداوند بر آن حضرت نازل می‌شد و برای وی از حوادث آینده به ویژه آتیه ذریه آن حضرت، سخن می‌گفت. صحیفه فاطمیه، حاصل نزول جبرئیل بر فاطمه زهرا(س) در این مدت ۷۵ روز است. از سخنان پیشوایان معصوم دینی چنین استفاده می‌شود که مصحف فاطمه (س)، پس از رحلت رسول خدا(ص) بروی نازل شده است.

امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: فاطمه(س) پس از پدرش تنها هفتاد و پنج روز در این جهان زندگی کرد و در طول آن مدت، غمها و اندوه‌های زیاد را تحمل نمود. جبرئیل در آن ایام به طور مرتب به حضور فاطمه(س) نازل می‌شد و او را در عزای پدر تسلیت می‌گفت و از مقام و جایگاهش در آن سوی جهان با خبر می‌ساخت و همچنین از اوضاع آینده دنیا و سرنوشت بچه هایش آگاه می‌نمود و علی(ع) آن‌ها را می‌نوشت و همه اینها مصحف فاطمه(س) را تشکیل می‌داد. ۲۷

امام خمینی در این باره در عبارتی کوتاه در وصیتنامه سیاسی الهی خود ضمن مباحثات به این صحیفه می‌فرماید: صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است، از ما است. ۲۸.

۶. دشمن ستیزی فرزندان معنوی فاطمه(س)

امام خمینی همه کسانی را که سیره معنوی و سیاسی به فاطمه زهرا(س) تأسی نموده و راه و روش و منش او را پیروی نموده، به عنوان فرزندان معنوی کوثر فاطمه یاد کرده است. از جمله از رشادتها و جانفشانی‌های رزمندگان و ایثارگران دلیر اسلام تجلیل نموده، می‌فرماید: به هر حال، قلم و بیان عاجز است که... از حماسه‌ها و رشادتها و خیرات و برکات فرزندان، معنوی کوثر... ۲۹

حضرت فاطمه زهرا(س) سخن بگوید؛ که همه اینها از هنر اسلام است و اهل بیت و از برکات پیروی امام عاشورا سرچشمه گرفته است. ۳۰

وی در جمع روحانیون پیش از رخداد بزرگ ۱۵ خرداد ۴۲. ضمن سخنانی از رهروان راه فاطمه در همه بلاد اسلامی یاد کرده، می‌گوید: پیروان

علی و فاطمه و اولاد روحانی و جسمانی آن بزرگواران همواره با احکام جائر مقابله کردند... اولاد فاطمه (س) در طول تاریخ اسلام همیشه در برابر دستگاههای ظالم و جائر ایستادند و از اسلام دفاع کردند... اکنون بحمدالله اولاد فاطمه زنده اند، در قم اولاد فاطمه هستند، در مشهد اولاد فاطمه هستند، در نجف اولاد فاطمه هستند، در سایر بلاد اولاد فاطمه هستند، اینها نمی‌نشینند تا دولتها هر خیانتی که خواستند بکنند و احکام قرآن را پایمال کنند؛ تا اولاد فاطمه زنده اند، اجازه نمی‌دهند که دشمنان به مقدسات اسلام تجاوز کنند و مقدرات مسلمین را به دست یهود و اسرائیل بسپزند. ای فاطمیین! به داد اسلام برسید. ۳۱

۷. ضرورت الگوگیری از فاطمه(س)

شناخت فاطمه(س) و فرزندان او، صرفاً به عنوان موجوداتی آسمانی و ملکوتی و مافوق انسان نیست که نتوان به ساحت وجودی و شخصیت آنان راه یافت؛ بلکه فاطمه و ذریه اش به سان «انسان‌هایی کامل» و «الگوهای برجسته» برای دیگر انسان‌ها و «حجت‌هایی» از ناحیه خداوند برای هدایت جوامع بشری و «راهنمایی» برای زندگی این جهانی معرفی شده اند. امیرمؤمنان در نامه ای که خطاب به عثمان بن حنیف انصاری استاندار خود در بصره دارند، ضمن انتقاد جدی از کارگزاران نظام اسلامی از در غلطیدن در ورطه اشرافی‌گری و دنیاپرستی و دوری از عدالت محوری و عدالت گستری و نیز ضرورت همنوایی پیشوایان اسلامی در برخورداری از مواهب زندگی مادی، از مردم می‌خواهد تا وی را در عرصه تلاش و معنویت و پاکدامنی و تقوا و درستکاری یاری کنند؛ گرچه از تأسی به سیره عملی وی در زهد و ساده زیستی، ناتوانند. ۳۲

امام خمینی با الهام‌گیری از سیره و سنت معصومان (علیهم‌السلام) و نیز فاطمه زهرا(س) بارها بر این موضوع تأکید ورزیده و آنان را به عنوان الگو و مقتدا در رشد و تعالی معنوی، زهد و ساده زیستی، درگیری و دشمن ستیزی، تربیت و ساختن نسلی با معنویت و تقوا و دانش به همه ما به ویژه زنان با ایمان شناسانده اند.

در این باره، سخنان بسیاری از وی نقل شده که در اینجا به دو فراز از آن‌ها اشاره می‌شود:

- در حفظ همه حیثیاتی که حیثیت بزرگ زن است، آن طوری که زن فرید، حضرت زهرا (س) بود همه باید به او اقتدا کنید و کنیم و همه باید دستورمان را از اسلام به وسیله او و فرزندان او بگیریم و همان طوری که او بوده است، باشید. و در علم و تقوا کوشش کنید؛ علم به هیچ کسی انحصار ندارد، علم مال همه است، تقوا مال همه است، و کوشش برای رسیدن به علم و تقوا وظیفه همه ماست و همه شماس ۳۳.

- حضرت به اندازه خودش که در این ظرف کوتاه مجاهده داشته است، مخاطبه داشته است، با حکومت‌های وقت، محاکمه می‌کرده است حکومت‌های وقت را؛ شما باید اقتدا به او بکنید تا پذیرفته باشید که این روز، روز زن است. یعنی، روز تولد این حضرت روز زن است. زهد و تقوا و همه چیزهایی که داشته است و عفاف که او داشته است، و همه چیز، شما باید اگر پذیرا شدید، آن‌ها را تبعیت کنید... ۳۴

۸. فاطمه (س) و روز زن

امام خمینی روز ولادت فاطمه زهرا (س) را روز زن نامیده اند؛ به همین مناسبت پیام‌هایی ارزشمند برای ملت بزرگ ایران به ویژه زنان مسلمان و آزاده صادر فرمودند که در طی آن‌ها بارها از این نامگذاری با تکریم یاد کرده، فرمودند: «برای زنها کمال افتخار است که روز تولد حضرت صدیقه را روز زن قرار داده اند، افتخار است و مسئولیت» ۳۶

نتیجه‌گیری

با نگاهی گذرا به برخی از سخنان امام خمینی درباره فاطمه زهرا (س) می‌توان به نکات ذیل دست یافت:

۱. گرچه فاطمه (س) نام‌های بسیار و برجستگی‌های معنوی فراوان داشته، لکن «محدثه» بودن وی، برترین فضیلت معنوی او به شمار می‌رود. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «من این شرافت و فضیلت را از همه فضایی

که برای حضرت زهرا (س) ذکر کرده اند... بالاتر از همه می‌دانم... و این از فضایی است که از مختصات حضرت صدیقه (س) است.» ۳۷

۲. دومین ویژگی فاطمه (س) زندگی و زنی ساده و بی‌آلایش اوست. با وجود همین ساده زیستی و کوخ نشینی، برکات وجودی و نورانیت وی، آنقدر است که عالم را پر کرده است.

۳. حضور فاطمه (س) در صحنه جامعه و دفاع از حاکمیت حق و مسائل سیاسی و حکومتی از جمله ویژگی‌های دیگر اوست که وی را در میان زنان مسلمان ممتاز ساخته است.

۴. از جمله میراث فرهنگی که سبب فخر و مباهات شیعه شده، صحیفه فاطمیه است که از جانب خداوند تعالی به زهرا (س) مرضیه (س) الهام شده است.

۵. فرزندان معنوی فاطمه (س)، همواره در طول تاریخ درخشان شیعه، با الهام‌گیری از سیره آن بزرگوار، بر ضد دستگام‌های ظلم و حکام جابر مقابله کرده اند.

۶. شناخت شخصیت بی‌نظیر فاطمه (س) برای همه ما به عنوان الگوی برجسته و شایسته در همه عرصه‌های زندگی، امری ضروری و به ویژه برای بانوان و زنان مسلمان و شیعه و این که روز ولادت او به عنوان «روز زن» نامیده شده، هم افتخار است و هم مسئولیت.

پی نوشت‌ها

۱. نام فاطمه برگرفته از نام خداوند است. رک: بحارالانوار، ۴۳/۱۵ و ۲۶/۳۲۷.
۲. جدا شده از هر گونه بدی و پلیدی یا کسی که خلاق از شناخت او ناتوانند.
۳. بسیار راستگو
۴. پریبرکت
۵. پاکیزه
۶. پاک
۷. خشنود
۸. مورد رضایت خداوند
۹. کسی که فرشتگان با او سخن می‌گفتند
۱۰. درخشنده. ۴۳/۱۰، بحارالانوار.
- ۱۱ و ۱۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۰۶. ۱۴/۲۰۶، بحارالانوار
- ۱۳ و ۱۴. دیوان امام خمینی، رباعیات، ص ۱۹۶.
۱۵. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۷.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/۲۴۱، حدیث ۵.
۱۷. رک: صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۶.
۱۸. همان، ج ۱۲، ص ۲۷۴.
- ۱۹ و ۲۰. مجلسی، محمدباقر، شرح خطبه الزهراء، تنظیم از علیرضا هزار، ص ۵۴، ۵۵، ۵۸ و ۵۹ به نقل از بحارالانوار، ۴۳/۱۲۷، ۱۳۰.
۲۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۴۱۷.
۲۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۷۳.
۲۳. همان، ج ۸، ص ۲۳۱.
۲۴. رک: شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق، ۱۰/۳۹۵، ۴۰۰.
۲۵. برای آگاهی بیشتر رک: کمره ای، خلیل، خطابه فاطمه زهرا، کتابخانه سقراط، تهران، اول، ۱۳۶۷ ش. انصاری، محمدباقر و رجایی، سیدحسین، خطابه فدک، الهادی، قم، اول، ۱۳۷۶ ش. خطبه‌های روشنگرانه حضرت فاطمه زهرا، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، مشهد، دوم، ۱۳۶۶ ش. و حسین زنجانی، سید عزالدین، شرح خطبه حضرت زهرا، ج ۱ و ۲، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، دوم، ۱۳۷۰ ش.
۲۶. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۸۷. ۲۶/۴۱۰، بحارالانوار؛ حدیث ۵، ۱/۲۴۱، الکافی.
- ۲۷ و ۲۸. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۷.
۲۹. اشاره به آیه شریفه: «إِنَّا أَعْظَمْنَاكَ الْكُوْتَرَةَ» (کوثر ۱). چه اینکه بارزترین مصداق کوثر، وجود حضرت فاطمه زهرا(س) است.
۳۰. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۹۸.
۳۱. همان، ج ۱، ص ۱۶۴.
۳۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۴۱۷ (... و لکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد).
۳۳. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۸۴.
۳۴. همان، ج ۲۰، ص ۶.
۳۵. مصادف با روز بیستم جمادی الثانیه.

۳۶. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴.
۳۷. همان، ج ۲۰، ص

منبع:

مجله حضور، شماره ۶۰، ص ۱۰-۲۳

کتابنامه:

۱. احقاق الحق، قاضی نورالله حسینی مرعشی شوشتری، مع تعلیقات آیه الله المرعشی النجفی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی، بیتا.
۲. بحارالانوار، علامه محمدباقر مجلسی، دارالاحیاء التراث العربی، افسس، ط
۳. ۱۴۰۳ هـ. ق. ۳. خطابه فاطمه زهرا، خلیل کوه کمره ای، کتابخانه سقراط، تهران، اول، ۱۳۶۷ ش.
۴. خطابه فدک، سیدحسین رجایی، الهادی، قم، اول، ۱۳۷۶ ش.
۵. شرح خطبه الزهراء، محمدباقر مجلسی، تنظیم از علی رضا هزار.
۶. صحیفه امام، مجموعه ۲۲ جلدی رهنمودهای امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۷. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، پنجم، ۱۳۶۳ ش.
۸. نهج البلاغه، صبحی صالح، انتشارات هجرت، قم، افسس، ۱۳۹۵ ق.

http://www.imam-khomeini.ir/fa/n25515

در قدم‌ها فراخوانده است و تعابیری بس بلند و زیبا درباره آن مادر قدسی به کار برده است.

کتاب شامل ۱۷ فصل است که در هر فصل، به یک بُعد از ابعاد وجودی حضرت زهرا(س) پرداخته شده است. برخی از فصل‌های کتاب عبارت‌اند از: عبادت و معنویت فاطمه زهرا(س)، دانش و علوم فاطمه زهرا(س)، شیوه همسرمداری فاطمه زهرا(س)، ایثار و انفاق فاطمه زهرا(س)، فاطمه زهرا(س) الگوی کامل اجتماعی، روش سیاسی و جهادی فاطمه زهرا(س). در ادامه بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در فصل اول کتاب «قطره از دریا نشانی می‌دهد» منتشر می‌شود:

برای انسان‌های کوچکی مثل من، خیلی دشوار است که بخواهند. ولو از دور. درباره آن عظمت سخن بگویند. ما یک چیز، یک خیال، یک تصویر و یک نقش در ذهنمان می‌گذرانیم. این کجا و واقعیت‌ها و حقیقت‌ها. که بسی عظیم‌تر از ذهن ماست. کجا؟ واقعا دختر پیامبر(ص)، معمای ناگشوده ذهن بشر و معارف بشری است. همه انسان‌ها را یک طرف بگذارید، اولیا را هم در طرف دیگر بگذارید. با اینکه تعداد اولیا کم است، اما وزنه آن‌ها از همه بشریت سنگین‌تر است. اگر ملاک وزانت و عظمت را معرفت و آگاهی از حقیقت عالم و نزدیکی به خدا. یعنی سرچشمه همه وجودها. بدانیم، یکی از اولیای خدا، از ماسوای همه اولیا و از همه وجود منهای اولیا، عظیم‌تر و وزین‌تر و باشکوه‌تر است.

وقتی به صف اولیا و عبادالله الصالحین نگاه می‌کنید، قله‌هایی وجود دارد که نسبت آن قله‌ها به بقیه انسان‌های بزرگ عالم معنا، یک نسبت غیرقابل تصور و فوق‌العاده عظیمی است. اختلاف، اختلاف فاحشی است. این قله‌ها، همان کسانی هستند که در تاریخ نبوت‌ها هم هر جا شما چشم بدوید، از هر طرف آن‌ها را می‌بینید؛ مثل انبیای اولوالعزم و بزرگانی از این دست و در این حد. اما در مجموعه این عظمت‌ها و شکوه‌ها و در بین این برجسته‌ترین‌ها که ذکرشان برای ما فقط لقلقه زبان است و امثال من، دل و روح و جانشان، بسیار کوچک‌تر و خردتر و حقیرتر از آن است که بخواهند این معنویت‌ها را درک کنند و همین طور از دور تصویری در ذهنشان دارند

بیانات رهبر معظم انقلاب درباره حضرت زهرا(س)

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: انسان در عجب است که اسلام با چه قدرت عجیبی توانسته است تربیت والای خود را به حدی برساند که یک زن جوان، در آن شرایط دشوار بتواند این منزلت عالی را کسب کند! هم عظمت این انسان والا شگفت‌انگیز است، هم عظمت مکتب. کتاب «قطره از دریا نشانی می‌دهد»، بازخوانی مقام و منزلت حضرت فاطمه زهرا(س) در کلام رهبر معظم انقلاب است. این کتاب که به کوشش سید محمد باقر حسینی تهیه شده، در بردارنده مجموعه‌ای از پیام‌ها و سخنرانی‌های رهبری در رابطه با حضرت صدیقه طاهره (س)، از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۰ است.

مؤلف در مقدمه کتاب می‌گوید: این کتاب کوششی است کوچک در ارائه بخشی از ارادت رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای که خود سلاله‌ای از نسل فاطمه زهرا(س) و نشانه‌ای کامل از اقیانوس بی‌کران فاطمی است، همیشه و در همه حال ارادت خود را به آستان آسمان آسی مادر خویش فاطمه زهرا(س) ابراز داشته است و به مناسبت‌های گوناگون، پیر و جوان جامعه اسلامی را به افزودن محبت او در دل‌ها و پیمودن راه او

و آن را بر زبان می‌آورند. که باز این تصویر هم، از کلمات خودشان است چند نمونه بسیار نادر وجود دارد که از حد توصیف و بیان بالاترند و یکی از اینها، فاطمه زهرا(س) است. فقط با پیامبر و با امیرالمؤمنین(ع) می‌شود او را مقایسه کرد.

فاطمه زهرا نور چشم کزوبیان

در روایتی خواندم که درخشندگی فاطمه زهرا(س) باعث می‌شود تا چشمان کزوبیان ملا اعلی خیره شود «زهر نورها للملائكة السماء»؛ برای آن‌ها می‌درخشد. ما از این درخشندگی چه استفاده‌ایی کنیم؟ ما باید از این ستاره درخشان، راه به سوی خدا و راه بندگی را که راه راست است و فاطمه زهرا(س) پیمود و به آن مدارج عالی رسید، پیدا کنیم.

البته کسانی که دل‌ها و عملشان را پاک کنند، جسم و جان خودشان را تطهیر کنند، تقوا و پرهیزگاری و پاکدامنی را پیشه خودشان کنند و خودشان را تربیت کنند و مقداری از این آلودگی که بنده و امثال بنده دچارش هستیم، خودشان را بیرون بیاورند، چشم‌هایشان می‌تواند ببیند؛ اما باز آن‌ها هم نمی‌توانند توصیف کنند، اما دل‌های پاک و چشم دل‌بینای آن‌ها می‌تواند انوار قدسیه اهل بیت و از جمله صدیقه کبری(س) را تا حدودی از نزدیک ببیند و مقامات آن‌ها را درک کند. ما نشانه‌هایی داریم. اینکه از قول پیغمبر اکرم نقل شده است که: «فداها ابوها» خودش یک نشانه است.

درباره فاطمه زهرا(س)، هرچه بگوییم، کم گفته‌ایم و حقیقتاً نمی‌دانیم که چه باید بگوییم و به چه باید بیان‌دیشیم. به قدری ابعاد وجود این انسیه حوراء، این روح مجرد و این خلاصه نبوت و ولایت برای ما پهناور، بی‌پایان و درک ناشدنی است که حقیقتاً متحیر می‌مانیم.

درباره زهرا(س) اطهر(س)، هرچه انسان بیشتر فکر کند و در حالات آن بزرگوار تدبر کند، بیشتر دچار شگفتی خواهد شد. انسان نه فقط از این جهت تعجب می‌کند که چطور یک انسان در سنین جوانی می‌تواند به این رتبه از کمالات معنوی و مادی نایل شود. که البته این، خود یک

حقیقت شگفت‌انگیز است. بلکه بیشتر از این جهت در عجب است که اسلام با چه قدرت عجیبی توانسته است تربیت والای خود را به حدی برساند که یک زن جوان، در آن شرایط دشوار بتواند این منزلت عالی را کسب کند! هم عظمت این انسان والا شگفت‌انگیز است، هم عظمت مکتبی که این موجود عظیم‌القدر و جلیل‌المنزله را پدید آورده است، تعجب آور و شگفت‌انگیز است.

اینکه در روایت دارد که وقتی فاطمه زهرا(س) وارد خانه پیغمبر می‌شد، یا آن جایی که پیغمبر نشسته بودند وارد می‌شد، «قام الیها». حضرت پیش پای او بلند می‌شد؛ به طرف او می‌رفت. این یک نشانه است؛ اینها عظمت است.

در دست جده اش حضرت فاطمه (س) دیده بود برای او بازگو کند و او را از آنچه حضرت فاطمه (س) از مطالب مکتوب در لوح به او خبر داده، آگاه کند. جابر پاسخ داد: «شهادت می‌هم که روزی در ایام حیات رسول الله (ص) مادرت فاطمه (س) را ملاقت کردم تا ولادت حسین [بن علی (ع)] را به او تبرک بگویم که در دستان آن بانوی بزرگ، لوح سبزینه را دیدم که گمان کردم زمرد است؛ در آن لوح، کتاب سفیدی را که به درخشندگی خورشید بود مشاهده کردم. به آن حضرت عرض کردم: پدر و مادرم فدای تو باد! این لوح چیست [و از کجا آمده است]؟»

فاطمه (س) فرمود: «این لوحی است که خداوند عزوجل آن را به رسولش محمد مصطفی (ص) اهدا نمود. در این لوح نام پدر و همسر و فرزندانم [حسن و حسین (ع)] و نام اوصیا و امامانی که از نسل فرزندم [حسن (ع)] هستند ذکر شده است. پدرم رسول الله (ص) آن را به من بخشیده است تا با نگاه کردن در آن دلم شاد شود.»

جابر آنگاه ضافه نمود: «سپس مادرت فاطمه (س) آن لوح را در اختیار من قرار داد سپس آنچه در لوح نوشته شده بود خواندم و نسخه ای از آن را در ذهن نگاه داشتم [یا از روی آن نوشتم].»

امام صادق (ع) در ادامه روایت می‌فرماید:

«آنگاه پدرم به جابر فرمود: جابر! آیا آن نسخه هنوز هم در دست توست؟ آیا آن را بر من عرضه می‌کنی؟ جابر بن عبدالله گفت: آری. آنگاه پدرم با جابر همراه شد تا به منزل جابر رسیدند. جابر صحیفه ای از پوست نازک آورد، آن را گشود و به رؤیت پدرم رسانید. پدرم به جابر فرمود: جابر! حال به صحیفه ای که در نزد توست بنگر تا برای تواز حفظ بخوانم. جابر به نسخه ای که در دستش بود، نگریست پدرم تمام مطالب صحیفه را از حفظ برای جابر خواند. سوگند به خدا حرفی از کلام امام با حرفی از صحیفه ای که در دست جابر بود مخالف نبود.»

پس از آنکه قرائت امام به پایان رسید جابر گفت: خدای بزرگ را شاهد می‌گیرم که آنچه در صحیفه نزد فاطمه (س) دیدم همین بود که شما خواندید، اما متن این لوح طبق نقل چنین است:

حدیث لوح فاطمه (س) و نکته‌هایی در شرح آن

در کتاب کمال الدین و تمام النعمة (باب ۲۸) از محدث حلیل القدر «ابو جعفر محمد بن علی بن حسن بن بابویه قمی» مشهور به شیخ صدوق (م. ۵۳۸۱) روایاتی درباره لوح حضرت زهرا (س) آمده است که در آن لوح به نام و تعداد امامان (ع) اشاره شده است. (۱) در این مقال سه حدیث را یادآور می‌شویم و سپس به توضیح حدیث لوح می‌پردازیم.

حدیث اول

در روایت اول بر اساس نقل ابو بصیر چنین گزارش شده است:

«امام صادق (ع) فرمود: پدرم محمد بن علی الباقر (ع) روزی به جابر بن عبدالله انصاری گفت: جابر! سخنی با تو داشتم چه موقع فارغ بال می‌شوی تا درباره موضوعی با تو سخن گویم؟ جابر به حضرت عرض کرد: هر وقت شما اراده کنید.»

فرصتی پیش آمد و امام با جابر خلوت نمود و به گفتگو پرداختند. در این گفتگو امام از جابر خواست تا آنچه را که در جریان مشاهده لوحی که

بسم الله الرحمن الرحيم

این کتابی است از سوی خداوند شکست ناپذیر و حکیم به محمد[ص] نور و فرستاده خدا و حجاب، دلیل و آیت او در زمین. این نوشته توسط جبرئیل امین از جانب رب العالمین آورده شد.

ای محمد[ص] اسما الهی را بزرگ شمار، نعمت‌هایم را شکرگزار باش، هرگز نشانه‌هایم را انکار نکن. من پروردگار و معبود جهانیانم و جز من خدایی نیست؛ درهم کوبنده جباران و خوارکننده ستمگران و حسابرس روز جزایم. من همان الله و معبود شمایم که جز من الله و معبودی نیست. هر که به فضل کسی جز من امیدوار باشد یا از چیزی جز عدل الهی خوف داشته باشد، او را به عذابی سخت گرفتار خواهیم ساخت که احدی از جهانیان آن را نچشیده است. سپس فقط مرا پرستش کن و بر من توکل نما. من هیچ رسولی را مبعوث نکردم و رسالت او را تکمیل ننمودم و دوران تبلیغ و رسالت او را به پایان نرساندم مگر اینکه برای او وصی یی قرار دادم. [ای محمد(ص)] تو را بر تمام پیامبران برتری بخشیدم؛ وصی تو را نیز بر تمام اوصیا برتری دادم. سپس از وصی و جانشینت، تو را به وجود دو فرزند دلاور، حسن و حسین گرامی داشتیم. بعد از پایان دوره [حیات و امامت] پدرش [علی (ع)] حسن را معدن علم خود و حسین را نگهبان و حافظ وحی خود قرار دادم؛ نعمت شهادت را به حسین بخشیدم و او را بدین سبب گرامی داشتیم و برای او سعادت خواستیم. حسین با فضیلت ترین کسی است که شهید گشت و در بین شهیدان بالاترین درجه و مقام را داراست؛ امامت و توحید تمام و کمال را با او همراه کردم، حج بالغه خود را نزد او قرار دادم؛ بر اساس [رضایت و غضب] اهل بیت و عترت او پاداش می‌دهم و طالبان و بدکاران را به سزای اعمال خوش می‌رسانم.

اولین فرزند و عترت حسین[ع]، [علی] سرور پرستندگان و زینت دوستان من است. پس از او فرزندش که شبیه و همنام جدش است محمد، شکافنده علم الهی و معدن حکمت اوست. بزودی تردید کنندگان [در حقانیت] جعفر بن محمد هلاک خواهند شد؛ هر کس به او [و مکتب او] باز گردد، گویی به من [و دین من] بازگشته است.

سخن حق از من است: سوگند می‌خورم که منزلت دانش جعفر بن محمد [و هر آن که بر او ایمان آورد] را گرامی بدارم؛ محبت و عشق به او را در دل دوستان، شیعیان، پیروان و یارانش قرار خواهم داد، سپس فتنه‌گور و سیاه‌گمنامی و تقیه را از برابر امام موسی[ع] کنار خواهم زد؛ چرا که سیر فرمان و اطاعت الهی هرگز منقطع نخواهد شد و حجت و دلیل من از دید مردم پنهان نخواهد ماند و دوستانم هرگز تیره بخت نخواهند گردید.

[ای محمد به خلق بگو] اگر کسی یکی از حجج مرا انکار کند، نعمتی را که داده‌ام انکار نموده است و هر که آیه‌ای از کتابم را تغییر دهد بر من تهمت بسته است. وای بر افترا زندگانِ انکارگر، آن زمان که دوران امامت بنده و دوست و برگزیده‌ام موسی [بن جعفر(ع)] به پایان رسد.

آگاه باشید! هر که هشتمین حجت مرا دروغ شمارد، گوئی همه اولیای مرا انکار نموده است. علی [بن موسی(ع)] دوست و یاور من [و رهبر شما] است و من ثقل علم و عصمت و صفات نبوت را در او قرار می‌دهم؛ توان او را در پاسداری از آن می‌آزمایم؛ عفریت ستمگر و متکبر او را می‌کشد و در شهری که عبد صالح ذوالقرنین ساخت دفن می‌شود.

سخن حق آن است که من بگویم: دیدگان موسی را با تولد فرزندش محمد و خلیفه و جانشین پس از او روشنی بخشیم. محمد [بن علی بن موسی الرضا(ع)] وارث علم و دانش من و معدن حکمت و جایگاه راز من و حجت من بر بندگانم است. بهشت را جایگاه او قرار دادم و او را شفیع هفتاد نفر از افراد خانواده [منسوبان او] که جهنم بر آنان واجب شد قرار دادم [پس از او] فرزندش علی [بن محمد بن علی بن موسی الرضا(ع)] دوست و یاورم را سعادت‌مند کردم؛ او امانت دار وحی من خواهد بود؛ از صلب او، حسن [بن علی بن محمد] را بر خواهم آورد که دعوت کننده مردم به راه خدا و نگاهبان علم الهی است. آنگاه [پس از او] حجت خویش را با آمدن فرزندش [قائم آل محمد(ع)] که رحمت واسعه برای جهانیان است تکمیل خواهم نمود. قدرت و کمال موسوی، عظمت و نور عیسوی و صبر ایوب همه را در او می‌بینید؛ او در زمانی خواهد آمد که دوستان من خوار شده و چون مغولان و دیلمیان مشرک، سرافکننده گشته و به آتش

کشیده می‌شوند، سرهای آنان به عنوان هدیه به اطراف و اکناف فرستاده می‌شود و ترسان و لرزان می‌شوند، زمین از خون آنان رنگین می‌شود و هلاکت و فریاد و شیون در بین زنانشان همه گیر می‌شود.

آنان بحقیقت حجت و اولیای من در زمین خواهند بود. به واسطه اینان هر فتنه کور و سیاه را از خلق دور خواهیم ساخت و با آن‌ها حرکت‌های ظریف و پنهان [معاندان دین الهی] کشف می‌شود و قید و بندها و زنجیرهای بندگی از دوش خلق برداشته می‌شود. صلوات و رحمت خداوند بر آنان باد! اینان همان هدایت یافتگانند».

حدیث دوم

در روایت دوم بخشی از مضمون حدیث اول توسط امام باقر(ع) برای جابر جعفری نقل شده که آن امام همام به نقل از جابر بن عبدالله انصاری چنین می‌فرماید: « جابر بن عبدالله انصاری گفت: روزی به منزل مولایم فاطمه(س) وارد شدم پیش او لوحی دیدم که از شدت روشنایی آن، چشم خیره می‌شد. در آن لوح نام دوازده نفر به چشم می‌خورد. سه اسم روی لوح، سه اسم داخل لوح، سه اسم در پایان لوح و نام سه نفر دیگر در کنار لوح بود. به آن حضرت عرض کردم: «اینان نام چه کسانی است؟» آن حضرت فرمود: «اینها نام‌های اوصیا [پیامبر(ص)] است. اولین آن نام پسر عمویم و یازده نفر دیگر نام فرزندانم است که آخرین آنان قائم [آل محمد(ع)] است». آنگاه جابر اضافه کرد که در آن لوح نگریستم در سه جای آن نام محمد، محمد، محمد را دیدم و در چها جای دیگر آن نوشته شده بود: علی، علی، علی، علی، علی.»

حدیث سوم

شیخ صدوق به نقل از اسحاق بن عمار حدیثی از امام صادق(ع) نقل می‌کند که: «امام خطاب به وی فرمود: اسحاق، آیا میل داری تو را بشارتی دهم؟ اسحاق گفت: جانم فدای تو باد ای فرزند رسول خدا، آری، دوست دارم خبر را بشنوم.»

حضرت فرمود: نزد ما صحیفه ای است که با املائی رسول خدا(ص) و خط امیرالمؤمنین علی(ع) نوشته شده است. در آن صحیفه چنین آمده است: بسم الله الرحمن الرحيم، هذا كتاب من الله العزيز الحكيم.... آنگاه حدیث را تا پایان طبق شرحی که در حدیث اول آمد، ذکر نمود.

توضیح حدیث

۱. حدیث لوح از معروفترین احادیث شیعه است که محدثان با استناد به آن مطالب قابل توجهی را اثبات نموده اند از جمله:

الف. شیعه در زمان حیات پیامبر(ص) به نگارش و تدوین حدیث اهتمام ورزید، نخستین کتاب حدیث که در تاریخ حدیث شیعه شکل گرفت بنا به اظهار برخی محدثان، حدیث لوح فاطمه(س) و پس از آن مصحف فاطمه(س) و پس از آن صحیفه الجامعة علی(ع) است. این در حالی است که اهل تسنن به دلایلی از جمله نشر احادیث بی پایه ای مبنی بر ممنوعیت کتابت حدیث در زمان پیامبر(ص) در قرن اول هجری، از نگارش حدیث خودداری نمودند و با روی کار آمدن عمر بن عبدالعزیز(۱۰۱۹۸ ه) اجازه کتابت و تدوین حدیث به آنان داده شد.

از صحیفه جامعه امیرالمؤمنین(ع)، کتاب علی(ع)، صحیفه فاطمه(س) و حدیث لوح که از نخستین آثار منظوم و مکتوب حدیث در تاریخ اسلام است، در منابع مهم حدیثی شیعه و اهل سنت نام برده شده است: بصائر الدرجات فی المقامات و فضائل اهل البیت، ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار(م ۲۹۰ ه)، تصحیح، میرزا محسن کوچه باغی، [بی جا]، ص ۱۳۵، ۱۷۰؛ فضائل اهل البیت المسمی ب بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، تصحیح: کوچه باغی، بیروت، مؤسسه النعمان، ص ۱۳۸، ۱۷۰، کتب اربعه: (۲) الکافی، محمد بن یعقوب کلینی (م ۲۲۹ ه)، من لایحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی شیخ صدوق (م ۲۸۱ ه)، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ ه)، الاستبصار فیها اختلف من الاخبار، شیخ طوسی. رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (م ۴۵۰ ه)، تحقیق: سید

موسی شبیری زنجانی، قم، انتشارات اسلامی، ص ۳۶۰. منابع حدیثی اهل سنت: (۳) مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱هـ)، صحیح بخاری (م ۲۵۶هـ)، سنن ابن ماجه (م ۲۷۵هـ)، سنن ابی داود (م ۲۷۵هـ)، سنن نسایی (م ۳۰۳هـ). در اصول کافی (۴) روایتی است که گزارش می‌دهد، اصحاب امام صادق (ع) از آن حضرت درباره مصحف فاطمه (س) سؤال می‌کنند و امام وجود آن را تایید می‌کند و درباره آن سخن می‌گوید.

ب. راوی حدیث لوح، جابر بن عبدالله انصاری است که پس از رؤیت حدیث در نزد فاطمه (س) از روی آن نسخه ای نوشت و همانطور که قبلاً بیان شد برای امام باقر (ع) نقل نمود. (۵)

۲. درباره نابینا بودن جابر بن عبدالله و چگونگی رؤیت حدیث لوح و استنساخ آن، مصحح کتاب کمال الدین و تمام النعمه جناب استاد علی اکبر غفاری توضیحی به شرح زیر دارد: باید اظهار داشت جابر پس از زیادت اربعین در مدینه به ملاقات امام محمد باقر (ع) رسید. گفته شده است جابر هنگام زیارت اربعین نابینا بوده چگونه امکان داشت حدیث لوح و صحیفه فاطمه (س) را ببیند. در این باره دو پاسخ مطرح می‌شود:

یک. جریان رسیدن جابر به مزار امام حسین (ع) و سراسیمه شدن او و افتادن او بر قبر حسین بن علی (ع) که عطیه، یار و همراه دانشمند جابر تعریف نموده، هیچ‌گونه دلالتی بر نابینایی جابر نمی‌کند بلکه دلالت بر آن دارد که جابر بر اثر حزن و اندوه که در شهادت امام حسین (ع) بر او عارض شده و گریه‌های فراوانی که بر این مصیبت نمود خصوصاً هنگام تلاش و جستجو به دنبال کشف مزار حسین (ع) چشمان او اشک آلود و تار شده، به گونه ای که اطراف خود را دقیق نمی‌دید.

دو. اگر خبر نابینا بودن جابر صحت داشته باشد، نابینایی در اواخر عمر او اتفاق افتاد و هنگام تشرف به حضور صدیقه طاهره فاطمه الزهراء (س) بینا بوده است و صحیفه را دیده و از حضرت درباره مطالب آن سؤال نموده و آن را نوشته است.

۳. جابر در سن نود و چهار سالگی بین سالهای ۷۴ تا ۷۸ هجری در مدینه وفات یافت.

ابن قتیبه فوت او را در سال ۷۸، ابن سعد فوت جابر را به سال ۷۳ و ابن عبدالبر به سال ۷۴ و به روایت دیگر سال ۷۷ گزارش نموده است. در هر حال فوت جابر قبل از وفات امام محمد باقر (ع) بوده است. ولادت امام صادق (ع) سال ۸۳ هجری و وفات امام باقر (ع) سال ۱۱۴ هجری بوده است. جابر از آخرین اصحاب پیامبر (ص) بود که عمر طولانی یافت و با علم غالب می‌توان وفات او را پس از فوت دیگر اصحاب پیامبر (ص) دانست.

۴. در ظاهر چنین به نظر می‌رسد که امام باقر (ع) تا قبل از ملاقات جابر و استماع حدیث لوح از جابر، از وجود این حدیث بی اطلاع بوده، اما همان طور که در پایان حدیث تصریح دارد، امام به جابر فرمود:

یا جابر انظر انت فی کتابک لا قرأه انا علیک، فنظر جابر فی نسخه فقرأ علیه ابی (ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین) فوالله ما خالف حرف حرفاً. نکته دیگر آنکه صحیفه فاطمه (س) و صحیفه جامعه امیر المؤمنین (ع) به عنوان میراث امامت پس از شهادت امیر المؤمنین (ع) در اختیار امام حسن (ع) و سپس در اختیار امام حسین (ع) و آنگاه دست بدست در اختیار ائمه بعد قرار گرفت و در موارد ضروری، ائمه هنگام نقل حکم خاصی آن را می‌گشودند و جواب پرسش‌های اصحاب خود را می‌دادند. گفته شده است که طول صحیفه جامعه هفتاد ذراع (سی و سه متر) و ضخامت آن در هنگام بسته بودن و پیچیده بودن به اندازه ضخامت ران شتر دو کوهانه بوده است. (۶)

قطعاً امام باقر (ع) از حدیث لوح اطلاع داشته و علاوه بر آن حضرت، جابر نیز افتخار استماع و نقل حدیث لوح را به دست آورد و قطعاً به عنوان دلیلی روشن در تأیید امامت ائمه اطهار (ع) مسلمانان آن دوره را از مضمون آن آگاه ساخته است.

۵. مهمترین موضوعاتی که حدیث لوح، به آن دلالت دارد عبارت است از:

۱. تنصیب به امامت ائمه اثنی عشر (ع).

۲. پیش بینی برخی حوادث که همزمان با حیات ائمه اتفاق خواهد افتاد. از جمله علم امام، چگونگی شهادت امام، محل شهادت امام و نوع برخورد های مخالفان و معاندان با امام.

۳. توصیف خصوصیات ظاهری و معنوی امام مهدی (عج) و بیان وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر ظهور و نیز وقایع و اصلاحات اجتماعی که پس از ظهور آن حضرت اتفاق خواهد افتاد.

۴. تمام امامان روح واحدی هستند در کالدهای مختلف. اهداف آنان منطبق بر یکدیگر و عالی ترین مقصد آنان سعادت بشر از طریق پرستش صحیح خدای واحد و بکار بستن عقل و درایت به منظور بهبود وضعیت زندگی و رسیدن به کمال است، هر چند روش های عملی آنان به دلیل تنوع و تفاوت شرایط و مقتضیات زمان و مکان متفاوت بوده باشد. لذا راه سعادت در پذیرش امامت هر دوازده امام معصوم است. توقف بر یکی از ائمه به معنای انکار و نادیده گرفتن بقیه ائمه خواهد بود و حتی انکار امام متوقفه علیه رانیز بدنبال خواهد داشت. در حدیث لوح می فرماید:

إِنَّ الْمَكْدَبَ بِالثَّامِنِ مَكْدَبٌ بِكُلِّ أَوْلِيَاءِي.

۵. اکمال سلسله جلیله امامت به وجود حضرت حجت (ع) است و لذا فرموده است: ثم اكمل ذلك بابنه رحمة للعالمين عليه كمال موسى وبهائه عيسى وصبر ايوپ...

کمال هر چیزی رسیدن به مرحله ای از رشد و تعالی است که در آن غرض اصلی آن موجود تحقق یابد، مثلاً این آیه شریفه که: «عذاب کامل بدکاران در روز رستاخیز داده می شود» (۷)، این نکته را را خاطر نشان می سازد که کمال عقوبت در قیامت است، همان طور که کمال پاداش صالحان در قیامت است.

براساس توضیح فوق، تحقق اهداف اصلی امامت تام ائمه در امامت حضرت مهدی (عج) خواهد بود؛ همان طور که امامت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) اکمال رسالت رسول الله (ص) است: «أَيُّومَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...» (۸) چنانکه می دانیم مفسران و مورخان بسیاری از عامه و خاصه نزول آیه فوق را در واقعه حجة الوداع و معرفی امام علی (ع) به عنوان وصی و خلیفه پیامبر و امام مسلمانان می دانند. امامت حضرت مهدی (ع) چه در غیبت صغرا و چه در غیبت کبرا، تکمیل کننده و به ثمر رساننده امامت یازده امام پیشین (ع) است.

۶. امامت حضرت مهدی (عج) فقط مخصوص مسلمانان یا شیعیان نیست بلکه امامت آن حضرت رحمت گسترده ای است که همه مردم را فرا می گیرد. در حدیث لوح از وجود آن حضرت به رحمة للعالمین تعبیر شده است و در سایه حکومت و امامت ایشان همه مستضعفان به حقوق خود می رسند؛ حق همه افراد از غاصبان ستانده و به ایشان بازگردانده می شود:

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ.

۷. حدیث لوح را علاوه بر شیخ صدوق، شیخ کلینی در کافی، نعمانی در الغیبة، علامه مجلسی در بحار الانوار و دیگران نیز نقل کرده اند.

۸. هنگامی که جابر بن عبدالله چگونگی رنگ صحیفه ای را که نزد فاطمه (س) بود، برای امام باقر (ع) توصیف می کرد گفت:

و رأيتُ في يدها لوحاً أخضر ظننتُ أنه من زُمُرْدٍ.

فیض کاشانی در کتاب شافی پس از نقل حدیث لوح، در تعریف کلمه اخضر می گوید: لوح اخضر از عالم ملکوت برزخی رسیده بود و سبز بودن رنگ لوح کنایه از سفید و روشن بودن نور عالم جبروت و آمیخته شدن به رنگ سیاه عالم ماده یا عالم شهادت است، اما نوشته های این لوح، سفید است، زیرا این نوشته ها از عالم اعلی که نور محض است فرستاده شده بود. (۹)

۹. در آغاز حدیث لوح وجود شریف پیامبر اکرم (ص) توصیف به حجاب شده است: هذا كناه من الله العزيز الحكيم لمحمد نبيه ونوره وحجابيه وسفيره... علامه مجلسی درباره حجاب بودن پیامبر (ص) توضیحی دارد: کلمه و وصف «حجاب» از این جهت بر رسول الله (ص) اطلاق شده است که آن حضرت واسطه بین خداوند و خلق بوده است، یا به این اعتبار که رسول الله (ص) دارای دو مقام و وجهه بود: مقامی نزد خداوند و مقامی نزد مردم. (۱۰)

۱۰. در متن حدیث لوح آمده است: فَمَنْ رَجَا غَيْرَ فَضْلِي أَوْ خَافَ غَيْرَ عَدْلِي عَدُّبُهُ عَذَابًا لَا أَعْدِبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ. از عبارت غیر فضلی دو مطلب متفاوت قابل برداشت است. اول: به فضل کسی جز خدا امیدوار بودن؛ دوم: به جز فضل خدا به دیگر صفات الهی امیدوار بودن.

از ظاهر لفظ چنین بر می آید که برداشت اول صحیح باشد که در آن صورت نتیجه امید به فضل دیگران، باعث عذاب الهی و نافرجامی و ناکامی

در تحقق اهداف عالی زندگی است. اما بیانی از علامه مجلسی نقل شده است که مطلب دوم را صحیح می‌داند. از بیان او چنین استنباط می‌شود که پاداشی که خداوند به انسان می‌دهد دو نوع است: اول ثوابی که نتیجه عمل آدمی است؛ دوم پاداشی که ارتباط به عمل آدمی ندارد و ناشی از فضل الهی است. ثوابی را که ناشی از فضل الهی است، نمی‌توان حتی یک دهم مکافات عمل خود خواند و اگر معیار ثواب و عقاب الهی را فقط عمل آدمی فرض کنیم، استحقاق هیچ‌گونه پاداشی که نتیجه فضل خدا بر او باشد، موجود نیست بلکه اگر پاداشی هست همان است که برای اعمال خود ستانده است. پس باید پذیرفت که بخش زیادی از پاداش الهی بر بندگان، از منبع پر فیض فضل الهی است هر چند خداوند ضرورتاً مطابق وعده و وعیدی که به بندگان داده آن‌ها را ثواب و عقاب می‌دهد، مع الوصف باید پذیرفت وعده‌ها و وعیدهای او نیز برخاسته از فضل اوست. با این توضیح، هر چند از ظاهر لفظ حدیث چنین بر می‌آید که منظور، امیدوار شدن به فضل کسی جز خداوند سبحان است، اما باید دانست که امیدوار شدن به فضل دیگران جز فضل خدا، مستحق عذاب و عقاب نیست، اگر چه از ظاهر الفاظ حدیث چنین برداشت شود.

اما اینکه فرمود او خاف غیر عدلی، مؤید مطلب پیشین است و از آن چنین استنباط می‌گردد که خوف بندگان از خداوند در واقع خوف از عدل الهی است و بر اساس عدل او مجازات طبیعی که نتیجه عمل انسان است بر انسان سنگین خواهد بود و اگر خداوند به عدل خود اعمال بندگان را محاسبه نماید، کار بر آنان بسیار سخت و تنگ خواهد آمد، لذا شایسته است بیشترین و بلکه تمام هراس آدمی از عدل خداوند باشد و به فضل او امیدوار گردد.

۱۱. در متن حدیث و در توصیف حسین بن علی (ع) آمده است: ... جَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّامَّةَ مَعَهُ، طبق روایتی که از امام علی بن موسی الرضا (ع) رسیده منظور از کلمه تامه، امامت است. (۱۱)
قرآن، تولد شگفت‌انگیز عیسی (ع) از مریم (س) را به فرمان الهی نسبت می‌دهد و در توصیف عیسی (ع) می‌فرماید: مُصَدِّقاً بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ (۱۲)

و در جای دیگر فرمود: ... انما المسيحُ عيسى ابنُ مريمَ رسولُ اللهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْفِيهَا الى مريمَ وروه منه... (۱۳)

و درباره حضرت ابراهیم (ع) می‌فرماید: وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ (۱۴)
در توضیح این آیه صاحب مجمع البحرین (۱۵) حدیثی نقل می‌کند که در آن منظور از کلمه باقیه، امامت و منظور از عقبه، نسل و فرزندان حسین بن علی (ع) دانسته شده است؛ این امامت تا قیامت ادامه دارد و کسی حق اعتراض نخواهد داشت که چرا امامت در نسل حسین بن علی (ع) نهاده شده نه نسل حسن بن علی (ع)، زیرا خداوند در انجام افعالش حکیم است:
لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ (۱۶)
کلمه تامه یعنی «تمام و کمال از هر چیزی» و عبارت جَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّامَّةَ فِي عَقْبِهِ، یعنی: «امامت را به طور تمام و کمال در نسل حسین بن علی (ع) قرار دادم.»

۱۲. منظور از ذوالقرنین در عبارت: يُدْفَنُ فِي الْمَدِينَةِ الَّتِي بِنَاهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ ذُو الْقَرْنَيْنِ به احتمال زیاد، کورش کبیر است. و منظور از سرزمین، سرزمین ایران (طوس) است.

البته در اینگونه مقایسه‌های تاریخی و بویژه درباره قصص قرآن، با قاطعیت نمی‌توان تعیین مصداق کرد اما چنانچه ملاحظه می‌شود... نظریه ای که مراد از ذوالقرنین قرآن، کورش کبیر باشد، نظریه ای معقول و محتمل الصدق است. (۱۷)

۶. حدیث لوح از طرق مختلف و با اندک اختلاف در بعضی الفاظ، در جوامع و مجامع حدیث نقل شده است، نگارنده در انتخاب طریق، سندی را که شیخ صدوق تا امام صادق (ع) ثبت نموده، انتخاب کرده و آن چنین است:

قال: حدثنا ابي و محمد بن موسى بن المتوكل و محمد بن علي ماجيلويه و احمد بن علي بن ابراهيم و الحسن بن ابراهيم بن ناتانه و احمد بن زياد الهمداني رضی الله عنهم قالوا: حدثنا علي بن ابراهيم، عن ابيه ابراهيم بن هاشم، عن بكر بن صالح، عن عبدالرحمن بن سالم، عن ابي بصير، عن ابي عبدالله عليه السلام قال: قال ابي لجابر بن عبدالله الانصاري: ...

پی نوشت‌ها

۱. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، ص ۳۱۳ ۳۰۸؛ همان، تصحیح: حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ص ۲۹۷ ۲۹۰ و نیز نک: الکافی، چاپ تهران، ج ۱، ص ۵۲۷، ج ۳ و ص ۵۲۲، ج ۹؛ من لایحضره الفقیه، انتشارات اسلامی، ج ۴، ص ۱۸۰، ج ۵۴۰۸
۲. از کتب اربعه بنگرید به المعجم المفهرس لاحادیث الکتب الاربعه، ذیل ماده های: فالجامعة، الصحيفة، مصحف، کتاب علی، لوح؛ و نیز برنامه های رایانه ای. برای نمونه از ماده «کتاب علی»، نک: الکافی، چاپ تهران، ج ۱، ص ۴۱، ج ۱ و ج ۲، ص ۱۳۶، ج ۲۲ و ج ۲، ص ۱۷۵، ج ۶ و ج ۴، ص ۳۴، ج ۷ و ج ۵، ص ۱۳۵، ج ۵ و ج ۶، ص ۲۰۲، ج ۱ و ج ۱، ص ۴۰، ج ۱ و ۲؛ من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۳۲۸، ج ۲۶۱۴ و ج ۳، ص ۳۲۹، ج ۴۱۷۶ و ج ۴، ص ۷۴، ج ۵۱۴۸؛ تهذیب الاحکام، تصحیح: سید حسن موسوی خراسان، بیروت، دارصعب دارالتعارف، ج ۱، ص ۲۲۷، ج ۳۸ و ج ۲، ص ۳۸۳، ج ۲۵۰؛ الاستبصار، تصحیح: محمد جعفر شمس الدین، بیروت، دارالتعارف، ج ۱، ص ۴۷۲، ج ۷ و ج ۲، ص ۲۰۳، ج ۳ و ج ۳، ص ۱۰۸، ج ۵ و ج ۴، ص ۵۹، ج ۵ و ۵؛ برنامه رایانه ای کتب اربعه (نور)، عبارت «کتاب علی» را در یکصدوسی مورد نشان می دهد.
۳. درباره صحیفه امیرمؤمنان (ع) در منابع اهل سنت، بنگرید به: فصلنامه علوم حدیث، ش ۳، بهار ۷۶، ص ۴۱، مقاله: صحیفه امیرمؤمنان (ع) و نیز نک: سنن ابن ماجه، کتاب الديات، شماره ۲۶۵۸
۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۱
۵. برای کسب اطلاع بیشتر از نام و محتوای و کیفیت نگارش نخستین صحیفه های حدیثی در زمان پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) به مقاله تاریخ تدوین حدیث، نوشته استاد علی اکبر غفاری در پایان کتاب تلخیص مقباس الهدایة، مراجعه شود.
۶. اصول کافی، دارالتعارف، ج ۱، ص ۲۹۵
۷. نحل، آیه ۲۵
۸. مانده، آیه ۳
۹. به نقل از باورقی کتاب الغیبة، نعمانی، ص ۶۲
۱۰. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۹۸
۱۱. نک: مقدمه تفسیر مرآة الانوار.
۱۲. آل عمران، آیه ۳۹
۱۳. نساء، آیه ۱۷۱
۱۴. زخرف، آیه ۲۸
۱۵. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۵۵
۱۶. انبیاء، ۲۳
۱۷. فصلنامه بینات، ش ۱۴، ص ۱۰۹ ۱۰۵

منبع: فصلنامه علوم حدیث، شماره ۶، ترکمانی، حسین علی

بیت از آن با خبر بودند؟! در حالی که او پیامبر بود، و اگر آن را می دانست و از آن خبر داشت چرا آن را از امت پنهان کرد؟! و حال آن که خداوند متعال می فرماید: «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده ای».

پاسخ اجمالی

مصحف فاطمه نام کتابی است که در زمان فاطمه زهرا(س) و به دست علی(ع) نوشته شد و مطالب این کتاب به وسیله فرشته مخصوص یا جبرئیل به حضرت فاطمه القا شد. این کتاب مشتمل بر حوادث غیبی و اسرار آل محمد(ص) است و از نشانه های امامت بوده و در نزد امامان دست به دست گشته است و اکنون در دست امام زمان حضرت مهدی(عج) است. چون این کتاب بنابر مفاد اکثر روایات پس از رسول خدا(ص) تدوین یافته است از رسول خدا درباره ی آن چیزی گزارش نشده است، ولی این به معنای بیاطلاعی پیامبر از این مصحف نبوده است؛ زیرا ما عقیده داریم وی به اذن خدا از آینده نیز باخبر بوده است. این مصحف چون از نشانه های امامت بوده و به آن ها اختصاص داشته، محتوای آن برای مردم افشا نشده و در اختیار عموم قرار نگرفته است.

پاسخ تفصیلی

مصحف فاطمه

هر نوشته ای را که بین دو جلد جمع آوری شده باشد، مصحف می نامند. از این رو به هر کتابی میتوان مصحف گفت. در صدر اسلام به قرآن نیز مصحف گفته میشد. [۱] در منابع اسلامی از کتبی یاد شده است که اختصاص به معصومین(ع) داشته است و آنان از محتوای آن کتب باخبر بوده اند. مانند کتاب علی(ع)، مصحف علی و مصحف فاطمه(س). در این منابع از کتاب اخیر به نام های مصحف فاطمه، صحیفه ی فاطمه و کتاب فاطمه یاد شده است. [۲] روایات مرتبط با این مصحف کم نیست. برخی از این روایات از حیث سند ضعیف اند، ولی دسته دیگری از این

پرسش

مصحف فاطمه(س) چیست؟
آیا پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) از آن اطلاع داشته اند؟

پرسش

کلینی در کتابش (کافی، ج ۱، ص ۲۳۹) می گوید: «شماری از اصحاب ما از احمد بن محمد، از عبدالله بن حمال، از احمد بن عمر حلبی، از ابی بصیر روایت می کنند که گفت: پیش امام صادق(ع) آمدم و به او گفتم: فدایت شوم! می خواهم از تو مسئله ای بپرسم. آیا کسی این جا هست که صدایم را بشنود؟ می گوید: آن گاه ابو عبدالله پرده ای را بین دو خانه کنار زد و نگاهی کرد و گفت: هر چه می خواهی بپرس، می گوید: گفتم فدایت شوم... آن گاه او لحظه ای سکوت کرد و سپس گفت: مصحف فاطمه پیش ماست، مردم چه می دانند مصحف فاطمه چیست! می گوید: گفتم مصحف فاطمه چیست؟ گفت: مصحفی است سه برابر قرآنی که در دست شماست، به خدا حتی یک حرف قرآن که در دست شماست، هم در آن نیست، می گوید: گفتم: به خدا علم کامل این است، فرمود: این هم علم است، ولی علم کامل نیست».

آیا پیامبر(ص) و اصحاب او قرآن فاطمه را می دانستند و از آن خبر داشتند؟! اگر پیامبر آن را نمی دانست و از آن خبر نداشت؟ چگونه اهل

روایات از جهت سند صحیح هستند و می‌توان به اصل وجود چنین کتابی یقین پیدا کرد، هر چند که در جزئیات، این روایات با هم اختلاف دارند.

چگونگی تألیف مصحف فاطمه

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) دختر بزرگوارشان به خاطر از دست دادن پدر بسیار ناراحت بودند و تحمل فراق و دوری پدر برای فاطمه زهرا (س) بسیار سخت بود.

در روایات معتبر آمده است که در فاصله وفات پیامبر (ص) تا زمان شهادت حضرت زهرا (س) - فرشته‌ای از سوی خداوند بر دختر نبی اکرم (ص) فرود می‌آمد و او را تسلی می‌داد تا حضرت آرام بگیرد. از این فرشته در برخی روایات به جبرئیل یاد شده است، [۳] او حضرت زهرا (س) را از احوال پدر بزرگوارشان در عالم برزخ و همچنین از حوادث آینده، مطلع می‌ساخت. در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «هنگامی که رسول خدا (ص) رحلت کردند، فاطمه به علت وفات پدر به قدری محزون شد که تنها خداوند از شدت غم و اندوه او باخبر بود. از این رو خداوند فرشته‌ای را فرستاد تا او را تسلی دهد و اندوهش را برطرف سازد. فاطمه (س)، علی (ع) را از این موضوع با خبر ساخت و علی همه آن سخنان را نوشت و مصحف فاطمه این‌گونه تدوین شد». [۴]

از این روایت و روایات دیگر استفاده میشود که این مصحف پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و به دست امیر المؤمنین (ع) تدوین شد و سخنانی است که فرشته الهی به حضرت زهرا گفته است. البته در برخی از روایات که نسبت به روایات قبلی کمتر هستند، این‌گونه به دست می‌آید که این مصحف در زمان خود رسول الله (ص) نوشته شده است. سید جعفر مرتضی عاملی (از دانشمندان معاصر شیعه در علم تاریخ) برای از بین بردن این اختلاف و جمع بین روایات مینویسد: شروع تدوین مصحف در زمان رسول اکرم بوده است و قسمتی از این صحیفه در زمان حیات پیامبر خدا (ص) نوشته شده و ادامه ی آن هم پس از رسول خدا نگارش یافته است. [۵]

این که فرشته الهی با حضرت زهرا سخن گفته باشد، چیز بعیدی نیست؛

زیرا همان‌گونه که در قرآن آمده است که: «و چون فرشتگان گفتند: ای مریم خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و برتری بخشید بر زنان جهانیان». [۶] این در حالی است که حضرت مریم تنها سرور زنان زمان خویش بود، ولی فاطمه سرور زنان هستی از آغاز تا انجام است.

محتوای مصحف

با مطالعه ی روایات در مییابیم که در این کتاب شریف به موضوعات زیر پرداخته شده است:

۱. خبر حوادث آینده [۷]
 ۲. وصیت حضرت فاطمه [۸]
 ۳. نام تمام فرمانروایانی که تا قیام قیامت به حکومت خواهند رسید [۹]
 ۴. خبر دادن از فرزندان حضرت زهرا [۱۰]
 ۵. گزارش احوال پیامبر و جایگاه او پس از وفاتش، به زهرا (س) [۱۱]
- در این جا برای نمونه، یک روایت ذکر می‌شود:
- امام صادق (ع) می‌فرماید: «همانا فاطمه ۷۵ روز بعد از رسول خدا (ص) زندگی کرد در این مدت به خاطر از دست دادن پدر بسیار اندوهگین بود. در این ایام حضرت جبرئیل (ع) نزد او می‌آمد و عزای پدرش را بر فاطمه زهرا (س) تسلیت می‌گفت و وی را آرام می‌کرد و از پدرش و جایگاه او به حضرت خبر می‌آورد و او را از آینده ی فرزندانش مطلع می‌ساخت و علی (ع) آن را می‌نوشت تا این که مصحف فاطمه تدوین شد». [۱۲]

تأکید ائمه (ع) بر تغایر این مصحف با قرآن

از برخی روایات به دست می‌آید که مصحف فاطمه نزد اهل سنت امری شناخته شده بود و آنان می‌پنداشتند که شیعه بر اساس آموزه‌های اهل بیت (ع) معتقدند که بخشی از آیات تحریف و حذف شده در قرآن در این مصحف آمده است. از این رو ائمه به شدت وجود هرگونه آیات قرآن در این مصحف را انکار کرده اند. [۱۳] علامه عسگری می‌نویسد: «برخی نویسندگان اهل سنت تهمت دیگری به مدافعان مکتب اهل بیت می‌زنند

پی نوشت‌ها

- [۱] لسان العرب، ج ۹، ص ۱۸۶.
 [۲] ابن بابویه قمی، الامامة و التبصرة، ص ۱۲.
 [۳] کافی، ج ۱، ص ۲۴۱.
 [۴] کافی، ج ۱، ص ۲۳۸.
 [۵] سیدجعفر مرتضی، خلیفات کتاب مأساة الزهراء، ج ۶، ص ۵۷-۵۸.
 [۶] آل عمران، ۴۲.
 [۷] الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۳۴.
 [۸] همان، ج ۱، ص ۲۴۱.
 [۹] همان، ج ۲، ص ۱۳۴.
 [۱۰] کافی، ج ۱، ص ۲۴۱.
 [۱۱] کافی، ج ۱، ص ۲۴۱.
 [۱۲] کافی، ج ۱، ص ۲۴۱.
 [۱۳] مغنیه، محمد جواد، الشیعة فی المیزان، ص ۶۱.
 [۱۴] معالم المدرستین، ج ۲، ص ۳۲.
 [۱۵] کافی، ج ۱، ص ۲۳۸.
 [۱۶] من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۹.
 [۱۷] بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۴۷.
 [۱۸] چنان که در حدیث متواتر نقلین آمده است، «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِيَّاهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ». وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۳.

.....
<http://www.islamquest.net/fa/archive/fa1535>

و می‌گویند که آنان قرآن دیگری دارند به نام مصحف فاطمه؛ زیرا نام کتاب فاطمه مصحف است و برخی از مسلمانان در صدر اسلام قرآن را مصحف می‌نامیدند» [۱۴]. در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «به خدا قسم مصحف فاطمه نزد ما است و در آن یک آیه ی قرآن هم وجود ندارد» [۱۵].

نشانه ی امامت

در حدیثی طولانی امام رضا (ع) نشانه‌های امام را می‌شمارد و می‌فرماید: یکی از علامت‌های امام این است که مصحف فاطمه نزد اوست. [۱۶] امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: پیش از این که امام باقر (ع) شهید شوند مصحف فاطمه را به من سپردند. [۱۷]
 این مصحف از زمان تدوین آن در دست ائمه بوده و در میان آنان دست به دست گشته است و اکنون در دست امام زمان (عج) است.

علم پیامبر (ص) نسبت به مصحف

از آن جایی که مصحف فاطمه بنابر مفاد بیشتر روایات پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و در زمان ائمه تدوین شده است به همین دلیل رسول اکرم (ص) به آن اشاره نفرموده اند و این دلیل نمی‌شود که رسول خدا (ص) از آن آگاهی نداشته باشند. ما معتقدیم که پیامبر اکرم (ص) با اذن خدا از آینده با خبر بود. ایشان اکنون نیز طبق آیات قرآن، ناظر هستند و شاهد تمام اعمال و حوادث می‌باشند. این کتاب اختصاص به ائمه دارد و از نشانه‌های امامت است.

همان گونه که پیش از این گفته شد اگر طبق برخی از روایات بگوییم قسمتی از این مصحف در زمان رسول خدا و با املای آن حضرت نوشته شده است، قهرا آن حضرت از این مصحف با خبر بوده اند.
 مضافا بر اینکه مصحف فاطمه (ع) جزء آیات قرآن نبوده تا پیامبر (ص) موظف به ابلاغ و بیان آن باشد. و از طرفی پیامبر اسلام (ص) بسیاری از مسائل را بیان نفرموده و بیان آن‌ها را واگذر به عترت کرده است [۱۸]. بنا بر این، لازمه ی خبر ندادن بی اطلاعی نیست.

پاسخ تفصیلی

لقب «سیده نساء العالمین» اگر چه برای حضرت زهرا و حضرت مریم (س) این دو بانوی بزرگوار ذکر شده است، اما با مراجعه به روایات روشن می شود که مورد استفاده آن در این دو مورد متفاوت است؛ از این رو دوگانگی در آن وجود ندارد.

در مورد اول که این عنوان از صفات حضرت مریم (ع) شمرده شده است برگرفته از آیه ۴۳ سوره آل عمران می باشد: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» [۱]. مورد دوم از القاب حضرت زهرا (ع) است که در روایات آمده است. با مراجعه به روایات در می یابیم که مورد استفاده این لفظ در موارد ذکر شده متفاوت است؛ به همین جهت منافاتی با یکدیگر ندارند، روایت زیر دلیلی بر این مدعا است:

مفضل می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: که مرا از سخن پیغمبر خدا (ص) درباره حضرت فاطمه «قطعاً او بزرگ زنان جهانیان است» آگاه فرما، آیا او بزرگ ترین بانوان زمان خویش است؟ فرمود: این مقام برای حضرت مریم است که بزرگ زنان زمانه خویش بود، اما حضرت فاطمه (ع) سرور و پیشوای بانوان سراسر جهان هستی از آغاز تا پایان است. [۲] نظیر این سؤال را قرآن درباره برتری بنی اسرائیل «فرزندان یعقوب (ع)» بر جهانیان مطرح کرده است: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ادْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ ای فرزندان یعقوب به یاد آرید نعمتی که به شما عطا نمودم و شما را برگزیدم و برتری دادم بر تمام مردم. [۳] روشن است که مراد آیه برتری دادن آن ها بر مردم زمان خودشان می باشد نه مسلمانان؛ از این رو در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) روایت مفصلی در برتری رسول خدا (ص) و اهل بیت و امت او بر رسولان و اهل بیت و امت های پیشین نقل شده است، از جمله می فرماید: ای موسی! آیا ندانستی که، فضل و برتری أصحاب محمد بر تمام أصحاب رسولان، مانند فضل و برتری اهل بیت محمد است بر همه خاندان پیامبران! و مانند فضل و برتری محمد است بر جمیع فرستادگان؟! [۴]

پرسش

تعبیر «سیده نساء العالمین» برای حضرت مریم (س) ذکر شده است. آیا به کارگیری آن برای حضرت زهرا (س) اشکال ندارد؟

پرسش

در قرآن کریم از حضرت مریم با «سیده نساء العالمین» یاد شده است. در عین حال ما این صفت را برای حضرت زهرا به کار می بریم. لطفاً این دوگانگی را توضیح دهید.

پاسخ اجمالی

تعبیر «سیده نساء العالمین» مستقیماً در قرآن نیامده است. این تعبیر برگرفته از آیه ۴۳ سوره آل عمران است. خداوند خطاب به حضرت مریم (س) می فرماید: «وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛ خداوند تو را از بین زنان عالم برگزید.

مراد از این آیه این است که خداوند حضرت مریم (س) را از بین زنان عصرشان برگزید، اما بنابر آنچه از پیشوایان دین رسیده است، حضرت زهرا (س) سرور همه زنان جهان در تمام دورانهاست.

و نیز آیه ای که برتری آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان اعلام می‌کند، [۵] نشانگر برتری نسبی آنان است. با توجه به آنچه گفته شد، هیچ منافات و تعارضی در استفاده از عنوان «سیده نساء العالمین» برای این دو بانوی بزرگ جهان هستی نیست.

پیش

سند روایت «... لولا فاطمه لما خلقتكما» چیست و معنای این روایت را توضیح دهید.

پی نوشت‌ها

[۱] آل عمران، ۴۲.

[۲] صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۱۰۷، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۱ ش.

[۳] بقرة: ۱۲۲، ۴۷.

[۴] امام عسکری (ع)، تفسیر امام عسکری، ص ۳۲، مدرسه امام مهدی (ع)، قم، ۱۴۰۹ ق.

[۵] آل عمران، ۳۳.

این روایت را مؤلف «جنة العاصمة»، از «كشف اللثالی» تالیف صالح بن عبد الوهاب عرندس، نقل می‌کند. همچنین در «مستدرک سفينة البحار»، از «مجمع النورین» مرحوم فاضل مرندی نقل شده و نویسنده «ضیاء العالمین» جد امی صاحب جواهر نیز این روایت را در کتاب خود آورده است. توضیح عبارت «لولا فاطمه لما خلقتكما» بطور اجمال این است که اگر به خاطر مقام عبودیت نبود نبوت و امامت به غایت خود نرسیده بود چرا که نبوت و امامت مقدمه ای برای رسیدن به مقام عبد مطلق است. این مقام در خود پیامبر (ص) و علی (ع) نیز بود ولی در فاطمه (س) منحصرأ همین مقام تجلی کرد. بنابراین در این روایت تکیه اصلی بر آن حضرت (س) شده است.

مقدمه

روایات در مورد مقام و منزلت حضرت فاطمه بسیار است و مضامین برخی از این روایات حاکی از مقاماتی منحصر به فرد و حیرت آور در مورد ایشان است. بر اساس روایات، لغت فاطمه به معنای کسی است که مردم توان

از همه چهارده معصوم بالاتر است با این حال مقام امامت محمدی در علی (ع) و مقام عبودیت هم در حضرت فاطمه (س) تجلی یافته و به عنوان مشخصه اصلی آشکار شده است. به این ترتیب در مورد سیر ظهور حقیقت وجودی حضرت محمد (ص) باید گفت که مقام عبودیت از مقام نبوت و امامت برتر است و از همین روی آنچه در وجود حضرت فاطمه محقق شده است نهایی ترین مقام برای یک انسان است که غایت نبوت و امامت محسوب می شود.

حدیث «لولا فاطمه»

مجموعه روایاتی که در مورد مقام و منزلت حضرت فاطمه (س) از جانب پیامبر و سایر معصومین نقل شده همچنین احادیث قدسی بسیار زیادی که در مورد آن حضرت در ضمن سخنان قدسی خداوند آمده است [۴] خود به خود به مضمون مطالب پیشین دلالت دارد اما آنچه به صراحت به مقام خاصی در مورد حضرت فاطمه اشاره دارد و برخی از علما آن را در کتب خود آورده اند این حدیث قدسی در مقام خطاب به پیامبر اسلام است که: «لولاک لما خلقت الافلاک. و لولا علی لما خلقتک. و لو فاطمه لما خلقتکما» [۵]

در مورد سند این روایت باید گفت که اگر چه این روایت طبق موازین علم رجال جزو احادیث ضعیف محسوب می شود با این حال بسیاری از علمای بزرگ شیعه آن را در کتب خود آورده اند. قسمت اخیر روایت (لولا فاطمه لما خلقتکما) را جنة العاصمة / ۱۴۸ از «کشف اللثالی» تالیف صالح بن عبد الوهاب عرندس نقل می کند. مستدرک سفینه البحار هم در ج ۳، ص ۳۳۴ از «مجمع النورین» مرحوم فاضل مرندی نقل می کند و از نویسندگان ضیاء العالمین جد امی صاحب جواهر نیز نقل شده است.

میرزا ابو الفضل تهرانی در «شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور» / ۸۴ و... نقل می کند که، صالح بن عبد الوهاب و برخی روایت سائق او مجهول هستند ولی این نکته دلیلی بر کذب روایت نیست. بعلاوه اینکه باید توجه داشت که در اینگونه روایات که مربوط به مقاماتی

رسیدن به معرفت او را ندارند و دستشان از شناخت او کوتاه است [۱]. گو اینکه سر مخفی خداوند نیز در فاطمه نهان است و شناخت خدا و عرفان حق رابطه تنگاتنگی با شناخت حضرت فاطمه دارد همچنانکه فاطمیت هم صفت امتناع از شناخت و در حجاب بودن و مقیم حرم الاهی بودن را تداعی می کند.

می دانیم که حضرت فاطمه (س) به ظاهر نه پیامبر بود و نه امام پس این گوهره ای که باعث شد از چنین جایگاهی در عالم برخوردار باشد غیر از نبوت و امامت ظاهری است. این گوهره قدسی را هر چه بنامیم مسلم است که به کنه معرفت آن باز هم نخواهیم رسید اما در عالم عبارت، می توان از آن به گوهره عبودت تعبیر کرد. عبد بودن به معنای واقعی کلمه یعنی از خود هیچ نداشتن و همگی خدا شدن، پس عبد خدا آینه خداست. از همین روی است که امام صادق (ع) در مورد حقیقت عبودیت می فرماید: عبودیت گوهره ایست که کنه آن ربوبیت است [۲]. این گوهره همان گوهر گمشده انسان و همان سر الاسرار عرفان است.

در روایتی دیگر آمده است که شناخت فاطمه همان شناخت شب قدر است [۳] و غایت همه عارفان درک حقیقت شب قدر است و عارف واصل کسی است که شاهد بر واقعه نزول قرآن در شب قدر باشد.

از طرفی امام در مقام باطنی خود صاحب مقام قرآن ناطق است یعنی سر امامت مربوط به دریافت حقیقت غیبی قرآن است و اینگونه است که ذات امامت نیز رابطه خاصی با حقیقت حضرت فاطمه (س) دارد.

آنچه برای عموم مردم آشکار می شود مقام نبوت است و امامت به عنوان کمال دین به واسطه نبوت ابلاغ می شود و گروهی خاص آن را در می یابند و آنچه از مقام امامت نیز که مصون از شناخت اغیار باقی می ماند (مگر برای محرمان سر خدا) همان سر وجود فاطمه است که در نقاب عصمت و غیرت الاهی مخفی مانده است.

پس امامت سر نهان نبوت است و جوهره عبودت هم سر نهان امامت است اما نکته در اینجا است که این سه مرتبه و مقام در وجود پیامبر اسلام در وحدت کامل و در حد کمال حضور دارند. این است که مقام خود پیامبر

خاص در مورد معصومین هستند مجهول بودن راوی امری متوقع است چراکه در عصر ائمه بخلاف راویان احکام فقهی که مشکلی در رفت و آمد و معاشرت نداشتند راویان اعتقادات (بدلیل شرایط تقيه) افرادی منزوی از معاشرت معمول بوده و چندان اهل تماس در مجامع مطرح در مباحث روز نبوده اند و عدالت و وثاقت آن ها هم مورد کلام و بحث واقع نمی شد. بنابراین مجهول بودن آن ها ضرری به اعتبار حدیث نمی زند؛ خصوصاً وقتی مطابق با قواعد باشد و همین امر که این افراد مورد خطاب امام در این گونه مسائل بوده اند معلوم می شود که از «اصحاب سر» بوده اند کما اینکه برخی دیگر از سخنان مشابه در مورد مقامات ائمه هم از طرف همین گونه افراد نقل شده است [6].

در مقام بیان مضمون این روایت باید گفت که این روایت از چند بخش تشکیل شده است:

۱- غایت بودن انسان کامل برای خلقت عالم

۲- برتری مقام امامت نسبت به نبوت

۳- برتری مقام عبودیت نسبت به هر مقامی دیگر

به این سه مقام بحث، در این روایت با این عبارات اشاره شده است که: ۱- «اگر تو نبودی افلاک و کائنات را نمی آفریدم»؛ این بخش از روایت با روایات دیگری هم تایید می شود که در جای خود ذکر شده است و منظور از آن این است که «انسان کامل» هدف اصلی از خلقت عالم و کانون اصلی توجه خدا و مجرای اراده او در عالم خلقت است. در مقام توضیح این مطلب توسط حکما و عرفا مطالب بسیاری عنوان شده که در اینجا به یکی از تقریرات آن ها اشاره می شود:

اگر جهت وحدت عالم نبود کثرت تحقق نمی یافت. سنخیت علت و معلول اقتضا می کند میان علت نخستین جهان که واحد من جمیع جهات است و هیچ جهت تکثر در او نیست و میان معلولات عالم که متکثرات و مختلفات می باشند یک جهت وحدتی تحقق داشته باشد که از جهتی ارتباط با وحدت کل و از جهتی تناسب با عالم کثرت داشته باشد و این امر فقط در عالم نفس متحقق است. و این کار هر موجودی نیست

بلکه فقط نفوس پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) هستند که می توانند این مهم را به عهده بگیرند پس اگر نفس پیامبر نبود جهت وحدت عالم تحقق نمی یافت و آن گاه کثرات هم تحقق نمی یافتند [7].

و اما فقره بعدی روایت که می فرماید: «لولا علی لما خلقتک»؛ این بخش از روایت مربوط به برتری مقام امامت نسبت به نبوت است. می دانیم که نبوت به معنای پیام آور است اما امامت مقامی بالاتر است و آن مقام رسیدن به توحید کامل و رسیدن به خدا بعد از فنا از خویش است. بر اساس آیات قرآن حضرت ابراهیم بعد از طی مراحل و ابتلائاتی خاص در عین حالی که پیامبر بود در نهایت به مقام امامت نائل شد. البته پیامبر اسلام نیز دارای مقام امامت بود ولی چون مشخصه اصلی حضرت علی (ع) مقام امامت است و مشخصه ظاهری پیامبر هم نبوت، از این روی در مورد مقام امامت نسبت به علی (ع) تاکید شده است.

بنابراین در اینجا به هیچ وجه بحث بر سر برتر بودن علی (ع) نسبت به پیامبر نیست بلکه سخن بر سر برتری امامت نسبت به نبوت است چرا که با دلایلی بدون تردید، می دانیم که مقام پیامبر از حضرت علی (ع) بالاتر است و مهم ترین دلیل این مطلب سخن خود علی (ع) است که: «انا عبد من عبید محمد» [8]؛ من بنده ای از بندگان محمدم.

و اما در مقام سوم از بحث یا فقره سوم از روایت که می فرماید: «اگر فاطمه نبود شما دو تن را نمی آفریدم» - به همان سیاق فقره قبلی - اشاره به مقامی دارد که هر چند این مقام در خود پیامبر (ص) به نحو کمال وجود داشت اما در فاطمه (س) به عنوان مشخصه اصلی آشکار شد و آن مقام عبودیت است.

بنابراین توضیح عبارت «لولا فاطمه لما خلقتکما» این خواهد بود که اگر به خاطر مقام عبودیت نبود امامت و نبوت هم ناقص بود و به غایت خود نرسیده بود چرا که نبوت و امامت مقدمه ای برای رسیدن به مقام عبد مطلق است. البته این مقام در خود پیامبر (ص) و علی (ع) نیز بود ولی در فاطمه (س) منحصرأ همین مقام تجلی کرد. بنابراین در این روایت تکیه اصلی بر آن حضرت (س) شده است. حال آنکه هیچ دوئیت و کثرتی در ذات

این انوار مقدس متصور نیست.

به این ترتیب مسلم است که مقام عبودیت در کمال خود اگر در کسی محقق شود حتی از نبوت و امامت هم بالاتر است و خود نبی و امام هم به دلیل عبودیت به آن مقام رسیده اند و مسئولیت نبوت و امامت را متحمل شده اند و از طرفی بالاترین مقامی که در نزد خدا دارند در نهایت مقام عبودیت آنان است.

به بیان دیگر نبوت و امامت مشتمل بر نسبت آنان با خلق است اما عبودیت بیان کننده جهت الهی آنان است که بالاتر از نبوت و امامت است.

پرسش

آیا فقها بر احادیث حضرت زهرا(س) برای استنباط احکام شرعی استناد کرده‌اند؟

پرسش

آیا فقها بر احادیث حضرت زهرا(س) استناد کرده‌اند؟ اگر کرده‌اند به چه احادیثی از ایشان استناد کرده‌اند و چه احکامی داده‌اند؟

پاسخ اجمالی

روایات و فرازهایی از خطبه‌های حضرت زهرا(س) وجود دارد که به احکام فقهی اشاره دارند و فقها به پاره‌ای از سخنان حضرت زهرا(س) درباره برخی از مسائل فقهی استناد کرده‌اند؛ مانند سخنان آن حضرت درباره فلسفه احکام، قاعده «بید»، محتوای یک وصیت‌نامه و....

پاسخ تفصیلی

روایات و فرازهایی از خطبه‌های حضرت زهرا(س) وجود دارد که به احکام فقهی اشاره دارند و فقها به پاره‌ای از سخنان حضرت زهرا(س) درباره برخی از مسائل فقهی استناد کرده‌اند و در این باره کتاب‌هایی نیز به صورت اختصاصی نوشته شده است. [۱] البته باید توجه داشت که

پی‌نوشت‌ها

- [۱] «إِنَّمَا سُبِّتَ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا» مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵
- [۲] «العبودية جوهر کنهها الربوبية فما فقد من العبودية وجد في الربوبية و ما خفى عن الربوبية أصيب في العبودية». مصباح الشريعة، ص ۷، موسسه الاغلمی للمطبوعات.
- [۳] «مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مَعْنَعْنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ إِنَّمَا أَنْزَلْنَا فِي نَبِيَّةِ الْقَدْرِ اللَّيْلَةَ فَاطِمَةَ وَالْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ...» مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵.
- [۴] تنها در کتاب «القدیسه فی الاحادیث القدسیه» تالیف اسماعیل الانصاری، تعداد ۲۵۲ حدیث قدسی در شان و منزلت حضرت فاطمه گردآوری شده است. انتشارات دلیل ما.
- [۵] الأسرار الفاطمية شیخ محمد فاضل مسعودی: (یا أحمد لولاک لما خلقت الأفلاك، ولولا علی لما خلقتک، ولولا فاطمة لما خلقتکما) (الجنة العاصمة: ۱۴۸، مستدرک سفینه البحار: ۳ / ۳۳۴ عن مجمع النورین: ۱۴، عن العوالم: ۴۴). هذا الحديث من الأحادیث المأثورة التي رواها جابر بن عبد الله الأنصاري عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عن الله تبارک وتعالی. (الشيخ محمد فاضل المسعودی - ص ۲۳۱).
- [۶] گرامی، محمد علی، «لولا فاطمه» ص ۱۶۱-۱۴۳ نقل به مضمون، ناشر: دفتر آیت الله محمد علی گرامی، ۱۳۸۵.
- [۷] همان، ص ۳۴.
- [۸] کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۸۹.

http://www.islamquest.net/fa/archive/fa8723

درباره وصیت‌های حضرت زهرا(س) روایات بسیاری نقل شده که نیازمند بحثی دقیق و جداگانه است.

۴. مالکیت و قاعده «ید»

فاطمه زهرا(س) در مناظره‌ای که با ابوبکر و عمر در قضیه فدک دارد، درباره حق خود نسبت به فدک و مالکیت آن به قاعده «ید» استشهد می‌کند؛ آن حضرت فرمود: «آیا فدک در دست من نبود؟ و وقتی رسول خدا(ص) زنده بود، آیا نماینده من در آن نبود و من از محصول آن نمی‌خوردم؟ گفتند: آری، فرمود: پس چرا درباره آنچه در دست من بوده از من شاهد و بینه می‌طلبید؟!» [۶]

۵. استحباب خواندن قرآن برای میّت

حضرت فاطمه زهرا(س) ضمن وصیّتی به امام علی(ع) سفارش فرمود: «پس از آن که مرا دفن کردی، برایم قرآن را بسیار تلاوت نما، و برایم دعا کن، چون که میّت در چنان موقعیّتی بیش از هر چیز نیازمند به انس با زندگان می‌باشد» [۷]

۶. استحباب تشییع میّت با پوشش کامل

حضرت فاطمه زهرا(س) در آخرین روزهای عمر پیر برکتش ضمن وصیّتی به اسماء فرمود: «من بسیار زشت و زنده می‌دانم که جنازه زنان را پس از مرگ با انداختن پارچه‌ای روی بدنش تشییع می‌کنند. و افرادی اندام و حجم بدن او را مشاهده کرده و برای دیگران تعریف می‌نمایند. مرا بر تختی که اطرافش پوشیده نیست و مانع مشاهده دیگران نباشد قرار مده، بلکه مرا با پوشش کامل تشییع کن، خداوند تو را از آتش جهنّم حفظ نماید» [۸] طبق این روایت، پوشش کامل جنازه زن تأکید شده است. اینها برخی از سخنان فقهی حضرت فاطمه زهرا(س) بود که در منابع فقهی و حدیثی برای استنباط مواردی از احکام شرعی به عنوان شاهد و یا دلیل مورد بحث واقع شده است.

خطبه‌های طولانی و مفصل حضرت فاطمه زهرا(س) که مشتمل بر ابواب مختلف معرفتی است، در نگرشی فقهاتی می‌تواند در استنباط بسیاری از احکام مورد استفاده قرار گیرد که این امر نیازمند تلاش تخصصی و فقیهانه است. علاوه بر روایات و خطبه‌ها که می‌توان آن‌ها را سنت گفتاری حضرت زهرا(س) نامید، سیره آن حضرت نیز که همان سنت فعلی است، به عنوان مصدری برای تشریح احکام می‌تواند به کار گرفته شود. برخی از روایات فقهی بر اساس موضوعات آن‌ها بدین قرار است:

۱. فلسفه احکام

حضرت فاطمه زهرا(س) در بخشی از خطبه مفصل خود که در مسجد مدینه پس از وفات پیامبر اکرم(ص) ایراد فرمود، ضمن اشاره به برخی احکام الهی، فلسفه وضع این احکام را بیان می‌کند. مسلماً توجه به حقیقت احکام و حدود الهی و علل تشریح آن‌ها در بحث‌های فقهی راه گشا است. [۲] آن حضرت در قسمتی از خطبه می‌فرماید: «خداوند ایمان را سبب پاکی شما از شرک قرار داد، نماز را عاملی برای دوری و منزه گرداندن شما از تکبر، زکات را مایه تزکیه نفس و زیاد شدن رزق، روزه را برای تثبیت اخلاص، حج را وسیله تقویت اسلام، و... مقرر داشت» [۳]

۲. روزه و شرایط حقیقی روزه‌دار

حضرت زهرا(س) در سخنی روح روزه و روزه داری را دوری از گناه بر می‌شمرد و می‌فرماید: «روزه دار هنگامی که زبان، گوش، چشم و جوارح خود را حفظ نکنند، با روزه خود چه می‌خواهد بکند؟!» [۴]

۳. محتوای یک وصیت نامه

حضرت فاطمه(س) پیش از وفات به طور کتبی و شفاهی به امام علی(ع) وصیت نمود. این وصایا بیانگر مواردی است که شخص می‌تواند درباره آن‌ها وصیت کند، از آن جمله محل دفن، چگونگی تشییع جنازه، غسل و غسل دهندگان، برگزاری نماز میت و... [۵]

- [۱]. مانند: حسینی شیرازی، سید محمد، من فقه الزهراء (علیها السلام)، انتشارات رشید، قم، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
- [۲]. رک: مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، ص ۴۰۸ - ۴۱۸، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
- [۳]. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، محقق و مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱، ص ۹۹، نشر مرتضی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- [۴]. ابن جیون مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام، محقق و مصحح: فیضی، آصف، ج ۱، ص ۲۶۸، مؤسسة آل البيت (ع)، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
- [۵]. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، ص ۱۷۸، البلاغ، بیروت، ۱۴۱۹ق؛ و رک: طباطبایی بروجری، آقا حسین طباطبایی، مترجمان: حسینیان قمی، مهدی، صبوری، م، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث شیعه)، ج ۲۴، ص ۳۷۱ - ۳۷۲، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- [۶]. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۳۰۴، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- [۷]. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۷، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق؛ فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، ج ۱۱، ص ۵۴۱، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق؛ اشتهازی، علی پناه، مدارک العروة، ج ۸، ص ۴۶۹، دار الأسوة للطباعة و النشر، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- [۸]. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۲۱، مؤسسة آل البيت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق؛ بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، محقق و مصحح: ایروانی، محمد تقی، مقرر، سید عبد الرزاق، ج ۴، ص ۸۹، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق؛ مدارک العروة، ج ۷، ص ۳۸۹ - ۳۹۰.

.....
<http://www.islamquest.net/fa/archive/fa24171>

پرسش

آیا در منابع شیعه دلیلی که دال بر شهادت حضرت فاطمه (س) باشد، وجود دارد؟

بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص)، آسیب‌های جسمی و روحی فراوانی به حضرت زهرا (س) وارد شد که در نهایت به شهادت حضرتشان انجامید [۱] در منابع شیعی گزارش‌های گوناگونی حاکی از آن است که حضرتشان میان در و دیوار قرار گرفته، بازویشان با غلاف شمشیر، پهلویشان با لگد و صورتشان با سیلی آسیب دید. شدت این آسیب‌ها به حدی بود که فرزندی که به او باردار بودند (حضرت محسن) نیز سقط شد. البته گزارش‌های موجود دارای برخی تفاوت‌ها می‌باشند، اما شهادت زهرا (س) و فرزندش نقطه اشتراک تمام آن‌ها است. اکنون به بخش کوچکی از این گزارش‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. پیامبر (ص) فرمودند: «...گویا می‌بینم پس از من خواری به خانه زهرا (س) راه یافته؛ حرمتش زیر پا نهاده شده؛ حشش غصب گردیده؛ از ارث ممنوع شده؛ پهلویش شکسته و جنینش سقط شده؛ و فریاد می‌زند یا محمده و پاسخی نمی‌شنود؛ کمک می‌طلبد و کسی به داد او نمی‌رسد و همیشه پس از من گرفتار و گریان است... و او اول کسی از خاندانم است که با غم و اندوه شهید شده و بر من وارد می‌شود. پس می‌گویم: خدایا کسی

۷. امام صادق (ع) فرمودند: «علت وفات حضرت زهرا(س) ضرباتی بود که قنفذ، غلام عمر با غلاف شمشیر خود بر حضرتشان زد؛ پس (فرزندش) محسن را از دست داد و به شدت بیمار شد و بعد از آن هیچ یک از آزار دهندگان خویش را به خانه‌اش راه نداد». [۹]

۸. امام صادق (ع): «...وقتی حضرت زهرا(س) نامه فدک را از ابوبکر گرفت، با عمر برخورد کرد. عمر از ایشان خواست که نامه را به او بدهد، اما حضرتشان نپذیرفت. عمر با لگد به پهلوی آن حضرت (س) زد که باعث شد فرزندش محسن را سقط کند. سپس به صورت آن حضرت نیز سیلی زد که گوشواره‌اش کنده شد...». [۱۰]

۹. امام صادق (ع): «...امام زمان (ع) بعد از ظهور، نحوه آتش زدن خانه زهرا(س)، تازیانه زدن به آن حضرت و فشرده شدن شکمشان و سقط شدن فرزندشان را بیان می‌کند». [۱۱]

۱۰. سلمان فارسی در مورد اتفاقات بعد از وفات پیامبر(ص) می‌گوید: «... قنفذ به منزل امام علی (ع) رفت تا از او برای خلیفه اول بیعت بگیرد، اما امام (ع) نپذیرفت و او برگشت. عمر گفت: اگر اجازه ندادند، بدون اجازه وارد شوید. آن‌ها اجازه خواستند، اما زهرا(س) اجازه نداد. قنفذ برگشت و سپس عمر به گروهی دستور داد تا هیزم برداشته و در اطراف منزل علی (ع) قرار دهند و سپس گفت: به خدا سوگند یا خارج می‌شوی و با خلیفه پیامبر بیعت می‌کنی، و یا خانه‌ات را آتش می‌زنم. سپس به قنفذ دستور داد که اگر خارج نشد، بدون اجازه داخل شو در صورت ممانعت، خانه را بسوزان! قنفذ و همراهانش به خانه یورش بردند و ریسمانی برگردن علی (ع) انداختند. زهرا(س) خواست که میان علی (ع) و آنان فاصله بیندازد؛ اما قنفذ تازیانه‌اش را بگونه‌ای بر بازوی ایشان زد که اثرش تا لحظه شهادت بر بدنشان باقی بود. سپس ابوبکر به قنفذ پیام داد که علی را نزد من بیاور، و اگر فاطمه ممانعت کرد از نزد علی دورش کن. با این پیام کار بالا گرفت و قنفذ در نهایت قسوت، زهرا(س) را میان درو دیوار قرار داد که پهلوی آن بانو شکست و بچه داخل شکمش سقط شد. به دنبال آن، فاطمه (س) تا آخر عمر پیوسته زمین‌گیر و بستری بود تا مظلومانه به شهادت رسید...». [۱۲]

که به او ظلم کرده را لعنت کن و غاصب حقش را به مجازاتش برسان و کسی که ذلیلش کرده را خوار کن و آن‌که به پهلویش ضربه زد و فرزندش را سقط کرد در آتش قرار ده...». [۲]

۲. امام علی (ع) در جواب این پرسش که چرا عمر مانند دیگر کارگزارانش از قنفذ [۳] مالیات نمی‌گرفت، فرمود: زیرا فاطمه (س) هنگامی که از ما دفاع می‌کرد، قنفذ او را با تازیانه زد و در حالی که اثر آن تازیانه در بازویش مانند بازوبندی باقی مانده بود، از دنیا رفت». [۴]

۳. حضرت زهرا(س): «... آن‌ها آمدند و درب خانه‌ام را به آتش کشیدند. من آن‌ها را به خدا و پدرم سوگند دادم که دست از ما بردارید و بروید، اما آن‌ها اعتنا نکردند... همچنین چنان به در لگد زد که در نیم سوخته به روی من افتاد، در حالی که باردار بودم و همانطور که آتش زبانه می‌کشید، با صورت به زمین افتادم ... سپس چنان با سیلی به صورتم زد که گوشواره‌هایم کنده شد... محسنم را سقط کردند». [۵]

۴. امام باقر (ع): «حضرت زهرا(س) به محسن حامله شد، اما هنگامی که پس از رحلت پیامبر(ص) به خانه‌اش هجوم آورده و اتفاقاتی که آن روز رخ داد و امام علی (ع) را بیرون کشیدند، هم اینها باعث شد تا فاطمه (س)، محسن که نزدیک وقت زادنش بود را سقط کرد و همین روز آغاز بیماری و رحلتشان بود. درود خدا بر او باد». [۶]

۵. امام صادق (ع): «پیامبر(ص) فرمود: ملعون است، ملعون است کسی که بعد از من به فاطمه (س) ظلم می‌کند و حقش را غصب کرده و شهیدش می‌کند». [۷]

۶. امام صادق (ع): «در شب معراج به پیامبر(ص) گفته شد که خداوند شما را با سه چیز مورد آزمایش قرار می‌دهد. سوّمین آزمایش، مصیبتی است که بعد از رحلت به اهل بیت تو می‌رسد که کشته خواهند شد... و اما دخترت مورد ستم قرار گرفته، حقش را غصب می‌کنند، با آنکه باردار است، او را می‌زنند. بدون اجازه او به منزلش داخل شده و افراد فرومایه، او را می‌رنجانند و وی پشتیبانی نداشته و به دنبال آسیبی که به او می‌رسد، فرزندش سقط شده و به همین دلیل از دنیا می‌رود». [۸]

پی نوشت‌ها

- [۱]. ر. ک: «مصائب و مشکلات حضرت فاطمه (س) بعد از وفات پیامبر (ص)»؛ سؤال ۸۱۲۵ (سایت: ۸۵۳۴)؛ «زمان غصب فدک و آتش زدن خانه حضرت زهرا»، ۷۵۹۱؛ نارضایتی حضرت زهرا از بعضی صحابه»، ۸۱۳۹؛ تاریخ دقیق شهادت حضرت زهرا (ع)، ۸۰۸۶؛ عکس العمل امام علی (ع) در حادثه هجوم به منزل آن حضرت فاطمه زهرا»، ۵۷۸؛ اسامی هجوم‌آوردگان به خانه حضرت فاطمه (س)، ۶۹۹۰۸؛ عدم رضایت حضرت زهرا (س) از عمر و ابو بکر»، ۸۲۴۰؛ «فرزندان حضرت علی (ع)»؛ سؤال ۲۷۰۲ (سایت: ۳۱۹۸).
- [۲]. شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۱۳ - ۱۱۴، بیروت، اعلمی، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ ق.، ص: ۱۱۳ - ۱۱۴؛ ابن شاذان قمی، أبو الفضل سدیدالدین، الفضائل، ص ۹ - ۱۰، قم، منشورات الرضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
- [۳]. او برده‌ای از آزادگان فتح مکه بود که روحیه‌ای تند و خشن و ستمکار داشت و از افراد سرسخت قبیله بنی تیم بود.
- [۴]. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، محقق، مصحح، انصاری زنجانی خونینی، محمد، ج ۲، ص ۶۷۴، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
- [۵]. خصبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، ص ۱۷۹، بیروت، البلاغ، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
- [۶]. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامة، ص ۱۰۴، قم، بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- [۷]. حسینی عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج، کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد، محقق، مصحح، واعظی، محی الدین، کاتب، حاج کمال، اسدی، جلال، ج ۱، ص ۱۵۰، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- [۸]. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، محقق، مصحح، امینی، عبد الحسین، ص ۳۲۲ - ۳۲۳، نجف اشرف، دارالمرتضویه، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش.
- [۹]. دلائل الامامة، ص ۱۳۴.
- [۱۰]. شیخ مفید، الاختصاص، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، محرری زرنزدی، محمود، ص ۱۸۵، قم، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- [۱۱]. الهدایة الکبری، ص ۴۰۷؛ حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، محقق، مصحح، مظفر، مشتاق، ص ۴۴۹، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
- [۱۲]. کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۵۸۸؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، محقق، مصحح، خراسان، محمد باقر، ج ۱، ص ۸۲ - ۸۳، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- [۱۳]. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب، ص ۱۴۶، قم، انصاریان، چاپ سوم، ۱۳۸۴ ش.
- [۱۴]. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، گردآورنده، آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۶۲۵، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۶۷ ش.
- [۱۵]. به عنوان نمونه، ر. ک: «شهادت حضرت فاطمه (س) در منابع اهل سنت»؛ سؤال ۵۲۵۶ (سایت: ۵۵۱۲).

http://www.islamquest.net/fa/archive/fa۸۶۵۷۰

۱۱. عباس می‌گوید: «به امام علی (ع) و افرادی که در منزلشان بودند، حمله کرده و در را آتش زدند و به زوران حضرت (ع) را بیرون آورده و با در خانه، حضرت زهرا (س) را فشار دادند که به سقط فرزندش محسن انجامید». [۱۳]

۱۲. در زیارت‌نامه حضرت زهرا (س) آمده است: «...الْمَعْصُوبَةَ حَقُّهَا الْمُتَّوَعَةَ إِزْئِئَهَا الْمَكْسُورَةَ ضَلَعَهَا الْمُظْلُومِ بَعْلَهَا الْمُقْتُولِ وَلَدَهَا...»؛ [۱۴] کسی که حق او غصب شد، از ارث خودش محروم شد، پهلوی او شکست، شوهر او مظلوم بود و فرزندش نیز کشته شد.

در پایان، بیان این نکته ضروری است که بسیاری از آنچه گفته شد و بیش از اینها در منابع معتبر اهل سنت نیز وجود دارد که در برخی پاسخ‌های دیگر بدان پرداخته شده است. [۱۵]

ای اهل عالم گریه کنید بر این جنایت بزرگ که نسبت به پیامبری که رحمت برای جهانیان بود و در حق پاره تن و دختر پاک او انجام دادند! حق او را غصب، مهریه او را گرفته و او را از ارث پدر محروم ساختند! برای آتش زدن در خانه او آتش طلبیدند همان دری که مدتی طولانی ملائکه مقرب خدا پشت آن توقف می کردند تا به آن ها اذن دخول داده شود.

